

کتاب جامع

<p>دیده اهل نظر بنیاست نزد بوی او سید است اندر بوی گل بی زین و فرزندان ائمه الصمد تا نظرها آید ترا نور یقین</p>	<p>گوشه دشمنان زبان گویند نزد طلوه او شد عیان بر روی گل خوان قبر آن قتل بود ائمه الصمد کن نظر سر و رخشم و در من</p>
<p>در لغت سرور کائنات خلاصه موجودات سید عالم صلی الله علیه و سلم</p>	
<p>احمد مرسل محمد مصطفی تاج اوران جان محتاج او خانه دار خانه شگون و مکان ابر رحمت رحمة للعالمین خلعت الارسل اندر برش نور عین آمد عیان از عین نور ذات احمد را احد نگاشته هست بر اهل زبان طلسان و چه خوش نام نه اصل علی با در و دوش الی یوم الیام</p>	<p>سید کونین خشم الانبیا تاج گرفت از سلطان تاج او تا دی گم گشتگان گمران حامی دین و شفیع المذنبین چتر لولاکیست زیبا بر سرش از احد کرد دست این احمد ظهور از میانش سیم خون برداشته در شنانش از زمین تا آسمان نام نامیش محمد مصطفی صد طلوه و صد در و صد سلام</p>
<p>در مدح چهار اصحاب کبار حضرت سید ابرار صلی الله علیه و سلم</p>	
<p>کان صدق و محزون لطف و کرم بار غار مصطفی با صد صفا او بهانه الغار در شنانش سزا بعد پیغمبر بنی راجان شین از زبانش حق عیان نشستی پیام هست این قول نبی بی قال و قبل یافت دین حق بعالم نام نزد جان شین قنالت حنید الورا آفتاب دین شه کونین او</p>	<p>اولا صدیق آن والا همسم صادق و اصدق محب کرم ما شاید او صافات تر از من نیست و آن عمر و الا کبر غار منی دین بنده حق اهل حق حق الیام بر کلامش نطق الحق شد و یس در جهان شد عزت اسلام نزد حضرت عثمان شه اهل صفا مخزن انوار دوزی النورین او</p>

<p>شاده و الا جاه با صلح و جا ابن عسّم احمد متبحر بود و آئی عالی علی المرتضی بادشاه دین سخن مستقیم</p>	<p>جمع البحرین در پایه سما خیدر صفدر رشه کز دار بود پهلوان شیردل شیر خدا غداشق الله و محبوب بنی</p>
<p>در تشریح و تقسیم این کتاب که بوشت مخزن منقسم است</p>	
<p>یافته این گنج تاریخ اطمینان داده ام این گنج خود را افتخار طرفه تر در نظرم گوهر شفقت ام مانند این مخزن ز سر در باوگا گنج تاریخ آمده اند حساب تا بیانی حصه بے دست برین گشت در ذکر شه خیر الانام شد در و تقسیم امی عامی وقار ختم شد گنج شریفین و السلام در بیان اولیا سے قادری بهره کر خاندان اهل حشت ذکر خیر اولیا سے نقشند شرح حال سحر در و بیان مفهیم ذکرین و عارفات یافت ز ایشان گنج تاریخ افتخار کرده ام در یازده حصه رقم بخوره زو ذاد م بنی اسیر را شد بنی عباس را در وی بیان شد در و ذکر شهبان غزنوی گشت در وی ذکر غوری بر رقم</p>	<p>هر ذکر خیر پیران کرام نیز در ذکر شهبان باوقار جا بجا تاریخ هر یک گفته ام در هزار و دو صد و شاد و دعا نام تاریخ سخن زهر این کتاب کرده ام تقسیم اندر هشت گنج مخزن اول رقم ای کنیک نام نیز سال فوت اصحاب کبار باز در ذکر امامان کرام گنج ثانی شد جهادی امی گنج ثالث آمد ای نیکو سرشت در چهارم شد بطس ز دل سپید کرده ام در مخزن پنجم بیان گنج ششم است در مشرفات هشتمین ذکر شهبان باوقار گنج نهم را من ای دالام حصه اول جو کردم ابتدا حصه ثانی جو شد از من بیان حصه ثالث زردی آلی حصه چهارم جو آمد بر مسلم</p>

گنج تاریخ

حضرت ابوبکر صدیق کرامت الله تعالی علیه
 حضرت عمر فاروق کرامت الله تعالی علیه
 حضرت عثمان غنی کرامت الله تعالی علیه
 حضرت علی مرتضی کرامت الله تعالی علیه
 حضرت محمد مصطفی کرامت الله تعالی علیه
 حضرت ابراہیم خلیل کرامت الله تعالی علیه
 حضرت اسماعیل کرامت الله تعالی علیه
 حضرت یوسف کرامت الله تعالی علیه
 حضرت داؤد کرامت الله تعالی علیه
 حضرت سلیمان کرامت الله تعالی علیه
 حضرت عیسیٰ کرامت الله تعالی علیه
 حضرت زکریا کرامت الله تعالی علیه
 حضرت یحییٰ کرامت الله تعالی علیه
 حضرت یونس کرامت الله تعالی علیه
 حضرت ادریس کرامت الله تعالی علیه
 حضرت اسحاق کرامت الله تعالی علیه
 حضرت یعقوب کرامت الله تعالی علیه
 حضرت یحییٰ کرامت الله تعالی علیه
 حضرت زکریا کرامت الله تعالی علیه
 حضرت یونس کرامت الله تعالی علیه
 حضرت ادریس کرامت الله تعالی علیه
 حضرت اسحاق کرامت الله تعالی علیه
 حضرت یعقوب کرامت الله تعالی علیه

شیخ و صلح حسب سولی از زمین میرازد دوران سفر کرد ای دین گشت بد اسباب وصل انجمن کعبه لی سولی ست از وصل نبی	زمانه رفت طلب از زمان از وفات او بد وقت از جهان شد حسب حق حوازم روان ماند آخر به فاقه زمان
قطعه نانی	
رسول امین سید و جهان سفر کرد چون زمین جهان فنا صفارفت ز آفاق از رفتش	جناب محمد علیه السلام بخند برین یافت جاسم تمام دگر ماند آمل تنی بی تمام
قطعه تاریخ وفات یا زمانه پیغمبر صدیق اکبر رضی الله عنه که سال سیر دریم از هجرت بوقوع آمد	
حضرت صدیق اکبر بار خوار صادق و صدیق و مخمور اری مار ولد از جناب مصطفی و محمد کن تحریر یا لفظ صحیح باز چون حتم وصال پاک او	حاکم کون والی کون و مکان در دلش عشق مجید سبوحان شد جواز دنیا بخند جاودان یا احمد یا جود و صلح کن بیان شدند از دل ولی رفت از جهان
قطعه نانی	
حضرت صدیق اکبر شاهین رفت آرزین جهان بی ثبات گشت بد رحلت آن پادشاه کرد از دوران محقق چون سفر جلوه گر شد سیال وصل نه جناب ارتحال او کمال از عدل نیت	جانشین مصطفی با غر و شان یافت در پہلوئی پیغمبر مکان رفت از دوران چو سلطان آن میشود سال وصال او عیان ماه و سه خود چو پوشید از جهان سرور کن سال وصل او بیان
قطعه تاریخ وفات فاروق الاعظم عالی جناب عمر ابن الخطاب رضی الله عنه که سال نسبت دسه با است و جاز از هجرت مقدس بوقوع آمد بود	
چون عمر چون گنج زیر خاک رفت	روح پاکش بر سر افلاک رفت

در روز سیدنا ابوبکر صدیق کرامت الله تعالی علیه
 در روز سیدنا عمر فاروق کرامت الله تعالی علیه
 در روز سیدنا عثمان غنی کرامت الله تعالی علیه
 در روز سیدنا علی مرتضی کرامت الله تعالی علیه
 در روز سیدنا محمد مصطفی کرامت الله تعالی علیه
 در روز سیدنا ابراہیم خلیل کرامت الله تعالی علیه
 در روز سیدنا اسماعیل کرامت الله تعالی علیه
 در روز سیدنا یوسف کرامت الله تعالی علیه
 در روز سیدنا داؤد کرامت الله تعالی علیه
 در روز سیدنا سلیمان کرامت الله تعالی علیه
 در روز سیدنا عیسیٰ کرامت الله تعالی علیه
 در روز سیدنا زکریا کرامت الله تعالی علیه
 در روز سیدنا یحییٰ کرامت الله تعالی علیه
 در روز سیدنا یونس کرامت الله تعالی علیه
 در روز سیدنا ادریس کرامت الله تعالی علیه
 در روز سیدنا اسحاق کرامت الله تعالی علیه
 در روز سیدنا یعقوب کرامت الله تعالی علیه

در روز سیدنا ابوبکر صدیق کرامت الله تعالی علیه
 در روز سیدنا عمر فاروق کرامت الله تعالی علیه
 در روز سیدنا عثمان غنی کرامت الله تعالی علیه
 در روز سیدنا علی مرتضی کرامت الله تعالی علیه
 در روز سیدنا محمد مصطفی کرامت الله تعالی علیه
 در روز سیدنا ابراہیم خلیل کرامت الله تعالی علیه
 در روز سیدنا اسماعیل کرامت الله تعالی علیه
 در روز سیدنا یوسف کرامت الله تعالی علیه
 در روز سیدنا داؤد کرامت الله تعالی علیه
 در روز سیدنا سلیمان کرامت الله تعالی علیه
 در روز سیدنا عیسیٰ کرامت الله تعالی علیه
 در روز سیدنا زکریا کرامت الله تعالی علیه
 در روز سیدنا یحییٰ کرامت الله تعالی علیه
 در روز سیدنا یونس کرامت الله تعالی علیه
 در روز سیدنا ادریس کرامت الله تعالی علیه
 در روز سیدنا اسحاق کرامت الله تعالی علیه
 در روز سیدنا یعقوب کرامت الله تعالی علیه

کتابت آن جناب
ابو محمد و لقب و سنی
بیت و ولادت و سنی
بیت و ولادت و سنی

شاه غازی پهلوان سنی شدند از دل مصلی شد علی باشد و تاریخ و صلح منجلی مانت آفر صورت مولی گولی یا فتم از سال فوتش آگه از وفاتش مانند جیدل یکدک یا علی سوسه علی سولی علی	حامی دین و دوسه مصطفی گشت چون از فرش بر پیشش مروج نیز گفتم ز منت محبوب از زمان منده حق که رفت چون برین مهر از زمین چون رفت زینت اولیا بود ذات او دل بر اهل دل از دل و جان و در کون سرور ملام
--	--

قطعه ثالث

شیر زیدانی علی المرسته از دل سرور زمین آمد ندا رفت از عالم حیات الا دنا	چون شهادت یافت با صد حق تصور پیر سال انتقال آن جناب صاحت از عالم سفر کرد ایدرین
---	---

ماریخ شهادت حضرت امام حسن رضی الله عنه که در سنه پنجاهم هجری بودی

احسن دین حسن و در زمان قره العین بنی و د جهان ندخل بی جان ماند و شد آواز جهان گشت تاریخ وصال او جان با دنا باشد زمین و آسمان	جمع خلق حسن حضرت حسن نور چشم حضرت خیر النساء رفت چون از دار دنیا گشتال کامل و مالک زمان چون رفت رحمت حق بر روان پاک او
--	--

قطعه ماسه

نور چشم علی و سله زمان پس پنج هفت سال رحلت آن ماند سله با سرش سردوران هفت گل سال رحلتش شان	محسن دین حسن امام جهان چون محبت جناب نبوی نود نیز گو سال رحلت آن شاه چون گل باغ حیات است حسن
---	---

قطعه نالک

آن محب ذوالنهن شاه حسن ماند خالی آه از او آن سنی	چون ز دنیا می دنی سوم رفت گفت دل اسلام از آفاق رفت
---	---

نام حسن از پیش بود حضرت مفضل
سرور عالم صلی الله علیه و سلم
عاشق آرد و در کون سرور ملام
یا امام حسن و سرور کون سرور
انحضرت بیال سیرم کون سرور
در سنه او در جناب این سینه
بر توج سینه شیده حضرت پیغمبر
تا فرق سینه حضرت پیغمبر بود
و در تمام عمرت و حج با پیغمبر
سگزار در در و در غف و در جم و در
و بی آنی از ایات ربانے
بود و در سینه بعد از نبوت بود
اما بعد از شهادت خلافت نبوت
بن ابی طالب توفیق نمود و از
باز در آن روزی خلق دین
بیکدیگر ایضا از شهادت سرور
اخر تصدیق ز کون سرور کون سرور
بوسه شربت شادمانه کون سرور
درین باب اختلاف است بعضی
نیز می آیند که حجه بابایک سواد
باید ای زید علی او داده بود و بعضی
که نوالا ناعبد الرحمن اول
آن است مقرران بعد از آن است
چون بعد شهادت آنحضرت سواد
حیات بر ادلی عهد خود کرد و در
حیات آن جناب کون سرور کون سرور

کون سرور

ارتحال طالب محبوب حق		سال مولود است اولاد علی
متنوی		
ابن موسی علی امام رضا پیشوا شی طریق حق طایفه سال تولد سید ذبیح جابه گرمح زمانه تولدش سال ترحیل آن شهنشاه دین سال ترحیل آن شه مسعود ذات ادب و بدر چرخ کمال ذات او سر کمال دین بود بود جان و منش سراپا در سال ترحیل آن امام ولی	انکه راضی است بارضای خدا مقتدا اسی ره خدا جوئے است اسل خلال و اولاد خوان تو قطب زمین ترحیلش گفته اند اسل دین و اسل با تفرزدند اسل محمود بدر گشته عیان سال اوصال گو بصلش که و اصل دین بود سال وصلش خرد گفست و شدند از زنده دل ولی مهدی	تاریخ ولادت و وفات امام محمد تقی رضی الله عنه که ولادت وی در سال یکصد و نود و پنج و وفات در سنه و صد و سیست یابست یکم بقوم آن محمد تقی امام زمین ستی و تقی است تعریفش سال تولد آن جدنا است سال تولد او است که مطلوب سال تولد آن شه بنکو سال تولد او و نقیسه بدن رحلت آن شه تقی و ولی سال وصلش اگر کسی تحقیق سال ترحیل آن شه اعظم
تاریخ ولادت و وفات امام احمد حسن رضی الله عنه که ولادت وی در سال یکصد و شصت و شصت و چهار با شصت و پنج و وفات در سنه و صد و سیست یکم باصل او در سنه		
گلبن گلشن حسین و حسن شاه سید ولی است توصیفش گفت سرور امام اطاب است توجویش ز قلم محبوب دان بر افرج سلم صادق رحلتش سید و حلیم سخوان گشت روشن ز ماه دین علی گشت پید از زاهد مستدین است محمدی مادر سے عالم	برای فرج ابی یونس و ابی یونس با یونس و وفات یونس و یونس بن ابراهیم بن یونس و یونس بشست بعد انقضای اصدی ماه در غلظت امام یونس و یونس زهر بلبل در طعام با یونس امام یونس در طعام با یونس در غلظت امام یونس و یونس بسعادت حضرت یونس و یونس بشست حضرت یونس و یونس بشست حضرت یونس و یونس بشست حضرت یونس و یونس	

کینت و سے ابو جعفر ثانی رقیب
 دسی تقی و جواد و نام نامی
 است و نام مادر و سے
 خیزان بار سحانه از بنیله
 باره تقی بود و سے امام
 شهر است از ایامنا حضرت
 برنا صی حال با سون ظیفند
 و انور بنای زهر خور است
 امام علی بن موسی رضا نصب
 بود اندا سے نظر رخ این
 بدنامی دختر خود ام فضل
 شریک است داد و میرا دی
 بنیله در آن کرد و هر سال
 نزار و نزار رخ از بیت المال
 برای فرج ابی یونس و ابی یونس
 با یونس و وفات یونس و یونس
 بن ابراهیم بن یونس و یونس
 بشست بعد انقضای اصدی ماه
 در غلظت امام یونس و یونس
 زهر بلبل در طعام با یونس
 امام یونس در طعام با یونس
 در غلظت امام یونس و یونس
 بسعادت حضرت یونس و یونس
 بشست حضرت یونس و یونس
 بشست حضرت یونس و یونس
 بشست حضرت یونس و یونس

در روز سی و نهم ماه جماد الثانی سنه ۱۰۰۰ هجری قمری در شهر کربلا در روز پنجشنبه در وقت عصر در کربلا

کتاب احمد حسن بن علی
تولیدش رقم کن قطب احمد

که بود او جامع معقول و مقبول
ترجمش بخوان محبوب و مقبول

شعری

صاحب دین و اسکے اسلام ۱۷۹۰	احمد حسن بن امام بهام
اقربس و احمد و اسکے ائمہ ۱۷۹۳	مست تولید آن عجب و خواہ
عالم پاک و زیب عالم خوان ۱۷۹۴	سال تولید آن امام زمان
ناطق است و در گنسیجا دم ۱۷۹۵	سال تولید آن شد عظیم
سال تولید اوست اسل صلاح ۱۷۹۶	ذات او بود کان صلح و فلاح
قدس خوان معدن و نفی فرما ۱۷۹۷	سال تولید آن شد و الا
سرور اصاحب جهان گفتم ۱۷۹۸	سال تولید آن میان گفتم
مست محمود احمد حسن ۱۷۹۹	سال ترجمش آن شد اکمل
صاحب علم و مهدی آفاق ۱۸۰۰	سال ترجمش اوست ای مشتاق
گفت مقبول دین ببال وصال ۱۸۰۱	بیز سرور برد و در رخ و طلال

تاریخ ولادت و وفات امام علی نقی رضی الله عنه که ولادت وی در سال ۱۰۰۰ هجری قمری و وفات او در سال ۱۰۰۰ هجری قمری در کربلا

علی روح جهان جان زمانه
وصال اوست سلطان زمانه

قطعه نالی

در جسم جلوه اهل جهان نمودن ۱۸۰۲	حضرت علی که ذات معلی بن سرسبز
آدوی صدق و طاهر و اطهر شده جان ۱۸۰۳	سر است در روح قطب نامه ولادتش
ال بنی نقی و محمد نقی بخوان ۱۸۰۴	مهدی علی حیل گو ارجحال او

تاریخ ولادت و وفات امام حسن عسکری رضی الله عنه که ولادت وی در سال ۱۰۰۰ هجری قمری و وفات او در سال ۱۰۰۰ هجری قمری در کربلا

پیشوا منی جهان امام زمان ۱۸۰۵	حسن آن حسن دین مصطفوی
نرسید دسے عالمے دان ۱۸۰۶	قطب سید ولی است تولیدش

کتاب احمد حسن بن علی
تولیدش رقم کن قطب احمد
که بود او جامع معقول و مقبول
ترجمش بخوان محبوب و مقبول
شعری
صاحب دین و اسکے اسلام
۱۷۹۰
اقربس و احمد و اسکے ائمہ
۱۷۹۳
عالم پاک و زیب عالم خوان
۱۷۹۴
ناطق است و در گنسیجا دم
۱۷۹۵
سال تولید اوست اسل صلاح
۱۷۹۶
قدس خوان معدن و نفی فرما
۱۷۹۷
سرور اصاحب جهان گفتم
۱۷۹۸
مست محمود احمد حسن
۱۷۹۹
صاحب علم و مهدی آفاق
۱۸۰۰
گفت مقبول دین ببال وصال
۱۸۰۱
تاریخ ولادت و وفات امام علی نقی رضی الله عنه که ولادت وی در سال ۱۰۰۰ هجری قمری و وفات او در سال ۱۰۰۰ هجری قمری در کربلا
علی روح جهان جان زمانه
وصال اوست سلطان زمانه
قطعه نالی
در جسم جلوه اهل جهان نمودن
۱۸۰۲
آدوی صدق و طاهر و اطهر شده جان
۱۸۰۳
ال بنی نقی و محمد نقی بخوان
۱۸۰۴
تاریخ ولادت و وفات امام حسن عسکری رضی الله عنه که ولادت وی در سال ۱۰۰۰ هجری قمری و وفات او در سال ۱۰۰۰ هجری قمری در کربلا
پیشوا منی جهان امام زمان
۱۸۰۵
نرسید دسے عالمے دان
۱۸۰۶
قطب سید ولی است تولیدش

کتاب احمد حسن بن علی
تولیدش رقم کن قطب احمد
که بود او جامع معقول و مقبول
ترجمش بخوان محبوب و مقبول
شعری
صاحب دین و اسکے اسلام
۱۷۹۰
اقربس و احمد و اسکے ائمہ
۱۷۹۳
عالم پاک و زیب عالم خوان
۱۷۹۴
ناطق است و در گنسیجا دم
۱۷۹۵
سال تولید اوست اسل صلاح
۱۷۹۶
قدس خوان معدن و نفی فرما
۱۷۹۷
سرور اصاحب جهان گفتم
۱۷۹۸
مست محمود احمد حسن
۱۷۹۹
صاحب علم و مهدی آفاق
۱۸۰۰
گفت مقبول دین ببال وصال
۱۸۰۱
تاریخ ولادت و وفات امام علی نقی رضی الله عنه که ولادت وی در سال ۱۰۰۰ هجری قمری و وفات او در سال ۱۰۰۰ هجری قمری در کربلا
علی روح جهان جان زمانه
وصال اوست سلطان زمانه
قطعه نالی
در جسم جلوه اهل جهان نمودن
۱۸۰۲
آدوی صدق و طاهر و اطهر شده جان
۱۸۰۳
ال بنی نقی و محمد نقی بخوان
۱۸۰۴
تاریخ ولادت و وفات امام حسن عسکری رضی الله عنه که ولادت وی در سال ۱۰۰۰ هجری قمری و وفات او در سال ۱۰۰۰ هجری قمری در کربلا
پیشوا منی جهان امام زمان
۱۸۰۵
نرسید دسے عالمے دان
۱۸۰۶
قطب سید ولی است تولیدش

کتاب احمد حسن بن علی
تولیدش رقم کن قطب احمد
که بود او جامع معقول و مقبول
ترجمش بخوان محبوب و مقبول
شعری
صاحب دین و اسکے اسلام
۱۷۹۰
اقربس و احمد و اسکے ائمہ
۱۷۹۳
عالم پاک و زیب عالم خوان
۱۷۹۴
ناطق است و در گنسیجا دم
۱۷۹۵
سال تولید اوست اسل صلاح
۱۷۹۶
قدس خوان معدن و نفی فرما
۱۷۹۷
سرور اصاحب جهان گفتم
۱۷۹۸
مست محمود احمد حسن
۱۷۹۹
صاحب علم و مهدی آفاق
۱۸۰۰
گفت مقبول دین ببال وصال
۱۸۰۱
تاریخ ولادت و وفات امام علی نقی رضی الله عنه که ولادت وی در سال ۱۰۰۰ هجری قمری و وفات او در سال ۱۰۰۰ هجری قمری در کربلا
علی روح جهان جان زمانه
وصال اوست سلطان زمانه
قطعه نالی
در جسم جلوه اهل جهان نمودن
۱۸۰۲
آدوی صدق و طاهر و اطهر شده جان
۱۸۰۳
ال بنی نقی و محمد نقی بخوان
۱۸۰۴
تاریخ ولادت و وفات امام حسن عسکری رضی الله عنه که ولادت وی در سال ۱۰۰۰ هجری قمری و وفات او در سال ۱۰۰۰ هجری قمری در کربلا
پیشوا منی جهان امام زمان
۱۸۰۵
نرسید دسے عالمے دان
۱۸۰۶
قطب سید ولی است تولیدش

باز قطب الموحدين بزخوان گشت از ابر بنفین طبع روان	بهت قطب الحسن وصال او بجز سراج سال تر جایش
تاریخ ولادت و غیبت امام محمد مهدی رضی الله عنه که ولادت وی در سال دو صد و پنجاه و هشت پنج و غیبت یا وفات در سنه دو صد و شصت و چهار یا پنج باشد توقع آمد	
مقتدای دو جهان سید امین سال تولیدش بنزد اهل دین سن تولید امام مسلمین بار دیگر مهدی اهل یقین	مهدی و مادی امام اولیا بهت ثابت مهدی عالم پناه نیز حسن علم مسکین و دعا ارتحالش مهدی اهل صفات
مثنوی	
نام نامی در محمد دانا طرد سلطان حق خسر و فرمود عقل مهدی حق نما گفت عقل سلطان ولی مهدی گفت سن و سالش سراج شد روشن گر شمار سی ز باد بی معصوم گشت یس از قطب کامل دین	مادی خلق مهدی دوران سال مولود آن شه مسعود سال مولود او دمها گفته سال تولید او جو گوهر برفت شد جو غایب ز چشم اهل زمین میشود سال غیبتش مفهوم باز تاریخ غیبتش به یقین
کنج دوم در ذکر قطعات وفات بزرگان متوسلان مانند ان قادی اعظمیه که متعلق بحضرت غوث الاعظم قطب العالم ابو محمد محی الدین عبد القادر جیلانیست از شریک سلسله تاینی مانده تاریخ وفات حضرت معروف کرخی قدس سره که وفات در سال دو صد و دو و یاد و ذکر مشهور است	
گشت چون از جهان و مناطق شد عیان نیز ز بد به افق باز تاریخ آن شه شتات	شیخ معروف پیره اسلمی کرخ ز دیده اصفاست تاریخش صاحب اول است و اهل یقین
قطعه تائنی	
چون ازین دیسای فاکر در جوار دقت شد و معروف در عالم	شیخ والا حضرت معروف کرخی مقتدا

مکتب مهدی ابوالقاسم و قطب
 مکتب مهدی و جلاله و قاسم کیش و
 صاحب الزمان و خانم الامیر است
 و مهدی امام یازدهم است از
 اجداد شافعی و قبول است
 و ولادت و سب در سنه ۱۰۰۰
 تاریخ بنیاد شهر ماه رمضان
 سال دو صد و پنجاه و هشت و
 قبول است و تاریخ باز در شعبان
 بوقت قبل از ظهور صاحب کمال
 دو صد و پنجاه و پنج بود و آمد
 نام والده ماجده و سب
 سین و یعقوب و سون و یعقوب
 بن حسین بود و مولانا عبدالعزیز
 جامی سفیر بود که چون نام
 حضرت شورشندان زده بود و
 با الهی کرده در بار زوی است و مهدی
 کان زمین الباطل ان الباطل
 طایفه ای از شیعه بود
 دی ابو فیروز ز بقول میر و زمان اول
 کجاست حضرت علی بن موسی رضا
 رسید و مسلمان شد و پیر و مادی
 بیاضت پسر با سلام شرف شد
 که علی بود و سوز آنکه در معروف
 کجاست خود عاد او و تکلیف
 معروف گشت تا از کافین
 طایفه ای از شیعه بود و پسر
 امام ابو صفی کوفی بود

تاریخ و وفات شیخ ابوبکر شبلی که در سال ۱۰۰۰ هجری در کابل درگذشت و در سال ۱۰۰۱ هجری در کابل دفن شد.

رفت چون از جهان بیخ جهان ذات او بود بدین چنین کمال جلوه گر گشت چون نه زیبا سال ترحیل آن شد اگر رحلت آن در سال ۱۰۰۰ هجری و وصل آن پادشاه متقیان	با مور گشت سال رحلت آن بدر کمال بگو سال وصال سال وصالش زیز و آقا مهر یافت و هم به آقا ظاهر آمد ز صوفی عالمی میر و اسلے بگو صبور جوان
---	---

تاریخ و وفات شیخ ابوبکر شبلی که در سال ۱۰۰۰ هجری در کابل درگذشت و در سال ۱۰۰۱ هجری در کابل دفن شد.	یافت چون از سر در جنت مقام هم محب اصفا افسه امام هم سخن آن محرم دله ای نیکام باز صدیق کامل و اسلام سال ترحیلش با قول عجم
--	--

تاریخ و وفات شیخ عبدالواحد شبلی که در سال ۱۰۰۰ هجری در کابل درگذشت و در سال ۱۰۰۱ هجری در کابل دفن شد.	بر اوج شمع غمزه انوار بوصلش نور حقانے عمان شد ز با تم سید عارف بیان کرد نداشد عارف و پیغمبر با مثلش
---	--

رفت بکتاب از جهان فنا در عالم بگو ستر حلیش	عبد واحد دله شمه ابرار باز خوان محمد رکمال ای ما
---	---

عبد واحد جو بعد غرت وین سال تاریخ شمه احسان گو	جست زین دهر سوی جنت راه هم در گد بار شمه عالی چاه
---	--

تاریخ و وفات شیخ ابوالفتح طرطوسی که در سال ۱۰۰۰ هجری در کابل درگذشت و در سال ۱۰۰۱ هجری در کابل دفن شد.	حضرت شیخ ابوالفتح طرطوسی ولی شیخ والا بر شد سیر جوان
--	---

تاریخ و وفات شیخ ابوبکر شبلی که در سال ۱۰۰۰ هجری در کابل درگذشت و در سال ۱۰۰۱ هجری در کابل دفن شد.

تاریخ و وفات شیخ عبدالواحد شبلی که در سال ۱۰۰۰ هجری در کابل درگذشت و در سال ۱۰۰۱ هجری در کابل دفن شد.

تاریخ و وفات شیخ ابوالفتح طرطوسی که در سال ۱۰۰۰ هجری در کابل درگذشت و در سال ۱۰۰۱ هجری در کابل دفن شد.

اول دل بختی است نارنجش	هم حمایت از خانه کرد ظهور
تاریخ وفات شیخ بقا قدس سره که در سال پانصد و پنجاه و سه بوقوع آمد	چون بقا پانصد هزاران خورشید
سال ترحیلش زیر و رشدرقم	رفت از دار فنا سوخته بقا
هم بتاریخ وصال آنجناب	زنده آفاق قطب الحق بقا
پس گشته زنده و دگر رهبر	و آنکه ارشاد باشد در حال
سال وصال آن ولی الاتقیاء	سال وصال آن ولی الاتقیاء
تاریخ وفات شیخ علی بن ابی طالب که در سال پانصد و شصت و یک بوقوع آمد	علی را از دار علی و سینه
علیه رسیده است خلی و جلی	دگر بود مقبول دوران علی
بگو کامل عشق ترحیل او	قطعه نهم
طالب حق شاه علی ولی	رفت جوزین و پیر خلد برین
سال وصالش چون بستم ز دل	گفت علی عالم مسلم یقین
قطعه ثانی	
رفت بر عرش چون ز فرشتان بزم	شاه عرش سستیان علی و آنکه
سرور زار سال ترحیلش	گفت شاه زمان علی دالی
قطعه رابع	
بیت چون رخت سوزان دار دنیا	شاه عالم حضرت مولی علی
گوشه گریه است و دگر داستان	سال وصال آن ولی متقی
تاریخ ولادت و وفات حضرت عوث الاعظم شیخ سید ابو محمد محی الدین عبد الله بن ابی طالب که در ولادت آنجناب در سال چارصد و پنجاه و یک بوقوع آمد	عبد قادر شاه محی الدین ولی سزاوار
عزال حدیری و مخر او لاجون	سال تولدش دگر محبوب سلطان کبیر
دوست فرما عشق گویا عشق به آن بخت	تاریخ وفات شیخ سید ابو محمد محی الدین عبد الله بن ابی طالب که در ولادت آنجناب در سال چارصد و پنجاه و یک بوقوع آمد
باز از دل گشت محی الدین نورانی رقم	عاشق کاملی دگر مهدی ولی الله
از شمال با یک او سلطان عبد القادر	

تاریخ وفات شیخ بقا قدس سره که در سال پانصد و پنجاه و سه بوقوع آمد
 تاریخ وفات شیخ علی بن ابی طالب که در سال پانصد و شصت و یک بوقوع آمد
 تاریخ ولادت و وفات حضرت عوث الاعظم شیخ سید ابو محمد محی الدین عبد الله بن ابی طالب که در ولادت آنجناب در سال چارصد و پنجاه و یک بوقوع آمد
 تاریخ تولد و وفات شیخ سید ابو محمد محی الدین عبد الله بن ابی طالب که در ولادت آنجناب در سال چارصد و پنجاه و یک بوقوع آمد

عبد القادر شاه محی الدین ولی سزاوار
 تاریخ تولد و وفات شیخ سید ابو محمد محی الدین عبد الله بن ابی طالب که در ولادت آنجناب در سال چارصد و پنجاه و یک بوقوع آمد
 تاریخ تولد و وفات شیخ سید ابو محمد محی الدین عبد الله بن ابی طالب که در ولادت آنجناب در سال چارصد و پنجاه و یک بوقوع آمد
 تاریخ تولد و وفات شیخ سید ابو محمد محی الدین عبد الله بن ابی طالب که در ولادت آنجناب در سال چارصد و پنجاه و یک بوقوع آمد

سوره عالم صلی الله علیه و سلم یافته بظاهریه خلافت از شیخ ابو سعید و سید و صلی زید بود و آنجناب ولی
 از قبیلان است از قبیلان کلبه
 از قبیلان است از قبیلان کلبه
 از قبیلان است از قبیلان کلبه

تاریخ وفات پید شرف الدین عیسی خلیف الرشید غوث الاعظم که در سال پانصد و هفتاد و نود و پنجاه

تاریخ وفات پید شرف الدین عیسی خلیف الرشید غوث الاعظم که در سال پانصد و هفتاد و نود و پنجاه	سال وصل آن شه اهل کمال	شیخ شرف الدین جوهرت اندر خان
	تقی چاکر صوم سال وصال	گمن رقم مسعودید پیشوا
	عاقبت شد عاقبت تاریخ سال	ذات پاکش بود میر عاقبت
تاریخ وفات شیخ صدوقه خدادی قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و نود و پنجاه	فدا کرد در عشق حق جان و تن	امام جهان صدقه پسر کبر
	در صدقه صادق امام زمین	ز سر د از حق سال وصلش نجوم
تاریخ وفات بوکر سیکر قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و نود و پنجاه	شد جو در خلد برین نزل گریز	بوکر آن سخن نور خد
	نیز قسم با مطیع نور یقین	سال وصلش بو عمر ابو زنون
	نیز سیر حبه ای اهل دین	ارستاش آفتاب کمال است
تاریخ وفات شیخ محمد الاوانی قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و نود و پنجاه	گشت در دوس و الا بهره یاب	چون محمد ار جهان بالطف حق
	نیز شد روشن محمد آفتاب	رحمتش سرور آفتاب شد جان
	اهل تسلیم آید اندر حساب	باز سال ارستاش پاک آد
تاریخ وفات شیخ ابوسو دین شلی قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و نود و پنجاه	بو شو د آنکه بو پود بدیه حق	شیخ ذی ربه پسر عالمگیر
	هم شد بو سو پود بدیه حق	عاشق حق بگو بر علت او
تاریخ وفات شیخ حیات خبرانی قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و نود و پنجاه	در جهان مهدی زمانه حیات	چون سفر کرد از جهان فنا
	هم بخوان هدیه سے زمانه حیات	رحمتش بسع حیات بگو
	قطعه مانع	
چو از دنیا بر خست گشت پیدا	حیات اب حیات حشر دین	
و گر آمد میان شمس العلوی	نداشد از دم اشرف تبارش	
تاریخ وفات شیخ ابو عبد الرحمن قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و نود و پنجاه		

تاریخ وفات پید شرف الدین عیسی خلیف الرشید غوث الاعظم که در سال پانصد و هفتاد و نود و پنجاه
 تاریخ وفات شیخ صدوقه خدادی قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و نود و پنجاه
 تاریخ وفات بوکر سیکر قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و نود و پنجاه
 تاریخ وفات شیخ محمد الاوانی قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و نود و پنجاه
 تاریخ وفات شیخ ابوسو دین شلی قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و نود و پنجاه
 تاریخ وفات شیخ حیات خبرانی قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و نود و پنجاه
 تاریخ وفات شیخ ابو عبد الرحمن قدس سره که در سال پانصد و هفتاد و نود و پنجاه

تاریخ وفات پید شرف الدین عیسی خلیف الرشید غوث الاعظم که در سال پانصد و هفتاد و نود و پنجاه

فصل اول در بیان احوال و مناقب ائمه اطهار علیهم السلام
 فصل دوم در بیان احوال و مناقب ائمه اطهار علیهم السلام
 فصل سوم در بیان احوال و مناقب ائمه اطهار علیهم السلام

چهارمین کتابت گشت راهی وصالتش واسطی سلمی است در باب ایصال رحلت آتو	شبه اهل یقین معلول همان دو باره بر حسین معلول همان عیان شد باه دین معلول همان
تخت شد خوار دنیا می فاسی تاریخ وصالش گفت سرور	رحیم و ارحم محسوب همان کامل اهل دین محسوب همان
تاریخ وفات سید شمس الدین عبدالعزیز قدس سره که در ناصبه و شاد و دودلو تو آمد شبه ذبیحاه و عاسی مرتبت رحلتش مهتاب عالم گفته ام	مرشد حق حق نام حق بن عزیز نیز شد دشمن ز شمس الدین عزیز
تاریخ وفات شیخ ابوالفتح بن مغربی که در سال اقصی دودلو و بحری بود تو آمد شیخ بود بن شعیب مغربی تاریخ وصال آنجناب سید طبیب ابو بدین شعیب	ان امام دین شبه دور زمین زاهد نادعی شعیب بن حسن تست سال وصل آن فخره تو سال رحلتش اگر خواهی زمین
چو بود بن شعیب آن والی دین شده روشن ز روشن اول وصالش	زونا رفت در غده معلی شرف آمد دگر از دل هودا
تاریخ وفات سید تاج الدین عبدالرزاق قدس سره که در سال اقصی دودلو و بحر بود تو آمد شد ز دنیا جو در بهشت برین کاشف صدق سال وصالش گو	عارف حق بحیب تاج الدین نیز سید بحیب تاج الدین
تاجدار اهل حنت باصفا ارستخاش آفتاب عالمی است بس بحیب مقداد وصل او	شیخ تاج الدین امام مسلمین هم بخوان تاج کمال اهل یزید باز خوان شاه جانگیز از قنبر
تاریخ وفات سید ابوالفضل محمد قدس سره که در سال شصت و دو تو آمد سید ابوالفضل فضل اهل فضل	سید جواد فضل خدا اند جان

فصل اول در بیان احوال و مناقب ائمه اطهار علیهم السلام
 فصل دوم در بیان احوال و مناقب ائمه اطهار علیهم السلام
 فصل سوم در بیان احوال و مناقب ائمه اطهار علیهم السلام

کتاب تاریخ

فصل اول در بیان احوال و مناقب ائمه اطهار علیهم السلام
 فصل دوم در بیان احوال و مناقب ائمه اطهار علیهم السلام
 فصل سوم در بیان احوال و مناقب ائمه اطهار علیهم السلام

فصل اول در بیان احوال و مناقب ائمه اطهار علیهم السلام
 فصل دوم در بیان احوال و مناقب ائمه اطهار علیهم السلام
 فصل سوم در بیان احوال و مناقب ائمه اطهار علیهم السلام

میرزا دین بیگ سال و غسل او کاشف حق کامل آمد رحلتش	هم نجیب شاهی کردم بسیار زنده اشرف هم کشته جان
تاریخ ولادت و وفات ابوزکریا که در سال ۱۰۰۰ هجری در سن ۱۰۰ سالگی در سن ۱۰۰۰ هجری در سن ۱۰۰۰ هجری	شاه عالمی قره چشم علی سال تولدش نهمین امین نیز فرزند تاج اهل دین و سلم سال تولدش دو باره شاهی عارف حق سید طیب و سلم
تاریخ ولادت و وفات سید سیف الدین عبدالوهاب قدس سره که در سال ۱۰۰۰ هجری در سن ۱۰۰۰ هجری در سن ۱۰۰۰ هجری	قاتل کفار با شمشیر دین تاج حق فرزند هم مقام دین طالب حق است و قطب عالم بود ارستخالی آن شه روسته زمین عالم رسد از جوان با صد یقین نیز شاه نامور اسکے مکتب دین و غسل آن شیخ یقین بر زمین
تاریخ ولادت و وفات سید ابوالنضر موسی قدس سره که در سال ۱۰۰۰ هجری در سن ۱۰۰۰ هجری در سن ۱۰۰۰ هجری	حضرت ابوالنضر سیر با کمال شده ز دل مفتوح تولیدش عیان شاه اکبر جوان و معشوق احمد رحلتش ابوالنضر مقبول انام یا رهبر سید مرشد سجاد
تاریخ ولادت و وفات شیخ موفق الدین محمد سی قدس سره که در سال ۱۰۰۰ هجری در سن ۱۰۰۰ هجری در سن ۱۰۰۰ هجری	رهبر عالم شه روی ز مسین صاحب توحید و هم سردار دین سال تولدش پنجمین نیز شهید از جهنم یقین ارستخالی پاک او فارغ نشین

نورالدین حضرت غوث الاعظم علیہ السلام
 صاحب شریعت و تقسیم علوم دنیایی
 از زیارت آن بزرگوار غوث الاعظم است
 از حضرت شیخ ابوالنضر موسی قدس سره
 در سال ۱۰۰۰ هجری در سن ۱۰۰۰ هجری در سن ۱۰۰۰ هجری
 در ایام آنکه در این زمانه وفات یافت

تاریخ وفات سید امام عبدالقدیسی قدس سره که در سال هفتصد و پنجاه و پنج هجری است	آن امام یاسی نوراله
بود اندر یک قطب اولی	تا نهم فرمود سال رحلتش
کاشف غم می امام یاسی	هم در قم کن زاهد اهل بیت
هم ولی بوسعادت یاسی	اسل دل محمدوم هم گرد دعوان
هم شهتاه عزیز استای ولی	تاریخ وفات سید عبدالملک باکبری که در سال هفتصد و پنجاه و پنج هجری بود
تاریخ وفات سید عبدالملک باکبری که در سال هفتصد و پنجاه و پنج هجری بود	مقتدای دو جهان عبد الملک
مقتدای دو جهان عبد الملک	رحلتش خوان مقتدایر زمان
نیز کامل اسل دن سید شریف	تاریخ وفات سید عبدالواسع باکبری قدس سره که در سال هفتصد و پنجاه و پنج هجری بود
تاریخ وفات سید عبدالواسع باکبری قدس سره که در سال هفتصد و پنجاه و پنج هجری بود	سید واسع سید هر دو سرا
مقتدایر سناده سنی	شمع عشق آمد دصال پاک او
باز فرما سید محاسن ولی	تاریخ وفات سید عبدالخالق باکبری که در سال هفتصد و پنجاه و پنج هجری بود
تاریخ وفات سید عبدالخالق باکبری که در سال هفتصد و پنجاه و پنج هجری بود	شاه عبد الخالق آن مادی خلوق
شد جز از دنیا بفرودس برین	کاشف ارشاد گو تاریخ او
نیز فرما عبد خالق اسل دن	تاریخ وفات شیخ بهاد الدین شهیدی قدس سره که در سال هفتصد و پنجاه و پنج هجری بود
تاریخ وفات شیخ بهاد الدین شهیدی قدس سره که در سال هفتصد و پنجاه و پنج هجری بود	شیخ زوی زمین بهاد الدین
ماه فرودس و بدر رخ کمال	رفت چون از جهان بخت حشد
عارف شروع و ذاکر آمد سال	تاریخ وفات سید محمد غوث جلیلی گیلانی قدس سره که در سال هفتصد و پنجاه و پنج هجری بود
تاریخ وفات سید محمد غوث جلیلی گیلانی قدس سره که در سال هفتصد و پنجاه و پنج هجری بود	بفرودس برین چون کرد رحلت
محمد غوث بر رسید دین	محمد شاه میران قطب قطاب
گو تاریخ او با طرز رنگین	در سلطان البسه متقی گو
بسال رحلت آن شاه حق میر	قطعه ناسی
جناب محمد امام زمان	چون شد از جهان بهشت برین
محمد دوم عالم محمد جان	شود سال ترحیل آن شاه دین
تاریخ وفات شیخ فیروز لاهوری که در سال هفتصد و پنجاه و پنج هجری بود	

تاریخ وفات سید امام عبدالقدیسی قدس سره که در سال هفتصد و پنجاه و پنج هجری است
 بود اندر یک قطب اولی
 کاشف غم می امام یاسی
 هم ولی بوسعادت یاسی
 هم شهتاه عزیز استای ولی
 تاریخ وفات سید عبدالملک باکبری که در سال هفتصد و پنجاه و پنج هجری بود
 مقتدای دو جهان عبد الملک
 رحلتش خوان مقتدایر زمان
 تاریخ وفات سید عبدالواسع باکبری قدس سره که در سال هفتصد و پنجاه و پنج هجری بود
 سید واسع سید هر دو سرا
 شمع عشق آمد دصال پاک او
 تاریخ وفات سید عبدالخالق باکبری که در سال هفتصد و پنجاه و پنج هجری بود
 شاه عبد الخالق آن مادی خلوق
 کاشف ارشاد گو تاریخ او
 تاریخ وفات شیخ بهاد الدین شهیدی قدس سره که در سال هفتصد و پنجاه و پنج هجری بود
 شیخ زوی زمین بهاد الدین
 رفت چون از جهان بخت حشد
 تاریخ وفات سید محمد غوث جلیلی گیلانی قدس سره که در سال هفتصد و پنجاه و پنج هجری بود
 بفرودس برین چون کرد رحلت
 محمد شاه میران قطب قطاب
 در سلطان البسه متقی گو
 قطعه ناسی
 جناب محمد امام زمان
 محمد دوم عالم محمد جان
 تاریخ وفات شیخ فیروز لاهوری که در سال هفتصد و پنجاه و پنج هجری بود

تاریخ وفات سید امام عبدالقدیسی قدس سره که در سال هفتصد و پنجاه و پنج هجری است
 بود اندر یک قطب اولی
 کاشف غم می امام یاسی
 هم ولی بوسعادت یاسی
 هم شهتاه عزیز استای ولی
 تاریخ وفات سید عبدالملک باکبری که در سال هفتصد و پنجاه و پنج هجری بود
 مقتدای دو جهان عبد الملک
 رحلتش خوان مقتدایر زمان
 تاریخ وفات سید عبدالواسع باکبری قدس سره که در سال هفتصد و پنجاه و پنج هجری بود
 سید واسع سید هر دو سرا
 شمع عشق آمد دصال پاک او
 تاریخ وفات سید عبدالخالق باکبری که در سال هفتصد و پنجاه و پنج هجری بود
 شاه عبد الخالق آن مادی خلوق
 کاشف ارشاد گو تاریخ او
 تاریخ وفات شیخ بهاد الدین شهیدی قدس سره که در سال هفتصد و پنجاه و پنج هجری بود
 شیخ زوی زمین بهاد الدین
 رفت چون از جهان بخت حشد
 تاریخ وفات سید محمد غوث جلیلی گیلانی قدس سره که در سال هفتصد و پنجاه و پنج هجری بود
 بفرودس برین چون کرد رحلت
 محمد شاه میران قطب قطاب
 در سلطان البسه متقی گو
 قطعه ناسی
 جناب محمد امام زمان
 محمد دوم عالم محمد جان
 تاریخ وفات شیخ فیروز لاهوری که در سال هفتصد و پنجاه و پنج هجری بود

تاریخ وفات سید امام عبدالقدیسی قدس سره که در سال هفتصد و پنجاه و پنج هجری است
 بود اندر یک قطب اولی
 کاشف غم می امام یاسی
 هم ولی بوسعادت یاسی
 هم شهتاه عزیز استای ولی
 تاریخ وفات سید عبدالملک باکبری که در سال هفتصد و پنجاه و پنج هجری بود
 مقتدای دو جهان عبد الملک
 رحلتش خوان مقتدایر زمان
 تاریخ وفات سید عبدالواسع باکبری قدس سره که در سال هفتصد و پنجاه و پنج هجری بود
 سید واسع سید هر دو سرا
 شمع عشق آمد دصال پاک او
 تاریخ وفات سید عبدالخالق باکبری که در سال هفتصد و پنجاه و پنج هجری بود
 شاه عبد الخالق آن مادی خلوق
 کاشف ارشاد گو تاریخ او
 تاریخ وفات شیخ بهاد الدین شهیدی قدس سره که در سال هفتصد و پنجاه و پنج هجری بود
 شیخ زوی زمین بهاد الدین
 رفت چون از جهان بخت حشد
 تاریخ وفات سید محمد غوث جلیلی گیلانی قدس سره که در سال هفتصد و پنجاه و پنج هجری بود
 بفرودس برین چون کرد رحلت
 محمد شاه میران قطب قطاب
 در سلطان البسه متقی گو
 قطعه ناسی
 جناب محمد امام زمان
 محمد دوم عالم محمد جان
 تاریخ وفات شیخ فیروز لاهوری که در سال هفتصد و پنجاه و پنج هجری بود

تاریخ وفات سید عبد الله ربانی گیلانی اچي که در سال ۹۶۵ هجری قمری در بغداد وفات یافت بود قوم آید

تاریخ وفات سید عبد الله ربانی گیلانی اچي که در سال ۹۶۵ هجری قمری در بغداد وفات یافت بود قوم آید	چو شیخ پاک عهد الله معصوم انام دین عهد الله محمد دم دگر فاضل مطلوب است معلوم	از دنیا رفت در سن ۹۶۵ وصال پاک او از دل میان شد دو بار او پر محمدی بهشت است
تاریخ وفات سید حامد گیلانی اچي مطابق به صد و هفتاد و هفت سال عمری	شد بملک خلد زین فانی سرا نیر عادت شاه سید مقددا سال وصل آن ولی الاولیا هر سال وصل او شد مدفا فصل نوی نرسالش سرورا	شیخ حامد کج بخش دو جهان شیخ محبوبی است سال وصل او پیر حامد خواجه حسود خون سید حامد محب دو الجلال ابر رحمت سید حساد بگو
تاریخ وفات سید اسماعیل گیلانی قدس سره که در سال ۹۶۵ هجری قمری در بغداد وفات یافت بود قوم آید	پیر روشن ضمیر اسماعیل نیر نور سیر اسماعیل	رفت چون زنی جهان سجد بریز گشت تاریخ رطلتیش روشن
تاریخ وفات شیخ ذاکر مانی چلی والی که در سال ۹۶۵ هجری قمری در بغداد وفات یافت بود قوم آید	شد چو از دنیا بخت نمانت با باز فرما اسل عرفان مقددا نیر سیر حق پرست از دل ندا	حضرت ذاکر شیخ با کمال کین رقم فیاض کامل رطلتیش زنده دین محترم پیر آید است
قطعه نانی		
سال انتقال شیخ ذاکر و عطا بخش است دیگر فضل برود	چو سرور مآده تاریخ خوا سه کرد رخوان ولی فیض الهی	
تاریخ وفات شیخ بهلول در ربانی قدس سره که در سال ۹۶۵ هجری قمری در بغداد وفات یافت بود قوم آید	کرد رحلت چو ابر برین بهلول هم سخوان خیر اسل دین بهلول	رفت رویش با وج چرخ برین هست شیخ جلیل تاریخش
قطعه نانی		
چو شد بهلول از دنیا بخت	دو تاریخ وصال او دست دریا	

تاریخ وفات سید عبد الله ربانی گیلانی اچي که در سال ۹۶۵ هجری قمری در بغداد وفات یافت بود قوم آید
 تاریخ وفات سید حامد گیلانی اچي مطابق به صد و هفتاد و هفت سال عمری
 تاریخ وفات سید اسماعیل گیلانی قدس سره که در سال ۹۶۵ هجری قمری در بغداد وفات یافت بود قوم آید
 تاریخ وفات شیخ ذاکر مانی چلی والی که در سال ۹۶۵ هجری قمری در بغداد وفات یافت بود قوم آید
 تاریخ وفات شیخ بهلول در ربانی قدس سره که در سال ۹۶۵ هجری قمری در بغداد وفات یافت بود قوم آید
 چو شد بهلول از دنیا بخت
 دو تاریخ وصال او دست دریا

تاریخ وفات سید عبد الله ربانی گیلانی اچي که در سال ۹۶۵ هجری قمری در بغداد وفات یافت بود قوم آید

رحلتش مهت عارف سمرت	نیز فزما فضیل و اصل دین
تاریخ وفات شیخ رحیم دادلو شاهی قادری که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هفت	در جهان یافت رتبه اعظم
سخت در بای بیض نارسش	چونکه آن عظم و عظیم و رحیم
تاریخ وفات سید حسن بنیادری گیلانی که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هفت	هم سخوان اشرف و کریم رحیم
حسن بن یافت در حله برین	چون جناب سید و الا حسن
رحلتش شیخ حسن مطلوب گو	نیز فزما فضیل مولا حسن
تاریخ وفات شاه رضا قادری لاهوری که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هفت	چون شاه رضا ولی و الا
باهمت غلذ گشت راسته	تاریخ وصال آن مصلی
دل گفت که آفتاب غلذ است	
تاریخ وفات شاه در گاهی لاهوری که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هفت	
گشت روشن چو رفت از دنیا	در جهان همچو ماه در گالست
شیخ پیر است از سخاوتش نیز	قطب سردار شاه در گاهی
تاریخ وفات شیخ نوح محمود قادری نوشاهی که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هفت	
تاجدار حله شد با غر و شاه	عابد و محمود و سید مقتدا
شده عیان سالش ز قیاض کبیر	باز شد پید از شیخ الاصفیا
نیز سرور گفت سال وصل او	عاقبت محمود و تاج اولیا
تاریخ وفات سید نور محمد حجه و اله که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هفت	
نور محمد آن مرد عالم جو از جهان	بر عرش جن رسید بقرب جلیل جن
شاه کریم منقعی آمد وصال او	دیگر مگو که نور محمد خطیل جن
تاریخ وفات حافظ بر خور دادلو شاهی که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هفت	
شده جو بر خور دار در باغ بهشت	شیخ بر خور دار بر رستما
حافظ عالم بگو تاریخ او	نیز فزما دوستدار مخته
باز محبوب جهان شاه بهشت	بهر سالش حاصل آمد مدعا
تاریخ وفات شیخ هشتم دیادل نوشاهی که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هفت	

تاریخ وفات شیخ رحیم دادلو شاهی قادری که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هفت
 رحلتش مهت عارف سمرت
 تاریخ وفات سید حسن بنیادری گیلانی که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هفت
 رحلتش شیخ حسن مطلوب گو
 تاریخ وفات شاه رضا قادری لاهوری که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هفت
 باهمت غلذ گشت راسته
 تاریخ وفات شاه در گاهی لاهوری که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هفت
 گشت روشن چو رفت از دنیا
 تاریخ وفات شیخ نوح محمود قادری نوشاهی که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هفت
 تاجدار حله شد با غر و شاه
 تاریخ وفات سید نور محمد حجه و اله که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هفت
 نور محمد آن مرد عالم جو از جهان
 تاریخ وفات حافظ بر خور دادلو شاهی که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هفت
 شده جو بر خور دار در باغ بهشت
 تاریخ وفات شیخ هشتم دیادل نوشاهی که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هفت

تاریخ وفات شیخ رحیم دادلو شاهی قادری که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هفت
 رحلتش مهت عارف سمرت
 تاریخ وفات سید حسن بنیادری گیلانی که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هفت
 رحلتش شیخ حسن مطلوب گو
 تاریخ وفات شاه رضا قادری لاهوری که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هفت
 باهمت غلذ گشت راسته
 تاریخ وفات شاه در گاهی لاهوری که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هفت
 گشت روشن چو رفت از دنیا
 تاریخ وفات شیخ نوح محمود قادری نوشاهی که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هفت
 تاجدار حله شد با غر و شاه
 تاریخ وفات سید نور محمد حجه و اله که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هفت
 نور محمد آن مرد عالم جو از جهان
 تاریخ وفات حافظ بر خور دادلو شاهی که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هفت
 شده جو بر خور دار در باغ بهشت
 تاریخ وفات شیخ هشتم دیادل نوشاهی که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هفت

تاریخ وفات شیخ رحیم دادلو شاهی قادری که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هفت
 رحلتش مهت عارف سمرت
 تاریخ وفات سید حسن بنیادری گیلانی که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هفت
 رحلتش شیخ حسن مطلوب گو
 تاریخ وفات شاه رضا قادری لاهوری که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هفت
 باهمت غلذ گشت راسته
 تاریخ وفات شاه در گاهی لاهوری که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هفت
 گشت روشن چو رفت از دنیا
 تاریخ وفات شیخ نوح محمود قادری نوشاهی که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هفت
 تاجدار حله شد با غر و شاه
 تاریخ وفات سید نور محمد حجه و اله که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هفت
 نور محمد آن مرد عالم جو از جهان
 تاریخ وفات حافظ بر خور دادلو شاهی که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هفت
 شده جو بر خور دار در باغ بهشت
 تاریخ وفات شیخ هشتم دیادل نوشاهی که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هفت

تاریخ وفات میر سیف الدین مجربه والد که در سال یک هزار و یکصد و شصت و شش بود
 تاریخ وفات میر سیف الدین مجربه والد که در سال یک هزار و یکصد و شصت و شش بود
 تاریخ وفات میر سیف الدین مجربه والد که در سال یک هزار و یکصد و شصت و شش بود

تاریخ وفات میر سیف الدین مجربه والد که در سال یک هزار و یکصد و شصت و شش بود	میر سیف الدین امیر با جلال ۱۱۹۷	که چون در غلده از و سا ظهور بار دیگر نور فصل و شیخ نور
تاریخ وفات شیخ رحمت الله نوشاهی که در سال یک هزار و یکصد و شصت و شش بود	شیخ رحمت الله و لی رسیده نیز ۱۱۹۹	شد جو رحمت بر حمت حق وصل رحمت الله معبدن الانوار نبویس و بدین سخوان بشمار
تاریخ وفات شیخ نصرت الله نوشاهی که در سال یک هزار و یکصد و شصت و شش بود	نصرت الله ناصر کون و مکان ۱۱۹۹	رفت بالضررت جو در حله برین رستم عشق است سالتش کن رنتم شمس اهل غلده هم کرده طوطی
تاریخ وفات سید علی شاه قصوری که در سال یک هزار و یکصد و شصت و شش بود	سید علی شاه قصوری که در سال یک هزار و یکصد و شصت و شش بود	مقام خویش اندر غلده در زید گر با وی اکبر مست تو حمید بال رحلت آن شاه لغزید
تاریخ وفات محمد عظیم قادری که در سال یک هزار و یکصد و شصت و شش بود	محمد عظیم قادری که در سال یک هزار و یکصد و شصت و شش بود	شد نصیب عظمت از زمانه جدا نیز شیخ جلال اهل صفا بهر تر حیل آن شه اعلی
تاریخ وفات شاه سردار قادری که در سال یک هزار و یکصد و شصت و شش بود	شاه سردار قادری که در سال یک هزار و یکصد و شصت و شش بود	شد شه فدوس با صدق و صفا سال وصل شاه همچون محرم سید آدمی شیخ اسیر ارشاه
تاریخ وفات سید محمد عبدالرزاق امینور میر محمد که در سال یک هزار و یکصد و شصت و شش بود	سید محمد عبدالرزاق امینور میر محمد که در سال یک هزار و یکصد و شصت و شش بود	ذات پاکش بدو جهان طاق است

تاریخ وفات میر سیف الدین مجربه والد که در سال یک هزار و یکصد و شصت و شش بود
 تاریخ وفات میر سیف الدین مجربه والد که در سال یک هزار و یکصد و شصت و شش بود
 تاریخ وفات میر سیف الدین مجربه والد که در سال یک هزار و یکصد و شصت و شش بود

تاریخ وفات میر سیف الدین مجربه والد که در سال یک هزار و یکصد و شصت و شش بود
 تاریخ وفات میر سیف الدین مجربه والد که در سال یک هزار و یکصد و شصت و شش بود
 تاریخ وفات میر سیف الدین مجربه والد که در سال یک هزار و یکصد و شصت و شش بود

تاریخ وفات میر سیف الدین مجربه والد که در سال یک هزار و یکصد و شصت و شش بود
 تاریخ وفات میر سیف الدین مجربه والد که در سال یک هزار و یکصد و شصت و شش بود
 تاریخ وفات میر سیف الدین مجربه والد که در سال یک هزار و یکصد و شصت و شش بود

تاریخ وفات شیخ مصباح بن قادیانی لاہوری کہ در سال یکہزار و یکصد و نو ہجرت ہوا

تاریخ وفات شیخ مصباح بن قادیانی لاہوری کہ در سال یکہزار و یکصد و نو ہجرت ہوا	موتی میر عبد رزاق است
چون مصاحب بر حجت باری	یافت در بار گاہ حجت بار
چو وصالش ز میر نعمت فقر	بار دیگر ز محسن الاسرار
تاریخ ولادت و وفات سید صدر الدین حجرہ والہ کہ ولادتش در سال یکہزار و یکصد و ہشت و وفات در سنہ یکہزار و یکصد و نو ہجرت ہوا	
صدر عالم صدر دین صدر الفیضہ جلوہ گر شد از خز و کتاب علم	منظر دین مصدق فیض بن سرور اولی سید آن والاولی
باز شاہنشاہ سرور طرفہ تر	سال تولدش ز دل شد منجلی
سن وصل آن شہ عالی جناب	ست صدر الدین امیر متقی
تاریخ وفات سید صدر الدین حجرہ والہ کہ در سال یکہزار و یکصد و نو ہجرت ہوا	
باعتقاد شد جو از دار فنا	اسعد دور زمان شیخ طہور
گوشہ فیض است تاریخش در	سید الابرار با وی شیخ نور
تاریخ وفات شیخ جامع قادیانی کہ در سال یکہزار و دو صد و ہشت ہجرت ہوا	
چو جان نازہ از وصل قد ایام	شہ عالم و سگے جان محمد
وصال او بر شیخ رہنما جو	دگر فرمائے عنے جان محمد
تاریخ وفات شیخ عبد اللہ شاہ بلوچ لاہوری کہ در سال یکہزار و دو صد و ہشت ہجرت ہوا	
خالد خلد شد جو از عالم	شیخ عالم مکرم عبد اللہ
رحلتش صاحب طہور گوی	نیز مہدی اعظم عبد اللہ
تاریخ وفات شیخ محمود قادیانی لاہوری کہ در سال یکہزار و دو صد و ہشت ہجرت ہوا	
خاند و محمود چون زین ہر نیت	بر رویش باب حجت گشت باز
سال رحلتش شد از سرور عیا	مختتم محمود میر سبے نیاز
تاریخ اجابت و ہم اہل طہر	سال وصل آن ولی اہل تر از
تاریخ ولادت و وفات سید عادل شاہ گیلانی لاہوری مشہور بہ شاہ کہ ولادتش در سال یکہزار و دو صد و ہشت ہجرت ہوا	

تاریخ ولادت و وفات سید صدر الدین حجرہ والہ کہ ولادتش در سال یکہزار و یکصد و ہشت و وفات در سنہ یکہزار و یکصد و نو ہجرت ہوا

تاریخ ولادت و وفات سید صدر الدین حجرہ والہ کہ ولادتش در سال یکہزار و یکصد و ہشت و وفات در سنہ یکہزار و یکصد و نو ہجرت ہوا

تاریخ ولادت و وفات سید عادل شاہ گیلانی لاہوری مشہور بہ شاہ کہ ولادتش در سال یکہزار و دو صد و ہشت ہجرت ہوا

سید و الامراتب نیک ذات سال تولدش با قول صحیح گشت سال انتقالش جلوه گر	شاه عالم عادل دور زمان عادل دفاتر فاضل علیم آدم عیان مخوم اسرار عشق ای مهربان
تاریخ وفات سید شادی شاه لاهوری که در سال یک هزار و دویست و هشتاد و دو	نهان شد میر شادی شاه فردوس عیان شد میر شادی شاه فردوس
تاریخ وفات شاه سردار قادری لاهوری که در سال یک هزار و دویست و هشتاد و دو	آن شه جن و لشکر سردار شاه دان ولی راه بر سردار شاه
تاریخ وفات سید علی شاه لاهوری که در سال یک هزار و دویست و هشتاد و دو	حضرت سید علی شاه زمان سحر جهان فصل نورانی بدان هم شیخ نورانی
تاریخ ولادت و وفات سید سردار علی شهید حجره وال که ولادتش در سال یک هزار و دویست و هشتاد و دو	شرف و سید و شرافت و دیند بی تو کسب آن سردار ابرار دیگر بر جوان مقدس بر اخبار رقم کن مرشد حق طلب سردار
تاریخ وفات شیخ محمد فیض قادری لاهوری که در سال یک هزار و دویست و هشتاد و دو	فیض بخش از جهان جو کرد و سحر مهر فیض و مخلص عشق است باز محبوبت کے نظر آمد
تاریخ وفات شیخ امام بخش دیشی لاهوری که در سال یک هزار و دویست و هشتاد و دو	امام بخش امام جهان دانی ناز امام بخش محقق بگو بتا بخشش دیگر بر جلت او مظهر و فابرخون

شاه عالم عادل دور زمان
عادل دفاتر فاضل علیم آدم عیان
مخوم اسرار عشق ای مهربان
نهان شد میر شادی شاه فردوس
عیان شد میر شادی شاه فردوس
آن شه جن و لشکر سردار شاه
دان ولی راه بر سردار شاه
حضرت سید علی شاه زمان سحر جهان
فصل نورانی بدان هم شیخ نورانی
شرف و سید و شرافت و دیند
بی تو کسب آن سردار ابرار
دیگر بر جوان مقدس بر اخبار
رقم کن مرشد حق طلب سردار
فیض بخش از جهان جو کرد و سحر
مهر فیض و مخلص عشق است
باز محبوبت کے نظر آمد
امام بخش امام جهان دانی ناز
امام بخش محقق بگو بتا بخشش
دیگر بر جلت او مظهر و فابرخون

شاه عالم عادل دور زمان
عادل دفاتر فاضل علیم آدم عیان
مخوم اسرار عشق ای مهربان
نهان شد میر شادی شاه فردوس
عیان شد میر شادی شاه فردوس
آن شه جن و لشکر سردار شاه
دان ولی راه بر سردار شاه
حضرت سید علی شاه زمان سحر جهان
فصل نورانی بدان هم شیخ نورانی
شرف و سید و شرافت و دیند
بی تو کسب آن سردار ابرار
دیگر بر جوان مقدس بر اخبار
رقم کن مرشد حق طلب سردار
فیض بخش از جهان جو کرد و سحر
مهر فیض و مخلص عشق است
باز محبوبت کے نظر آمد
امام بخش امام جهان دانی ناز
امام بخش محقق بگو بتا بخشش
دیگر بر جلت او مظهر و فابرخون

شاه عالم عادل دور زمان
عادل دفاتر فاضل علیم آدم عیان
مخوم اسرار عشق ای مهربان
نهان شد میر شادی شاه فردوس
عیان شد میر شادی شاه فردوس
آن شه جن و لشکر سردار شاه
دان ولی راه بر سردار شاه
حضرت سید علی شاه زمان سحر جهان
فصل نورانی بدان هم شیخ نورانی
شرف و سید و شرافت و دیند
بی تو کسب آن سردار ابرار
دیگر بر جوان مقدس بر اخبار
رقم کن مرشد حق طلب سردار
فیض بخش از جهان جو کرد و سحر
مهر فیض و مخلص عشق است
باز محبوبت کے نظر آمد
امام بخش امام جهان دانی ناز
امام بخش محقق بگو بتا بخشش
دیگر بر جلت او مظهر و فابرخون

تاریخ وفات سید علی شاه لاهوری که در سال یک هزار و دویست و هشتاد و دو

شاه عالم عادل دور زمان
عادل دفاتر فاضل علیم آدم عیان
مخوم اسرار عشق ای مهربان
نهان شد میر شادی شاه فردوس
عیان شد میر شادی شاه فردوس
آن شه جن و لشکر سردار شاه
دان ولی راه بر سردار شاه
حضرت سید علی شاه زمان سحر جهان
فصل نورانی بدان هم شیخ نورانی
شرف و سید و شرافت و دیند
بی تو کسب آن سردار ابرار
دیگر بر جوان مقدس بر اخبار
رقم کن مرشد حق طلب سردار
فیض بخش از جهان جو کرد و سحر
مهر فیض و مخلص عشق است
باز محبوبت کے نظر آمد
امام بخش امام جهان دانی ناز
امام بخش محقق بگو بتا بخشش
دیگر بر جلت او مظهر و فابرخون

تاریخ وفات سید غلام نبی حجره والی که در سال یک هزار و دویصد و پنجاه و دو بمشکو بود	
رفت جوزین و هر سینه برین	حاکم دین شاه غلام نبی
گفت تاریخ وصالش خرد	طالب الله و سلام
تاریخ وفات سید قطب الا نام قطب الدین گیلانی مقیم شاهی که در سال یک هزار و دویصد و پنجاه و دو بمشکو بود	
قطب اقطاب آن سید قطب الا نام	سید قطب الدین و سلمی
سال تولدش در سنه چهارم	طرفه خورشید بنی شد منظر
رحلتش محرم و منعمت کن تم	نیز قطب الافضلین کامل و سلمی
تاریخ وفات شیخ مسلم خان لاهوری که در سال یک هزار و دویصد و پنجاه و دو بمشکو بود	
خان شیخ مسلم خان والا	بخت رفت چون بن دهر بر شود
ولی مهربان شیخ استانش	در آند جهان محبوب منظر
گنج سوم در بیان قطعات تاریخ وفات حضرات سلسله جنت نیکه	
تاریخ وفات خواجه حسن بصری رضی الله عنه که در سال یکصد و ده یا یازده یا	
خواجه دوزمین آن محقق حسن	زین صبره زینت دین مقصد او تعقی
سال وصالش قطب که اعلیٰ در آن کج بود	هم ولی احمد سالیون نادی ملک علی
مرحوم ماه دین و طاق و با حق گفتند	جاسم و الی دین و کافی و زنده ولی
بلبل گل است و سار و محب کمال است	شد و گر ماه طلال از اوج خاطر منجلی
نادی کامل محب دین و عابد پاک	و این وسیله بازگو اصل جمال از آگهی
تاریخ وفات شیخ عبدالواحد بن زید که در سال یکصد و پنجاه و دو بمشکو بود	
عبد واحد صاحب لوحه دیر	زود و یکتا شد جو آخر از زمان
معدن جو دست و عابد زنده دل	سال وصال آن شه و الا مکان
زبده دین عبد واحد کن تم	هم امام عبد واحد کن سان
نیز تاریخش بقول اهل حق	دان نقین حق من و گر قطب جان
تاریخ وفات خواجه فیض بن عباس که در سال یکصد و پنجاه و دو بمشکو بود	
فیض از فضل حق شد و در پشت	سال وصال آن شه و ارا القرا

تاریخ وفات سید غلام نبی حجره والی که در سال یک هزار و دویصد و پنجاه و دو بمشکو بود

تاریخ وفات سید قطب الا نام قطب الدین گیلانی مقیم شاهی که در سال یک هزار و دویصد و پنجاه و دو بمشکو بود

تاریخ وفات شیخ مسلم خان لاهوری که در سال یک هزار و دویصد و پنجاه و دو بمشکو بود

تاریخ وفات خواجه حسن بصری رضی الله عنه که در سال یکصد و ده یا یازده یا

تاریخ وفات شیخ عبدالواحد بن زید که در سال یکصد و پنجاه و دو بمشکو بود

تاریخ وفات خواجه فیض بن عباس که در سال یکصد و پنجاه و دو بمشکو بود

تاریخ وفات سید غلام نبی حجره والی که در سال یک هزار و دویصد و پنجاه و دو بمشکو بود

تاریخ وفات سید قطب الا نام قطب الدین گیلانی مقیم شاهی که در سال یک هزار و دویصد و پنجاه و دو بمشکو بود

تاریخ وفات شیخ مسلم خان لاهوری که در سال یک هزار و دویصد و پنجاه و دو بمشکو بود

تاریخ وفات خواجه حسن بصری رضی الله عنه که در سال یکصد و ده یا یازده یا

تاریخ وفات شیخ عبدالواحد بن زید که در سال یکصد و پنجاه و دو بمشکو بود

تاریخ وفات خواجه فیض بن عباس که در سال یکصد و پنجاه و دو بمشکو بود

تاریخ وفات سید غلام نبی حجره والی که در سال یک هزار و دویصد و پنجاه و دو بمشکو بود

تاریخ وفات سید قطب الا نام قطب الدین گیلانی مقیم شاهی که در سال یک هزار و دویصد و پنجاه و دو بمشکو بود

تاریخ وفات شیخ مسلم خان لاهوری که در سال یک هزار و دویصد و پنجاه و دو بمشکو بود

تاریخ وفات خواجه حسن بصری رضی الله عنه که در سال یکصد و ده یا یازده یا

تاریخ وفات شیخ عبدالواحد بن زید که در سال یکصد و پنجاه و دو بمشکو بود

تاریخ وفات خواجه فیض بن عباس که در سال یکصد و پنجاه و دو بمشکو بود

و شصت و دو فوات در سنه صد و پنجاه و پنج هجری بو قوم آمد

شیخ ابوالحسن طوسی در دهان
تالی حق سید محبوب
بود زایش نیز اوج کمال
حق نما بود احمد آید هم بیان
گفت دل وصلش ولی میر جلال
رحلتش نور استی احمد صفا

نور چشم احمد است زهد ا
سالی تولدش بقول اصفا
نیز آمد بصر تولیدش ندا
باز فرما احمد اصل صفا
نیز سید زنده دل صاحب صفا
باز ابوالحسن فرید آمد بجا

باریخ ولادت و فوات خواجه ابومحمد حسینی که ولادتش در سال صد و سی و یک و فوات وی در سنه چار صد و یازده هجری بو قوم آمد

بو محمد سید هر برنا و سیر
و اصل صدیق تولیدش بخوا
باز تولیدش ز سر در شد رقم
نیز گو تولید آن والا ولی
وصل او آمد محمد با حق
بسم سخوان قطب کرم ای شیخ

محمد حق دامن سر خدا
هم گو و اصل حب اصفا
زنده دل صاحب امام اولیا
سرور اسالک و سکه با صفا
رحلتش فرما محمد بشوا
نیز مطلوب کمال کتیرا

باریخ ولادت و فوات خواجه ابویوسف حسینی که ولادتش در سال صد و هفتاد و پنج و فوات در سنه چار صد و پنجاه و نه هجری بو قوم آمد

خواجه وقت دیوسف ثانی
صاحب حسن یوسف است بدن
باز سال ولادتش سیرور
رحلتش شد عیان ز عارف حق

مثل او نادر زمانه نراد
سال تولید آن شه او نادر
قطب حق یوسف آمد اندر یاد
نیز یوسف و سکه با و نراد

باریخ ولادت و فوات خواجه مود حسینی که ولادتش در سال چار صد سی و دو فوات در سنه بالصد و شصت و شصت بو قوم آمد

خواجه مود و محبوب و مود
شاه دین مود و تولیدش بگو

بود شیخ دین و سکه با صفا
بار حق مالک بفرما از عطف

شیخ ابوالحسن طوسی در دهان
تالی حق سید محبوب
بود زایش نیز اوج کمال
حق نما بود احمد آید هم بیان
گفت دل وصلش ولی میر جلال
رحلتش نور استی احمد صفا

محمد حق دامن سر خدا
هم گو و اصل حب اصفا
زنده دل صاحب امام اولیا
سرور اسالک و سکه با صفا
رحلتش فرما محمد بشوا
نیز مطلوب کمال کتیرا

خواجه وقت دیوسف ثانی
صاحب حسن یوسف است بدن
باز سال ولادتش سیرور
رحلتش شد عیان ز عارف حق

هم بخوان واسے دین مہر جاں	نیز کن تحریر فاسکے پشوا
کعبہ دین شاہ کو دود و آبد	رحلت آن بادشاہ اتقا
ارتخاش جسم رقم شد از قلم	صاحب کو دود و اسے پشوا
ہم شد محمود دین مود کو دین	انتقال او سرور والد عالم
تاریخ وفات خواجہ سرکار و توی کہ در سال باغضد جاہ مجری بود	
از جهان چون شیخ کو تو شیخ دین	رفت در دربار جنب یافت
مشقی آمد وصال پاک او	ہم دے دو جهان سرکار
تاریخ ولادت وفات خواجہ احمد حشری کہ ولادت در سال باغضد و وفات در	
شیم دین احمد کہ در بیان چشت	بود شیخ اصل حال و اصل حال
مہربان قطب زمان تولید او	عاشق احمد دے دان انتقال
تاریخ وفات شاہ محمد سمنجان حشری کہ در سال باغضد و وفات بود	
سلی رقبہ در ملک جنان رفت	جو سمنجان شاہ عالیجاہ محمود
وصالتش جوڑو اسے مشقی نیز	ز غاسے زبده دین شاہ محمود
تاریخ وفات خواجہ حاجی شریف زندگی کہ در سال ششصد و دوازده بود	
چون شرف شد با شراف بہشت	اشرف التاثر حاجی شریف
یا عرفان پر کشف آمد بیان	رحلت آن پر جاسے شریف
ہم گو مہتاب دین اصل دین	نیز کن خسر بر جاسے شریف
تاریخ وفات خواجہ عثمان مارونی حشری کہ در سال ششصد و ہفتاد بود	
از زمین چون شد براج آسمان	شیخ عثمان مقتدا اولیا
قطب وقت آمد وصال پاک او	جلوہ گر شد نیز تاج الاصفیا
تاریخ ولادت و وفات خواجہ معین الحق والدین حسن سجری کہ ولادت در سال	
باغضد و سی و ہفت و وفات در سنہ ششصد و سی و سہ مجری بود	
حسن معین الحق والدین	دلش و سن زانواری
تولیدش امام سب سے حق	وصالتش نیز اکبر سے
قطب فاسکے	

تاریخ وفات خواجہ حاجی شریف زندگی کہ در سال ششصد و دوازده بود

تاریخ ولادت و وفات خواجہ معین الحق والدین حسن سجری کہ ولادت در سال باغضد و وفات در سنہ ششصد و سی و سہ مجری بود

تاریخ وفات خواجہ حاجی شریف زندگی کہ در سال ششصد و دوازده بود

تاریخ وفات خواجہ عثمان مارونی حشری کہ در سال ششصد و ہفتاد بود

سید عالم معین الدین کے سال تولدیش بگو بد پر اسیر عہدہ دین زبندہ دل بد را لہجی نیز قطب الواصلین قطب زمین معتبر دل سال وصل استناب ہم بدان میر کرم زینتین کرد ہم دل سال وصلش طمغہ	مقتدای دین شہ ہندستان باز سرور عارف صوفی سخاوت شید عیان تولدہ آن شاہ جہان سال تولدیش بسرور شد عیان گفت قطب الاصفیا میر جہان رحلت آن میر دین جنت مکان عارف زاد معین الدین یار
قطر نامت	
معین الدین جو از فضل ہے عجب تاریخ وصلش جلوہ گر شد تاریخ ولادت و وفات خواجہ سید قطب الدین بجا رکالی اوسنی کہ ولادت در سال پانصد و ہشتاد و دو و وفات در سنہ شصت و سی و سہ ہجری و چار تو قمر	بوصل از روی گردید موصول امام حق معین الدین مقبول
جناب خواجہ قطب الدین او تولدیش رقم کن قطب عاشق وگر تاریخ وصلش یافت سرور وگر ترحیل او حبت مقام است	کہ بود او ششم و قطب شیخ و ہم ستاب سخاوت ہم عاشق ساکب دین با زقطب الدین مقدس قطب قطاب کر عالم الاسرار در باب
قطر نامے	
کریم النفس قطب دین بنے تاریخ ترحیل آن شاہ دین تاریخ وفات سلطان شمس الدین التمش کہ در سال شصت و سی و سہ ہجری پانچ تو قمر	کہ مرحوم و مقبول و منظور بود بغیر ما کہ نور علی نور بود
شمس دین برادر شاہ ملک بند شمس دین حق بین سخاوت سال وصال بندہ حق شمس دین تحریر کرد تاریخ وفات شیخ جلال الدین تبریزی کہ در سال شصت و سہ و دو تو قمر	شد جو از دنیا شد ملک جہان ہم بغیر شمس دین قطب جہان نیز شمس الاصفیا آدمی سخاوت جو جلال الدین بصد عز و جلال

سید عالم معین الدین کے سال تولدیش بگو بد پر اسیر
 عہدہ دین زبندہ دل بد را لہجی
 نیز قطب الواصلین قطب زمین
 معتبر دل سال وصل استناب
 ہم بدان میر کرم زینتین
 کرد ہم دل سال وصلش طمغہ
 مقتدای دین شہ ہندستان
 باز سرور عارف صوفی سخاوت
 شید عیان تولدہ آن شاہ جہان
 سال تولدیش بسرور شد عیان
 گفت قطب الاصفیا میر جہان
 رحلت آن میر دین جنت مکان
 عارف زاد معین الدین یار
 قطر نامت
 معین الدین جو از فضل ہے
 عجب تاریخ وصلش جلوہ گر شد
 تاریخ ولادت و وفات خواجہ سید قطب الدین بجا رکالی اوسنی کہ ولادت
 در سال پانصد و ہشتاد و دو و وفات در سنہ شصت و سی و سہ ہجری و چار تو قمر
 جناب خواجہ قطب الدین او
 تولدیش رقم کن قطب عاشق
 وگر تاریخ وصلش یافت سرور
 وگر ترحیل او حبت مقام است
 کہ بود او ششم و قطب شیخ و ہم ستاب
 سخاوت ہم عاشق ساکب دین با
 زقطب الدین مقدس قطب قطاب
 کر عالم الاسرار در باب
 قطر نامے
 کریم النفس قطب دین بنے
 تاریخ ترحیل آن شاہ دین
 تاریخ وفات سلطان شمس الدین التمش کہ در سال شصت و سی و سہ ہجری پانچ تو قمر
 شمس دین برادر شاہ ملک بند
 شمس دین حق بین سخاوت سال وصال
 بندہ حق شمس دین تحریر کرد
 تاریخ وفات شیخ جلال الدین تبریزی کہ در سال شصت و سہ و دو تو قمر
 شد جو از دنیا شد ملک جہان
 ہم بغیر شمس دین قطب جہان
 نیز شمس الاصفیا آدمی سخاوت
 جو جلال الدین بصد عز و جلال

زنده دین صاحب التوحید گو	نیر اکبر جمال الدین وصال
باریخ وفات شیخ محمد ترک ناز لوی که در سال شصده و سی و دو بود و قوم آمد	
چون محمد بزرگش کرد و عروج	سال ترحیل آن شه ذی شان
کاشف البحر کن و لا تخسر	بعد از آن منتهی محمد خان
باریخ وفات خواجہ محمد الدین حسینی که در سال شصده و پنجاه و سه بود و قوم آمد	
مخراصل زمانه محمد الدین	یافت از حق جو عز و فخر خان
خواجہ ابدال و خواجہ دالا	رخلتش خوان ز معتمد امی زمانه
باریخ وفات شیخ بدر الدین غملوی که در سال شصده و پنجاه و چهار بود و قوم آمد	
گشت روشن جو بدر دین در غلدا	سال ترحیل آن شه حق بین
کاشف راز اولیا فرما	نیز سیر سقده بدر الدین
باریخ وفات شیخ جمال الدین قطب ناموسی که در سال شصده و پنجاه و پنج بود و قوم آمد	
شد جو روشن جمال روی بهشت	از جمال کمال دین بی
جلوه گر شد بسال رحلت او	عارف حق جمال دین بی
قطعه نامی	
شد جو در جنت بعد حسن و جمال	شیخ حق امین جمال اهل فخر
بر تو انگن شد عجب سال وصال	از جمال الدین جمال اهل فخر
سال ولادت و وفات شیخ فرید الحق و الدین کاشف راز جو یعنی قدس که در سال شصده و پنجاه و شش بود و قوم آمد	
در سال بالصد و شاد و بیخ و وفات در سنه شصده و شصت و چهار یا شش یا هفتاد	
معتمد ای دین فرید الدین و سلی	زد عالم فردوس و دو جهان
گشت ظاهر حق طلب قطب الطیر	از خرد تولید آن قطب زمان
هم فرید الا اولیا سر آمد است	سرور تولید آن شاه جهان
نیز تولیدش بقول اصفیا	شد فرید الدین امین الدین جهان
بست عالم فرد عالم طرفه تر	سال تولیدش عیان شد از جهان
شد و گر همه سے فرید العالمین	سال تولیدش ندا از آسمان
عاشق حق کامل آمد جلالتش	زاهد دین بر عالم گیسوان

بدر الدین کاشف راز جو یعنی قدس که در سال شصده و پنجاه و شش بود و قوم آمد

بدر الدین کاشف راز جو یعنی قدس که در سال شصده و پنجاه و شش بود و قوم آمد

بدر الدین کاشف راز جو یعنی قدس که در سال شصده و پنجاه و شش بود و قوم آمد

<p>رحلتش گو نیز شاه دین فرید هم جنب حق فرید الدین سید باز عالی عالم قطب الحق فرید عاشق صادق و گرامی پس به کامل فرید الدین هرگز</p>	<p>سرخ نور آید و گراید وستان صوفی کامل فرید الدین بخوان بنده فرد الفرید اسی مصریان سال وصل آن شه عالمیکان سرور اسال وصالش بی گمان</p>
قطعه ثانی	
<p>مقدار سے یقین فرید الدین عمدہ دین فرید حق گفتہ زبدہ دین فرید دھند آمد سال ترسیل او خود فرمود قطب دوران فرید شد مدد بنده حق فرید قطب الہند</p>	<p>فرد اہل جہان و سلسلے زمان سال تولید آن شه ذمی شان نیز سال ولادتش بڑ بان سب سے فرید ہر دو جہان رحلت آن شہنشاہ دوران وصل او گفت سرور نادان</p>
قطعه ثالث	
<p>فرید دین فرید بد جملہ عالم فرید الہند قطب ملک فرما سجوان وصالش فرید الدین سلام</p>	<p>شہ فرخ تقاضہ خندہ آمین نی تولید پاک آن شه دین در سالک فرید الدین حق ہر دو</p>
قطعه رابع	
<p>سیرت سیکر گنج فرید زمان سالک سعود فرید اہست سال وصالش جو بختیم زدل</p>	<p>حضرت سعود و سیکر سعید مادہ تولید و سے از دل پدید گفت بگو با دستہ دین فرید</p>
قطعه خامس	
<p>فرد دنیا و دین فرید الدین رحلتش بندہ خدا سجوان تا رخ وفات شیخ جنب الدین محمود شوکل کہ گویا سال ششصد و ہفتاد و یک توہم</p>	<p>فرد و یکتا بقرب وصل رسید ہم بدان فرد دین فرید وجد از توکل یافت با حق القبال</p>
<p>چون جنب الدین متوکل جنب</p>	<p>از توکل یافت با حق القبال</p>

فرید الدین فرید الدین
 رحلتش گو نیز شاه دین فرید
 ہم جنب حق فرید الدین سید
 باز عالی عالم قطب الحق فرید
 عاشق صادق و گرامی
 پس به کامل فرید الدین هرگز

سرور اسال وصالش بی گمان
 سال وصل آن شه عالمیکان
 بنده فرد الفرید اسی مصریان
 صوفی کامل فرید الدین بخوان
 سرخ نور آید و گراید وستان

فرید الدین فرید بد جملہ عالم
 فرید الہند قطب ملک فرما
 سجوان وصالش فرید الدین سلام

حضرت سعود و سیکر سعید
 مادہ تولید و سے از دل پدید
 گفت بگو با دستہ دین فرید

فرید دنیا و دین فرید الدین
 رحلتش بندہ خدا سجوان
 تا رخ وفات شیخ جنب الدین محمود شوکل کہ گویا سال ششصد و ہفتاد و یک توہم

چون جنب الدین متوکل جنب
 از توکل یافت با حق القبال

این کتاب در بیان فضیلت و مناقب ائمه و اولاد علی بن ابی طالب علیه السلام است و در بیان سیرت و اخلاق آن بزرگواران است و در بیان مناقب و فضیلت آن بزرگواران است و در بیان مناقب و فضیلت آن بزرگواران است

باز محمود و عاقبت کردم خیال	راست گفتم رایی بیخ او
قطب دین سوسن آمد قرن سال	نیز صبر انتقال آفتاب
تا رخ وفات شیخ نظام الدین ابوالموید که در سال شصده و هفتاد و دو بودم	چون نظام الدین بعد نظم و نظام
تا رخ وفات شیخ محمد الدین صوفی ناگوری که در سال شصده و هفتاد و دو بودم	کمال آسرف بگو تاریخ او
صاف صاف از دهر در جنت رسید	چون محمد الدین صوفی باصفا
ساکت و روان حمید الدین سعید	مست قطب لغاتشین سانش و گر
تا رخ وفات قاضی حمید الدین ناگوری که در سال شصده و هفتاد و دو بودم	چون حمید الدین صوفی العاقبت
یافت جامی عیش و عیش حید	گشت سیال اشقاش جلوه گر
تاج اهل دین ولی القه حمید	هم حمید الدین و کله بد رنبر
گشت وصلش از دل سروریدید	بیس رقم کردم جمال العاقبت
ارشمال آن شده و الا سعید	تا رخ وفات شیخ عبد الغزیز علی ناگوری که در سال شصده و هفتاد و دو بودم
عزت دین متقی عبد الغزیز	شد جو با عزت ازین دولت سرا
باز شاه دین علی عبد الغزیز	محر عرفان اهل دل کور ملتش
تا رخ وفات امام علی لائق سیالگوئی که در سال شصده و هفتاد و دو بودم	علی اعلی القبت شیخ علی
چو شد در جنت فرودس و ا	علی شاه کریم آمد و صفاش
دگر فرماست علی سرور عالی	تا رخ وفات شیخ محمود برهان الدین ابو الخیر اسعد لبغی که در سال شصده و هفتاد و دو بودم
شیخ عالم مقتدر ابراهان دین	چون بعد برهان فصالی غلبه با
هم و کله بشو ابراهان دین	ر ملتش سرور دین حسن بگو
تا رخ وفات خواجه علاء الدین علی احمد صابر حنقی که در سال شصده و نو و دو بودم	تا رخ وفات خواجه علاء الدین علی احمد صابر حنقی که در سال شصده و نو و دو بودم

این کتاب در بیان فضیلت و مناقب ائمه و اولاد علی بن ابی طالب علیه السلام است و در بیان سیرت و اخلاق آن بزرگواران است و در بیان مناقب و فضیلت آن بزرگواران است و در بیان مناقب و فضیلت آن بزرگواران است

این کتاب در بیان فضیلت و مناقب ائمه و اولاد علی بن ابی طالب علیه السلام است و در بیان سیرت و اخلاق آن بزرگواران است و در بیان مناقب و فضیلت آن بزرگواران است و در بیان مناقب و فضیلت آن بزرگواران است

این کتاب در بیان فضیلت و مناقب ائمه و اولاد علی بن ابی طالب علیه السلام است و در بیان سیرت و اخلاق آن بزرگواران است و در بیان مناقب و فضیلت آن بزرگواران است و در بیان مناقب و فضیلت آن بزرگواران است

این کتاب در بیان فضیلت و مناقب ائمه و اولاد علی بن ابی طالب علیه السلام است و در بیان سیرت و اخلاق آن بزرگواران است و در بیان مناقب و فضیلت آن بزرگواران است و در بیان مناقب و فضیلت آن بزرگواران است

صاحب روشا که علاء الدین علی احمد کوهلی احمد علاء الدین صاحب ابرو	شده در جنت بسال طنش بقبل تها هم علاء الدین صاحب صاوق آمد از تها
قطعه ناست	
با هزاران صبر چون بن هر رفت سال ترحمیش ز سر و رشده عیاره هم بخوان صابر سراج لظا لبعز	حضرت صابر پوکے اصل جاہ مادری و محبوب صابر بادشاہ تا شود روشن و صالح مثل ماه
قطعه ثالث	
جو صابر و سکه جهان کان صبر ز محذوم جو سال ترحیل او	شده رونق افزای سجدہ قدیم بغداد گرسختی سلیم
قطعه رابع	
معدن صبر صابر اکبر مرشد اسلم دین و سکه فرما	شد بخت وصال این حق مبر هم بخوان آفتاب اسلم نظر
تاریخ وفات شیخ بدر الدین بن سحاق حشتی که در سال شصت و دو و هجری بود	
بدر دین چون گشت روشن مثل سراج بدر کامل مهدی دین بدر دین است	در سخنان تاریخ اوبی قال و قیل بار دیگر شاه بدر الدین جیل
تاریخ وفات شیخ سید محمد بن حشتی که در سال شصت و پنج و هجری بود	
مطلع نور سخاوت بخت کاشف حق صوفی آمد نظر مفتدای علم شد از دل میان سرور امیر محبت کرن تسم	شده چون روشن از فنا اندر بقا بدر مہدی کامل مقتدا کاشف مرحوم گشت از جان ندا رحلت آن شاه عالم و ارجا
تاریخ وفات سید محمد بن محمود که ماسک حشتی که در سال شصت و شش و هجری بود	
محمد بن محمود آن مرد کرمانش عالم رزم شد مرشد الکومین هم سگلتا سا	بطل شمع شد روشن جو اندر با مروت دگر باره محمود سید سر کرمانی
تاریخ وفات شیخ شمس الدین ترک بانی که در سال شصت و شش و هجری بود	
مظلم حق شمس این نور نظیر شد چو از دنیا با شش مدعا	

صاحب روشا که علاء الدین علی احمد کوهلی احمد علاء الدین صاحب ابرو
 شد در جنت بسال طنش بقبل تها هم علاء الدین صاحب صاوق آمد از تها
 با هزاران صبر چون بن هر رفت سال ترحمیش ز سر و رشده عیاره هم بخوان صابر سراج لظا لبعز
 حضرت صابر پوکے اصل جاہ مادری و محبوب صابر بادشاہ تا شود روشن و صالح مثل ماه
 جو صابر و سکه جهان کان صبر ز محذوم جو سال ترحیل او
 شد بخت وصال این حق مبر هم بخوان آفتاب اسلم نظر
 تاریخ وفات شیخ بدر الدین بن سحاق حشتی که در سال شصت و دو و هجری بود
 بدر دین چون گشت روشن مثل سراج بدر کامل مهدی دین بدر دین است
 در سخنان تاریخ اوبی قال و قیل بار دیگر شاه بدر الدین جیل
 تاریخ وفات شیخ سید محمد بن حشتی که در سال شصت و پنج و هجری بود
 مطلع نور سخاوت بخت کاشف حق صوفی آمد نظر مفتدای علم شد از دل میان سرور امیر محبت کرن تسم
 شد چون روشن از فنا اندر بقا بدر مہدی کامل مقتدا کاشف مرحوم گشت از جان ندا رحلت آن شاه عالم و ارجا
 تاریخ وفات سید محمد بن محمود که ماسک حشتی که در سال شصت و شش و هجری بود
 محمد بن محمود آن مرد کرمانش عالم رزم شد مرشد الکومین هم سگلتا سا
 بطل شمع شد روشن جو اندر با مروت دگر باره محمود سید سر کرمانی
 تاریخ وفات شیخ شمس الدین ترک بانی که در سال شصت و شش و هجری بود
 مظلم حق شمس این نور نظیر شد چو از دنیا با شش مدعا

در سال شصت و شش و هجری بود
 در سال شصت و شش و هجری بود
 در سال شصت و شش و هجری بود
 در سال شصت و شش و هجری بود

نظام الدین نظام دین احمد
تولیدش ز دل آید بودا
و گرنادی حق بدر میر است
رغم شد سن و سال انتقالش
عظیم الشان دان سال وصالش

نظام الدین نظام دین احمد	ولی محبوب حق حق گو و حق مزین
تولیدش ز دل آید بودا و گرنادی حق بدر میر است	که محبوب الهی سرور دین تولیدش بگو ایسه فرخ آیین
رغم شد سن و سال انتقالش عظیم الشان دان سال وصالش	فرد ملک سلطان السلاطین حلیفه کن بیان بانیت تزئین
تاریخ وفات خواجه امیر خسرو دهلوی که در سال مفسده دست پنجم بود ۱۶۰۶	تاریخ وفات خواجه امیر خسرو دهلوی که در سال مفسده دست پنجم بود ۱۶۰۶
خواجه خسرو امیر و جهان رحلت او اشرف الاطاب	یافت مثل گل جو در جنت مقام نیز فرما بسلسل شیرین کلام
قطعه ناستی	
ان امیر اولیا و ان خسرو ملک قبا عند لیب دل زجبر است حال پاکا	شد جوزین دار الخراج کن کل گفت زبا طوطی گوینده مشغول
تاریخ وفات شیخ وجیه الدین یوسف حسینی که در سال مفسده دست دهم بود ۱۶۰۶	تاریخ وفات شیخ وجیه الدین یوسف حسینی که در سال مفسده دست دهم بود ۱۶۰۶
مصر دنیا گذشت اخسدر کار یوسف عاقبت بگو سالتش	یعنی هر کس که در دنیا هم سخنان بود یوسف تانی
تاریخ وفات میر حسن عسکری سمرقانی که در سال مفسده دست ششم بود ۱۶۰۶	تاریخ وفات میر حسن عسکری سمرقانی که در سال مفسده دست ششم بود ۱۶۰۶
چون حسن حسن شه اهل جمال رحلتش حسن حقیقت شد بیان	باکمال حسن در جنت رسید سید مرشد حسن آید بید
تاریخ وفات مولانا ضیاء الدین برنی که در سال مفسده دست هفتم بود ۱۶۰۶	تاریخ وفات مولانا ضیاء الدین برنی که در سال مفسده دست هفتم بود ۱۶۰۶
جلوه گر در جنت الفردوس شد رحلتش مخدوم احمد کن تم وصل او ابر سعادت گفته ام	چون ضیاء الدین لصد نور دنیا بار دیگر بر رسته بار سا
تاریخ وفات شیخ برهان الدین عربی که در سال مفسده و جهل و یک بود ۱۶۰۶	تاریخ وفات شیخ برهان الدین عربی که در سال مفسده و جهل و یک بود ۱۶۰۶
چو شد برهان دین برهان جنت فرد فرود عاشق حبس حق	عجب سال وصال اود به شهور در اهل صفای برهان دین پر
وفات شیخ حسام الدین سوخته چینی که در سال مفسده و جهل و یک بود ۱۶۰۶	وفات شیخ حسام الدین سوخته چینی که در سال مفسده و جهل و یک بود ۱۶۰۶

نظام الدین نظام دین احمد
تولیدش ز دل آید بودا
و گرنادی حق بدر میر است
رغم شد سن و سال انتقالش
عظیم الشان دان سال وصالش
تاریخ وفات مولانا ضیاء الدین برنی که در سال مفسده دست هفتم بود ۱۶۰۶
تاریخ وفات میر حسن عسکری سمرقانی که در سال مفسده دست ششم بود ۱۶۰۶
تاریخ وفات شیخ حسام الدین سوخته چینی که در سال مفسده و جهل و یک بود ۱۶۰۶
تاریخ وفات مولانا ضیاء الدین برنی که در سال مفسده دست هفتم بود ۱۶۰۶
تاریخ وفات میر حسن عسکری سمرقانی که در سال مفسده دست ششم بود ۱۶۰۶
تاریخ وفات شیخ حسام الدین سوخته چینی که در سال مفسده و جهل و یک بود ۱۶۰۶

نظام الدین نظام دین احمد
تولیدش ز دل آید بودا
و گرنادی حق بدر میر است
رغم شد سن و سال انتقالش
عظیم الشان دان سال وصالش

نظام الدین نظام دین احمد
تولیدش ز دل آید بودا
و گرنادی حق بدر میر است
رغم شد سن و سال انتقالش
عظیم الشان دان سال وصالش

چون حاتم الدین زودینار حضرت عاشق الله صدیق آفتاب است	سال وصل آن و سالی متقی هم حاتم الدین سید جنتی
تاریخ وفات شیخ عزیز الدین صوفی که در سال مقصد و جهل و تکب بود قرق آمد	عزفد برین عظیم زید الدین هم سخوان فتح دین عزیز الدین
تاریخ وفات شیخ شمس الدین محی حشمتی قدس سره که در سال مقصد و جهل و تکب بود قرق آمد	شش بن ماه اوج برج کمال رعلتش عاید سالی آمد
تاریخ وفات ملک ده احمد حشمتی قدس سره که در سال مقصد و جهل و تکب بود قرق آمد	جلوه گر شد جو در بهشت برین شد عیان ماه بدر شمس کدین
تاریخ وفات و سالی عابد و قهار مست مهدی محمد م تارخ	شد جو در طلع سالی حامی کبر گشت ثانی است احمد و سنگه
تاریخ وفات مولانا فخر الدین کراچی حشمتی که در سال مقصد و جهل و تکب بود قرق آمد	جوشید فخر جهان با عزت و جفا نه حبت است سال انتقالش
تاریخ وفات شیخ ضیاء الدین کلبی که در سال مقصد و پنجاه و یک بود قرق آمد	ولی فخر جهان محمد و محبوب وگر باره سخوان محمد و محبوب
چون ضیاء الدین بصد نور و ضیاء واقف اسرار اسل الله دن باز سخوان محمد و سالی جلتش	رفت در جنت وصالش ای نیز مرشد نادمی عالم ولی هم و سالی دین کمال سالی
تاریخ وفات شیخ فرید الدین ناگوری که در سال مقصد و پنجاه و دو بود قرق آمد	چون فرید الدین و سالی فرید بند و حاضر است سال رعلتش
تاریخ وفات کمال الدین که در سال مقصد و پنجاه و شش بود قرق آمد	شد کمال الدین جو با نور کمال رحمت حق گشت روشن رعلتش
تاریخ وفات شیخ نصیر الدین محمود چراغ و بلوی که در سال مقصد و پنجاه و دو	چون مه کمال فرودس برین باز دیگر سالی دین

تاریخ وفات مولانا فخر الدین کراچی حشمتی که در سال مقصد و جهل و تکب بود قرق آمد

تاریخ وفات مولانا فخر الدین کراچی حشمتی که در سال مقصد و جهل و تکب بود قرق آمد

تاریخ وفات مولانا فخر الدین کراچی حشمتی که در سال مقصد و جهل و تکب بود قرق آمد

تاریخ وفات مولانا فخر الدین کراچی حشمتی که در سال مقصد و جهل و تکب بود قرق آمد

بانبجاء و مفت بر قوع آمد

گشت چون جلوه گر نصیر الدین	بجنان چون چراغ بر انوار
بهت هتتاب بر دست	سال تو حیل آن شه ابرار
کن رقم نیز بر هر فردوس	تا شود سال رحلتش انظار
قبله حق نصیر دین محسود	سال وصلش بخوان تو با مکرار
بانه محبوب بر اکبر	هم گویو بر سید و سر دار
کن رشم باز رحلت آن شاه	طالب الله واقف اسرار
باز صدیق حق نصیر الدین	گفت دل سال رحلتش ای یا
شاه نامی نصیر شد سحر	رحلت پاک او سر و رزار
تاریخ وفات شیخ اخی سراج الدین	حشبی که در میان مقصد و بجاه و ش
چون سراج الدین سراج الدین	جلوه گر شد منسل مد اندر جنا
عارف احمد سراج الدین	هم سبک معترف تاریخ آن
عارف سیرد و بار کن رقم	ساک محسوم سراج الدین خوان
تاریخ وفات شیخ صدر الدین	در سال مقصد و بجاه و نه بر قوع آمد
صدر دنا و دین و سبک جهان	شد جو بر صدر رخلد صدر شیر
شاه جنت گو تا بخشش	هم سخنان شاه دین صدر الدین
تاریخ وفات شیخ قطب الدین نور قدس سره که در میان مقصد و بخت بود	قطب عالم قطب دین قطب اختر
قطب جنت شد جو با صد عروبا	قطب دنیا آفتاب اهل دین
سال ترجمینش شد از فلک	سال وصل آن شه خلوت نشین
هم سخنان مظهر نور قطب حق	تاریخ وفات شیخ سعید الدین
چو در اقلیم جنت یافت شاهی	مستقین اسل اعانت پر مغفور
سعید الدین سوکل رقم کرد	تبار سخیش جو سه در گشت مامور
وگر تاریخ ترجمینش همان شد	سعید الدین کامل مطلع نور
تاریخ وفات شیخ علاء الدین علی قدس سره که در میان مقصد و بخت بود	مستقین اسل اعانت پر مغفور

تاریخ وفات شیخ اخی سراج الدین
 تاریخ وفات شیخ صدر الدین
 تاریخ وفات شیخ قطب الدین نور قدس سره که در میان مقصد و بخت بود
 تاریخ وفات شیخ سعید الدین
 تاریخ وفات شیخ علاء الدین علی قدس سره که در میان مقصد و بخت بود

تاریخ وفات شیخ اخی سراج الدین
 تاریخ وفات شیخ صدر الدین
 تاریخ وفات شیخ قطب الدین نور قدس سره که در میان مقصد و بخت بود
 تاریخ وفات شیخ سعید الدین
 تاریخ وفات شیخ علاء الدین علی قدس سره که در میان مقصد و بخت بود

تاریخ وفات شیخ اخی سراج الدین
 تاریخ وفات شیخ صدر الدین
 تاریخ وفات شیخ قطب الدین نور قدس سره که در میان مقصد و بخت بود
 تاریخ وفات شیخ سعید الدین
 تاریخ وفات شیخ علاء الدین علی قدس سره که در میان مقصد و بخت بود

تاریخ وفات شیخ عبد القدر جنبتی که در سال مفقوده شده و زیاده و دیگر وقوع آن	
چون باکر ام خداوندی فصل لایزال	رفت از دایره القضا در غلذ عالی معتقد
صاحب مخدوم شد و صلش در باره خود	گفت ما اولی معتقد فرموده الی معتقد
تاریخ وفات شیخ علاء الدین علاء الحق بن سعد لاهوری نکالی که در سال مفقوده بود	
بجز دوس معلی شد علاء الدین جوارحاک	زردیش زینت تازه بجز ارجان آمد
معلی بر علاء الحق و الدین انارخیز	در دالی علاء الحق و لعلت بیان آمد
تاریخ وفات شیخ حسام الدین فتح یوری که در سال مفقوده بود	
شد چون اصل بوصول حقانی	شیم دین بی حسام الدین
گفت سر در سال رحلت او	شاه مرد وی بی حسام الدین
تیز دان مستی قطب الحق	هم در لای حسام الدین
تاریخ وفات میرزا شرف جهانگیر بهمانی که در سال مفقوده شد و منت بود	
مشرقت گشت با لغت جنت	چو شیم اشرف آن میر شرف
شرف الاوقات آمد ارتحالش	دو بار اراه بر قطب جهانگیر
در کردم رقم در سال رحلت	امام مومنان نسیر جهانگیر
بنوان سالک صالحش بار دیگر	بکمل عارف و الاجان گیر
ولی مبدد میر جنت آمد	چو شد وصلش نوک خانه تحریر
وصلش و اصل کامل شریف است	اگر خواهد که بکن ای یار تقریر
تاریخ وفات شیخ احمد تهماسبی که در سال مفقوده شد و نسبت بود	
شیخ دین احمدی احمدی	شد جوار دنیا سبحانیت النعیم
سبت مخدوم کمال رحلتش	هم محمد مستی عابد سلیم
تاریخ وفات شیخ فتح الله اودهی که در سال مفقوده شد و نسبت بود	
چو فتح الله از حق یافت مضمون	بمصلح لطف حسی باب
امام اولی صاحب سلسله	دو باره نور دین قلیح الوداد
تاریخ وفات شیخ حسین الدین قبال که در سال مفقوده شد و نسبت بود	
چو حسین الدین ولی عین تحقیق	که ذات عین و عین عین بود

این کتاب در سال ۱۰۰۰ هجری قمری در شهر لاهور در روز شنبه ۱۳ ذی القعدة در وقت عصر در کتبخانه حضرت امیر خسرو در دسترس بود و در آن روز در این کتاب...

این کتاب در سال ۱۰۰۰ هجری قمری در شهر لاهور در روز شنبه ۱۳ ذی القعدة در وقت عصر در کتبخانه حضرت امیر خسرو در دسترس بود و در آن روز در این کتاب...

این کتاب در سال ۱۰۰۰ هجری قمری در شهر لاهور در روز شنبه ۱۳ ذی القعدة در وقت عصر در کتبخانه حضرت امیر خسرو در دسترس بود و در آن روز در این کتاب...

این کتاب در سال ۱۰۰۰ هجری قمری در شهر لاهور در روز شنبه ۱۳ ذی القعدة در وقت عصر در کتبخانه حضرت امیر خسرو در دسترس بود و در آن روز در این کتاب...

فصل اول در بیان فضیلت ائمه و اولاد آل محمد
 در بیان فضیلت ائمه و اولاد آل محمد که در این کتاب مذکور است و در بیان فضیلت ائمه و اولاد آل محمد که در این کتاب مذکور است و در بیان فضیلت ائمه و اولاد آل محمد که در این کتاب مذکور است

ز نور العین عین الدین مسعود زول سال وصالش گشت موجود	ز دنیا شد بجهت سال وصالش هم عین الدین ولی مادی قابل
تاریخ ولادت و وفات میرسعید محمد کیسودر از که ولادتش در سال مشقده ست و وصال آن با کمال در سنه مشقده و بست و پنج بودم	اشرف اولاد آل مرتضی مادی محبوب آل بو تراب نیز تاج اولیا صدیق دین زیب تاج عارفان و صلحش بخوان سرور اخوندوم حق آگاه گو
شیخ دین سعید محمد پیشوا کن رتسم تولد آن شاهدا باز رسد دین محمد مقدا هم رتسم کن بادشاه انبیا تأیر آید بصر و صلحش مدیعا	تاریخ وفات شیخ احمد عبدالحق و ولادتش حقیقی که در سال مشقده می باشد بودم
عبدحق مکر حقیقت ماه حق حق شده مسعود حق آگاه حق سال وصال او بگو از راه حق نیز حق حق رسد مای راه حق بس دلی الله بر حق شاه حق	چون بوصول حق بحق موصول شد رحلت پاکش ز سرور شد عیار مقدامی اهل حق کامل و سلی باز شاه شاه حق مادی و سلی هم طیل حق موحس گفته اند
تاریخ وفات شیرخان مسعود یک حقیقی که در سال مشقده و سنی و شنش بودم آمد	شیرخان شیر مشه و حسب رحلتش گو امام دین محمد دوم
یافت چون وصل ذات سبحانی نیز شیر و کسب تر دانستنی	تاریخ وفات شیخ توأم الدین حقیقی و سرور دمی که در سال مشقده و جهل بودم
قیام خویش در فردوس سلی سعی حق بین و محمد دم معلی وصال آن شه محبوب سلی	توأم الدین چو از فضل صدای حقیقت وصالش گفت دل سلطان محمد دم وگر میر شرف و بدر غلده است
تاریخ وفات شیخ سارنگ حقیقی و سرور دمی که در سال مشقده و جهل بودم	چو سارنگ از جهان رحمت مغرب وصالش عارف مکرمل آمد
بجنت شد بفضل ذوالجلالی وگر گفتند که محمد دم حاکم	

فصل دوم در بیان فضیلت ائمه و اولاد آل محمد
 در بیان فضیلت ائمه و اولاد آل محمد که در این کتاب مذکور است و در بیان فضیلت ائمه و اولاد آل محمد که در این کتاب مذکور است و در بیان فضیلت ائمه و اولاد آل محمد که در این کتاب مذکور است

در بیان فضیلت ائمه و اولاد آل محمد که در این کتاب مذکور است و در بیان فضیلت ائمه و اولاد آل محمد که در این کتاب مذکور است و در بیان فضیلت ائمه و اولاد آل محمد که در این کتاب مذکور است

فصل سوم در بیان فضیلت ائمه و اولاد آل محمد
 در بیان فضیلت ائمه و اولاد آل محمد که در این کتاب مذکور است و در بیان فضیلت ائمه و اولاد آل محمد که در این کتاب مذکور است و در بیان فضیلت ائمه و اولاد آل محمد که در این کتاب مذکور است

کتابخانه
 شماره کتاب
 ۵۹

در بیان فضیلت ائمه و اولاد آل محمد که در این کتاب مذکور است و در بیان فضیلت ائمه و اولاد آل محمد که در این کتاب مذکور است و در بیان فضیلت ائمه و اولاد آل محمد که در این کتاب مذکور است

تاریخ وفات قاضی شهاب الدین دولت آبادی که در سال مشقده و جهل و جهل هفتاد و دو	
چو بر اوج جهان شد بر تو فلک	شهاب الدین و سلفی عالی مد علم
وصالتش کن بر تو قیر سلام	و گزینا شهاب الدین شلم علم
تاریخ وفات میرزا آقچه چشتی که در سال مشقده و جهل و نه و تو قومه	
دست خدا میرزا آقچه	سرور دین راه بر راه حق
رخیت جو گو مرد خدا رحلتش	نزد آقچه شهباناه حق
تاریخ وفات شیخ نور الدین قطب عالم بنگالی که در سال مشقده و پنجاه و یک سال	
چو نور الدین بصد انوار و اسرار	منور شد بفر و وس سطر
نگو تاریخ آو شمس الهدایا	و گزینا قطب الهدایا و سطر
ز مخدوم الملک رحلتش جو	دو بار از رحمت کن هویدا
حسب ذوالجلال آمد وصالش	و گزینا مست کامل گشت میدا
تاریخ وفات شیخ علاء الدین قریشی حقی که در سال مشقده و پنجاه و سه و تو قومه	
جای اعلی سجد عالی هفت	چون شه مقتدا علاء الدین
ست دیدار خلد نام سخیش	هم و سلفی خدا علاء الدین
تاریخ وفات شیخ کبیر حشتی قدس سره که در سال مشقده و پنجاه و هشت و تو قومه	
جو بگرفت در خلد اگر مقام	کبیر آن شه و سر بر ناوسه
وصالتش شده بجز رحمت رو	و گزینا اهل جنت کبیر
تاریخ ولادت و وفات شیخ ابو الفتح جون پوری که ولادتش در سال مشقده و هفتاد و دو و وفات در سنه مشقده و پنجاه و هشت و تو قومه	
ولی مفتاح دین مادی ابو الفتح	که ذائقش بر سر راه صواب است
ولی چون نما ابو الفتح سرور	لی تاریخ تو لیدش خطاب است
ز بهر آرزو تحالش با لقب غیب	گفتا نور حق فتاح باب است
تاریخ وفات شیخ عارف حشتی صابری که در سال مشقده و پنجاه و نه و تو قومه	
لقرب میرفت اندر جهان هفت	چو عارف شیخ عارف و افتاح حق
بجو مجذوب حق سالتش دو بار	ز قطب الحق معسک عارف حق

تاریخ وفات قاضی شهاب الدین دولت آبادی که در سال مشقده و جهل و جهل هفتاد و دو
 چو بر اوج جهان شد بر تو فلک
 وصالتش کن بر تو قیر سلام
 تاریخ وفات میرزا آقچه چشتی که در سال مشقده و جهل و نه و تو قومه
 دست خدا میرزا آقچه
 رخیت جو گو مرد خدا رحلتش
 تاریخ وفات شیخ نور الدین قطب عالم بنگالی که در سال مشقده و پنجاه و یک سال
 چو نور الدین بصد انوار و اسرار
 نگو تاریخ آو شمس الهدایا
 ز مخدوم الملک رحلتش جو
 حسب ذوالجلال آمد وصالش
 تاریخ وفات شیخ علاء الدین قریشی حقی که در سال مشقده و پنجاه و سه و تو قومه
 جای اعلی سجد عالی هفت
 ست دیدار خلد نام سخیش
 تاریخ وفات شیخ کبیر حشتی قدس سره که در سال مشقده و پنجاه و هشت و تو قومه
 جو بگرفت در خلد اگر مقام
 وصالتش شده بجز رحمت رو
 تاریخ ولادت و وفات شیخ ابو الفتح جون پوری که ولادتش در سال مشقده و هفتاد و دو و وفات در سنه مشقده و پنجاه و هشت و تو قومه
 ولی مفتاح دین مادی ابو الفتح
 ولی چون نما ابو الفتح سرور
 ز بهر آرزو تحالش با لقب غیب
 تاریخ وفات شیخ عارف حشتی صابری که در سال مشقده و پنجاه و نه و تو قومه
 لقرب میرفت اندر جهان هفت
 بجو مجذوب حق سالتش دو بار
 تاریخ وفات قاضی شهاب الدین دولت آبادی که در سال مشقده و جهل و جهل هفتاد و دو
 چو بر اوج جهان شد بر تو فلک
 وصالتش کن بر تو قیر سلام
 تاریخ وفات میرزا آقچه چشتی که در سال مشقده و جهل و نه و تو قومه
 دست خدا میرزا آقچه
 رخیت جو گو مرد خدا رحلتش
 تاریخ وفات شیخ نور الدین قطب عالم بنگالی که در سال مشقده و پنجاه و یک سال
 چو نور الدین بصد انوار و اسرار
 نگو تاریخ آو شمس الهدایا
 ز مخدوم الملک رحلتش جو
 حسب ذوالجلال آمد وصالش
 تاریخ وفات شیخ علاء الدین قریشی حقی که در سال مشقده و پنجاه و سه و تو قومه
 جای اعلی سجد عالی هفت
 ست دیدار خلد نام سخیش
 تاریخ وفات شیخ کبیر حشتی قدس سره که در سال مشقده و پنجاه و هشت و تو قومه
 جو بگرفت در خلد اگر مقام
 وصالتش شده بجز رحمت رو
 تاریخ ولادت و وفات شیخ ابو الفتح جون پوری که ولادتش در سال مشقده و هفتاد و دو و وفات در سنه مشقده و پنجاه و هشت و تو قومه
 ولی مفتاح دین مادی ابو الفتح
 ولی چون نما ابو الفتح سرور
 ز بهر آرزو تحالش با لقب غیب
 تاریخ وفات شیخ عارف حشتی صابری که در سال مشقده و پنجاه و نه و تو قومه
 لقرب میرفت اندر جهان هفت
 بجو مجذوب حق سالتش دو بار

۵۶
 کرم گزینا

تاریخ وفات شیخ ابو الفتح حمای قرشی کالیوسی که در سال مشفق و شفیق بود و تو	
جوان اهل یقین یاد می ابو الفتح	تاریخ وفات شیخ چاراحتی که در سال مشفق و شفیق بود و تو
بگفتا میردین یاد می ابو الفتح	چو شد کیا بجز دوس سگ
تو از سر حد او صدش بچو نیز	تو از سر حد او صدش بچو نیز
تاریخ وفات شیخ محمد المشهور شیخ میاجتی و سه روز در...	
محمد شاه دین مقبول احمد	چو کس یافت اندر قصر محمود
و اگر مز با خلیل حق محسنه	وصالتش کن بیان محمد و محمد
وصال آن شه حق بن بر آمد	ز شمس عشق باز از گلشن عشق
تاریخ وفات شیخ محمد الدین ظاهری که در سال مشفق و مشاهد بود و تو	
و سال پاک آن شور شد ایام	چو شمس الدین بخت شد نمود
و دوبار از انبوه گرد شد شمع عترت	با دل گشت روشن باج عترت
تاریخ وفات شاه جلال الدین لحرانی که در سال مشفق و مشاهد بود و تو	
شیخ و الا جلال عالمه جاه	بتد جو با صده جلال در جنت
داسه حق جلال شاه	فاخر آمد ز دل و عماشش نتر
تاریخ وفات شیخ کاکوشینی لاموری که در سال مشفق و مشاهد بود و تو	
چو شاهنشاه و الایاه کاکو	حکومت یافت در اقله فردوس
دو بار شاه اکبر شاه کاکو	رغم شد احسن الا سلاق ساشر
تاریخ وفات شیخ حمام الدین مانگ بوری که در سال مشفق و مشاهد بود و تو	
کرد سال وصل این اهل یقین	چون جوامم از دهر در بخت مقام
هادی مشکلات مطلوب دین	صاحب محمد دم کامل گود و نیز
تاریخ وفات شیخ الدین خیر آبادی که در سال مشفق و مشاهد بود و تو	
سعد دین سعد سعید امین	شده جو با صده بیادته از دنیا
کانت حق سعد سعید الدین	است هر طریقی سعادش نیز

که در سال مشفق و مشاهد بود و تو
 در روز وفات او...
 در روز وفات او...
 در روز وفات او...
 در روز وفات او...

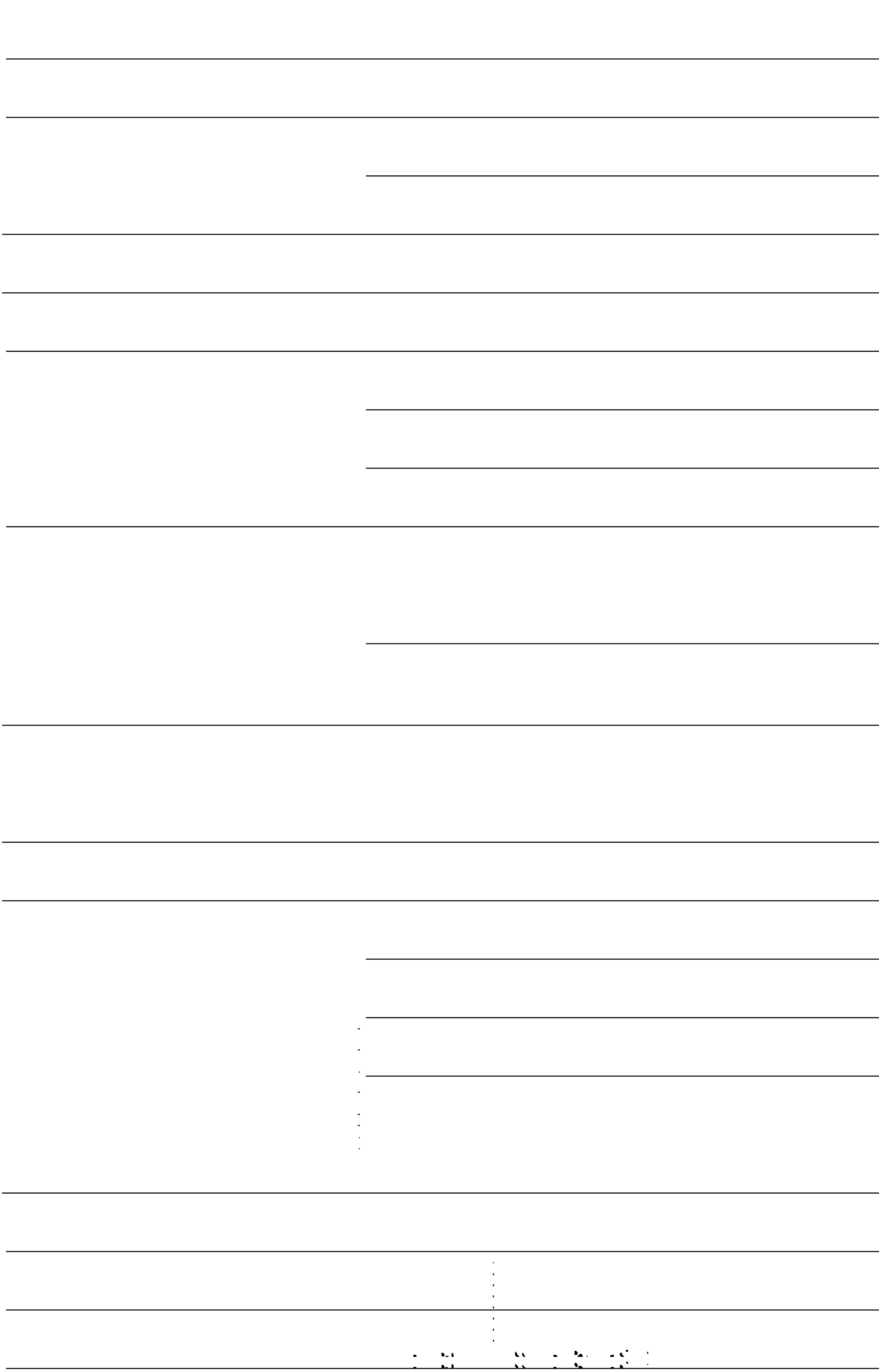
که در سال مشفق و مشاهد بود و تو...
 در روز وفات او...
 در روز وفات او...

تاریخ وفات سید محمد بن جعفر کی حسنی حسنی که در سال ہفتصد و نود و یک بمقام آمد	
رفت در جنت بہ نزم احمد	چون محمد میر وین را در ہونہ منیر
رعلتش قیاض گو دیگر بخوان	سید لعل محمد دستگیر
باز میر سے کامل بگو	سال وصل آن شد برنا و نیز
نیز کتاب سے جلوہ گر	گشت در تاریخ آن میر و فقیر
تاریخ وفات شیخ جنید حصاری کہ در سال ہفتصد و ہجری الاقدس بمقام آمد	
گرد چون در جنت الایمان	شیخ عالم عالم و حاصل جلیب
فناص دہر آمد وصال پاک او	نیز کامل خواجہ و اصل جنید
تاریخ وفات شیخ حسین ناگوری کہ در سال ہفتصد و یک بمقام آمد	
یافت چون نورسن در جنت	مرد محسن حسین نور الیقین
تاریخ وفات شیخ حسین	ہم نیز امام خاص حسین
تاریخ وفات راجی حامد شاہ حسنی کہ در سال ہفتصد و یک بمقام آمد	
شد جو راجی مقرر جنت غلد	نامہ ذات احمدی دولی
بار محمد و م گو وصالش نیز	قطب دین حامد خداوست
تاریخ وفات شیخ حسن ظاہر حسنی در سال ہفتصد و نہ بمقام آمد	
داد چون در بہشت جلوہ سن	احسن و محسن و شین مرحوم
ہر دو تاریخ رعلتش سرور	زیب فیض قطب حق محمد و م
تاریخ وفات شیخ سبختار حسنی کہ در سال ہفتصد و دہ ہجری بمقام آمد	
شاہ اہل سبخت شیخ سبختار	چون بہ سبخت خوش سبخت یافت
بہ دومی فیض است سال وصل او	نیز بار حق و سلسلے مقتدا
فصل و شیخ و حیر اہل بن گو	باز در ویش فقیر امی با صفا
تاریخ وفات شیخ احمد محمد دمشقی کہ در سال ہفتصد و ہشت بمقام آمد	
رفت چون احمد نزم احمد	سال وصل آن شہر دی آمیز
ہست محبوب ہی سبکو کمال	بار دیگر جوز احمد شہر دین
تاریخ وفات شیخ عبد القدوس گنگوہی کہ در سال ہفتصد و چہار بمقام آمد	

تاریخ وفات شیخ جنید حصاری کہ در سال ہفتصد و ہجری الاقدس بمقام آمد
 تاریخ وفات شیخ حسین ناگوری کہ در سال ہفتصد و یک بمقام آمد
 تاریخ وفات راجی حامد شاہ حسنی کہ در سال ہفتصد و یک بمقام آمد
 تاریخ وفات شیخ حسن ظاہر حسنی در سال ہفتصد و نہ بمقام آمد
 تاریخ وفات شیخ سبختار حسنی کہ در سال ہفتصد و دہ ہجری بمقام آمد
 تاریخ وفات شیخ احمد محمد دمشقی کہ در سال ہفتصد و ہشت بمقام آمد
 تاریخ وفات شیخ عبد القدوس گنگوہی کہ در سال ہفتصد و چہار بمقام آمد
 تاریخ وفات شیخ حسین ناگوری کہ در سال ہفتصد و یک بمقام آمد
 تاریخ وفات راجی حامد شاہ حسنی کہ در سال ہفتصد و یک بمقام آمد
 تاریخ وفات شیخ حسن ظاہر حسنی در سال ہفتصد و نہ بمقام آمد
 تاریخ وفات شیخ سبختار حسنی کہ در سال ہفتصد و دہ ہجری بمقام آمد
 تاریخ وفات شیخ احمد محمد دمشقی کہ در سال ہفتصد و ہشت بمقام آمد
 تاریخ وفات شیخ عبد القدوس گنگوہی کہ در سال ہفتصد و چہار بمقام آمد

تاریخ وفات شیخ جنید حصاری کہ در سال ہفتصد و ہجری الاقدس بمقام آمد
 تاریخ وفات شیخ حسین ناگوری کہ در سال ہفتصد و یک بمقام آمد
 تاریخ وفات راجی حامد شاہ حسنی کہ در سال ہفتصد و یک بمقام آمد
 تاریخ وفات شیخ حسن ظاہر حسنی در سال ہفتصد و نہ بمقام آمد
 تاریخ وفات شیخ سبختار حسنی کہ در سال ہفتصد و دہ ہجری بمقام آمد
 تاریخ وفات شیخ احمد محمد دمشقی کہ در سال ہفتصد و ہشت بمقام آمد
 تاریخ وفات شیخ عبد القدوس گنگوہی کہ در سال ہفتصد و چہار بمقام آمد

تاریخ وفات شیخ جنید حصاری کہ در سال ہفتصد و ہجری الاقدس بمقام آمد
 تاریخ وفات شیخ حسین ناگوری کہ در سال ہفتصد و یک بمقام آمد
 تاریخ وفات راجی حامد شاہ حسنی کہ در سال ہفتصد و یک بمقام آمد
 تاریخ وفات شیخ حسن ظاہر حسنی در سال ہفتصد و نہ بمقام آمد
 تاریخ وفات شیخ سبختار حسنی کہ در سال ہفتصد و دہ ہجری بمقام آمد
 تاریخ وفات شیخ احمد محمد دمشقی کہ در سال ہفتصد و ہشت بمقام آمد
 تاریخ وفات شیخ عبد القدوس گنگوہی کہ در سال ہفتصد و چہار بمقام آمد



تاریخ وفات شیخ حمزه دهرستچی که در سال پنصد و پنجاه و نهمت بود
 تاریخ وفات شیخ حوام الدین سنی طمانی که در سال پنصد و نهمت بود
 تاریخ وفات سید عبد الاول حسنی حشتی که در سال پنصد و نهمت بود
 تاریخ وفات شیخ قاضی خان حشتی که در سال پنصد و نهمت بود
 تاریخ وفات شیخ عبد العزیز بن حسن طاهر که ولادتش در مشهد
 در کوهدشت و وفاتش در سال پنصد و نهمت بود
 تاریخ وفات شیخ علی بن حوام الدین حشتی قادیانی
 شاذلی که ولادتش در سال پنصد و نهمت بود
 تاریخ وفات شیخ ادریس جوپوری که در سال پنصد و نهمت بود

تاریخ وفات شیخ حمزه دهرستچی که در سال پنصد و پنجاه و نهمت بود	
مهم بود و صد ساله برین شد	بو قلب لا اولی محمد دوم حمزه
بخوان منسل و سینه و صاغر	دگر بسلسل صفحا محمد دوم حمزه
تاریخ وفات شیخ حوام الدین سنی طمانی که در سال پنصد و نهمت بود	
چون حوام الدین حوام دین حق	سالک دین رهنما سنی
درت از عالم تبار شخص بگو	زاهد دین مشوا سنی
بار محمد دوم کریم آمد عمان	سال وصل نمقتد است سنی
تاریخ وفات سید عبد الاول حسنی حشتی که در سال پنصد و نهمت بود	
عبد اول اول از روز قیام	شد چو مثل گل بسایح حشتی
شیخ محبوب است سال جلوترا	هم مو اول اول هو الاحسر و
تاریخ وفات شیخ قاضی خان حشتی که در سال پنصد و نهمت بود	
از قضایای قاضی هر دو سه	که قاضی خان جو در حنت مکان
قاضی مهدی است سال جلوترا	قاضی مند است و قاضی جان
تاریخ ولادت و وفات عبد العزیز بن حسن طاهر که ولادتش در مشهد در کوهدشت و وفاتش در سال پنصد و نهمت بود	
شیخ دین عبد العزیز محترم	بود و نامش او ناحب حیر
است تولیدش بقول اولی مال	چستی کامل عزیز است با تیز
گفت سسر در ارتحال آنجناب	نادی محمد دوم دین عبد العزیز
تاریخ ولادت و وفات شیخ علی بن حوام الدین حشتی قادیانی شاذلی که ولادتش در سال پنصد و نهمت بود	
عاصی دین رهنما را حق	مرشد است علی علی عاقلی و سلی
سال تولیدش بقول معتبر	شد ز دل محمد دوم صادق منجلی
باز شد بید است علی مصباح حلد	سرور است تولید آن نور علی
سال وصلش گوئی سرحد	هم بخوان محمد دوم دین عالی علی
تاریخ وفات شیخ ادریس جوپوری که در سال پنصد و نهمت بود	

تاریخ وفات شیخ حوام الدین سنی طمانی که در سال پنصد و نهمت بود
 تاریخ وفات سید عبد الاول حسنی حشتی که در سال پنصد و نهمت بود
 تاریخ وفات شیخ قاضی خان حشتی که در سال پنصد و نهمت بود
 تاریخ وفات شیخ عبد العزیز بن حسن طاهر که ولادتش در مشهد
در کوهدشت و وفاتش در سال پنصد و نهمت بود
 تاریخ وفات شیخ علی بن حوام الدین حشتی قادیانی
شاذلی که ولادتش در سال پنصد و نهمت بود
 تاریخ وفات شیخ ادریس جوپوری که در سال پنصد و نهمت بود

تاریخ وفات شیخ ادریس جوپوری که در سال پنصد و نهمت بود
 تاریخ وفات شیخ حوام الدین سنی طمانی که در سال پنصد و نهمت بود
 تاریخ وفات سید عبد الاول حسنی حشتی که در سال پنصد و نهمت بود
 تاریخ وفات شیخ قاضی خان حشتی که در سال پنصد و نهمت بود
 تاریخ وفات شیخ عبد العزیز بن حسن طاهر که ولادتش در مشهد
در کوهدشت و وفاتش در سال پنصد و نهمت بود
 تاریخ وفات شیخ علی بن حوام الدین حشتی قادیانی
شاذلی که ولادتش در سال پنصد و نهمت بود
 تاریخ وفات شیخ ادریس جوپوری که در سال پنصد و نهمت بود

تاریخ وفات شیخ عثمان زنده پیر پانی تی که در سال هجده و نود و دو م بود	
شیخ عثمان پیر عالم گریخت	یافت چون در روضه جنت مکان
رحلتش کن حسان عثمان کبیر	باو قطب الواصلین عثمان بخوان
تاریخ وفات شیخ نظام نام ناری که در سال هجده و نود و دو م بود	
نظام الدین جو از سنای دن با	بملطف حق مکان در باب جنت
نمان شد شیخ بهم رحلتش نیز	محب اولیا محتاب جنت
تاریخ وفات شیخ محمد کاکا که در سنه چشتی که در سال یک هزار و سه و دو م بود	
مذمت وصل خدا در سنه چشت	مشته پیر با جبه شبرین کلام
ست فیاض سماویان رحلتش	هم بخوان والا قدر شبرین کلام
تاریخ وفات شیخ عبدالقادر نزاری سلطان پوری که در سال یک هزار و سه و دو م بود	
از عبادت یافت چون عبادت خلد	ارملت آن عابد دور زمان
اقاب فقر عسده آمد که	بار دیگر آفتاب عاشقان
تاریخ وفات شیخ اختیار الدین مردانی که در سال یک هزار و یازده و دو م بود	
اختیار الدین چه با صد اختیار	گشت خود مختار در حلد برین
پیرسال انتقال آن جناب	گفت سرور اعظم و شیخ عزیز
تاریخ وفات شیخ جلال الدین کاسی چشتی که در سال یک هزار و سی و دو م بود	
چون جلال آن ولی اهل جلال	با جلال و کمال شد بجان
ست شیخ زمانه تا خیش	باز مشتاق حق جلال بخوان
تاریخ وفات خواجه حاجی ادیس و تودی قصوری که در سال یک هزار و سی و دو م بود	
قبله اهل جان شد از حسان	شیخ حاجی کعبه اهل یقین
شیخ نور خارف رقم کن سال او	بار دیگر شیخ حاجی پاک بن
تاریخ وفات شیخ نظام الدین سلجی چشتی که در سال یک هزار و سی و دو م بود	
چون نظام الدین زواری در وقت	باب جنت بره و انش گشت باز
وان حضوری افضل اقطاب نیز	ارستمالش هم نظام پاک بارز
تاریخ وفات شیخ محمد بن فضل الله چشتی که در سال یک هزار و سی و دو م بود	

تاریخ وفات شیخ عثمان زنده پیر پانی تی که در سال هجده و نود و دو م بود
 تاریخ وفات شیخ نظام نام ناری که در سال هجده و نود و دو م بود
 تاریخ وفات شیخ محمد کاکا که در سنه چشتی که در سال یک هزار و سه و دو م بود
 تاریخ وفات شیخ عبدالقادر نزاری سلطان پوری که در سال یک هزار و سه و دو م بود
 تاریخ وفات شیخ اختیار الدین مردانی که در سال یک هزار و یازده و دو م بود
 تاریخ وفات شیخ جلال الدین کاسی چشتی که در سال یک هزار و سی و دو م بود
 تاریخ وفات خواجه حاجی ادیس و تودی قصوری که در سال یک هزار و سی و دو م بود
 تاریخ وفات شیخ نظام الدین سلجی چشتی که در سال یک هزار و سی و دو م بود
 تاریخ وفات شیخ محمد بن فضل الله چشتی که در سال یک هزار و سی و دو م بود

تاریخ وفات شیخ عثمان زنده پیر پانی تی که در سال هجده و نود و دو م بود
 تاریخ وفات شیخ نظام نام ناری که در سال هجده و نود و دو م بود
 تاریخ وفات شیخ محمد کاکا که در سنه چشتی که در سال یک هزار و سه و دو م بود
 تاریخ وفات شیخ عبدالقادر نزاری سلطان پوری که در سال یک هزار و سه و دو م بود
 تاریخ وفات شیخ اختیار الدین مردانی که در سال یک هزار و یازده و دو م بود
 تاریخ وفات شیخ جلال الدین کاسی چشتی که در سال یک هزار و سی و دو م بود
 تاریخ وفات خواجه حاجی ادیس و تودی قصوری که در سال یک هزار و سی و دو م بود
 تاریخ وفات شیخ نظام الدین سلجی چشتی که در سال یک هزار و سی و دو م بود
 تاریخ وفات شیخ محمد بن فضل الله چشتی که در سال یک هزار و سی و دو م بود

تاریخ وفات شیخ عثمان زنده پیر پانی تی که در سال هجده و نود و دو م بود
 تاریخ وفات شیخ نظام نام ناری که در سال هجده و نود و دو م بود
 تاریخ وفات شیخ محمد کاکا که در سنه چشتی که در سال یک هزار و سه و دو م بود
 تاریخ وفات شیخ عبدالقادر نزاری سلطان پوری که در سال یک هزار و سه و دو م بود
 تاریخ وفات شیخ اختیار الدین مردانی که در سال یک هزار و یازده و دو م بود
 تاریخ وفات شیخ جلال الدین کاسی چشتی که در سال یک هزار و سی و دو م بود
 تاریخ وفات خواجه حاجی ادیس و تودی قصوری که در سال یک هزار و سی و دو م بود
 تاریخ وفات شیخ نظام الدین سلجی چشتی که در سال یک هزار و سی و دو م بود
 تاریخ وفات شیخ محمد بن فضل الله چشتی که در سال یک هزار و سی و دو م بود

فیض دیدار است تولیدش مبارک	سال ترحیلش بگو شیخ اکرام
تاریخ وفات شیخ نور محمد پهل که در سال کهنار دو دوه صد پنج و بیست و نهم	
رفت چون نور محمد در جهان	باغبنت بافت زو نور نور
نور حق مشتاق ترحیلش بگو	بیم و شکر جنبی مهتاب نور
رحلتش نور محمد اصدیق علم	شیخ حق واقف زدن با بد ظهور
تاریخ وفات شیخ محمد صفیر قنوری که در سال کهنار دو دوه صد و چار و ده و نهم	
شیخ احمد بیگ بر سعید	باسادات جوشد تقصر جنان
کوچسرایع در آثار خویش	بیم محمد سعید محمد زمان
قطعه ناسی	
سعادت یافت خلد از مقدم او	سعید از دهر چون رفت سعیدت
شده در دشن وصالش از خروج	در گمادی اکسیر عاشقیت
تاریخ ولادت و وفات مولانا نیاز احمد بر بلوی حقی که ولادتش در سال کهنار دو یکصد و هفتاد و سه و وفات در سنه کهنار دو دوه صد پنجاه و بیست و نهم	
واقف سراج احمدی احمد	عالم علم دین و محسوم عشق
سال تولد اوست پاک نظر	رحلتش بی نیاز رستم عشق
قطعه ناسی	
میردین ناز و نیاز اهل حشمت	شه نیاز احمد و سلی اهل ناز
فصل ربانی بگو تولید او	رحلتش و بندار شیخ با نیاز
تاریخ وفات خواجہ سلیمان حبیبی که در سال کهنار دو دوه صد و شصت و نهم	
بادشاه خلد شد باغ و شان	چون سلیمان مرشد عالم بناه
راغب دین گو وصال او در	قطب حق مرشد سلیمان بادشاه
تاریخ وفات شیخ غلام مصطفی وزیر امدادی حقی که در سال کهنار دو دوه صد و شصت و نهم	
بندہ کو سلی غلام مصطفی	شیخ عالم سہر و عشاق حق
است واسے نظر رحلتش	بار دیگر سخن مشتاق حقی
تاریخ وفات شیخ غلام نصیر الدین المشور کا سلی صاحب که در سال کهنار دو دوه صد و شصت و نهم	

تاریخ وفات شیخ نور محمد پهل که در سال کهنار دو دوه صد پنج و بیست و نهم
 تاریخ وفات شیخ محمد صفیر قنوری که در سال کهنار دو دوه صد و چار و ده و نهم
 تاریخ ولادت و وفات مولانا نیاز احمد بر بلوی حقی که ولادتش در سال کهنار دو یکصد و هفتاد و سه و وفات در سنه کهنار دو دوه صد پنجاه و بیست و نهم
 تاریخ وفات خواجہ سلیمان حبیبی که در سال کهنار دو دوه صد و شصت و نهم
 تاریخ وفات شیخ غلام مصطفی وزیر امدادی حقی که در سال کهنار دو دوه صد و شصت و نهم
 تاریخ وفات شیخ غلام نصیر الدین المشور کا سلی صاحب که در سال کهنار دو دوه صد و شصت و نهم

تاریخ وفات شیخ نور محمد پهل که در سال کهنار دو دوه صد پنج و بیست و نهم
 تاریخ وفات شیخ محمد صفیر قنوری که در سال کهنار دو دوه صد و چار و ده و نهم
 تاریخ ولادت و وفات مولانا نیاز احمد بر بلوی حقی که ولادتش در سال کهنار دو یکصد و هفتاد و سه و وفات در سنه کهنار دو دوه صد پنجاه و بیست و نهم
 تاریخ وفات خواجہ سلیمان حبیبی که در سال کهنار دو دوه صد و شصت و نهم
 تاریخ وفات شیخ غلام مصطفی وزیر امدادی حقی که در سال کهنار دو دوه صد و شصت و نهم
 تاریخ وفات شیخ غلام نصیر الدین المشور کا سلی صاحب که در سال کهنار دو دوه صد و شصت و نهم

تاریخ وفات شیخ نور محمد پهل که در سال کهنار دو دوه صد پنج و بیست و نهم
 تاریخ وفات شیخ محمد صفیر قنوری که در سال کهنار دو دوه صد و چار و ده و نهم
 تاریخ ولادت و وفات مولانا نیاز احمد بر بلوی حقی که ولادتش در سال کهنار دو یکصد و هفتاد و سه و وفات در سنه کهنار دو دوه صد پنجاه و بیست و نهم
 تاریخ وفات خواجہ سلیمان حبیبی که در سال کهنار دو دوه صد و شصت و نهم
 تاریخ وفات شیخ غلام مصطفی وزیر امدادی حقی که در سال کهنار دو دوه صد و شصت و نهم
 تاریخ وفات شیخ غلام نصیر الدین المشور کا سلی صاحب که در سال کهنار دو دوه صد و شصت و نهم

تاریخ وفات شیخ نور محمد پهل که در سال کهنار دو دوه صد پنج و بیست و نهم
 تاریخ وفات شیخ محمد صفیر قنوری که در سال کهنار دو دوه صد و چار و ده و نهم
 تاریخ ولادت و وفات مولانا نیاز احمد بر بلوی حقی که ولادتش در سال کهنار دو یکصد و هفتاد و سه و وفات در سنه کهنار دو دوه صد پنجاه و بیست و نهم
 تاریخ وفات خواجہ سلیمان حبیبی که در سال کهنار دو دوه صد و شصت و نهم
 تاریخ وفات شیخ غلام مصطفی وزیر امدادی حقی که در سال کهنار دو دوه صد و شصت و نهم
 تاریخ وفات شیخ غلام نصیر الدین المشور کا سلی صاحب که در سال کهنار دو دوه صد و شصت و نهم

از زمان ولادت تا زمان وفات
 در سال ۱۱۸۲ هجری قمری
 در روز پنجشنبه ۱۲ ذی القعدة
 در شهر مدینه منوره
 در کعبه مبارکه
 در سن ۷۰ سالگی
 در وقت عصر
 در حالی که در نماز ایستاده بود

سکونت کرد و در قصر پیش و در بار ایامش صدق بستن	حکایت کرد که صاحب از در چراغ دین با لش جبار گردید
باز از آن رتبه اندر حیدر جا نیز مسکن مشاهیر وقت مهت در ویش کریم مستحب	یامت چون مسکن اهل مسکنت مقتدا نور الهی سال است باز سال انتقال آن جناب
بدریخ ولادت و وفات شیخ حاجی رمضان کهنه زاده و همدوره و وفات می در سن کهنه زاده بود متبرک چو رمضان بر زبان هم بر رمضان شد بام آسمان سال تو لب پیش بقول کسان نیز کامل زنده دلی رمضان بخوان نیک گفت هم عطا کردم بران	حضرت رمضان که نام پاک او آمد اندر ماه رمضان بر زمین قطب رمضان است و در میان عالی است قلب دور آن شیخ و در حلیش بگو بی نیاز آمد سستین مراد
گنج چهارم در قطعات تواریخ وفات حضرت سلسله عالیه و آغاز این سلسله از یار غار پیغمبر اکرم صمدین اکبر رضی الله عنه است و بعد از آن حضرت سلمان فارسی رضی الله عنه است که وفات وی در سال سی و سه بود	حضرت سلمان که نباد انا کبش بود فاکش گوهر خاکس که نژاد روح پاکش پاک بود و پاکش
بابت عمت بروی از افلاک باز رفت مثل گنج اندر خاک باز مست سال از سخالش با کبار	بایخ وفات حضرت امام قاسم رضی الله عنه که در سال یکصد و هفت یا یکصد هشت یا یکصد و یازده یا دو یا دوازده یا یکصد و دو و هجری با اختلاف روایت بود
سپال وصل آن امام نیک نام زاهد کامل بقول خاص و عام شمره رقم آسمان و گر نادوی امام هم دلی الله با صد احترام	صفت خود یامت چون قاسم محمد طالب الله و حق فرموده اند نادوی مطلوب و اصل الله نیز قطب دان کانی بخوان سالک گو

در روز پنجشنبه ۱۲ ذی القعدة
 در شهر مدینه منوره
 در کعبه مبارکه
 در سن ۷۰ سالگی
 در وقت عصر
 در حالی که در نماز ایستاده بود
 در روز پنجشنبه ۱۲ ذی القعدة
 در شهر مدینه منوره
 در کعبه مبارکه
 در سن ۷۰ سالگی
 در وقت عصر
 در حالی که در نماز ایستاده بود
 در روز پنجشنبه ۱۲ ذی القعدة
 در شهر مدینه منوره
 در کعبه مبارکه
 در سن ۷۰ سالگی
 در وقت عصر
 در حالی که در نماز ایستاده بود

بسم الله الرحمن الرحیم

در روز پنجشنبه ۱۲ ذی القعدة
 در شهر مدینه منوره
 در کعبه مبارکه
 در سن ۷۰ سالگی
 در وقت عصر
 در حالی که در نماز ایستاده بود

در روزی که در آن روز...
 سلطان...
 در روزی که در آن روز...
 سلطان...

جان محبوب آید زنده دلت	باز دشار است وادی انام
تاریخ ولادت و وفات شیخ ابابکر بسطامی که ولادتش در سال سی و شش و وفات در سنه و صد و شصت و یک یا شصت و دو یا شصت و سه بود	
شیخ گوین با زید و سکه	شاه دلا و سکه عالی جاہ
سال تولد او اگر خواست	کن رقم با زید اصل الله
ست دیدار رطبتش دیگر	اصل دین با زید بد حق آگاه
باز مهدی مادر سکه افان	بهدر حق طلب و سکه الله
تاریخ وفات شیخ ابوالحسن خرقانی که در سال چارصد و نود و پنجاه و پنج یا نود و شصت بود	
ابوالحسن محسن ولی اصل من	المنافعه شد جز و حسن جان
سال وصلش با الحسن صدیق در	میشود از خانه سرور عیان
شاه حسن گفت با تف رطبتش	باز دل فرمود و اصل مهران
بیز تاریخش بقول مختلف	میشود قطب الحسن جان جان
ابوالحسن قطب جان محمود گو	بهدر قطب الحسن اقدس بجان
میس خرد و جسد کمال حسن گفت	سال وصل آن شسته حبت بجان
تاریخ وفات شیخ ابوعلی فارمدی که در سال چارصد و پنجاه و هفت بود	
ابوعلی چون خدا سکه از خدا	یاقت وصل آن علی سکه
شد محمد تو سکه بر سب	بیز محمدی مکر م بو سکه
تاج کج است و دیگر تاج حلیل	رطبت آن شاه عالم سبلی
وصل او سب سکه عابد بگو	باز عزت هم عبادت ای اخی
تاریخ ولادت و وفات خواجه یوسف همدانی که ولادتش در سال چارصد و چهل یا چهل و یک و وفات در سنه پانصد و سی و چهار یا پنجاه یا شصت بود	
همدان و همه جوان یوسف همدان	بجمن صورت و معنی است مشک سبلی
بی تولد باکش صورتی محمود و یوسف	دو باره سال بودش بخون سبلی
ز مهدی نور دین یوسف کو تار سبلی	هم عالی شد عالی جاہ وصل دست سبلی
عیان گرد و ز یوسف شاه دینی حبت	دو باره یوسف حضرت می سر و گرد سبلی

از روزی که در آن روز...
 سلطان...
 در روزی که در آن روز...
 سلطان...
 از روزی که در آن روز...
 سلطان...
 در روزی که در آن روز...
 سلطان...
 از روزی که در آن روز...
 سلطان...
 در روزی که در آن روز...
 سلطان...

در روزی که در آن روز...
 سلطان...
 در روزی که در آن روز...
 سلطان...

تاریخ وفات خواجه محمود و انچه فغوی که در سال مفقود بزرده یا مفقود بود قوم
 چون مکان در جنت محمود است
 شاه عرفانی است سال اول او
 تاریخ وفات خواجه عزیزان علی راسنی که در سال مفقود است و یکم بود قوم
 قدر اسطی و غزو عالی است
 کوه اسطی بو آب رحلت او
 وصل او بنده خدا دان است

باز در پیش صادق است	رحلت آن و سله عرفانی
تاریخ وفات خواجه محمود و انچه فغوی که در سال مفقود بزرده یا مفقود بود قوم	
چون مکان در جنت محمود است	چاند محمود شیخ الاتقیاء
شاه عرفانی است سال اول او	هم سخوان محمود و تاج الاصفیاء
تاریخ وفات خواجه عزیزان علی راسنی که در سال مفقود است و یکم بود قوم	
قدر اسطی و غزو عالی است	چون اسطی شد بخت الناس
کوه اسطی بو آب رحلت او	یز عاشق سله عزیز سله
وصل او بنده خدا دان است	هم سله جنتی سله زین

قطعه ناسی

چون علی هم والی عالی زینت	شان علی است در فردوس اشان سله
سال ترحیلش زینش کوشش من	طالب حق زینها و از عزیزان سله
تاج نورانی ز دلش عبوده کرد در صلا او	بار دیگر عارفان سله جان سله

تاریخ وفات خواجه بابا ساسی که در سال مفقود و پنجاه و پنج بود قوم آمد	
چون محمد حاکم ذاب است آله	حد گو یان رفت در قهر حنان
رحلتش محمد دم اجل است	هم محمد سله جان حنان

قطعه ناسی

در جنت خلد چون زدنا	مطلوب خدا محمد آمد
از جنبه عقل سال وصلش	محبوب خدا محمد آمد
تاریخ وفات میر سید کلال که در سال مفقود و هفتاد و دو بود قوم آمد	

رفت چو باخرو امارت بجلد	میر جان سید احمد کلال
گفت بتاریخ وصالش خرد	بود ثنا گوئی محمد کلال
تاریخ ولادت و وفات خواجه بهاد الدین شاه نقیض سجاری که ولادت در سال مفقود است و هشتاد و دو بود قوم آمد	

نقش بند نقش نقاش ازل	آن بهاد الدین شه کون و مکان
ز راه مشککانش توله او	قلب عالمی نقش بند آید میان

تاریخ وفات خواجه عزیزان علی راسنی که در سال مفقود است و یکم بود قوم
 قدر اسطی و غزو عالی است
 کوه اسطی بو آب رحلت او
 وصل او بنده خدا دان است
 تاریخ وفات خواجه محمود و انچه فغوی که در سال مفقود بزرده یا مفقود بود قوم
 چون مکان در جنت محمود است
 شاه عرفانی است سال اول او
 تاریخ وفات خواجه عزیزان علی راسنی که در سال مفقود است و یکم بود قوم
 قدر اسطی و غزو عالی است
 کوه اسطی بو آب رحلت او
 وصل او بنده خدا دان است
 تاریخ وفات خواجه محمود و انچه فغوی که در سال مفقود بزرده یا مفقود بود قوم
 چون مکان در جنت محمود است
 شاه عرفانی است سال اول او
 تاریخ وفات خواجه عزیزان علی راسنی که در سال مفقود است و یکم بود قوم
 قدر اسطی و غزو عالی است
 کوه اسطی بو آب رحلت او
 وصل او بنده خدا دان است

تاریخ وفات خواجه عزیزان علی راسنی که در سال مفقود است و یکم بود قوم
 قدر اسطی و غزو عالی است
 کوه اسطی بو آب رحلت او
 وصل او بنده خدا دان است
 تاریخ وفات خواجه محمود و انچه فغوی که در سال مفقود بزرده یا مفقود بود قوم
 چون مکان در جنت محمود است
 شاه عرفانی است سال اول او
 تاریخ وفات خواجه عزیزان علی راسنی که در سال مفقود است و یکم بود قوم
 قدر اسطی و غزو عالی است
 کوه اسطی بو آب رحلت او
 وصل او بنده خدا دان است

رعلش محمد دم صاحب کن تم	هم نجان محمد دم نامی بجان
قطعه نامه	
شاهه الاشان جواد الدین نام بهنام	انکه شد روشن بنام با کمال نقین
سخت محمد دم از اول نویسال رعلش	که بهاد الدین نام با کمال نقین بند
تاریخ وفات شیخ علاء الدین عطارد سجاری که در سال هشتصد و دو بود و او	
چو از دنیا علاء الدین عالمی عجب تاریخ وصلش جمله گوشه در محمد دم دست ساز هفت سلتر زیر عقل قطب خاص مدست ز بافت کشش شد کساف عرفان در باره و کس اشد محمد دم	بجست رفت زمین صحرای برقرار ز نور دین علاء الدین عطارد عیان شد پیر کشتند ل بیکار چو خواست رعلت آن شاه ابرار چو بیت از دل وصالش سرور زار رغم شد رعلت آن پیر حق یار
تاریخ وفات میرسد عمر بن میرسد کلال که در سال هشتصد و سه بود و او	
شد بخت چون قطب مثل عمر رعلش محمد دم اقطاب آمد	روح او با وصل حق موصول شد هم ایسر دین همه مقبول شد
تاریخ وفات خواجه شاه میر بن میر کلال که در سال هشتصد و چهار بود و او	
ز زینت شد چو باغ و وقار	سرور عشاق امجد شاه میر
گفت تاریخ وصال او خرد	زیده آفاق امجد شاه میر
تاریخ وفات خواجه عارف و یک کرانی که در سال هشتصد و پنجم بود و او	
نور عرقان بسطه و الا یافت	عارف متقی شه جنت
عارف جنت است تاریخش	هم بفرماه کس شه جنت
تاریخ وفات میر ربان بن میر کلال که در سال هشتصد و شش بود و او	
میر ربان صاحب ربان و	شه بخت سال وصلش ای میر
میر ربان پیر دین طیب گو	نیز ربان پیر ربان نامور
تاریخ وفات خواجه میر حمزه بن میر کلال که در سال هشتصد و هفت بود و او	
میر حمزه سید سادات دیها	یافت غرند با عسند و دقا

من به نامی کمال

تاریخ وفات خواجه میرسد عمر بن میرسد کلال که در سال هشتصد و سه بود و او روح او با وصل حق موصول شد هم ایسر دین همه مقبول شد
تاریخ وفات خواجه شاه میر بن میر کلال که در سال هشتصد و چهار بود و او ز زینت شد چو باغ و وقار گفت تاریخ وصال او خرد
تاریخ وفات خواجه عارف و یک کرانی که در سال هشتصد و پنجم بود و او نور عرقان بسطه و الا یافت عارف جنت است تاریخش هم بفرماه کس شه جنت
تاریخ وفات میر ربان بن میر کلال که در سال هشتصد و شش بود و او میر ربان صاحب ربان و میر ربان پیر دین طیب گو
تاریخ وفات خواجه میر حمزه بن میر کلال که در سال هشتصد و هفت بود و او میر حمزه سید سادات دیها یافت غرند با عسند و دقا

کلیه تاریخ

تاریخ وفات خواجه میرسد عمر بن میرسد کلال که در سال هشتصد و سه بود و او روح او با وصل حق موصول شد هم ایسر دین همه مقبول شد
تاریخ وفات خواجه شاه میر بن میر کلال که در سال هشتصد و چهار بود و او ز زینت شد چو باغ و وقار گفت تاریخ وصال او خرد
تاریخ وفات خواجه عارف و یک کرانی که در سال هشتصد و پنجم بود و او نور عرقان بسطه و الا یافت عارف جنت است تاریخش هم بفرماه کس شه جنت
تاریخ وفات میر ربان بن میر کلال که در سال هشتصد و شش بود و او میر ربان صاحب ربان و میر ربان پیر دین طیب گو
تاریخ وفات خواجه میر حمزه بن میر کلال که در سال هشتصد و هفت بود و او میر حمزه سید سادات دیها یافت غرند با عسند و دقا

طرفه سالی انتقال آنجناب	تاج آراست ای و الا کتاب میر حمزه زین العابدین
محمد اسرار محبوب است نذر	تاریخ وفات خواجه محمد پارسا که در سال ۸۴۰ هجری قمری و در ۲۵ جمادی الثانی
پادشاه دین محمد پارسا	کاروان حق پارسای با کمال
داشت چون رخت اقامت در جهان	است محمدی الدین شیخ سال احوال
هم حسیب ذوالجلال آمد عیان	باز بر پارسا نوز کمال
تاریخ وفات سید شریف جرجانی که در سال ۸۴۰ هجری قمری و در ۲۵ جمادی الثانی	سید اشرف شریف دین صلیف
چون دنیا یافت در جنت ترن	نیز سید مادی عالم شریف
پادشاه انقیار رحیل است	تاریخ وفات خواجه حسن عطار که در سال ۸۴۰ هجری قمری و در ۲۵ جمادی الثانی
چون حسن یافت از جهان کجانات	باجمال حسین در غلبه برین
گفت سر و رسال نقل آنجناب	نیرا کبریا امام المسلمین
پس از آن خواجه حسن بی باحال	هم حسن عطار او شرفین
و صلحش حبتم ز اصل سرف	باز یوشتم سراج العاشقین
پس حسن محمد مادی شریف	نیز حق بن حق نام نوز رفیقین
تاریخ وفات خواجه یعقوب چری که در سال ۸۴۰ هجری قمری و در ۲۵ جمادی الثانی	حضرت یعقوب مجذوب خدا
شده بر اوج چرخ چون شرک نرس	نیز حق امیر و مطلوب خدا
رحلتش شمس ابدیت گفته آ	هم بعد آن یعقوب محبوب خدا
وصل او کاکلیک پیرت بخوان	تاریخ وفات خواجه علاء الدین محمد وانی که در سال ۸۴۰ هجری قمری و در ۲۵ جمادی الثانی
شیخ غاسک مکان علاء الدین	شده چو بر اوج قعر علمین
و ان محب یقین جدا آگاه	رحلت او به نیک تر آمین
بنده خاص زنده و مدخل فرما	هم شد دین پادشاه یقین
کشف شد کاشف البینه است باز	سال تجلیل آن شه حق بن
آخرش پسر سال و صلحش گو	ستقیم اصل دین علاء الدین

من نام ای دینی و نامی که در کتب
بن محمد و ابوالحسن علی بن محمد
تاریخ سالی انتقال آنجناب
محمد اسرار محبوب است نذر
پادشاه دین محمد پارسا
داشت چون رخت اقامت در جهان
هم حسیب ذوالجلال آمد عیان
تاریخ وفات سید شریف جرجانی که در سال ۸۴۰ هجری قمری و در ۲۵ جمادی الثانی
چون دنیا یافت در جنت ترن
پادشاه انقیار رحیل است
تاریخ وفات خواجه حسن عطار که در سال ۸۴۰ هجری قمری و در ۲۵ جمادی الثانی
چون حسن یافت از جهان کجانات
گفت سر و رسال نقل آنجناب
پس از آن خواجه حسن بی باحال
و صلحش حبتم ز اصل سرف
پس حسن محمد مادی شریف
تاریخ وفات خواجه یعقوب چری که در سال ۸۴۰ هجری قمری و در ۲۵ جمادی الثانی
شده بر اوج چرخ چون شرک نرس
رحلتش شمس ابدیت گفته آ
وصل او کاکلیک پیرت بخوان
تاریخ وفات خواجه علاء الدین محمد وانی که در سال ۸۴۰ هجری قمری و در ۲۵ جمادی الثانی
شده چو بر اوج قعر علمین
رحلت او به نیک تر آمین
هم شد دین پادشاه یقین
سال تجلیل آن شه حق بن
ستقیم اصل دین علاء الدین

تاریخ وفات خواجه علاء الدین محمد وانی که در سال ۸۴۰ هجری قمری و در ۲۵ جمادی الثانی
شده چو بر اوج قعر علمین
رحلت او به نیک تر آمین
هم شد دین پادشاه یقین
سال تجلیل آن شه حق بن
ستقیم اصل دین علاء الدین
من نام ای دینی و نامی که در کتب
بن محمد و ابوالحسن علی بن محمد
تاریخ سالی انتقال آنجناب
محمد اسرار محبوب است نذر
پادشاه دین محمد پارسا
داشت چون رخت اقامت در جهان
هم حسیب ذوالجلال آمد عیان
تاریخ وفات سید شریف جرجانی که در سال ۸۴۰ هجری قمری و در ۲۵ جمادی الثانی
چون دنیا یافت در جنت ترن
پادشاه انقیار رحیل است
تاریخ وفات خواجه حسن عطار که در سال ۸۴۰ هجری قمری و در ۲۵ جمادی الثانی
چون حسن یافت از جهان کجانات
گفت سر و رسال نقل آنجناب
پس از آن خواجه حسن بی باحال
و صلحش حبتم ز اصل سرف
پس حسن محمد مادی شریف
تاریخ وفات خواجه یعقوب چری که در سال ۸۴۰ هجری قمری و در ۲۵ جمادی الثانی
شده بر اوج چرخ چون شرک نرس
رحلتش شمس ابدیت گفته آ
وصل او کاکلیک پیرت بخوان

تاریخ وفات خواجه نظام الدین خاموش که در سال مشفق و شصت و شصت یک
 چون نظام الدین سبقت است راه
 رحمت ماری بگور اسخ سحران
 بنده حق خاص هم تاریخ او است
 رحلتش مشککناهی استم گو

تاریخ وفات خواجه سعد الدین کاشغری در سال مشفق و دو و پانصت
 یافت از حق مقام سعد بخشه
 گفت تاریخ رحلتش سه دور
 باز سه و مرشد کوهین

تاریخ وفات خواجه شهاب الدین احمد صفیدی در سال مشفق و هشتاد و شش
 چون شهاب الدین سبقت مثل ماه
 نیز اکبر شهاب الدین بگو

تاریخ ولادت خواجه برهان الدین خلکانی که در سال مشفق و نود و دو بود
 حضرت برهان دلی برهان حق
 قطب کامل ناص تر جیش نورا

تاریخ ولادت و وفات خواجه عبد الله احرار نقشبند که ولادتش در سال
 مشفق و شش و وفات در سنه مشفق و نود و پنج بود
 عیبه الله و لے اصل عبادت
 زماج عارفان تولى پاكش
 مكرم نامور قطب زمان نیز
 و صالحش عارف مرشد رقم کرم
 و دباره انتقال آن شه دین

قطر ناسی
 غلده الا جو کر مسکن خویش
 است کامل دسکے شہ جنت
 پیر احرار شیخ عالمے جاہ
 سال رحیل آن خدا آگاه

تاریخ وفات خواجه نظام الدین خاموش که در سال مشفق و شصت و شصت یک
 چون نظام الدین سبقت است راه
 رحمت ماری بگور اسخ سحران
 بنده حق خاص هم تاریخ او است
 رحلتش مشککناهی استم گو

تاریخ وفات خواجه سعد الدین کاشغری در سال مشفق و دو و پانصت
 یافت از حق مقام سعد بخشه
 گفت تاریخ رحلتش سه دور
 باز سه و مرشد کوهین

تاریخ ولادت خواجه برهان الدین خلکانی که در سال مشفق و نود و دو بود
 حضرت برهان دلی برهان حق
 قطب کامل ناص تر جیش نورا

تاریخ ولادت و وفات خواجه عبد الله احرار نقشبند که ولادتش در سال
 مشفق و شش و وفات در سنه مشفق و نود و پنج بود
 عیبه الله و لے اصل عبادت
 زماج عارفان تولى پاكش
 مكرم نامور قطب زمان نیز
 و صالحش عارف مرشد رقم کرم
 و دباره انتقال آن شه دین

کتابخانه جامعہ اسلامیہ دارالعلوم دیوبند
رقم کتاب: ۱۰۱/۱
تاریخ: ۱۳۰۲

چو باقی را ہی ملک بقاشد	باہل دہر گشت نہ افزاست
نہ آمد زمانہ تنق سال وصلتر	بجانی ملک باقی رفت باقی

قطعہ نمائے

چو شد از عالم فانی مقیم جنت الہ	معے خواجہ عالم شاہ دارالتقا
نہو آن قلبے مان محمد دم ماہی مال ترحلتر	وگر قطب سرخ الی شاہ دارالتقا

تاریخ ولادت و وفات شیخ احمد محمد والف ثانی فاروقی کابل سرسندی کہ
ولادتش در سال ہند و مفاد و یک وفات وہی ہند بکنز اروچی چارہ تو قوم

شیخ احمد شیخ دین احمد سے شد عمان احمد رستم المنزلت نیز در تولى دوا شرف فقیر رحلتش فیض کمال احمد است پیر سلطان الف ثانی بچوان شیخ امجد احمد پاک آیت تیس احمد گوسے زابد بچوان	پیر دین محبوب مقبول عظیم سرور اقولید آن شیخ کریم طرفہ تربید است از طبع سلیم ہم بچوان احمد صراط مستقیم سال وصل آن شہ جنت مقیم ارتجال آن وسیلے بی خوف ہم در سینن عمر آن نور قدیم
---	--

قطعہ نمائے

احمد فاروق سرہندی کو اسول در ولادت احمد زاہد شفیع است	در سن لید و ترحلش جستم تصلا بے نیاز احمد شفیع است اذکار
--	--

تاریخ وفات خواجہ بزرگ نقشبندی کہ در سال بکنز اردھیل و دو دو قوم

زدنیای دون رخت ہستی است بگوشنہ اسلام تاریخ او	چو بزرگ آن مقتد اہل فقر وگر زندۃ الاسماء اہل فقر
--	---

تاریخ وفات خواجہ خاوند محمود ہاشمی حضرت ایشان لاہور کہ در سال بکنز اردھیل

بچد اللہ کہ در جنت مکان کرد سہر و گرفت رضوان ارشمالش	وسے بی رباح و نہ محسود کہ قطب الاصفا خاوند محسود
---	---

قطعہ نمائے

چو شد ریز زمین افسوس افسوس	زدینا آفتاب عشق محسود
----------------------------	-----------------------

کتابخانه جامعہ اسلامیہ دارالعلوم دیوبند
رقم کتاب: ۱۰۱/۱
تاریخ: ۱۳۰۲

عین است ۱۱
ذی القعدہ ۱۳۰۲

در بیان فضیلت او
 در بیان وفات او
 در بیان حقیقت او
 در بیان احوال او
 در بیان مناقب او
 در بیان سیرت او
 در بیان عیال او
 در بیان اولاد او
 در بیان احوال او
 در بیان مناقب او
 در بیان سیرت او
 در بیان عیال او
 در بیان اولاد او

وصالش ^{۱۰۰۲} بیعت است سره	دو باره اقیاب عشق محمود
قطعه ثالث	
شاه محمود چون زوارفت	رفت شد وصل با بند محمود
مبت محمود شاه رحمت سال	نیز محمد دم پارسا محمود
قطعه رابع	
ز دنیا شد سخت جدا گویان	چو حق آگاه قطب وقت محمود
ولی جامع فیض است سالش	دو باره شاه قطب الوقت محمود
تاریخ وفات شیخ آدم نور محمدی که در سال یک هزار و پنجاه و سه بود	
چو کرد از عالم فانی سفر سوی بقا آخر	مشال گنج پنهان گشت اندر زیر گل آدم
بسال رحمت او حافظ دین کن قلم سره	دگر باره شد از عالم سخت زنده اول
قطعه خامس	
فخر آدم آدم فانی دلس	شد جواز دیانی بدون اندر جهان
رحلتش شیخ زمان آدم گوی	شاه عالم آدم ثانی بجهان
نیز آدم شیخ محمود ای عزیز	فخر آدم مادی کون کن بیان
تاریخ وفات شیخ نور محمدی که در سال یک هزار و پنجاه و سه بود	
چو ز دشمن شد سخت شل خورشید	شده اسل صفا نور محمد
رقم شد فیض حسانی وصالش	دگر شکاکش نور محمد
تاریخ وفات میر نعمان محمدی که در سال یک هزار و شصت و دو بود	
چو از نهامی خست خشم	شده ملک ولایت گشت لغمان
بسال انقالش گشت سرور	که مادی ریب نعمت میر نعمان
تاریخ وفات شیخ ابوالفتح محمدی که در سال یک هزار و شصت و دو بود	
چون در حنت سخن گفتی هفت	فتح دین ابوالفتح مصباح جهان
رحلتش شیخ زمان محبوب گو	هم زهی بو فتح مصباح جهان
مشق عشق و شامقش هفت	نیز تر جلیش ز سرور شد عیان
تاریخ وفات عبدالحی محمدی که در سال یک هزار و شصت و دو بود	

در بیان فضیلت او
 در بیان وفات او
 در بیان حقیقت او
 در بیان احوال او
 در بیان مناقب او
 در بیان سیرت او
 در بیان عیال او
 در بیان اولاد او
 در بیان احوال او
 در بیان مناقب او
 در بیان سیرت او
 در بیان عیال او
 در بیان اولاد او

در بیان فضیلت او
 در بیان وفات او
 در بیان حقیقت او
 در بیان احوال او
 در بیان مناقب او
 در بیان سیرت او
 در بیان عیال او
 در بیان اولاد او

گشت به فون جو آه صورت گنج	در زمین حق پرست عبد الله
محمدی اعظم است سالش نیز	قطب دین حق پرست عبد الله
تاریخ وفات شیخ احمد سعید محمدی که در سال کهنزار و هفتاد و دو بود	
باسعادت چون سعید از ویرت	مور بهمان مائتم شد و در خاک سعید
جلوه گر از طبع روشن وصل او	نیز روشن است دین سعید
قطعه مانی	
صورت متعل بزرم احمدی جلوه گر	باسعادت سعیدین احمدی احمد سعید
زین عالم شیخ و شیخ ناطق ایصال او	هم سخنان محمد عارف جنبشی احمد سعید
تاریخ ولادت و وفات شیخ محمد معصوم محمدی که ولادتش در سال کهنزار و وفات وی در سنه کهنزار و هفتاد و دو با شتاب و وقوع آید	
محمد و نقشبند نقش بزوان	ولی معصوم عالی رتبه محمد دوم
پس تو لید آن شاه مہلی	ز دل خدیار حق محمد دوم معلوم
دو باره طرفه تر در سال تولد	ذوی الاکرام شد تا تاریخ سلطنت
ز نادی غنی حواریت سالش	بفرما اهل حق محمد دوم معصوم
دگر باره وصال پاک آن شاه	زوال امرتت کردید معصوم
چه خوش بار دگر از دل نه شد	که عارف مادی اسرار معصوم
تاریخ وفات خواجه معین الدین خاوند کشمیری که در سال کهنزار و هشتاد و دو بود	
داخل فردوس شد با غرور و جاه	قطب بانی معین اہل دین
خواجه ملکت بگو سالش دگر	ماج عرفانے معین اہل دین
تاریخ وفات شیخ سیف الدین محمدی که در سال کهنزار و هشتاد و دو بود	
بقتل نفس از حق یافت جنت	چو سیف الدین عالی سیف قتال
وصالش با صفا شمشیر دینی است	دو باره شاه عالی سیف قتال
تاریخ وفات شیخ سعید بلجاری لاہوری که در سال کهنزار و یکصد و دو بود	
باسعادت شد چون در خلد پرز	شیخ سعید سیف احمد شیخ
باغ نعمت سعید آمد رعلتش	نیز سعید عارف اکبر فقیر

تاریخ ولادت و وفات شیخ احمد سعید محمدی که در سال کهنزار و هفتاد و دو بود
تاریخ ولادت و وفات شیخ محمد معصوم محمدی که ولادتش در سال کهنزار و وفات وی در سنه کهنزار و هفتاد و دو با شتاب و وقوع آید
تاریخ وفات خواجه معین الدین خاوند کشمیری که در سال کهنزار و هشتاد و دو بود
تاریخ وفات شیخ سیف الدین محمدی که در سال کهنزار و هشتاد و دو بود
تاریخ وفات شیخ سعید بلجاری لاہوری که در سال کهنزار و یکصد و دو بود

در زمین حق پرست عبد الله
قطب دین حق پرست عبد الله
محمدی اعظم است سالش نیز
باسعادت سعیدین احمدی احمد سعید
هم سخنان محمد عارف جنبشی احمد سعید
ولی معصوم عالی رتبه محمد دوم
ذوی الاکرام شد تا تاریخ سلطنت
بفرما اهل حق محمد دوم معصوم
زوال امرتت کردید معصوم
که عارف مادی اسرار معصوم
قطب بانی معین اہل دین
ماج عرفانے معین اہل دین
چو سیف الدین عالی سیف قتال
دو باره شاه عالی سیف قتال
شیخ سعید سیف احمد شیخ
نیز سعید عارف اکبر فقیر

سالی و وصل آن شهر و جشن صمبر	هم شهنشاه ولایت شاد عیان
تاریخ وفات شیخ محمد اسماعیل خوری مجددی که در سال کبیر و یکصد و ده و پنجاه بود	پاک فتن از جهان کسب برین رحلتش است عارف سرت
چونکه معصوم و پسر اسماعیل	تاریخ وفات حافظ عبد الغفور سیاهوری که در سال کبیر و یکصد و شانزده
همه سنجوان حافظ کلام	شیخ عبد الغفور حافظ دین حافظه و اصل است تاریخش
تاریخ وفات خواجه احمد سیوه که نقشبندی در سال کبیر و یکصد و شانزده بود	چون فد اگر دو جان بنام اله هم سنجوان حافظ کلام
بهرتار شیخ آن شهر	تاریخ وفات شیخ محمد مراد کشمیری که در سال کبیر و یکصد و بیست و یک بود
فاضل علم احمد کفر	رحلت سفر است جوزین دار و دین کجک تاریخ او خرد و شهنشاه عشق است
تاریخ وفات سید نور محمد ابوبنی که در سال کبیر و یکصد و بیست و یک بود	تاریخ وصالش گشت روز
جراغ سنج تن نور محمد	چون در خلد معنی جلوه گر شد
ز محمد دوم زمین نور محمد	تاریخ وفات شیخ عبد الاحد مجددی که در سال کبیر و یکصد و سی و چهار
بزرگ ابراهیم شمس ماه مستور	چون بعد صدق از جهان عهد دنیا است اهل دین که بر اسمی خلق
محمد نور کبیر نور بر نور	تاریخ وفات شیخ عبد الاحد مجددی که در سال کبیر و یکصد و سی و چهار
ار شتائش طرفه با صدق و صفای نیز اهل فضل قطب الاولیا	با احمد موت از د ارفنا است شیخ العالمین تاریخ او
فرد دین عبد الاحد نور علی	هم سنجوان شیخ کبیر ای تقی

در سال کبیر و یکصد و ده و پنجاه بود
در سال کبیر و یکصد و شانزده بود
در سال کبیر و یکصد و بیست و یک بود
در سال کبیر و یکصد و سی و چهار بود

تاریخ

محمد نور کبیر

تاریخ وفات شیخ محمد مراد کشمیری که در سال کبیر و یکصد و بیست و یک بود
تاریخ وفات شیخ عبد الاحد مجددی که در سال کبیر و یکصد و سی و چهار بود
تاریخ وفات شیخ محمد مراد کشمیری که در سال کبیر و یکصد و بیست و یک بود
تاریخ وفات شیخ عبد الاحد مجددی که در سال کبیر و یکصد و سی و چهار بود
تاریخ وفات شیخ محمد مراد کشمیری که در سال کبیر و یکصد و بیست و یک بود
تاریخ وفات شیخ عبد الاحد مجددی که در سال کبیر و یکصد و سی و چهار بود
تاریخ وفات شیخ محمد مراد کشمیری که در سال کبیر و یکصد و بیست و یک بود
تاریخ وفات شیخ عبد الاحد مجددی که در سال کبیر و یکصد و سی و چهار بود

تاریخ وفات شیخ محمد مراد کشمیری که در سال کبیر و یکصد و بیست و یک بود
تاریخ وفات شیخ عبد الاحد مجددی که در سال کبیر و یکصد و سی و چهار بود

در فضیلت امام زین العابدین (ع) که در وقت حضور
 آن حضرت در کربلا کشته شد و در وقت شهادت
 او حضرت زین العابدین (ع) فرمودند که من
 در دنیا را در کربلا گم ساختم و در آخرت
 از آن بزرگوار یافتیم.
 این قول از پیغمبر (ص) است که در حدیث آمده
 است که من در دنیا را در کربلا گم ساختم
 و در آخرت از آن بزرگوار یافتیم.
 در فضیلت امام زین العابدین (ع) که در وقت حضور
 آن حضرت در کربلا کشته شد و در وقت شهادت
 او حضرت زین العابدین (ع) فرمودند که من
 در دنیا را در کربلا گم ساختم و در آخرت
 از آن بزرگوار یافتیم.
 این قول از پیغمبر (ص) است که در حدیث آمده
 است که من در دنیا را در کربلا گم ساختم
 و در آخرت از آن بزرگوار یافتیم.

باز شد مید از دل سال وصال	مقدمه عبد الاحد یکبارونه
تاریخ وفات خواجده محمد افضل مجددی که در سال کهنه او یکصد و پنجاه و دو بود	مقتد
فاضل و افضل و مکمل و اهل فضل	فاضل و افضل چونکه از حق یافت
عقل افضل و اصل حق سال او	آفتاب حسن عالم تاب گفت
تاریخ وفات حافظ محمد حسن مجددی که در سال کهنه او یکصد و پنجاه و دو بود	مقتد
محمد دین حسن الاخلاق پیر و صل او حافظ محب حق بود	یافت از حق چونکه حسن وصال نیز حافظ حسن آمد از شمال شاه ششماق است تاریخ وصال
تاریخ وفات حافظ ساداته مجددی که در سال کهنه او یکصد و پنجاه و دو بود	مقتد
باسادات چونکه سعد الله رفت از شمال او نسیر و در شد عیان سالک ششماق سعد الله گو سرور حافظ حبیب عالم است	در مقام اسد خلد برین حافظ با کزله دل با دمی دین سال تر خلیلش بصد صدق نشین باز و صل پاک آن خلوت نشین
تاریخ وفات خواجده محمد زین العابدین مجددی که در سال کهنه او یکصد و پنجاه و دو بود	مقتد
روح پاک خواجده والا زین مست شمس الاقطار ملک زمان شد عیان از نقش دل تاریخ او نیز شمس العارفین کامل زین	رفت چون از فرض بر عرش برین سال و صل آن امام استغنین نقشند پاک باحسن یقین ظاهر آمد از شمال آن امین
تاریخ ولادت و وفات خواجده نور الدین محمد آفتاب شمس مجددی که در سال کهنه او یکصد و پنجاه و دو بود	مقتد
نور دین آفتاب نور یقین آفتاب آفتاب حسن گو شیخ معصوم و مصلح حق	بود محمد نسیر عزت و جاه سال تو کید آن ترا با جاه سن تر خلیل او بکسرت و آه
تاریخ وفات شیخ محمد فاضل مجددی که در سال کهنه او یکصد و پنجاه و دو بود	مقتد
عابد دین عبد حق خیر العباد	از عبادت یافت چون ملک ام

شیخ میر است و در محمد دوم	در سلطنت امیر محمد مان بی شش کم
باز فضل علم نماید با کبار	شیخ قطب الحق و صالح گفت ام
تاریخ وفات حاجی محمد سعید لاهوری فادری و نقشبندی که در سال کبیر و هجده	از فنادر کشور اعتبار رسید
چون سعید آن سعد جن کوشید	نیز بر سفر رفت حاجی سعید
تاریخ وفات خواجه کمال الدین نقشبندی که در سال کبیر و یکصد و شصت و هشت بود و قوم آند	ز دنیا وی دوین هفت با حق و صل
چون کمال از کمال رخصا	که بر شیخ اقطاب سعید کمال
تاریخ ولادت و وفات شاه شمس الدین حبیب الله مرزا جنان جانان بلوخی که ولادش در سال کبیر و یکصد و پانزده و وفات در سنه کبیر و یکصد و نود و شصت بود	که بدیکتا بجوبوی و مطلوبی و غیره خوبی
جنان جانان شاه شمس الدین حبیب	بوصل با یک اوساه شهادت قطب مری
تولدش هجری مقبول ربانی رقم کریم	
قطعه نامه	
جان جانان شاه شمس الدین شیخ	وصف و بیرون است از گفت شنید
حازن جنت رقم شد از رقم	هر تولد سعید آن سعید
گشت روشن از خرد سال و صاگر	بنده جن پر شمس الدین سعید
بس شده بیض است سال وصل او	شاه بحر رحمت هم آمد بدید
تاریخ وفات مولوی احمد امجد دومی که در سال کبیر و دو صد و نود و هشت بود	مجنون بیض بدایت مطلع نور قدم
مولوی احمد آن مقبول الله و بی	مطر احمد بجوانش شیخ محرم کن رقم
رفت از دنیا و در خلد بر تن شیخ او	
تاریخ وفات شیخ نماز الله پانی بی که در سال کبیر و دو صد و شانزده بود و قوم آند	شما گو بیان ازین دار برادر مار
چو رفت آخر شاد الله واسی	دگر بر گره وصالش تاج اخیار
نبوه آن اهل طفر تاریخ سالش	
تاریخ وفات شاه در گاهی مجددی که در سال کبیر و دو صد و هشت و هشت	
هجرت و ولادت با سعادت وی در سنه کبیر و یکصد و شصت و دو بود و قوم آند	

بجای سعید آن سعید جن کوشید
 با کمال از کمال رخصا
 شاه شمس الدین حبیب الله مرزا جنان جانان بلوخی
 مولوی احمد امجد دومی
 شاه در گاهی مجددی
 در سنه کبیر و یکصد و شصت و دو

تاریخ ولادت و وفات شاه شمس الدین حبیب الله مرزا جنان جانان بلوخی
 تاریخ وفات مولوی احمد امجد دومی
 تاریخ وفات شاه در گاهی مجددی

تاریخ ولادت و وفات شاه شمس الدین حبیب الله مرزا جنان جانان بلوخی
 تاریخ وفات مولوی احمد امجد دومی
 تاریخ وفات شاه در گاهی مجددی
 تاریخ ولادت و وفات شاه شمس الدین حبیب الله مرزا جنان جانان بلوخی

تاریخ ولادت و وفات شاه شمس الدین حبیب الله مرزا جنان جانان بلوخی
 تاریخ وفات مولوی احمد امجد دومی
 تاریخ وفات شاه در گاهی مجددی
 تاریخ ولادت و وفات شاه شمس الدین حبیب الله مرزا جنان جانان بلوخی

شاخ درگاه شاه و الا جاء تاریخ و وفات شیخ صفی الدین المشهور صفی القدر که در سال کبیر ۷۰۰ هجری سنه ۱۳۰۰	حاکم دین زما و نام است سال تولد او اگر خواست راه منبذ شاه در گاست
تاریخ ولادت و وفات شاه عبدالقادر المشهور سید غلام علی دهلوی مجدد که ولادتش در سال کبیر ۷۰۰ هجری و وفاتش در سنه ۷۸۰ هجری	شیخ باصف محبوب موی شیخ اصفا محبوب موی
تاریخ ولادت و وفات مولانا خالد مجددی که در سال کبیر ۷۰۰ هجری سنه ۱۳۰۰	امام دو عالم غنی شمس تاریخ تولد آن ستمی وگرافات مروت ستمی
تاریخ ولادت و وفات خواجه ابوسعید مجددی که ولادتش در سال کبیر ۷۰۰ هجری	چو خالک جاذب و مجذوب ستمی سجوان تاریخ آن مطلوب موی ز خالک ستمی محبوب موی
تاریخ ولادت و وفات شیخ ابوالحسن شافعی که در سال کبیر ۷۰۰ هجری سنه ۱۳۰۰	حشم عالم آنکه مثل او ندید نیز شد مشهور رسته گفت و شنید با دمی حق شیخ میر آید بدید
تاریخ ولادت و وفات شاه رؤف المتواضع شافعی که در سال کبیر ۷۰۰ هجری سنه ۱۳۰۰	یافت در راه الترار آخر قرار سال وصل آن شه والاتبار باز چو سالش در اوقت شمس آید

شاه درگاه شاه و الا جاء
 تاریخ و وفات شیخ صفی الدین المشهور صفی القدر که در سال کبیر ۷۰۰ هجری سنه ۱۳۰۰
 حاکم دین زما و نام است
 سال تولد او اگر خواست
 راه منبذ شاه در گاست
 تاریخ ولادت و وفات شاه عبدالقادر المشهور سید غلام علی دهلوی مجدد
 که ولادتش در سال کبیر ۷۰۰ هجری و وفاتش در سنه ۷۸۰ هجری
 شیخ باصف محبوب موی
 شیخ اصفا محبوب موی
 تاریخ ولادت و وفات مولانا خالد مجددی که در سال کبیر ۷۰۰ هجری سنه ۱۳۰۰
 امام دو عالم غنی شمس
 تاریخ تولد آن ستمی
 وگرافات مروت ستمی
 تاریخ ولادت و وفات خواجه ابوسعید مجددی که ولادتش در سال کبیر ۷۰۰ هجری
 چو خالک جاذب و مجذوب ستمی
 سجوان تاریخ آن مطلوب موی
 ز خالک ستمی محبوب موی
 تاریخ ولادت و وفات شیخ ابوالحسن شافعی که در سال کبیر ۷۰۰ هجری سنه ۱۳۰۰
 حشم عالم آنکه مثل او ندید
 نیز شد مشهور رسته گفت و شنید
 با دمی حق شیخ میر آید بدید
 تاریخ ولادت و وفات شاه رؤف المتواضع شافعی که در سال کبیر ۷۰۰ هجری سنه ۱۳۰۰
 یافت در راه الترار آخر قرار
 سال وصل آن شه والاتبار
 باز چو سالش در اوقت شمس آید

تاریخ وفات مولوی کرم الله محمد شکر در سال یک هزار و دویست و پنجاه و هشت	تاریخ وفات مولوی کرم الله محمد شکر در سال یک هزار و دویست و پنجاه و هشت	
نجف درین گشت منزل کربین	چو ان مولوی معظم کرم	و که غریب است تاریخ او
تاریخ وفات ملاح عبدالغفور جرجوی که در سال یک هزار و دویست و پنجاه و نه بود	گشت عبد الغفور جرجون مغفور	گفت زاهد و عالی منظور است
تاریخ وفات مرزا رحیم بیگ کهنه شور در ویش محمود عظیم آبادی که در سال یک هزار و دویست و پنجاه و ده بود	رحم دل مرزا رحیم الله ولی اصل کرم	کنیم هم مشهور دین سالش که محمد کرم
تاریخ وفات مولا ناخوب احمد مجردی که در سال یک هزار و دویست و پنجاه و یازده بود	رحمت حق بابت حجت افضل ذوالکمال	هم سخن آن خورشید علم از هر سال ارتقا
تاریخ ولادت و وفات شاه احمد سعید مجدی که ولادتش در سال یک هزار و دویست و پنجاه و دو بود و وفاتش در سن یک هزار و دویست و پنجاه و سه بود	حضرت احمد سعید آن نور حق	چو احمد سیر دین شیخ سعید
	چو ان نعمت گشت تولیدش همان	منظر امید ز یاد شد بد
	بنظر اسلام دان ترجیل او	هم سخن آن سخن نصیب احمد سعید
تاریخ ولادت و وفات سید امام علی شاه مجدی که ولادتش در سال یک هزار و دویست و پنجاه و سه بود و وفاتش در سن یک هزار و دویست و پنجاه و چهار بود	عقبت دل امام اولیا	ز یاد دین سید و الا مقام
	سال مولودش عربت همان	جلوه گشت با ز خورشید امام
	شیش سالکین اسل حلال	گشت تولیدش قمر ای نیک نام
	فصل قرب شیخ قرب آمد دگر	سال تولیدش بقول خاص عام
	کنیم هم مشهور دین سالش که محمد کرم	ای اجی تولید آن ذمی الا حقا
	علمش منظور مونس کن قلم	هم سخن آن مرد خدا عارف امام

این کتاب در بیان احوال و وفات بزرگان دین است که در سالهای مختلف در دنیا دیده اند و در این کتاب به شرح احوال آن بزرگان و تاریخ وفات آنها پرداخته شده است. این کتاب برای کسانی که به تاریخ و احوال بزرگان دین علاقه دارند بسیار مفید است. در این کتاب به شرح احوال و وفات بزرگان دین پرداخته شده است.

در این کتاب به شرح احوال و وفات بزرگان دین پرداخته شده است. این کتاب برای کسانی که به تاریخ و احوال بزرگان دین علاقه دارند بسیار مفید است. در این کتاب به شرح احوال و وفات بزرگان دین پرداخته شده است.

در این کتاب به شرح احوال و وفات بزرگان دین پرداخته شده است. این کتاب برای کسانی که به تاریخ و احوال بزرگان دین علاقه دارند بسیار مفید است. در این کتاب به شرح احوال و وفات بزرگان دین پرداخته شده است.

۱۷۸۲	پس کے منظور فرما دیا اسلام	پس کے منظور فرما دیا اسلام
۱۷۸۳	سید احمد علی شاہ	سید احمد علی شاہ
۱۷۸۴	سید احمد علی شاہ	سید احمد علی شاہ
۱۷۸۵	سید احمد علی شاہ	سید احمد علی شاہ
۱۷۸۶	سید احمد علی شاہ	سید احمد علی شاہ
۱۷۸۷	سید احمد علی شاہ	سید احمد علی شاہ
۱۷۸۸	سید احمد علی شاہ	سید احمد علی شاہ
۱۷۸۹	سید احمد علی شاہ	سید احمد علی شاہ
۱۷۹۰	سید احمد علی شاہ	سید احمد علی شاہ
۱۷۹۱	سید احمد علی شاہ	سید احمد علی شاہ
۱۷۹۲	سید احمد علی شاہ	سید احمد علی شاہ
۱۷۹۳	سید احمد علی شاہ	سید احمد علی شاہ
۱۷۹۴	سید احمد علی شاہ	سید احمد علی شاہ
۱۷۹۵	سید احمد علی شاہ	سید احمد علی شاہ
۱۷۹۶	سید احمد علی شاہ	سید احمد علی شاہ
۱۷۹۷	سید احمد علی شاہ	سید احمد علی شاہ
۱۷۹۸	سید احمد علی شاہ	سید احمد علی شاہ
۱۷۹۹	سید احمد علی شاہ	سید احمد علی شاہ
۱۸۰۰	سید احمد علی شاہ	سید احمد علی شاہ

۱۷۸۲
 ۱۷۸۳
 ۱۷۸۴
 ۱۷۸۵
 ۱۷۸۶
 ۱۷۸۷
 ۱۷۸۸
 ۱۷۸۹
 ۱۷۹۰
 ۱۷۹۱
 ۱۷۹۲
 ۱۷۹۳
 ۱۷۹۴
 ۱۷۹۵
 ۱۷۹۶
 ۱۷۹۷
 ۱۷۹۸
 ۱۷۹۹
 ۱۸۰۰

از محبت سبب دل تاریخ او	هم نزد فرمود بود القاسم کسیم
تاریخ وفات شیخ اخوی فرخ زبجانی که در سال چارصد و پنجاه بود قوم آمد	مانند نیکو به هر نیکو رفت گفت سرور بیال تر حلش نیز سالک و کرم گو
تاریخ وفات شیخ ابوعلی فارسی که در سال چارصد و هفتاد و هفت بود قوم آمد	یا ذلت اعلی رتبه در خلد برآه زنده می عارف آمد در حلقه تر
تاریخ وفات شیخ ابو بکر نساج که در سال چارصد و هشتاد و هفت بود قوم آمد	شده موصول با وصل خداوند بگو حرفان مودت را کمالش
تاریخ وفات شیخ احمد غزالی که در سال پانصد و هفتاد و هجری بود قوم آمد	انچه آن محبوب دین احمدی بیل جنبت بگو تاریخ او
تاریخ وفات شیخ عین القصاص همدانی که در سال پانصد و هشتاد و هجری بود قوم آمد	عین قصات از جهان چون جرات تا وی اهل یقین عین العلوم باز گو علم سے عین یقین بس محب الله نور عین نیز گشت پید او عین اهل مطا
تاریخ وفات شیخ ضیاء الدین ابو محمد بن عبدالعزیز که در سال پانصد و هشتاد و هجری بود قوم آمد	بانهایت شیخ پیر و سنجید مختلف شد سال وصل اشجاب اولا گو معدن انوار علم باز سال وصل آن سرو ارجق
تاریخ وفات شیخ علی بن سنان که در سال پانصد و هشتاد و هجری بود قوم آمد	

تاریخ وفات شیخ ابو بکر نساج که در سال چارصد و هشتاد و هفت بود قوم آمد
 تاریخ وفات شیخ احمد غزالی که در سال پانصد و هفتاد و هجری بود قوم آمد
 تاریخ وفات شیخ عین القصاص همدانی که در سال پانصد و هشتاد و هجری بود قوم آمد
 تاریخ وفات شیخ ضیاء الدین ابو محمد بن عبدالعزیز که در سال پانصد و هشتاد و هجری بود قوم آمد
 تاریخ وفات شیخ علی بن سنان که در سال پانصد و هشتاد و هجری بود قوم آمد
 تاریخ وفات شیخ ابوعلی فارسی که در سال چارصد و هفتاد و هفت بود قوم آمد
 تاریخ وفات شیخ اخوی فرخ زبجانی که در سال چارصد و پنجاه بود قوم آمد
 تاریخ وفات شیخ ابوعلی فارسی که در سال چارصد و هفتاد و هفت بود قوم آمد
 تاریخ وفات شیخ اخوی فرخ زبجانی که در سال چارصد و پنجاه بود قوم آمد
 تاریخ وفات شیخ ابوعلی فارسی که در سال چارصد و هفتاد و هفت بود قوم آمد
 تاریخ وفات شیخ اخوی فرخ زبجانی که در سال چارصد و پنجاه بود قوم آمد

تاریخ وفات شیخ جمدالدین سهروردی که در سال بانصد و شصت و نهم بود	مطلع انوار محبوب زمان
جلوه گر شد بر ابو جعفر عابدین	حضرت سید مستوفی و جید الدین
سنت ممتاز حسن تا به سخن	تیز کاشف و سگ و جمد الدین
تاریخ وفات شیخ عمار یا قدس سره که در سال بانصد و شصت و دو بود	مطلع انوار محبوب زمان
کتابش یافت در خلد سلفه	چو آن شیخ زمان عمار با سر
ز تم شد عاشق استعداده	دگر باره سخن آن عمار با سر
تاریخ ولادت و وفات شیخ البیخ شهاب الدین سهروردی که ولادت در سال بانصد و هجده بود	مطلع انوار محبوب زمان
قطب پناه دین شیخ شهاب الدین	مقدمه اهل بدایت سهروردی
کاشف عالم بگو صباغ عرفان کن تم	تا ترا حاصل شود تولد آن و تقصیر
سهروردی شیخ شهاب الدین	بار دیگر کن بیان این شهاب الدین
تاریخ ولادت و وفات شیخ بهاد الدین که ولادت در سال بانصد و هفتاد و شش و وفات در سال بانصد و شصت و شصت و شش بود	مطلع انوار محبوب زمان
پادشاه دین بهاد الدین ولی	قطب قطاب جهان شیخ زمان
عشق حق تولد او در بحر کن	عاشق صادق بگو ترجمیل آن
شیخ نور آمد دگر ترجمیل او	تیز فتح دین بهاد الدین بخوان
مرشد کامل مکن کامل قسم	عصمت یابد سال تا سخن بیان
هم کرم با حق و اسلے بگو	پیر زکریا قسے حق بین بخوان
رحلتش شاه رفیع است دگر	شاه مهدی اکرم آمد بجان
قطعه مانے	
شاه روی زمین بهاد الدین	شیخ عالمی امین بهاد الدین
گشت تولدش از خرد روز	مطلع نور دین بهاد الدین
گفت سرور ببال رحلت او	حارث اهل تقیین بهاد الدین
تاریخ وفات شیخ جمال خندان رو که در سال بانصد و هفتاد و شش بود	مطلع انوار محبوب زمان

در بیان این شیخ سهروردی که در سال بانصد و شصت و نهم بود
 در بیان شیخ سهروردی که در سال بانصد و شصت و دو بود
 در بیان شیخ بهاد الدین که در سال بانصد و هفتاد و شش و وفات در سال بانصد و شصت و شش بود
 در بیان شیخ جمال خندان رو که در سال بانصد و هفتاد و شش بود
 در بیان شیخ سهروردی که در سال بانصد و شصت و نهم بود
 در بیان شیخ سهروردی که در سال بانصد و شصت و دو بود
 در بیان شیخ بهاد الدین که در سال بانصد و هفتاد و شش و وفات در سال بانصد و شصت و شش بود
 در بیان شیخ جمال خندان رو که در سال بانصد و هفتاد و شش بود

شیخ اجل جمال آهلی جلال	شیدین و جمال در جنت -
هم سخوان آفتاب حسن جمال	بدر عشق است رحلت پاکش
تاریخ وفات شیخ صدرالدین عارف طسائی در سال ششصد و هشتاد و چهار بود و چون آمد	
شده جو بر صدر جهان بالاشین	شیخ صدرالدین ولی صدر الصدوة
هم امین الدین ولی العارین	اهل رحمت از تجاشش شد رقم
سست وصل آن شدر و نخی من	بار دیگر بر صدر الدین جمیل
همه گر ابدال صدر الاکرین	عارف عالمیکان قطب آفتاب است
شدند اور و صاشش از عرش پر	قطب صد الله صدر الاولیا
قطب زیب دین صدر الدین امیر	باز سال از تجاشش شد هیان
رحلت آن شاه از روی تقیر	همدی صدر الصد و دست اعی است
تاریخ وفات شیخ فخرالدین عراقی که در سال ششصد و هشتاد و هشت بود و چون آمد	
ماهل و هر گشت بد افراستی	عراقی چون بخت بر دست شریف
و گر سلطان ولی عالی عراقی	تاریخ و صاشش محمد سرگرم گو
تاریخ وفات شیخ حسن افغان سرور و می که در سال ششصد و هشتاد و نه بود و چون آمد	
سال ترحیل این شه و الا	چون حسن شد بخت الاحسن
عاشق زنده دل حسن فریا	حسن شمع طیب گو
تاریخ ولادت و وفات سید جلال الدین شیر شاه میر سرخ بخاری چی که ولادت در سال پانصد و نود و پنج و وفات در سنه ششصد و نود و هجری بود و چون آمد	
شیم دنیا و دین جلال الدین	سیر ذی رتبه بادشاه کمال
سال تولد او و سخوان و بین	آفتاب جلال و الاحباه
هم سخوان آفتاب ولی امین	نیز عاشق جلال و اسلے جو
وصل آن سیر دین شه حق مین	باز مادی سخی محمد دست
تاریخ ولادت و وفات شیخ شرف العالم مصلح الدین سعدی شیرازی که ولادت در سال پانصد و هشتاد و یک و وفات در سنه ششصد و نود و یک بود و چون آمد	
شده دم مطلوب پروردگار	دسته زمان ششصدی پاک باز

و اقتدا کردی در معرفت میرزا کاظم استیلاست شیخ ابوالشیرازی که در سال ششصد و هشتاد و نه بود و چون آمد

تاریخ ولادت و وفات سید جلال الدین شیر شاه میر سرخ بخاری چی که ولادت در سال پانصد و نود و پنج و وفات در سنه ششصد و نود و هجری بود و چون آمد

تاریخ ولادت و وفات شیخ شرف العالم مصلح الدین سعدی شیرازی که ولادت در سال پانصد و هشتاد و یک و وفات در سنه ششصد و نود و یک بود و چون آمد

تاریخ وفات شیخ فخرالدین عراقی که در سال ششصد و هشتاد و هشت بود و چون آمد

تاریخ وفات شیخ حسن افغان سرور و می که در سال ششصد و هشتاد و نه بود و چون آمد

تاریخ وفات شیخ صدرالدین عارف طسائی در سال ششصد و هشتاد و چهار بود و چون آمد

تاریخ وفات شیخ اجل جمال آهلی جلال هم سخوان آفتاب حسن جمال

تاریخ ولادت و وفات سید جلال الدین شیر شاه میر سرخ بخاری چی که ولادت در سال پانصد و نود و پنج و وفات در سنه ششصد و نود و هجری بود و چون آمد

تاریخ ولادت و وفات شیخ شرف العالم مصلح الدین سعدی شیرازی که ولادت در سال پانصد و هشتاد و یک و وفات در سنه ششصد و نود و یک بود و چون آمد

تاریخ وفات شیخ فخرالدین عراقی که در سال ششصد و هشتاد و هشت بود و چون آمد

تاریخ وفات شیخ حسن افغان سرور و می که در سال ششصد و هشتاد و نه بود و چون آمد

تاریخ وفات شیخ صدرالدین عارف طسائی در سال ششصد و هشتاد و چهار بود و چون آمد

تاریخ وفات شیخ اجل جمال آهلی جلال هم سخوان آفتاب حسن جمال

تاریخ ولادت و وفات سید جلال الدین شیر شاه میر سرخ بخاری چی که ولادت در سال پانصد و نود و پنج و وفات در سنه ششصد و نود و هجری بود و چون آمد

تاریخ ولادت و وفات شیخ شرف العالم مصلح الدین سعدی شیرازی که ولادت در سال پانصد و هشتاد و یک و وفات در سنه ششصد و نود و یک بود و چون آمد

تاریخ وفات شیخ فخرالدین عراقی که در سال ششصد و هشتاد و هشت بود و چون آمد

تاریخ وفات شیخ حسن افغان سرور و می که در سال ششصد و هشتاد و نه بود و چون آمد

تاریخ وفات شیخ صدرالدین عارف طسائی در سال ششصد و هشتاد و چهار بود و چون آمد

تاریخ وفات شیخ اجل جمال آهلی جلال هم سخوان آفتاب حسن جمال

تاریخ ولادت و وفات سید جلال الدین شیر شاه میر سرخ بخاری چی که ولادت در سال پانصد و نود و پنج و وفات در سنه ششصد و نود و هجری بود و چون آمد

تاریخ ولادت و وفات شیخ شرف العالم مصلح الدین سعدی شیرازی که ولادت در سال پانصد و هشتاد و یک و وفات در سنه ششصد و نود و یک بود و چون آمد

تاریخ وفات شیخ فخرالدین عراقی که در سال ششصد و هشتاد و هشت بود و چون آمد

تاریخ وفات شیخ حسن افغان سرور و می که در سال ششصد و هشتاد و نه بود و چون آمد

تاریخ وفات شیخ صدرالدین عارف طسائی در سال ششصد و هشتاد و چهار بود و چون آمد

تاریخ وفات شیخ اجل جمال آهلی جلال هم سخوان آفتاب حسن جمال

تاریخ وفات شیخ کبیر الدین بن خواجہ عراقی که در سال هفتصد و چوبی فوت شد	
چون کبیر الدین کبر الایام	رفت از دنیا بحد در نزد عشق
گرست که شیخ سلطان جوان	هم پدید این ترحیل او نور در عشق
تاریخ وفات خواجہ کرک سرور دی که در سال هفتصد و شانزده و ۱۶۱۶	
چو از دنیا ببرد و سپید است	شبه گویند بریده اکتف کرک
رقم شد خواجہ نامی وصالش	و دوباره ز آبد حق عارف کرک
تاریخ ولادت و وفات میر حسینی شاعر سرور دی که ولادتش در سال هفتصد و وفات وی در سنه هفتصد و هفتاد و با شرف و عجز بود	
چو از دنیا شد ملک بقاشد	ولی میر حسینی جگر است
نه اشده بهر سال اشغالش	که قطب الاول اسپین میر جگر
قطعه ثانی	
پیر دین حسن حسینی اهل سن	پیر عالم سرور در جوان
سیر فرد دست در سینه بود	کاشف حق کائنات از دل شد بیان
قطعه ثالث	
حسین از دیر چون رفت هر بیت	سال وصل این پیر حسینی
با کف قتل احسن اهل صفا میر	و گر بر حسن میر حسینی
تاریخ وفات شیخ احمد معشوق که در سال هفتصد و هشتاد و نه فوت شد	
چو احمد پیر معشوق است که	تجاری بیفت اندر فرسجان
سپو وصالش ز محبوب خداوند	و گر معشوق حق احمد ولی جوان
دو باره صاحب برکت رقم شد	
تاریخ وفات سید عثمان المشهور لعل شهباز قلندر که در سال هفتصد و هشتاد و نه فوت شد	
چو رفت عثمان قلی از دینا	ز حق ابواب جنت شد بر و باز
ز نغمه دم اهل عوارتخاش	بفر ما عارف محبوب شهباز
تاریخ وفات شیخ زکریا الدین ابوالفتح سنانی که در سال هفتصد و هشتاد و نه فوت شد	
بجنت رکش شد چون کن دین پیر	جان شد سال وصل آن شه دین

تاریخ وفات شیخ کبیر الدین بن خواجہ عراقی که در سال هفتصد و چوبی فوت شد

تاریخ وفات خواجہ کرک سرور دی که در سال هفتصد و شانزده و ۱۶۱۶

تاریخ ولادت و وفات میر حسینی شاعر سرور دی که ولادتش در سال هفتصد و وفات وی در سنه هفتصد و هفتاد و با شرف و عجز بود

تاریخ وفات شیخ احمد معشوق که در سال هفتصد و هشتاد و نه فوت شد

تاریخ وفات سید عثمان المشهور لعل شهباز قلندر که در سال هفتصد و هشتاد و نه فوت شد

تاریخ وفات شیخ زکریا الدین ابوالفتح سنانی که در سال هفتصد و هشتاد و نه فوت شد

چون کبیر الدین کبر الایام رفت از دنیا بحد در نزد عشق هم پدید این ترحیل او نور در عشق
 چو از دنیا ببرد و سپید است شبه گویند بریده اکتف کرک رقم شد خواجہ نامی وصالش و دوباره ز آبد حق عارف کرک
 چو از دنیا شد ملک بقاشد ولی میر حسینی جگر است که قطب الاول اسپین میر جگر
 حسین از دیر چون رفت هر بیت با کف قتل احسن اهل صفا میر و گر بر حسن میر حسینی
 چو احمد پیر معشوق است که تجاری بیفت اندر فرسجان و گر معشوق حق احمد ولی جوان دو باره صاحب برکت رقم شد
 چو رفت عثمان قلی از دینا ز حق ابواب جنت شد بر و باز ز نغمه دم اهل عوارتخاش بفر ما عارف محبوب شهباز
 چو رفت زکریا الدین ابوالفتح سنانی که در سال هفتصد و هشتاد و نه فوت شد جان شد سال وصل آن شه دین

این کتاب در سنه ۱۱۰۰ قمری در شهر کربلا در روز پنجشنبه و در ماه رجب و در روز ششم از ماه شعبان و در روز ششم از ماه شعبان و در روز ششم از ماه شعبان
 در روز ششم از ماه شعبان و در روز ششم از ماه شعبان و در روز ششم از ماه شعبان
 در روز ششم از ماه شعبان و در روز ششم از ماه شعبان و در روز ششم از ماه شعبان
 در روز ششم از ماه شعبان و در روز ششم از ماه شعبان و در روز ششم از ماه شعبان

Handwritten marginal notes at the top of the page, likely bleed-through from the reverse side. Includes phrases like "در کتاب...".

در کتاب... بسال رعایت آن شاه حق من	بسال رعایت آن شاه حق من
تاریخ ولادت و وفات شیخ حمید الدین حاکم فرعی هکاری که ولادت او در سال هفتصد و هشتاد و هفت و وفات در سن هفتصد و سی و هفت بود و قوم آند	تاریخ ولادت و وفات شیخ حمید الدین حاکم فرعی هکاری که ولادت او در سال هفتصد و هشتاد و هفت و وفات در سن هفتصد و سی و هفت بود و قوم آند
حاکم دین است البرسلین سرور اتولیدش از روی زمین کن تم تولید آن نورالین بسال تولیدش قبول متقین محدث حاکم حمید البرسلین	حاکم دین است البرسلین سرور اتولیدش از روی زمین کن تم تولید آن نورالین بسال تولیدش قبول متقین محدث حاکم حمید البرسلین
تاریخ وفات میر محمد سروروی که در سال هفتصد و هشتاد و دو بود و قوم آند	تاریخ وفات میر محمد سروروی که در سال هفتصد و هشتاد و دو بود و قوم آند
تاریخ وفات شیخ حاجی جراح مند که در سال هفتصد و هشتاد و چهار بود و قوم آند	تاریخ وفات شیخ حاجی جراح مند که در سال هفتصد و هشتاد و چهار بود و قوم آند
تاریخ ولادت و وفات سید جمال الدین محمد دوم جاسان همان گشت که ولادت او در سال هفتصد و هفت و وفات در سن هفتصد و هشتاد و پنج یا هشتاد و هشت بود و قوم آند	تاریخ ولادت و وفات سید جمال الدین محمد دوم جاسان همان گشت که ولادت او در سال هفتصد و هفت و وفات در سن هفتصد و هشتاد و پنج یا هشتاد و هشت بود و قوم آند
بسال تولید آن شاه منعم بسال وفات آن شاه منعم زاده و پدر مستفی آید	بسال تولید آن شاه منعم بسال وفات آن شاه منعم زاده و پدر مستفی آید

Extensive handwritten marginal notes on the right side of the page, including a large, prominent signature or name in the middle. The text is dense and appears to be a commentary or continuation of the main text.

Handwritten marginal notes at the bottom of the page, continuing the commentary or providing additional context.

تاریخ وفات سید علم الدین	کرد و سال شصت و هفتاد و پنج
در وقت از عالم جو با سلطه	علم دین این عالم و کامل است
تاریخ وفات شیخ کبیر الدین	چهارم اسفند سال شصت و هفتاد و پنج
جلو از پوسله جو اندر غلذت	بهر عالم راه وین در کبریا
بادشاه السی گور علی	با دیگر سفر و درین کشور
تاریخ وفات سید صدر الدین	چهارم اسفند سال شصت و هفتاد و پنج
چو صدر الدین ولی صدر دود	بصد غلذت جو به مال امسال
رسیده شاه صدر الدین	دو باره از دین بیرون
دیگر اسخواجه فرماخواجه	سال و هفتاد و پنج
تاریخ وفات سراج الدین	پهرو روی که در سال شصت و هفتاد و پنج
مشن خورشید بر تو افکن چنان	چون سراج الدین و این بیست
بازی خیر است سال رحلتش	باز شصت و هشتاد و پنج
جلوه گر شد باز محمد و هم	در شماری آن سراج الدین
تاریخ وفات سید ناصر الدین	محمد دوم پنهان ایچی کرد سال شصت و هفتاد و پنج
بصد نصرت چو شد ناصر سحبت	سنان سال وصال آن شهرونی
ز عارف ناصر دین کامل اول	دیگر قطب کرم ناصر الدین
چون نفع نصرت اندر غلذت	ناصر الدین تا پیرو دین
گشت تاریخ وصال او عیان	خواه سید ناصر دین
تاریخ ولادت و وفات سید برمان الدین	قطب العالم که ولادتش سال
بصد ولادت و وفات در سنه شصت و هفتاد و پنج	در سنه شصت و هفتاد و پنج
حضرت سید برمان الدین برمان	قطب عالم شاه قطب الدین
است تولیدش سنه اول	سرونده کفایت قطب العالمین
زنده اول محمد دوم غلذت	شیر تولیدش بقول صبا
طرفه تر تولید او از حضرت	کن بیان شمار دین فارغ

تاریخ وفات سید صدر الدین
 تاریخ وفات سید ناصر الدین
 تاریخ ولادت و وفات سید برمان الدین
 تاریخ وفات سید علم الدین
 تاریخ وفات شیخ کبیر الدین
 تاریخ وفات سراج الدین
 تاریخ وفات سید ناصر الدین
 تاریخ ولادت و وفات سید برمان الدین
 تاریخ وفات سید علم الدین

تاریخ وفات سید علم الدین
 تاریخ وفات سید صدر الدین
 تاریخ وفات سید ناصر الدین
 تاریخ ولادت و وفات سید برمان الدین
 تاریخ وفات سید علم الدین

تاریخ وفات سید علم الدین
 تاریخ وفات سید صدر الدین
 تاریخ وفات سید ناصر الدین
 تاریخ ولادت و وفات سید برمان الدین
 تاریخ وفات سید علم الدین

قلم نامی	
چو عبد الجلیل از جهان رخت است یکی تاج عرفان امجد است	بگو سال وصلش بجزیرت بسیل دگر مهدی حق خلیل بسیل
تاریخ وفات قاضی نجم الدین کجراتی که در سال پنجم و یازدهم بود قوم آمد	در جهان از رحمت پروردگار رحلت آن قاضی بسیل وقار
تاریخ وفات سید عثمان بخاری لاهوری که در سال پنجم و دوازدهم بود قوم آمد	یافت از حق با وج صدن مکان سعدن بود سید عثمان
تاریخ وفات سید علم الدین چونی دال که در سال پنجم و شانزدهم بود قوم آمد	عالم علم لیس علم دین کاشف دین عالم مسلمین
تاریخ وفات قاضی محمود کجراتی که در سال پنجم و بیست و یکم بود قوم آمد	از جهان شد عهد گریان و جهان ساکت مشککات مسموم و دمان
تاریخ وفات شیخ موسی آنکر لاهوری که در سال پنجم و سی و یکم بود قوم آمد	چو نور طور عرفان شیخ موسی دل سرور و صالط طرفه حجت
تاریخ وفات سید حاجی عبد الوهاب دهلوی که در سال پنجم و سی و دویم بود قوم آمد	حاشیه حرین است بهر جا کن به تم سبیل و جانش سهراب
تاریخ وفات شیخ جمال التماس کمالی پسر دوی در سال پنجم و سی و سهیم بود قوم آمد	باز گو تارخ وصل آنجناب بشوا حاشیه و سلسله منتها

در سال پنجم و یازدهم بود قوم آمد
 در سال پنجم و دوازدهم بود قوم آمد
 در سال پنجم و شانزدهم بود قوم آمد
 در سال پنجم و بیست و یکم بود قوم آمد
 در سال پنجم و سی و یکم بود قوم آمد
 در سال پنجم و سی و دویم بود قوم آمد
 در سال پنجم و سی و سهیم بود قوم آمد

در سال پنجم و یازدهم بود قوم آمد
 در سال پنجم و دوازدهم بود قوم آمد
 در سال پنجم و شانزدهم بود قوم آمد
 در سال پنجم و بیست و یکم بود قوم آمد
 در سال پنجم و سی و یکم بود قوم آمد
 در سال پنجم و سی و دویم بود قوم آمد
 در سال پنجم و سی و سهیم بود قوم آمد

دوران جاهلیت و جاهل در کمال معرفت
 در اصل نبوت در جاهلیت و جاهل در کمال معرفت
 در اصل نبوت در جاهلیت و جاهل در کمال معرفت
 در اصل نبوت در جاهلیت و جاهل در کمال معرفت

حسن اجل یافت در غلده برین	چون جاهل با کمال معرفت
سختی افغانی از غلده برین	جلالت اهل جهالت معرفت
تاریخ وفات شیخ زین العابدین المشهور ازین و بهای در زمان محمد و با سید محمد	سید محمد و از جهالت معرفت
چیزین العابدین مانند ولی یافتند	در زمان العابدین بود
تاریخ وفات سید جمال الدین بهروردی که در سال نهصد و هفتاد و هشتاد و نه	جلالت اهل جهالت معرفت
جلالت اهل جهالت معرفت	جلالت اهل جهالت معرفت
تاریخ وفات سید جمال الدین بهروردی که در سال نهصد و هفتاد و هشتاد و نه	جلالت اهل جهالت معرفت
حضرت حمزه چون بلطف خدا	شاد و نیاورد دست فرب
شیخ سید گویتار سخش	بیز محمد و م حمزه بر حسیب
تاریخ وفات بابا داود خاکی شمیری بهروردی که در سال نهصد و هفتاد و هشتاد و نه	جلالت اهل جهالت معرفت
تاریخ وفات سید جویون شاه بهروردی که در سال نهصد و هفتاد و هشتاد و نه	جلالت اهل جهالت معرفت
شاه جویون چونکه در حنت رسید	ار شحال آن و بیسے بحر و بر
عالم اشم از جویون شاه دان	بیز جویون شاه نامور
تاریخ وفات سید شاه محمد جویون بخاری که در سال کهزار و پانزده و هفتاد و نه	جلالت اهل جهالت معرفت
شاه محمد چون بخت بست راه	گشت اعظم سال تر خلیس عیان
باز شد سید از دل شیخ امین	صاحب فضل است همای مهربان
شاه محمد عارف ربانی است	در شحال آن شده امان مکان
تاریخ وفات شیخ حسن المشهور جویون که در سال کهزار و پانزده و هفتاد و نه	جلالت اهل جهالت معرفت
از میان رفت حسن جنت یافت	چون شیخ سینه محمد دوم
رحلتش مست شیخ اهل ائمه	بیز حسن جین و سله محمد دوم
تاریخ ولادت و وفات میران محمد شاه می در یا بخاری لاهوری که در سال کهزار و پانزده و هفتاد و نه	جلالت اهل جهالت معرفت

دوران جاهلیت و جاهل در کمال معرفت
 در اصل نبوت در جاهلیت و جاهل در کمال معرفت
 در اصل نبوت در جاهلیت و جاهل در کمال معرفت
 در اصل نبوت در جاهلیت و جاهل در کمال معرفت
 در اصل نبوت در جاهلیت و جاهل در کمال معرفت

بسم الله الرحمن الرحیم
 الحمد لله رب العالمین

بسم الله الرحمن الرحیم
 الحمد لله رب العالمین
 در بیان فضل شیخ اهل جهالت معرفت
 در بیان فضل شیخ اهل جهالت معرفت
 در بیان فضل شیخ اهل جهالت معرفت
 در بیان فضل شیخ اهل جهالت معرفت
 در بیان فضل شیخ اهل جهالت معرفت

دوران جاهلیت و جاهل در کمال معرفت
 در اصل نبوت در جاهلیت و جاهل در کمال معرفت
 در اصل نبوت در جاهلیت و جاهل در کمال معرفت
 در اصل نبوت در جاهلیت و جاهل در کمال معرفت

مشهد و نو و وفات در سنه کبیرار و چهاردهم هجری بود و آمد	
سید پاک بحیر فاسی	سویج و دنیا و سید و لاجا
سید دین پیر و دشمن دل	بست تولید او همان چون ماه
طرفه تارخ انتقال او	گفت اول خواجه محمد شاه
تاریخ وفات سلطان سید جمال الدین لاهوری که در سال کبیرار و شانزدهم	
چون جمال الدین جلای خلد یافت	وصل این روح همان جان بست
خواجه کشف و عاشق متقه است	هم جمال الدین سلطان پرست
تاریخ وفات سید عمادی الملک لاهوری که در سنه کبیرار و سی و نه هجری بود و آمد	
سستون رده خلد برین شد	عمادی الملک معصوم زیاده
تاریخ وفات شازرانی قادری سهروردی که در سال کبیرار و چهل و نهم	
شاه ارزانی از عطاسه الم	یافت از آن وصال نیر وانی
رحلت آن ولی دین عالی	کن رتسم سرور او چو توانی
کاشف دین شاه ارزانی	نیز عاشق کرم بار راستی
تاریخ وفات بابا قطب الدین کبیری که در سال کبیرار و چهل و هفت بود و آمد	
رویا چوسوی بخت زخت بست	جناب صیفت آن وسیله شقی
ز نامت قدم ارتخاشش بجز	نفر ما در شیخ کامل ولی
تاریخ ولادت و وفات سید شهاب الدین نیر لاهوری که ولادتش در سال	
نقصه و شخت پنج و وفاتش در سنه کبیرار و چهل و یک و هفت بود و آمد	
شهاب الدین نیر اسیداک	که بود از سیدان دین عالی
اگر خواست ز نامش سال گوید	بگو شاه شهاب الدین نیرا
شهاب الدین نیر حقیقت	ز تم کن وصل آن شاه معلو
شهاب الدین ولی لاهوری آمد	و که تر میل آن میرزگی
تاریخ وفات سید جمال لاهوری که در سال کبیرار و چهل و نهم بود و آمد	
چون جمال الدین جمال معرفت	
رحلتش فیاض حسین گفتم ام	هم ولی المکن جمال معرفت

در سنه کبیرار و چهاردهم هجری بود و آمد
 سید پاک بحیر فاسی
 سید دین پیر و دشمن دل
 طرفه تارخ انتقال او
 تاریخ وفات سلطان سید جمال الدین لاهوری که در سال کبیرار و شانزدهم
 چون جمال الدین جلای خلد یافت
 خواجه کشف و عاشق متقه است
 تاریخ وفات سید عمادی الملک لاهوری که در سنه کبیرار و سی و نه هجری بود و آمد
 سستون رده خلد برین شد
 تاریخ وفات شازرانی قادری سهروردی که در سال کبیرار و چهل و نهم
 شاه ارزانی از عطاسه الم
 رحلت آن ولی دین عالی
 کاشف دین شاه ارزانی
 تاریخ وفات بابا قطب الدین کبیری که در سال کبیرار و چهل و هفت بود و آمد
 رویا چوسوی بخت زخت بست
 ز نامت قدم ارتخاشش بجز
 تاریخ ولادت و وفات سید شهاب الدین نیر لاهوری که ولادتش در سال
 نقصه و شخت پنج و وفاتش در سنه کبیرار و چهل و یک و هفت بود و آمد
 شهاب الدین نیر اسیداک
 اگر خواست ز نامش سال گوید
 شهاب الدین نیر حقیقت
 شهاب الدین ولی لاهوری آمد
 تاریخ وفات سید جمال لاهوری که در سال کبیرار و چهل و نهم بود و آمد
 چون جمال الدین جمال معرفت
 رحلتش فیاض حسین گفتم ام

تاریخ وفات سید جمال الدین لاهوری که در سال کبیرار و شانزدهم
 تاریخ وفات سید عمادی الملک لاهوری که در سنه کبیرار و سی و نه هجری بود و آمد
 تاریخ وفات شازرانی قادری سهروردی که در سال کبیرار و چهل و نهم
 تاریخ وفات بابا قطب الدین کبیری که در سال کبیرار و چهل و هفت بود و آمد
 تاریخ ولادت و وفات سید شهاب الدین نیر لاهوری که ولادتش در سال
 تاریخ وفات سید جمال لاهوری که در سال کبیرار و چهل و نهم بود و آمد

در سنه کبیرار و چهاردهم هجری بود و آمد
 سید پاک بحیر فاسی
 سید دین پیر و دشمن دل
 طرفه تارخ انتقال او
 تاریخ وفات سلطان سید جمال الدین لاهوری که در سال کبیرار و شانزدهم
 چون جمال الدین جلای خلد یافت
 خواجه کشف و عاشق متقه است
 تاریخ وفات سید عمادی الملک لاهوری که در سنه کبیرار و سی و نه هجری بود و آمد
 سستون رده خلد برین شد
 تاریخ وفات شازرانی قادری سهروردی که در سال کبیرار و چهل و نهم
 شاه ارزانی از عطاسه الم
 رحلت آن ولی دین عالی
 کاشف دین شاه ارزانی
 تاریخ وفات بابا قطب الدین کبیری که در سال کبیرار و چهل و هفت بود و آمد
 رویا چوسوی بخت زخت بست
 ز نامت قدم ارتخاشش بجز
 تاریخ ولادت و وفات سید شهاب الدین نیر لاهوری که ولادتش در سال
 نقصه و شخت پنج و وفاتش در سنه کبیرار و چهل و یک و هفت بود و آمد
 شهاب الدین نیر اسیداک
 اگر خواست ز نامش سال گوید
 شهاب الدین نیر حقیقت
 شهاب الدین ولی لاهوری آمد
 تاریخ وفات سید جمال لاهوری که در سال کبیرار و چهل و نهم بود و آمد
 چون جمال الدین جمال معرفت
 رحلتش فیاض حسین گفتم ام

تاریخ وفات شیخ جامع سهروردی لاهوری که در سال یک هزار و ششاد و دو و پنجاه	
جان تازه چون زخمی در خلد یافت	روح دین جان محمد جان جان
شیخ دین حق بد است از خاک	سال نارسختش و گرس جان
بار حق جان کسب کلمه گفت	بهت وصل او و دباره جوان
تاریخ ولادت و وفات شیخ محمد اسماعیل مدرس سهروردی لاهوری المشهور	
سیان کلان که ولادتش در سال تو دو پنجم و وفات در سنه یک هزار و ششاد و پنجم و پنجاه	
جناب شیخ اسماعیل مرحوم	ولی حق مسبول لایزال
پی تاریخ تولدش بد است	خلیل الله اسماعیل والی
بیبال ارشمال آن ششمین	خود فرمود شیخ دین عالی
تاریخ وفات شیخ حسن لاکه تیسری که در سال یک هزار و دو و دو و پنجاه	
حسن چون ز دنیا کجاست رسید	تاریخ ترحیل آن پاکساز
یکی شیخ محبوب سجاتی است	دگر بار شیخ حسن با نیاز
تاریخ وفات شیخ یعقوب کبیری که در سال یک هزار و یکصد و شصت و پنجم	
شده جلوه گر از جهان در جهان	جو یعقوب مجدوب متاب عشق
وصالش ولی خند اجتنبی است	دگر بار یعقوب متاب عشق
تاریخ وفات شیخ جامع سهروردی لاهوری که در سال یک هزار و یکصد و شصت و پنجم	
جو در خلد سینه گشت روشن	مه رومی ز سبین جان محمد
بگو خورشید سال ارشمالش	دو باره شیخ دین جان محمد
تاریخ ولادت و وفات شیخ هجو قاری لاهور که ولادتش در سال هزار و چهارصد و یک و وفات در سنه یک هزار و یکصد و شصت و شش و پنجم	
عاشد آن فارسی شمس آن عظیم	ابو و محبوب جناب ذوالمنن
افضل الاقطاب و الاجاه که	سال تولیدش با قوال زمین
بهر سال اشغال آن جناب	گفت سرور حافظه جاد حسن
تاریخ وفات شیخ کرم شاه قرشی که در سال یک هزار و دو صد و سیاد و شصت و پنجم	
کرم ذوالکرم حضرت کرم شاه	شده مسو در رضی الله عنده

تاریخ ولادت و وفات شیخ جامع سهروردی لاهوری که در سال یک هزار و ششاد و دو و پنجاه
تاریخ ولادت و وفات شیخ محمد اسماعیل مدرس سهروردی لاهوری المشهور
تاریخ وفات شیخ حسن لاکه تیسری که در سال یک هزار و دو و دو و پنجاه
تاریخ وفات شیخ یعقوب کبیری که در سال یک هزار و یکصد و شصت و پنجم
تاریخ وفات شیخ جامع سهروردی لاهوری که در سال یک هزار و یکصد و شصت و پنجم
تاریخ ولادت و وفات شیخ هجو قاری لاهور که ولادتش در سال هزار و چهارصد و یک و وفات در سنه یک هزار و یکصد و شصت و شش و پنجم
تاریخ وفات شیخ کرم شاه قرشی که در سال یک هزار و دو صد و سیاد و شصت و پنجم

تاریخ ولادت و وفات شیخ جامع سهروردی لاهوری که در سال یک هزار و ششاد و دو و پنجاه
تاریخ ولادت و وفات شیخ محمد اسماعیل مدرس سهروردی لاهوری المشهور
تاریخ وفات شیخ حسن لاکه تیسری که در سال یک هزار و دو و دو و پنجاه
تاریخ وفات شیخ یعقوب کبیری که در سال یک هزار و یکصد و شصت و پنجم
تاریخ وفات شیخ جامع سهروردی لاهوری که در سال یک هزار و یکصد و شصت و پنجم
تاریخ ولادت و وفات شیخ هجو قاری لاهور که ولادتش در سال هزار و چهارصد و یک و وفات در سنه یک هزار و یکصد و شصت و شش و پنجم
تاریخ وفات شیخ کرم شاه قرشی که در سال یک هزار و دو صد و سیاد و شصت و پنجم

کرم شاه

تاریخ ولادت و وفات شیخ جامع سهروردی لاهوری که در سال یک هزار و ششاد و دو و پنجاه

تاریخ ولادت و وفات شیخ جامع سهروردی لاهوری که در سال یک هزار و ششاد و دو و پنجاه
تاریخ ولادت و وفات شیخ محمد اسماعیل مدرس سهروردی لاهوری المشهور
تاریخ وفات شیخ حسن لاکه تیسری که در سال یک هزار و دو و دو و پنجاه
تاریخ وفات شیخ یعقوب کبیری که در سال یک هزار و یکصد و شصت و پنجم
تاریخ وفات شیخ جامع سهروردی لاهوری که در سال یک هزار و یکصد و شصت و پنجم
تاریخ ولادت و وفات شیخ هجو قاری لاهور که ولادتش در سال هزار و چهارصد و یک و وفات در سنه یک هزار و یکصد و شصت و شش و پنجم
تاریخ وفات شیخ کرم شاه قرشی که در سال یک هزار و دو صد و سیاد و شصت و پنجم

ذو رشید عطا دل حبت سالش	دگر فرمود رضی الله عنه
تاریخ وفات سکنه رشاه قریشی که در سال بکزار و دوهصد و چار بود قیوم آه	
چون سکنه رشاد شاه اهل بابه	یافت از حق دولت ایصال یافت
مقل سال ارتحال آن جناب	مارت کبر سکنه رشاه گفت
تاریخ وفات شیخ مراد بخش قریشی که در سال بکزار و دوهصد و پانزده بود قیوم	
چون مراد بخش دینار حبت بست	رفت در گذار حبت با مراد
سال وصلیش که سی و هفت	هم بخوان شاه که است با مراد
تاریخ وفات مفتی رحیم الله سرودی که در سال بکزار و دوهصد و بیست و پنج بود قیوم	
رحیم الله چو شد مرحوم و معذور	باز در پیر سال وصلن رضوان
که کج ایضا صحیح است	دگر مفتی شریح اطهر ایمان
رحیم الله فاضل رحمتش که	دگر قاضی رحیم الله بر خوان
عیان آید رسد در جبهه فیض	عجت تاریخ آن نشسته در آن
تاریخ ولادت و وفات شیخ قلند رشاه قریشی که ولادتش در سال بکزار و یکصد	
بشاد و وفات در سنه بکزار و دوهصد و چهل و هشت بود قیوم آه	
قلند رشاه شیخ هر دو عالم	که ذاتش پیر پیر بر بنا و پیر است
بگو تو که آن خورشید اجلال	وصالش زام صفائی صمیم است
مجم ششم در ذکر حضرات متفرقات دیگر خانواده نامی حکام فقیر قدس الله سرهم که	
تاریخ وفات خواهر ادریس قرینی که در سال سی و دویست و بیست و هفت بود قیوم آه	
آن اویسی نبی شیخ زمان محبوب جز	سر و بیان ولایت تو گل باغ سبز
بشاد و از دل بقول مختلف سالش عیان	اگر دل وقت زمین رفت بکجوان زهر
تاریخ وفات حضرت ابوهریره رضی الله عنه که در سال سی و هفت و پنجاه بود قیوم آه	
بوهریره و سلمه دین عالی	بود اصحاب حضرت بنو سلمه
از جهان چونکه رحمتش فرمود	سال پنجاه و هفت هجری بود
نیز پنجاه نه بسپان کردند	آنکه ترخیل باو عیان کردند
سال ترخیل و سلمه چو در سفر	طرفه ترخیله احد گفتیم

تاریخ وفات حضرت ابوهریره رضی الله عنه که در سال سی و هفت و پنجاه بود قیوم آه
 تاریخ وفات خواهر ادریس قرینی که در سال سی و دویست و بیست و هفت بود قیوم آه
 تاریخ ولادت و وفات شیخ قلند رشاه قریشی که ولادتش در سال بکزار و یکصد
 بشاد و وفات در سنه بکزار و دوهصد و چهل و هشت بود قیوم آه
 قلند رشاه شیخ هر دو عالم که ذاتش پیر پیر بر بنا و پیر است
 بگو تو که آن خورشید اجلال
 تاریخ وفات حضرت ابوهریره رضی الله عنه که در سال سی و هفت و پنجاه بود قیوم آه
 تاریخ وفات خواهر ادریس قرینی که در سال سی و دویست و بیست و هفت بود قیوم آه
 آن اویسی نبی شیخ زمان محبوب جز
 بشاد و از دل بقول مختلف سالش عیان
 تاریخ وفات حضرت ابوهریره رضی الله عنه که در سال سی و هفت و پنجاه بود قیوم آه
 تاریخ وفات خواهر ادریس قرینی که در سال سی و دویست و بیست و هفت بود قیوم آه
 آن اویسی نبی شیخ زمان محبوب جز
 بشاد و از دل بقول مختلف سالش عیان
 تاریخ وفات حضرت ابوهریره رضی الله عنه که در سال سی و هفت و پنجاه بود قیوم آه
 تاریخ وفات خواهر ادریس قرینی که در سال سی و دویست و بیست و هفت بود قیوم آه
 آن اویسی نبی شیخ زمان محبوب جز
 بشاد و از دل بقول مختلف سالش عیان

تاریخ وفات شیخ ذوالنون مصری که در سال ۷۰۰ هجری قمری در راه حج با جمعی از اصحاب و پیروان خود در راه	شیخ ذوالنون دلی با ترقیر
مست چون از جهان بخت راه	مادی حق بسند و تسلط حق
گفت دل سال رحلت آن شاه	رحلتش شبی بها که گفتم
نیز با بدی حق و سکه الله	قطب قطاب مادی است و اگر
قطب صالح بصورت دلخواه	تاریخ وفات شیخ ابوتراب شیبی که در سال ۷۰۰ هجری قمری در راه حج بود
تاریخ وفات شیخ ابوتراب شیبی که در سال ۷۰۰ هجری قمری در راه حج بود	بوتراب آنکه بود در عالم
شیخ یکتا دینے حق کامل	رحلتش کن بر قسم سعید امین
هم نفر ما و سکه حق کامل	تاریخ وفات شیخ عبداللہ داری بر قندی که در سال ۷۰۰ هجری قمری در راه حج بود
تاریخ وفات شیخ عبداللہ داری بر قندی که در سال ۷۰۰ هجری قمری در راه حج بود	یافت جایی خود در باغ بهشت
و ارمی آن جامع صید حق و صفا	و ارمی شد سال ترحیلش عمان
نیز محبوب محب اسئل العطا	تاریخ ولادت وفات شیخ محمد باہمیل بخاری ولادتش در سال ۷۰۰ هجری قمری و وفاتش در سال ۷۰۰ هجری قمری
تاریخ ولادت وفات شیخ محمد باہمیل بخاری ولادتش در سال ۷۰۰ هجری قمری و وفاتش در سال ۷۰۰ هجری قمری	آنکه او بود محمد نامش
بود عالم کسے ہراز	سال تولدش خود خواہی ازین
جان علم است با و شو و ساز	رحلتش طرف زول شد بد ا
عابد ناک محمد جان باز	تاریخ وفات شیخ بن معاد رازی که در سال ۷۰۰ هجری قمری در راه حج بود
تاریخ وفات شیخ بن معاد رازی که در سال ۷۰۰ هجری قمری در راه حج بود	جناب شیخ بن معاد رازی که در سال ۷۰۰ هجری قمری در راه حج بود
سفر چون کرد از دار الفنا و جنت	تاریخ وفات شیخ بن معاد رازی که در سال ۷۰۰ هجری قمری در راه حج بود
درم کن باز مادی مان زنده و دل	تاریخ وفات شیخ بن معاد رازی که در سال ۷۰۰ هجری قمری در راه حج بود
و اگر طلب حق من گوئی بران حق	تاریخ وفات شیخ بن معاد رازی که در سال ۷۰۰ هجری قمری در راه حج بود
دوباره طالب حق طالب لہ گفتہ ام علی	تاریخ وفات شیخ بن معاد رازی که در سال ۷۰۰ هجری قمری در راه حج بود
تاریخ وفات شیخ بن معاد رازی که در سال ۷۰۰ هجری قمری در راه حج بود	چو شکم زینتین زیب اسلام
سجنت یافت از حق پیمان اعلی	عیان شد مسلم کامل و صالحش
و اگر شد جلوه گر قطب سطل	تاریخ وفات شیخ ابو حفص مداد که در سال ۷۰۰ هجری قمری در راه حج بود
تاریخ وفات شیخ ابو حفص مداد که در سال ۷۰۰ هجری قمری در راه حج بود	شہر دوسرا ابو حفص مداد
کریم و اکرم و شیخ ہبان است	

تاریخ وفات شیخ ذوالنون مصری که در سال ۷۰۰ هجری قمری در راه حج با جمعی از اصحاب و پیروان خود در راه مست چون از جهان بخت راه گفت دل سال رحلت آن شاه نیز با بدی حق و سکه الله قطب صالح بصورت دلخواه تاریخ وفات شیخ ابوتراب شیبی که در سال ۷۰۰ هجری قمری در راه حج بود بوتراب آنکه بود در عالم رحلتش کن بر قسم سعید امین تاریخ وفات شیخ عبداللہ داری بر قندی که در سال ۷۰۰ هجری قمری در راه حج بود یافت جایی خود در باغ بهشت و ارمی آن جامع صید حق و صفا نیز محبوب محب اسئل العطا تاریخ ولادت وفات شیخ محمد باہمیل بخاری ولادتش در سال ۷۰۰ هجری قمری و وفاتش در سال ۷۰۰ هجری قمری آنکه او بود محمد نامش سال تولدش خود خواہی ازین رحلتش طرف زول شد بد ا تاریخ وفات شیخ بن معاد رازی که در سال ۷۰۰ هجری قمری در راه حج بود جناب شیخ بن معاد رازی که در سال ۷۰۰ هجری قمری در راه حج بود تاریخ وفات شیخ بن معاد رازی که در سال ۷۰۰ هجری قمری در راه حج بود سفر چون کرد از دار الفنا و جنت درم کن باز مادی مان زنده و دل و اگر طلب حق من گوئی بران حق دوباره طالب حق طالب لہ گفتہ ام علی تاریخ وفات شیخ بن معاد رازی که در سال ۷۰۰ هجری قمری در راه حج بود چو شکم زینتین زیب اسلام عیان شد مسلم کامل و صالحش تاریخ وفات شیخ ابو حفص مداد که در سال ۷۰۰ هجری قمری در راه حج بود شہر دوسرا ابو حفص مداد کریم و اکرم و شیخ ہبان است

بار نهم وفات خواجہ خیر نسیح اسامیل کہ در سال سصد و پست یکم قمری ہوا	
خیر نسیح خیر دین نے	یافت بالغیر چون سخن تحصیل
عزیز از دل شد است محرم دل	سال تحصیل آن وے تحصیل
بار محسوب بار سگفتم	نیز زاد محمد اسامیل
بار دهم وفات شیخ ابراہیم بن میان کہ در سال سصد و پست و ہفت ہوا	
شیخ ابراہیم شامی شاہ دین	نیز فرمان یافت چون ملک خان
سبت اہل قرب سال رحلتش	نیز ابراہیم نامی میان
بار ہفتم وفات شیخ ابو علی حسن بن علی مسونی کہ در سال سصد و پست و ہشتم ہوا	
ابو علی چون رفت در دار السلام	سال ہجرتش از وی اسکے
بو علی دالی دین سالک خجوان	ہم سخن ان بہدی حسن ابن علی
قطرہ ناسے	
چون جناب بو علی عالی وقار	قد را علی یافت برا وج جان
سبت رحلتش بو علی چسپ ہوا	بار دیگر بو علی ناسے مکان
بار سیم وفات شیخ احمد بن محمد ابوسعید اعرابی کہ در سال سصد و پست و نهم ہوا	
چون سفار دار دینا سوی ملکہ	کر و احمد رحلتش با صید صفا
سرور احمد ناسے اللہ کو	ہم سخن ان احمد جمال الاصفیا
بار پنجم وفات شیخ جعفر خذاکہ کہ در سال سصد و پست و دہم ہوا	
چو رفت اندر بہشت از دار عالم	جناب شیخ جعفر بہر حق بین
سخن ان ناصر گوارا سر نبایش	لیکن سخن بر سلطن اسلاطین
بار ششم وفات شیخ ابراہیم سولی صوفی اراقی کہ در سال سصد و پست و یازدہم ہوا	
قرب خاص از حد اجنت بہت	چون شد خاص دعایم ابراہیم
سیر کامل گویت بخشش	بار دیگر امام ابراہیم
بار ہشتم وفات شیخ ابو القاسم حکیم سمرقندی کہ در سال سصد و پست و سولہم ہوا	
چون مکان یافت در مکان خجوان	شیخ کون مکان آہا قاسم
قاسم عالم است ز حلش	ہم حکیم میان اہا قاسم

و
 کہ در سال سصد و پست و یازدہم ہوا
 جناب شیخ جعفر بہر حق بین
 لیکن سخن بر سلطن اسلاطین
 بار ششم وفات شیخ ابو القاسم حکیم سمرقندی کہ در سال سصد و پست و سولہم ہوا
 چون مکان یافت در مکان خجوان
 قاسم عالم است ز حلش
 ہم حکیم میان اہا قاسم
 بار ہفتم وفات شیخ ابو علی حسن بن علی مسونی کہ در سال سصد و پست و ہشتم ہوا
 ابو علی چون رفت در دار السلام
 بو علی دالی دین سالک خجوان
 قطرہ ناسے
 چون جناب بو علی عالی وقار
 سبت رحلتش بو علی چسپ ہوا
 بار دیگر بو علی ناسے مکان
 بار سیم وفات شیخ احمد بن محمد ابوسعید اعرابی کہ در سال سصد و پست و نهم ہوا
 چون سفار دار دینا سوی ملکہ
 سرور احمد ناسے اللہ کو
 ہم سخن ان احمد جمال الاصفیا
 بار پنجم وفات شیخ جعفر خذاکہ کہ در سال سصد و پست و دہم ہوا
 چو رفت اندر بہشت از دار عالم
 سخن ان ناصر گوارا سر نبایش
 لیکن سخن بر سلطن اسلاطین
 بار ششم وفات شیخ ابراہیم سولی صوفی اراقی کہ در سال سصد و پست و یازدہم ہوا
 قرب خاص از حد اجنت بہت
 سیر کامل گویت بخشش
 بار دیگر امام ابراہیم
 بار ہشتم وفات شیخ ابو القاسم حکیم سمرقندی کہ در سال سصد و پست و سولہم ہوا
 چون مکان یافت در مکان خجوان
 شیخ کون مکان آہا قاسم
 ہم حکیم میان اہا قاسم

۱۱۰

خواه والاقتدر حضرت ابان	سال ترجمیل آن اباقاسم
تاریخ وفات شیخ ابوالعباس بیاری که در سال سه صد و چهل و دو با جمل سه	
چو با حق وصل شد از رحمت حق	خلاص شیخ ابوالعباس حق دکان
میطلع باری و سیر کبیر	امام کبیر شد رحلت آن
ابوالعباس حق بن رقیقش گو	ابوالعباس مهدی قطب ز جوان
ز قطب العالمین جو آرتشانش	در قطب کبیر ای صاحبش
تاریخ وفات شیخ ابوالخیر نقاشی که در سال سه صد و چهل و سه بود	
حضرت ابوالخیر اهل خیر بر	شد خیر از دهر در خلد برین
گوزی محبوب ربانی دکان	بار دیگر مشله اهل یقین
تاریخ وفات شیخ ابوعمر و زجاجی که در سال سه صد و چهل و هفت بود	
جو عمر جاودانی در خان یافت	ابو عمر و زجاجی شیخ مایه
وصال او محب کبریاست	در باره ابو عمر و زجاجی
قطعه ناستی	
ابوعمر و زجاجی ره سیر دین	ز دنیا شد جو سوی خلد ران
وصال او ره اول و دین	دو باره و دکان ولی نورانی
تاریخ وفات شیخ خضر نصیر خلدی که در سال سه صد و چهل و هشت بود	
چو خضر شیخ خلدی مالک خلد	ز دنیا رفت در خلد مصل
بنام ان سیر زمان یا سیر محمود	بسال رحلت آن شاه کینا
گو اجد مصلی طالب حق	در باره محمد نو نو نو
تاریخ وفات شیخ ابوالحسن کوشمعی که در سال سه صد و چهل و هشت بود	
بو الحسن چون از جهان طلت نمود	وصل آن حسن ولی حسن جهان
کن رسم محبوب بن حق حسن	وصل دین بو الحسن کن جهان
قطعه ناستی	
چون حسن زمانه بو الحسن بر	از دیده خلق زد و سیه جفت
دل بجز وصال آن شه دین	محبوب بی مصلی حسن گفت

کتاب نام شیخ ابوالعباس حق دکان
 زقطه زاد او شیخ ابوالعباس حق دکان
 شیخ ابوالعباس حق دکان
 کتاب نام شیخ ابوالعباس حق دکان
 زقطه زاد او شیخ ابوالعباس حق دکان
 شیخ ابوالعباس حق دکان
 کتاب نام شیخ ابوالعباس حق دکان
 زقطه زاد او شیخ ابوالعباس حق دکان
 شیخ ابوالعباس حق دکان

کتابکند می اوستاد و مصلی از فیض او است
 زقطه جلد است از مصلی از فیض او است
 کتابکند می اوستاد و مصلی از فیض او است
 زقطه جلد است از مصلی از فیض او است
 کتابکند می اوستاد و مصلی از فیض او است
 زقطه جلد است از مصلی از فیض او است
 کتابکند می اوستاد و مصلی از فیض او است
 زقطه جلد است از مصلی از فیض او است

تاریخ وفات شیخ بندر ابن ابو الحسن صوفی که در سال سصد و پنجاه و سه در قزوین	
حسن حجت یافت چون با صد حال	حسن بن بر صوفی ابو الحسن
کن بیان سیرت تاز به ر حلتش	باز کن تحریر صوفی که گویند
تاریخ وفات شیخ عبد الملک بن علی بن عبد الله کا ذریه در سال سصد و پنجاه و سه	
چو آن عبد الملک شیخ زمانه	ز دیار رفت در فرودس اعظم
بجو از صد بر دین سال وصالش	وگر باره ز محسوب کرم
قطعه ناسی	
شیخ دین عبد الملک الی ملک	شد جو در قسطنطنیه با دشت
نور ایمان گو وصال پاک او	سیر حق فرما وگر قطب الوری
تاریخ وفات شیخ علی بن عبد ربیع صوفی میر فی که در سال سصد و پنجاه و سه در قزوین	
رفت در خلد علی بانرا ابن عروشان	مقتدای اولیا زاد علی شقی
دین رحلتش نجوان با جد علی بن حسن	بار دیگر کن بیان ز اهل صوفی و
باز سلطان علی محمدی آمد ر حلتش	بزم مهدی کرم یافت سرور گلی
تاریخ وفات شیخ ابوبکر محمد ذریه که در سال سصد و پنجاه و سه در قزوین	
ابوبکر چون در جهان شد ششم	تاریخ او ششصد و سی و هفت
کوی مهربان دل آگاه گو	دو بار ابوبکر نادستی حق
تاریخ وفات شیخ سلیمان بن احمد طبرانی که در سال سصد و شصت و چهارم	
سلیمان ابن احمد عالم دین	که تلم از دانت پاک او بود است
وصالش طرفه محمدی الکریم	سلیمان نده حق شکر سده است
تاریخ وفات شیخ ابوبکر محمد که در سال سصد و شصت و چهارم	
حضرت ابوبکر صدیق زمان	یافت چون از دهر با حق اتصال
طالب کامل ابوبکر است نیز	شاه محبوب است نور حق وصال
قطب اهل دین مقید گفته ام	هم اقامه اصفی اهل جلال
پس کریم الدین یار حق و سلی	پارسای کامل آمد از شمال
تاریخ وفات شیخ اسماعیل نیشابوری که در سال سصد و شصت و چهارم	

تاریخ وفات شیخ ابوالحسن بن علی بن عبد الله که در سال سصد و پنجاه و سه در قزوین
 تاریخ وفات شیخ عبد الملک بن علی بن عبد الله که در سال سصد و پنجاه و سه در قزوین
 تاریخ وفات شیخ علی بن عبد ربیع صوفی میر فی که در سال سصد و پنجاه و سه در قزوین
 تاریخ وفات شیخ ابوبکر محمد ذریه که در سال سصد و پنجاه و سه در قزوین
 تاریخ وفات شیخ سلیمان بن احمد طبرانی که در سال سصد و شصت و چهارم
 تاریخ وفات شیخ ابوبکر محمد که در سال سصد و شصت و چهارم
 تاریخ وفات شیخ اسماعیل نیشابوری که در سال سصد و شصت و چهارم

۱۰۴

کن قسم فرودگان در حلقش	کن قبیلین هم بنده حق تعالی
تاریخ وفات شیخ ابو الحسین حسینی که در سال سه صد و هفتاد و یک و دو بود	چون ابد یافت اندر بهشت
از سوی عزیز علی و الحسین	و در سال سه صد و هفتاد و یک و دو بود
چون سلامت رفت بر ابراهیم	از فناد در روضه دار السلام
عابد بر حرم سال وصل است	نیز ابراهیم با وی امام
حق ناموصول سرور ختم کرد	سال تاریخ وصالش و السلام
تاریخ وفات شیخ محمد قاسم نصیر آبادی که در سال سه صد و هفتاد و یک و دو بود	گشت روشن در جهان مانند ماه
شیخ ابو القاسم که از انوار حق	ساکت وی ابو القاسم سخاوت
جو در سال او ز قاسم نیک نام	قطب دوران رحلت آن پادشاه
سیر محبوب جهان جسم گفته اند	قطب ناسی
قسمت خود چو شیخ ابو القاسم	یافت اندر بهشت خاطر خوا
بس بطرز خویش و تصورت خوش	رحلت آن وی شایسته
که در حد زمان ابو القاسم	نیز قاسم وی عالی جاه
تاریخ وفات شیخ ابو کریم سوسی الحرمی که در سال سه صد و هفتاد و یک و دو بود	رحلت کرد که ششم نیک ات
قطب ربانی و دیگر خلد	بست بود که بعد ای ز چون
تاریخ وفات شیخ عبد الواحد بن علی ساری که در سال سه صد و هفتاد و یک و دو بود	بافت چون در جنت عالی مقام
عبد الواحد پیر کیت شیخ دین	باز شد بعد اقدس نیک نام
سید کوهن اقدس سال است	نیز قطب بار ساتم الکلام
باز ساری طریقت ای عزیز	قطب ناسی
عبد واحد عابد واحد دین دوان	شد عبد از دار فانی یافت حق اصال

م
 نام نامی و سالی این ابراهیم حسینی
 در سال سه صد و هفتاد و یک و دو بود
 در روز بیستم ماه رجب سال سه صد و هفتاد و یک و دو بود
 در روز بیستم ماه رجب سال سه صد و هفتاد و یک و دو بود
 در روز بیستم ماه رجب سال سه صد و هفتاد و یک و دو بود

م
 نام نامی و سالی این ابراهیم حسینی
 در سال سه صد و هفتاد و یک و دو بود
 در روز بیستم ماه رجب سال سه صد و هفتاد و یک و دو بود
 در روز بیستم ماه رجب سال سه صد و هفتاد و یک و دو بود
 در روز بیستم ماه رجب سال سه صد و هفتاد و یک و دو بود

م
 نام نامی و سالی این ابراهیم حسینی
 در سال سه صد و هفتاد و یک و دو بود
 در روز بیستم ماه رجب سال سه صد و هفتاد و یک و دو بود
 در روز بیستم ماه رجب سال سه صد و هفتاد و یک و دو بود
 در روز بیستم ماه رجب سال سه صد و هفتاد و یک و دو بود

تاریخ

کتاب

عارف آپروسی است تاریخش	خون دگر با بر اهل حق مقصود
	قطعه کرایج
پیر معقل خواجہ معقول پیر رعلتش سر آستے عابد است	یافت با اقبال در فردوس جا شاه عابد نیز رکن الاحصاف
تاریخ وفات شیخ ابراهیم منوچھی که در سال سبده و ششاد و ششش بود نوم آمد	
یافت بی گفتگو ز حق جنت رعلتش نور حسن و منصور است	صاحب خال و خال ابراهیم نیز اهل کمال ابراهیم
تاریخ ولادت و وفات بولچین سمون که ولادتش در سال سبده و وفات در سبده و ششاد و ششش	
ولی حسن سمون بولچین است تیسرا آمد ز دل تولید باکش وصالتش ساکت حق بولچین است دگر مسکن ولی و الی جو دست وصالتش کن رقم سمون با طوق	اسن و ماسن و نادھی مامون گرم شد بیان از طبع موزون دگر امجد ویسے الله سمون ز دل شاه عطاشد طرفه بر کن نخون مهدی امجد ابن سمون
	قطعه مانے
شہ دین مقتدا ای اہل سلام تولیدش رقم کن تیسرا آمد چہتر سال تولیدش دوبارہ سال اشتغال آن شدہ دین	جناب ابن سمون شیخ والا محب میر و سلطان سعلے ز دل شد طالب الوار پیدا امام المومنین عابد لفرما
تاریخ وفات شیخ ابوطالب محمد بن علی کی عارفی که در سال سبده و ششاد و ششش	
شیخ ابوطالب سے مطلوب حق مرد طالب اہل دین تاریخ اول رعلتش قطب المدار است دگر	شد جواز و نیاسان مستغنی بار دیگر صبر بان طالب ک طالب نام محمد بن سعلے
تاریخ وفات شیخ ابو بکر موسی که در سال سبده و ششاد و ششش بود نوم آمد	
پیر موسی کہ بود شیخ جهان پیر موسی است سال رعلتش او	داشت با دگر دگر مانوسے باز بکر نام سے دوست

کلیت دینی اعلیٰ از ابجد شیخ محمد بن
عبداد بود و دوسری سقا صحت در

تاریخ نامی حسن سمون و ابو الوظیف
بن سمون بن سمون بن سمون بن سمون
عبداد در تاریخین با سقا صحت

کلیت تاریخ

عقل از شیخ غلام و اولیا کلام
عبداد در تاریخین با سقا صحت
تاریخ نامی حسن سمون و ابو الوظیف
بن سمون بن سمون بن سمون بن سمون
عبداد در تاریخین با سقا صحت

تاریخ

تاریخ

تاریخ وفات ابو القاسم عبدالصمد حافظ دیویری که در سال سیصد و نود و هفت بود	
قیمت خود یافت چون قاضی حله ست محبوب زبان قدید الصمد نور عالم پس سراج الطالبین	سال وصل آن شہ کوکن و مکان نیز ابو القاسم ولی عالی بدان محمدی محبوب دیویری سنجوان
تاریخ وفات خواجہ کبیری بن عمار باسر که در سال چار صد و دو بود	
یافت چون کبیری حیات و اعلی ست عابد نامور سبکے گو از فرید حق سبکو تا رخ او	در جہان نارسیم آن والا مکان نیز کبیری قطب رہائی سنجوان باز در آلمین امین کن فرحان
تاریخ وفات شیخ ابو علی دقاق که در سال چار صد و پنج بود	
محقق خدا جوش سبحان ست تاریخ رخت آن شاہ ناصر دین مطلع نور است	شیخ دقاق عاشق ششاق زاهد دین اوسط دقاق نیز دقاق زیدہ آفاق
تاریخ وفات شیخ ابو عبد الرحمن سلمی که در سال چار صد و دوازده بود	
چون سلامت رفت در عذر ست ستم سال وصل او	از جہان سلمی محمد بن حسین ہم سنجوان سلمی محمد بن حسین
قطعه ناسے	
چو در خلد برین شد عبد الرحمن وصلش زیدہ آفاق بیست	از رحمت یافت عمر جاودانی ز ظہیم شد روان بحر العجا
تاریخ وفات شیخ ابوسعید بالینی که در سال چار صد و بارہ ماہ و دوازده بود	
باسعادت چو شد سبک خلد حق طلب قطب ابوسعید گو	سال تاریخ آن شہ دستے ہم حسین و نسکے ناسے
قطعه ناسے	
یافت چون ابوسعید اسد سر رحمت صاحب الکر و ج کمر	باسعادت کسبہ والا جا نیز محبوب کسبہ با فریا
تاریخ وفات ابوالحسین عالی بن جعفر جدالی که در سال چار صد و چار بود	

کتابت نامہ در سال ۱۱۱۰
 در روز پنجشنبہ اول شعبان سنہ ۱۱۱۰
 در مکان ...
 کاتب ...
 در روز ...
 کاتب ...

حسن کامل یافت چون از بهشت سال ترحمیش بگو با صد جمال	حسن دین مسئول سبحانی حسین ابو علی محبوب سید اعلی حسین
	قطعه ناسی
حسن و اسل حسین حسین سال وصلش نصیر دین فرما	شد ز دنیا جو سوی خلد روان بهر گریستن در کعبه خواجهان
تاریخ وفات شیخ ابو عبد اللہ طاقی که در سال چهار صد و شانزده بود تو م	
جو طاق از دار و نارفد و غلغله وصلش اسل دین اسل نصیر طاقی	جناب شاه عالی شاه طاقی اسم اسل حسن عبد اللہ طاقی
	قطعه ناسی
جو طاقی طاق از دار یافت سندس بر و اسل فقر گفتیم	وصال آن شه دین اسل محسن شه عالی د و بار اسیر صدق
تاریخ وفات شیخ ابو عبد اللہ محمد بن علی که در سال چهار صد و شانزده بود تو م	
شد چو از دنیا بسزم احمدی بار حق محمود و سالش مست و نمر	شیخ حق آگاه محمد بن سطله تاریخ وفات شیخ ابو عبد اللہ محمد بن علی
	قطعه ناسی
چون شه جن و اسل عبد اللہ کاشف ز هر گرفتار بخش	شد ز دنیا سجت العباسی شاه عباسی شاه دین و اسل رحلت آن جناب عباسی
تاریخ وفات شیخ ابو منصور اصفهانی که در سال چهار صد و هجده بود تو م	
شد بعد نصرت جو در غلغله برین جو ز وحدت سال آن کنا دگر	شاه ابو منصور اصفهانی زنده کامل امام اصفهانی اسم ابو منصور پاک ای میرزا
تاریخ ولادت و وفات سید سلطان سالار سواد غازی که ولادتش در سال چهار صد و پنج و وفات در چهار صد و نوزده یا سب و چهار بود تو م	
شاه و سالار سید سواد -	غازی دین و احمد مختار

طی نام دین که در
مجلسین عالی در سال ۱۱۰۰
حضرتین عالی در سال ۱۱۰۰
بنیادین عالی در سال ۱۱۰۰
مجلسین عالی در سال ۱۱۰۰
بنیادین عالی در سال ۱۱۰۰
مجلسین عالی در سال ۱۱۰۰
بنیادین عالی در سال ۱۱۰۰
مجلسین عالی در سال ۱۱۰۰
بنیادین عالی در سال ۱۱۰۰

کتابت

دو عالمی که در
مجلسین عالی در سال ۱۱۰۰
بنیادین عالی در سال ۱۱۰۰
مجلسین عالی در سال ۱۱۰۰
بنیادین عالی در سال ۱۱۰۰
مجلسین عالی در سال ۱۱۰۰
بنیادین عالی در سال ۱۱۰۰
مجلسین عالی در سال ۱۱۰۰
بنیادین عالی در سال ۱۱۰۰

شرف الخلق و اکرم المخلوق سال تولد او است مطلع تو ارتحالش جمال فردوس است گفته ام باز رسید فردوس نیز اهل جلال سپردین وصل او رسید الشهد بخون گفت تاریخ آن شهید کوفین است سالش شهید عابد مال سیر اهل صفا و ذکر باره شد مرا قول اولین تصدق	قره العین حیدر کرار صاحب قدر کن و گریه کرار نیردین اهل دین ای یار طرفه تاریخ آن شهید ارار گو تو حدیث آن شهید دندار مر و مشغول جسم بکن اظهار ولی مهدی شهید سرور زار هم با قول بعضی از اخبار باز در مایه تصدق ای حق یار بهر تاریخ وصل آن سرور آ
قطعه ناستی	
خانی صد سو و سیالار تولیدش مگر سالار اقطاب شهید عادل آمد ارتحالش اگر مشق و سلطان عزیز است تاریخ وفات سیر سامو علو که در سال جار صد و بیست و سه بود	بمیدان شهادت مرو بکتا و دمار اسیر سلطان سغلی جیب عارفان کردم هویدا بوصل آن ولی واسی و الی
سیر سامو گشت چون میر شت رحلتش سیر امین سامو گبو هم بیله قبله کوفین خوان تاریخ وفات سید بوعلی شاه که در سال جار صد و بیست و چهار بود	از عطا و فضل رب العالمین نیز اسل دین حمید اسلمین مار ساهی حق طلب کن و لذتین
چون بلطف و خالق ارض و سما بوعلی شاه است سال وصل او تاریخ وفات شیخ ابواسحاق بن شهریار کاظمی که در سال جار صد و بیست و پنج بود	بافت اندر خلد شاهی بوعلی هم بخوان سیرا بوعلی
بافت جامی خوشش در خلد برز اگر دسک فقر سال وصل او	چون ابواسحاق با صد غر و شان بهر حسن و لی عالی مکان

است سرور ای افروز و دوزخ صاحب
دنیجانت بختی در خطه کسب از طرف
ما که نازید بعد از بنده وستان آفرین
کمال کمالی که در دیه و بنام
کمال کمالی که در دیه و بنام
کمال کمالی که در دیه و بنام

تاریخ وفات سیر سامو علو که در سال جار صد و بیست و سه بود
تاریخ وفات سید بوعلی شاه که در سال جار صد و بیست و چهار بود
تاریخ وفات شیخ ابواسحاق بن شهریار کاظمی که در سال جار صد و بیست و پنج بود

بافت جامی خوشش در خلد برز
اگر دسک فقر سال وصل او

سالک عالی حبیب صغیر کا درونی ریب قطاب بی سپر باز اهل ائمه قطب الاصفیا	تیز بوی اسحاق سلطان بنان رحلتش نور لبین فرما عیان بار دیگر مادی حق گنبربان
قطعه ناسی	
شیخ دین طلاق شاه بوا اسحاق شاه احسان است سیال ترحیلش سر در اباد شاه اقطاب است	یافت از دهر چون سجد مکان همه گر باد شاه جان جهان رحلت آن و سئو دور زبان
تاریخ وفات شیخ ابو منصور حکیم انصاری که در سال چارصد و سی و نهم شد جو بو منصور در ملک بقا سیر کامل و اصل آمد وصل او قطب مادی حق جهان کنان زبان	بانهزاران شیخ و نصرت از عدم جلوه منصور و هم منصور دم مشو اسالک قسم کن از قلم
تاریخ وفات شیخ ایاز لاهوری که در سال چارصد و سی و چار بود توغ آید شیخ والا ایاز محمد جهان گو وصالش ایاز عالی قدر	در صفت اهل راز بر او است باز عارف ایاز جان باز است
قطعه ناسی	
سیر دین جان باز چون شیخ ایاز سالک روی زمین تاریخ است	باز شد در خلد از روی زمین تیز گو سرور امام الاکریم
تاریخ وفات شیخ احمد قوری که در سال چارصد و سی و هفت بود قوم آمد شد جو در زم محمد از جهان گوشه اسلام سال وصل او	ششم دین احمدی احمد ولی بار دیگر نور حسن احمدی
تاریخ ولادت و وفات شیخ ابوسعید بن ابوالخیر که در سال سه صد و پنجاه مفت و وفات در سال چارصد و چهل و هفت بود قوم آمد بوسعید آن شیخ دین ابوسعید سالک محصوم شد قولی او شد زول ابوسعید نامه دار	مقتدای اولیا و ائمه رحلتش گفتم سید رسما باز محوم بوسعید آمد ندا

جلو از تیز سلطان قدیمه او را است و در
سلک عینیه توسل داشت و اگر چه
توجه از اولیای سلک عینیه تاریخ وصال
باز از حال کافیه دست خیز داده است
باز از حال کافیه دست خیز داده است
باز از حال کافیه دست خیز داده است

کلی تاریخ

تاریخ از عهد علامه و سیر و نصیحت
و در کتاب سیر و سیر از اشهر تاریخ
تاریخ نام نامی است و سیر و نصیحت
از تیز اسان است و در وفات آن
ارشد و در سیر بود

جان

تاریخ وفات شیخ ابو عبد الله محمد بن علی گنج بخش جلایابی اجمیری لاہوری غزوی
 تاریخ وفات شیخ ابو عبد الله محمد بن علی گنج بخش جلایابی اجمیری لاہوری غزوی

خوان ولی آہل دین سلطان سعید	عارف محبوب سالش سرور
قطعه تائے	
سفر کرد چون با سعادت روہر	سعید جہان بوسید سعید
مکرم سلیم است سالش وگر	ولی زمان بوسید سعید
تاریخ وفات شیخ ابو عبد الله محمد بن علی گنج بخش جلایابی اجمیری لاہوری غزوی	
عابد محبوب و عابد اللہ شیخ دین حق	از سعادت یافت در غلہ برین خرمکار
اہل شوق و طالب گفتا بہت وصل کار	نیز عابد اللہ شیراز خاطر مہتر جان
باز عابد اللہ مکرم گوہر سال رحلتش	عارف کامل بنوان قطب المکرم کن بیابان
تاریخ وفات شیخ اسمعیل محدث لاہوری کہ در سال چار صد و چهل و دو توہم	
یافت آخر مکان خلد برین	چون شد دین فقیر اسمعیل
سال وصلش فقیر محبوب است	نیز بر وجہ اسمعیل
تاریخ وفات شیخ ابو الحسن علی روزی کہ در سال چار صد و چہار و یک توہم	
رونق خلد شد باغ بہشت	بمحو سروسہی حسن روزی
عارف زندہ دل گوہر سالش	نیز فرستے علی حسن روزی
قطعه تائے	
چون زد با حسن جنت شد حسن	ہست سال آن حسین لجنین
و اسکے برابر وہم والی تاج	بار دیگر عالم علم تقین
تاریخ وفات شیخ ابو الفضل بن حسن حلی کہ در سال چار صد و چہار و یک توہم	
رونق خلد و فضل جنت شد	چون ابو الفضل افضل الما بر
ارتحالش اسکے رہبر خوان	کن تم نیز مسد ن الالوا
تاریخ وفات حضرت شیخ محمد علی گنج بخش جلایابی اجمیری لاہوری غزوی	
کہ در سال چار صد و شصت و چہار با شصت و پنج با شصت و شش ہجرت ہوئے	سرا با نور روشن ماہ ہجور
علی غزوی کے آن شاہ ہجور	شدہ خالہ خلد جاہ دانے
سفر و زید چون از دار خالو	علی ہجور سے عالی جاہ گردے
منور رحلتش چون ماہ گردے	

تاریخ وفات شیخ ابو عبد الله محمد بن علی گنج بخش جلایابی اجمیری لاہوری غزوی
 تاریخ وفات شیخ ابو عبد الله محمد بن علی گنج بخش جلایابی اجمیری لاہوری غزوی

تاریخ وفات شیخ ابو عبد الله محمد بن علی گنج بخش جلایابی اجمیری لاہوری غزوی
 تاریخ وفات شیخ ابو عبد الله محمد بن علی گنج بخش جلایابی اجمیری لاہوری غزوی

دائم شدہ ۱۲

<p>چو دل سال وصال آن دلی گفت بسال رحلت آن عارف حق چو آن شاه جهان اندر جهان شد سجان گریست سال وصل منظور وصال او ز دل گردید مضموم چو چشم از خرد تا ریخ سالش وصال آن شه مرحوم و مقوم شود پیدا وصال آن گرامی نوشتن سمس دین گلشن دین بسال رحلت آن شاه سرید دوباره پیر گاموری است ساش بسال رحلت آن شاه اکبر خرد چون سال وصل آن دلی گفت سجان محبوب رهبر انتقالش بسال رحلت آن شاه و والا بسال رحلت آن سید تفرید</p>	<p>سیر و دربار ساکامل علی گفت عیان گردید حق سیر اقصا حق سیر و در سال او سیر و در عیان شد حبیب اولیا کعبه سینه نور محبت ز حق تمام آدمی مقصوم رقم شد کاشف دین انتقالش شده حاصل ز عالمی قطب لاهوت ز بجزیری علی تا دی نامی بسال رحلت آن شاه حق بیز ندانی گوهر سحر برک آید اگر خواهی دلا سال وصالش علی فخری گفت است سرور سیر و در راه دین محضر علی گفت دلی سیر تقسیم گوهر انتقالش خرد و والا و سله فقر گشتا ندانم آید ز ما تکف اهل توجه</p>
قطعه ناسی	
<p>علی غزنوی آن شاه سحر شیخی اکبر سه اقوال انداز اهل خرد و ضد کیدگر کی سر و ار خوانش بار دیگر و در سینه</p>	<p>که بر دلهای عیان گشتند زو اسرار مجرب بسال رحلت آن شاه دین سیر و اجمود سوم کن هم رقم کعبه انوار محمولی</p>
قطعه ثالث	
<p>شیخ علی باجوری ارستخالی سید امین خوان</p>	<p>پیر اعلی محب عالمی قدر نیز فرما محب عالمی قدر</p>
قطعه رابع	
<p>حضرت محمد دم بجزیری و سله</p>	<p>رفت چون از فرش بر عرش بیز</p>

از دیانت سال ترجیشت بجز	بار دیگر کن قسم عرفان بین
قطعه خامس	
قدر کسکه بجلد عالی یافت	چون علی پرستی محبوب
سیرالکین علی روم	رحلتش نامور علی محبوب
کشف اجمال و تمس اجمال	سال حرمیل آن و سله محبوبا
قطعه ششم	
شد ز دنیا با من علی بن	چون علو حجابان علی ولی
گو وصالش اسیر دین سلطان	نیز سیر حجابان علی ولی
تاریخ وفات شیخ ابو القاسم قشیری که در سال چار صد و شصت و پنج بود	
قیمت خویش یافت و خلت	مرشد المومنین ابو القاسم
رحلتش عارف جمیل گو	هم محب نقین ابو القاسم
قطعه هفتم	
شد جو اندر خلد با صد اقدار	شیخ ابو القاسم امین الاولیا
ارستخاش منعم دین قاسم است	سید کر قاسم امام الایضفا
نیز ابو القاسم مقدس طبیعت	رحلت آن نادری راه ترا
تاریخ ولادت و وفات مخدوم عبد الله انصاری که ولادتش در صد و نو و شش و وفات در بار صد و شتا و یک بحری بود	
شاه انصار شیخ عبد الله	حضرت امین حضرت با سسه
نور علم است نیز محرم حق	سال مولود او و چو شماری
رحلتش عارف کامل و ان	نیز و اسله امام انصاری
تاریخ وفات شیخ ابو عبد الله محمدی که در سال چار صد و شتا و بیست و نوا	
چو از دنیا سجت گشت راه	حمیدی رهنمای راه تخییر
ولی العارمین گو ارستخاش	وگر باره حمیدی حمیدی
تاریخ وفات شیخ ابو الحسن بنجار که در سال چار صد و نو و یک تری	
حرم جاوید یافت و رحبت	بو الحسن پیر حسن الا برار

کتاب از عالم شیخ خراسانی
 رساله تشبیه و تمیز لقا تصدق الله بشار
 از تصانیف اوست در برید و در او بیست و
 ت نام و سله عبد الله که کنت ابو عبد
 بن ابوسفوی و کذا انصاری است و در
 لقب و پشت برید و عقیقه در خود بود
 نیز گمان و سله در عهد خلافت مولانا العار
 فی القدر نیز اسان آید و کلمات در وقت
 و سله صاحب تصانیف عالی است اشعار

کتاب تشبیه و تمیز

در این کتاب یاد شده است که در سال
 و سله صاحب تصانیف عالی است اشعار
 در این کتاب یاد شده است که در سال
 و سله صاحب تصانیف عالی است اشعار

باز ای محبوب خوان تاریخ او	مادری محبوب تاج اولیا
سرور دین گفت سرور جلیش	عاشق محمدی است سالش به ما
تاریخ وفات خواجده محمد ابو عبد الله خونی که در سال بانصد و سی بود وقوع	
عابدین شیخ عبداللهد سر	یافت با مبعود و در جنت قرار
ارستمال پاک او اودی لغی است	از عبت الله محمد نامدار
تاریخ ولادت و وفات خواجده ابولضر احمد جام زنده همل که ولادتش در سال چارصد و هفتاد و وفات در سنه بانصد و سی و شش بود وقوع آمد	
جناب شیخ احمد جاد حق	ولی اهل کرامت زین سلام
امام السکین بالکینه احمد	شده تاریخ تولیدش سمرخام
امیر المومنین محبوب گشتم	وصال آن شهنشاه مکنونام
رعشق الله خوشالین و گرام	و گرام بولضر کامل احمد جام
عیان شد تاج اسلام ارتحال	دوباره قطب و اصل احمد جام
قطعه ثانیه	
پادشاه زمانه شیخ زمین	احمد جام پر ذی الا کرام
سال تولد او شش کوهین	طرفه ترک گفت از چند دارقام
میت دیگر کرم عالم	سال تولد آن نکو فرجام
باز سال وصال او سرور	گفت عارف حلیم احمد جام
تاریخ ولادت و وفات شیخ عبد الاول بن شعیب سجری که ولادتش در سال چارصد و پنجاه و هشت و وفات در سنه چارصد و پنجاه و سه بود وقوع	
جناب عبد اول شیخ والا	که از روز ازل مقصود حق بود
مکرم نور احمد سجری خوان	پی مولود آن پیر حق آسود
دوباره بجز سال انتقالش	بدان ابن شعیب مادی محبوب
تاریخ وفات خواجده عدی بن مسافر شامی شکاری که در سال بانصد و پنجاه و هشت	
چو آن ابن مسافر شیخ عالی	مسافر شد با روح عیش از خاک
بوصلش گویند آرد دوباره	عدی ابن مسافر زاهد پاک

تاریخ ولادت و وفات خواجده ابولضر احمد جام زنده همل که ولادتش در سال چارصد و هفتاد و وفات در سنه بانصد و سی و شش بود وقوع آمد

تاریخ ولادت و وفات خواجده محمد ابو عبد الله خونی که در سال بانصد و سی بود وقوع

تاریخ ولادت و وفات خواجده ابولضر احمد جام زنده همل که ولادتش در سال چارصد و هفتاد و وفات در سنه بانصد و سی و شش بود وقوع آمد

۱۹

تاریخ ولادت و وفات خواجده ابولضر احمد جام زنده همل که ولادتش در سال چارصد و هفتاد و وفات در سنه بانصد و سی و شش بود وقوع آمد

تاریخ ولادت و وفات خواجده محمد ابو عبد الله خونی که در سال بانصد و سی بود وقوع

تاریخ ولادت و وفات خواجده ابولضر احمد جام زنده همل که ولادتش در سال چارصد و هفتاد و وفات در سنه بانصد و سی و شش بود وقوع آمد

قطعه ثانی	
چون مدی ابن سافر شیخ دین از تخلص ما بنیاب حق بگو باز فرما عارف اهل تسبیح عاشق مطلوب هم مطلوب عشق	شد سیاه از جهان سوی جهان عاشق سوئے دو باره کوی جهان هم شناور که به مش و دستان خوان بسال وصل آن ششم زمان
بارخ وفات شیخ ماجد گری که در سال پانصد و شصت و یک بود قوم آمد	صورت گل رفت در باغ خلاق نیز ماجد ما دی الی اسرار دین
بارخ وفات سید احمد شهور نخی سرد سلطان که در سال پانصد و شصت و دو بود	سید و سرد و سخی احمد جست سرد و چو سال تاریخش
اینجا قطعه ناست	
سید احمد سخی سرد و دلی قطب سرد سرد و سالک بگو	شد ز دنیا سرد در ملک جهان نیز سرد و داسکے دین وصل
بارخ وفات شیخ شهاب الدین سرد و دمی مقبول که در پانصد و شصت و دو یک باشش با هیفت با شست بود قوم آمد	سید عالم شهاب الدین شهید داوی اقدس شهاب الدین بگو مقدامی از دمی تاریخ است سالک نزد آن شهاب الدین بود کن رقم قیاح ابواب عطا بیردین انور و اسد و در وصل او محرم کرم گفتام
قطعه ثانی	
چو بر تو افکن چو در غلند	شهاب دلی قطب سرد و جهان

عاشق سوئے دو باره کوی جهان
عاشق سوئے دو باره کوی جهان
عاشق سوئے دو باره کوی جهان
عاشق سوئے دو باره کوی جهان
عاشق سوئے دو باره کوی جهان
عاشق سوئے دو باره کوی جهان
عاشق سوئے دو باره کوی جهان
عاشق سوئے دو باره کوی جهان
عاشق سوئے دو باره کوی جهان
عاشق سوئے دو باره کوی جهان

سید احمد سخی سرد و دلی
سید احمد سخی سرد و دلی
سید احمد سخی سرد و دلی
سید احمد سخی سرد و دلی
سید احمد سخی سرد و دلی
سید احمد سخی سرد و دلی
سید احمد سخی سرد و دلی
سید احمد سخی سرد و دلی
سید احمد سخی سرد و دلی
سید احمد سخی سرد و دلی

شهاب دلی قطب سرد و جهان

شهاب دلی قطب سرد و جهان

از خرد تا رخسار آن ماه سپهر	هم ز می شمع نقین شد جلوه گر
تا وی سبب مثل سالش بی نظر	سید احمد حبیب جنت است
تاریخ وفات سید یعقوب صدر دیوان رنجانی لاهوری که در سال ششم و چهارم	
بجذب نیردی که دید مجذوب	چو یعقوب از جهان رخت مغرب
وصال آن شه درین شیخ مملوک	شده مقبول رنجانی رتسم شد
وگر باره مقدس میر یعقوب	بگو سو و مبدی صدر دیوان
تاریخ وفات شیخ زهره بهان صغیر نقی شیرازی که در سال ششم و شش و هفتم	
چو شیرازی ولی مملوک شیراز	بفرود مس برین منزل گزین
بسال وصال آن مرغوب شیرا	نوشتم پیر باد می عارف پاک
ز باد می بداجوب شیراز	وگر گرد عیان سال وصالش
قطعه ناستی	
یافت زو ایرفا درخت انور وین	چون جناب ز بهان نقی شیرازی
باز کمال قطب ابر است ای اهل صفا	نور فردوس است این سرور عالم جلوت
سال وصال آن شه والا هم شکفتا	چشمه او ادب شاه مکرم شد عیان
تاریخ وفات شیخ ابوالسحاق اقرک در سال ششم و نه و یازدهم	
پیر و شنغیر ابوالسحاق	گشت اقرک چو باد وصال آره
صاحب حسن پیر ابوالسحاق	مهدی متقی است وصالش نیز
تاریخ وفات میر حسین خنگ سوار اجمیری که در سال ششم و هفتم	
رفت در قله برین بازیانین	چون حسین آن حسن عالم ولی
میر عالی سید و الی حسین	گفت سرور سال وصال آن جناب
مست سال رطلت آن دیوان	نیز قطب الاولیا است صفت
قطعه ناستی	
چون حسین آن حسن عالم لطیف	رفت در جنت قصد نور و جمال
اقا صفت وصال و باد می شریف	صاحب عرفان حق تاریخ است
نیز معشوق عزیز است حق جنت	و نه وصالش بحر کشف آید غیاث

تاریخ وفات سید یعقوب صدر دیوان رنجانی لاهوری که در سال ششم و چهارم
 تاریخ وفات شیخ زهره بهان صغیر نقی شیرازی که در سال ششم و شش و هفتم
 تاریخ وفات شیخ ابوالسحاق اقرک در سال ششم و نه و یازدهم
 تاریخ وفات میر حسین خنگ سوار اجمیری که در سال ششم و هفتم

چون حسین آن حسن عالم لطیف
 صاحب عرفان حق تاریخ است
 و نه وصالش بحر کشف آید غیاث

صاحب

میر

تاریخ وفات شیخ یونس بن یوسف شبانی که در سال ششصد و نوزده هجری بود	
شده جزین دار الفضا اندر قبا حضرت رحلتش یونس مقدس پر عباد کن شمار ۷۱۹	یونس بن محمد مقصد ای دو جهان نیز یونس ابن یوسف صوفی محمود ۷۱۹
تاریخ وفات شیخ ادریس یعقوبی که در سال ششصد و نسیست و یک بود	
چو شد مانند ادریس از جهان در حشر عالی ز عاشق طالب حق سال ترحیلش ۷۱۹	سعید شاه دین عالی ادیب دگر ترحیل کن والا علی ادیب ۷۱۹
قطعه تاسی	
چون علی شد بحجت الا علی گفت دل سال رحلتش تارک ۷۱۹	گفت وصل بر وصل ربانی باز فرمود کسب عرفان ۷۱۹
تاریخ ولادت و وفات شیخ فرید الدین عطار که ولادتش در سال پانصد و سیزده و وفات در سنه ششصد و نسیست و شش یا نسیست و شش بود	
فرید الحق فرید الدین عطار فرید الدین ولی محبوبی دگر تاریخ قطب حق فرید است ۷۱۳	وحید العصر صوفی شده تاریخ تولدش بود بی تولد آن شاه ۷۱۳
دو باره پر بر الدین است سج و صلش ز غایت قطب بر عبان کن بعد آن اسرار سرور دگر مسکین فرید الدین محبوب ۷۱۳	قطب عارفان شد سینه ولی اسرف بخوان ای نکته آرا ۷۱۳
قطعه تاسی	
فرید فرد جهان خواجه وحید العصر فرید قطب زمانی بگو تو لبش ۷۱۳	که بود مرشد ابرار و مجرم سج وصال جمیلش فرد دین عطار ۷۱۳
قطعه تاسی	
چو شد فرد از دهر فرد الفیروز ۷۱۳	بی سال ترحیل آن مقصد ۷۱۳

تاریخ وفات شیخ یونس بن یوسف شبانی که در سال ششصد و نوزده هجری بود
تاریخ وفات شیخ ادریس یعقوبی که در سال ششصد و نسیست و یک بود
تاریخ ولادت و وفات شیخ فرید الدین عطار که ولادتش در سال پانصد و سیزده و وفات در سنه ششصد و نسیست و شش یا نسیست و شش بود
تاریخ وفات شیخ یونس بن یوسف شبانی که در سال ششصد و نوزده هجری بود
تاریخ وفات شیخ ادریس یعقوبی که در سال ششصد و نسیست و یک بود
تاریخ ولادت و وفات شیخ فرید الدین عطار که ولادتش در سال پانصد و سیزده و وفات در سنه ششصد و نسیست و شش یا نسیست و شش بود

کتابخانه
۱۳۳۱

تاریخ وفات شیخ یونس بن یوسف شبانی که در سال ششصد و نوزده هجری بود
تاریخ وفات شیخ ادریس یعقوبی که در سال ششصد و نسیست و یک بود
تاریخ ولادت و وفات شیخ فرید الدین عطار که ولادتش در سال پانصد و سیزده و وفات در سنه ششصد و نسیست و شش یا نسیست و شش بود
تاریخ وفات شیخ یونس بن یوسف شبانی که در سال ششصد و نوزده هجری بود
تاریخ وفات شیخ ادریس یعقوبی که در سال ششصد و نسیست و یک بود
تاریخ ولادت و وفات شیخ فرید الدین عطار که ولادتش در سال پانصد و سیزده و وفات در سنه ششصد و نسیست و شش یا نسیست و شش بود

یکی قبلیه انجمن جنت گوی -	دو باره پنجان زبده الاصفیا
تاریخ وفات شیخ بهاء الدین ولد که در سال شصت و هفت یا هشت یا نود و یک	در سنه ۹۲۸
که در مسکن خود در مقام بهشت	شیخ روحی زمین بهاء الدین
عابدی است سالش نیز	حق طلب شاه دین بهاء الدین
باز محبوبه شد عید اشد	وصل انجمن یقین بهاء الدین
تاریخ وفات شیخ ابن الفارض صوفی که در سال شصت و سی و دو و دو و دو و دو	در سنه ۹۳۰
چون بقصر بهشت کرد مقام	ابن فارض دبئی عالی جاہ
ارستخاش امام متقی است	باز فرمود دل خدا کا کاه
تاریخ وفات شیخ اوجده الدین کرمانی که در سال شصت و بیست و یک یا بیست و دو یا بیست و سه	در سنه ۹۳۲
شاه کرمان چو است رخت سفر	یافت منزل بقرب رحمانی
متقی پاک بین مگو ساش	هم پنجان بادشاه کرمانی
باز برگیر دست کمال	نیز کجاست مقام گردانے
تاریخ وفات شیخ صوفی بدینی دهلوی که در سال شصت و سی و دو و دو و دو و دو	در سنه ۹۳۴
بدینی صوفی مصفا دل	شد چو وصل بوصول بزوی
رحلتش اوسی حقیقت خان	بار دیگر دیکه لاکمانے
باز فرمات صاحب الارشاد	ارستخاش اگر مندانی
تاریخ وفات شیخ رضی الدین علی لاکه در سال شصت و چهل و دو و دو و دو و دو	در سنه ۹۳۶
ان رضی الدین علی لاکه اولی	وصف او بیرونست از گفت و بوند
شد جو از عالم گویو تا رخ او	سید اکرم علی ابن سعید
شد عیان اهل ارادت و ملتشر	با دسی برکت دیگر آمد پیید
تاریخ وفات شیخ شمس الدین تبریزی که در سال شصت و چهل و دو و دو و دو و دو	در سنه ۹۳۸
سجنت شد جو شمس الدین تبریزی	محمده روشن از نور تجلی
پنجان سلطان شمس الدین صابرق	فرم کن نیز شمس الدین سبل
قطعه نامه	
چو شمس السلل نور دنیا دیدن	شده روشن از اتصال خدا

در سنه ۹۲۸
 در سنه ۹۳۰
 در سنه ۹۳۲
 در سنه ۹۳۴
 در سنه ۹۳۶
 در سنه ۹۳۸
 در سنه ۹۴۰
 در سنه ۹۴۲
 در سنه ۹۴۴
 در سنه ۹۴۶
 در سنه ۹۴۸
 در سنه ۹۵۰
 در سنه ۹۵۲
 در سنه ۹۵۴
 در سنه ۹۵۶
 در سنه ۹۵۸
 در سنه ۹۶۰
 در سنه ۹۶۲
 در سنه ۹۶۴
 در سنه ۹۶۶
 در سنه ۹۶۸
 در سنه ۹۷۰
 در سنه ۹۷۲
 در سنه ۹۷۴
 در سنه ۹۷۶
 در سنه ۹۷۸
 در سنه ۹۸۰
 در سنه ۹۸۲
 در سنه ۹۸۴
 در سنه ۹۸۶
 در سنه ۹۸۸
 در سنه ۹۹۰
 در سنه ۹۹۲
 در سنه ۹۹۴
 در سنه ۹۹۶
 در سنه ۹۹۸
 در سنه ۱۰۰۰

در سنه ۹۲۸
 در سنه ۹۳۰
 در سنه ۹۳۲
 در سنه ۹۳۴
 در سنه ۹۳۶
 در سنه ۹۳۸
 در سنه ۹۴۰
 در سنه ۹۴۲
 در سنه ۹۴۴
 در سنه ۹۴۶
 در سنه ۹۴۸
 در سنه ۹۵۰
 در سنه ۹۵۲
 در سنه ۹۵۴
 در سنه ۹۵۶
 در سنه ۹۵۸
 در سنه ۹۶۰
 در سنه ۹۶۲
 در سنه ۹۶۴
 در سنه ۹۶۶
 در سنه ۹۶۸
 در سنه ۹۷۰
 در سنه ۹۷۲
 در سنه ۹۷۴
 در سنه ۹۷۶
 در سنه ۹۷۸
 در سنه ۹۸۰
 در سنه ۹۸۲
 در سنه ۹۸۴
 در سنه ۹۸۶
 در سنه ۹۸۸
 در سنه ۹۹۰
 در سنه ۹۹۲
 در سنه ۹۹۴
 در سنه ۹۹۶
 در سنه ۹۹۸
 در سنه ۱۰۰۰

در سنه ۹۲۸
 در سنه ۹۳۰
 در سنه ۹۳۲
 در سنه ۹۳۴
 در سنه ۹۳۶
 در سنه ۹۳۸
 در سنه ۹۴۰
 در سنه ۹۴۲
 در سنه ۹۴۴
 در سنه ۹۴۶
 در سنه ۹۴۸
 در سنه ۹۵۰
 در سنه ۹۵۲
 در سنه ۹۵۴
 در سنه ۹۵۶
 در سنه ۹۵۸
 در سنه ۹۶۰
 در سنه ۹۶۲
 در سنه ۹۶۴
 در سنه ۹۶۶
 در سنه ۹۶۸
 در سنه ۹۷۰
 در سنه ۹۷۲
 در سنه ۹۷۴
 در سنه ۹۷۶
 در سنه ۹۷۸
 در سنه ۹۸۰
 در سنه ۹۸۲
 در سنه ۹۸۴
 در سنه ۹۸۶
 در سنه ۹۸۸
 در سنه ۹۹۰
 در سنه ۹۹۲
 در سنه ۹۹۴
 در سنه ۹۹۶
 در سنه ۹۹۸
 در سنه ۱۰۰۰

تاریخ وفات مولانا زاہدی کہ در سال ششصد و پنجاه و ہشت و قمر ۱۰۶۰	
آخرش چون کرد در جنت مقام	زاہد والا وسیلے زاہدی
متقی حق و صالحش بہت و نیز	زاہد دین سے زاہدی
تاریخ وفات حضرت سید شہ لاہوری کہ در سال ششصد و ہشت و یک و قمر ۱۰۶۱	
سید شہ و سلسلے با صفا	آنکہ شیرین بود نزد خاطر عام
ہست سال ارتحال آنخواب	صاحب کلمت و گرشیرین کلام
تاریخ وفات مولانا عزیز لکے کہ در سال ششصد و ہشت و یک و قمر ۱۰۶۱	
آن عزیز دو جهان ہر دل عزیز	رفت با عزت چو در قصر خان
شیخ نور است و عزیز شہسوار	سال وصل آن عزیز اہل شان
تاریخ ولادت و وفات مولانا جلال الدین رومی کہ ولادتش در سال ششصد و چار و وفاتش در سال ششصد و ہفتاد و دو و قمر ۱۰۶۰	
جلال الدین حال ہر ذوق عالم	کمال اہل دین نور ستار
گو قطب کمال عارفان است	عجب تولید آن شاہ مغل
دو بار اسو کوی چہاں بن گو	گر گرد و سال تولیدش ہویدا
رقم کن مولوی سہر کرم	بیان کن نیز واقف شاہ علی
وصالش شاہ دین نور است	جلال سے محسوب و نا
قطب نامے	
شیخ رومی مولوی معنوی	میرشد عالم شد دوران زمان
مقدّم احمدی شد از دل نکشف	ظہیر شد تولید آن والا مکان
کاشف المقصود گو تر حیل او	شاب بن جلال الدین جوان
تاریخ وفات شیخ حسام الدین چاہی کہ در سال ششصد و ہشتاد و سہ و قمر ۱۰۶۰	
چو سکن حاجت اندر باغ فرود	حسام الدین شہ مرحوم و منقور
ز رہبر ہر دین جو ارتحالش	بفرمانیز حسین الدین بزور
رقم شد آفتاب حق نما نیز	حسام الدین مہدی معدن نور
تاریخ وفات حضرت قاضی بیضاوی کہ در سال ششصد و ہشتاد و پنج و قمر ۱۰۶۰	

تاریخ وفات مولانا زاہدی کہ در سال ششصد و پنجاه و ہشت و قمر ۱۰۶۰
 تاریخ وفات حضرت سید شہ لاہوری کہ در سال ششصد و ہشت و یک و قمر ۱۰۶۱
 تاریخ وفات مولانا عزیز لکے کہ در سال ششصد و ہشت و یک و قمر ۱۰۶۱
 تاریخ ولادت و وفات مولانا جلال الدین رومی کہ ولادتش در سال ششصد و چار و وفاتش در سال ششصد و ہفتاد و دو و قمر ۱۰۶۰
 تاریخ وفات شیخ حسام الدین چاہی کہ در سال ششصد و ہشتاد و سہ و قمر ۱۰۶۰
 تاریخ وفات حضرت قاضی بیضاوی کہ در سال ششصد و ہشتاد و پنج و قمر ۱۰۶۰

کمال اہل دین نور ستار
 عجب تولید آن شاہ مغل
 گر گرد و سال تولیدش ہویدا
 بیان کن نیز واقف شاہ علی
 جلال سے محسوب و نا

میرشد عالم شد دوران زمان
 ظہیر شد تولید آن والا مکان
 شاب بن جلال الدین جوان

حسام الدین شہ مرحوم و منقور
 بفرمانیز حسین الدین بزور
 حسام الدین مہدی معدن نور

۱۰۶۰

ذکر مولانا زاہدی
 ذکر مولانا عزیز لکے
 ذکر مولانا جلال الدین رومی
 ذکر شیخ حسام الدین چاہی
 ذکر قاضی بیضاوی

و صلش عالیقدر زید الدین بگو گر انام خلد و ماه اهل خلد	هم ولی بدر خردی بخوان رحلت آن بدر دین عالی مقام
تاریخ وفات شیخ نجم الدین اصفهانی که در سال مقصد و سبب هجرتش	گفت جو براوج جان جلوه گر عاشق سیر است وصالش در
چونم الدین نور شد بخت امیر عشق و مقصود اجمعت	وصالش طرفه تر شد رونق در گامه های انوار لعل
تاریخ وفات شیخ رکن الدین فردوسی که در سال مقصد و سبب هجرتش	رکن دین رکن جهان رکن زمان سال وصالش سبب محمد و مومنان
بلبل باغ خلد بلبل شاه ار شخالش جو از خرد جستم	تاریخ وفات شیخ بلبل شاه کتیمی که در سال مقصد و سبب هجرتش
شده ز دنیا جو در بهشت مقیم از خرد پیشوای ابرار است	تاریخ وفات شیخ نجیب الدین فردوسی که در سال مقصد و سبب هجرتش
بسال رحلتش جو ابرو حسن گر تاریخ وفات شیخ حسن طنبی که در سال مقصد و سبب هجرتش	حسن آن حسن احسن لی پر بسال رحلتش جو ابرو حسن گر
میر نسیم الدین صفی موسوی رحلتش اشرف ولی حق نمان	تاریخ وفات شیخ نسیم الدین صفی الموسوی که در سال مقصد و سبب هجرتش
تاریخ ولادت و وفات شیخ رکن الدین عطار سماعی که ولادتش در سال ... و وفاتش در سال ...	شد چو مثل خورشید بخت باردگر شمس دین کامل صفی

تاریخ وفات شیخ نجم الدین اصفهانی که در سال مقصد و سبب هجرتش
تاریخ وفات شیخ رکن الدین فردوسی که در سال مقصد و سبب هجرتش
تاریخ وفات شیخ بلبل شاه کتیمی که در سال مقصد و سبب هجرتش
تاریخ وفات شیخ نجیب الدین فردوسی که در سال مقصد و سبب هجرتش
تاریخ وفات شیخ حسن طنبی که در سال مقصد و سبب هجرتش
تاریخ وفات شیخ نسیم الدین صفی الموسوی که در سال مقصد و سبب هجرتش

کتابخانه

تاریخ وفات شیخ نجم الدین اصفهانی که در سال مقصد و سبب هجرتش
تاریخ وفات شیخ رکن الدین فردوسی که در سال مقصد و سبب هجرتش
تاریخ وفات شیخ بلبل شاه کتیمی که در سال مقصد و سبب هجرتش
تاریخ وفات شیخ نجیب الدین فردوسی که در سال مقصد و سبب هجرتش
تاریخ وفات شیخ حسن طنبی که در سال مقصد و سبب هجرتش
تاریخ وفات شیخ نسیم الدین صفی الموسوی که در سال مقصد و سبب هجرتش

خواجه محمد رکن الدین بهمانی شه کبر	که بود اندر زمانه رهنمایی و حقانی
نکن که بدین کرد آمد حیا نبار شه توید	ستین غرضش از فایده عیان کرد و اگر خوا
امام حله نادی سال ترحیلش بگویند	و اگر احمد ولی الله رکن الدین حسن
تاریخ وفات شیخ اومد الدین صفائی که در سال منقصد و منی هفت بودم	
اومد الدین شد جو یکتا از جهان	سال وصل آن شه بر کوه منقصد
سبت عارف صفائی حق طلب	هم حساب کبر با سب کبر
تاریخ وفات شیخ سبت الله باری که در سال منقصد و منی هشت بودم	
نجله بادان چون کرد سکن	ولی شیخ اکابر سبت الله
بگو ابر سعادت رحلت او	و اگر باره سطر سبت الله
تاریخ وفات شیخ شرف الدین کبری که در سال منقصد و منی نهم بودم	
چون شریف شرف شریفه و ده جان	یافت از حق بقصد و صلح را کف
ارتحالش و کسند ار کامل است	بار دیگر اهل دین سولی شرف
تاریخ وفات شیخ اسحاق مغربی که در سال منقصد و منی دهم بودم	
سال تاریخ وصل بود اسحاق	آنکه مشهور جسمه آفاق است
مهدی ستمی با مبین الله	نیز سردار عالم اسحاق است
هم با قول بعضی از اخبار	گفت سردار که شاه عثمان است
تاریخ وفات شیخ نجم الدین محمد الاوکانی که در سال منقصد و منی یازدهم بودم	
شد مشرف چو در بهشت برین	شیخ اکبر شریف محسن الدین
وصل او پیر سجنه عالی است	بار دیگر شریف محسن الدین
تاریخ وفات شیخ محمود زاهد مرعابی که در منقصد و منی بیست و یکم بودم	
چونکه محمود و جامد الاوصاف	یافت از وصل ایزدی بهبود
سبت محمود و مرشد کومین	سال ترحیل آن شه با جو و
باز تاریخ وصل او گفتم	طالب الله عاقبت محمود
تاریخ وفات شیخ شرف الدین احمد بن یحیی منیری که در سال منقصد	
مشاد و دو و هجری مقدس اقدس بودم آمد	

تاریخ وفات شیخ محمد رکن الدین بهمانی شه کبر
 که بود اندر زمانه رهنمایی و حقانی
 ستین غرضش از فایده عیان کرد و اگر خوا
 و اگر احمد ولی الله رکن الدین حسن
 تاریخ وفات شیخ اومد الدین صفائی که در سال منقصد و منی هفت بودم
 سال وصل آن شه بر کوه منقصد
 هم حساب کبر با سب کبر
 تاریخ وفات شیخ سبت الله باری که در سال منقصد و منی هشت بودم
 ولی شیخ اکابر سبت الله
 و اگر باره سطر سبت الله
 تاریخ وفات شیخ شرف الدین کبری که در سال منقصد و منی نهم بودم
 یافت از حق بقصد و صلح را کف
 بار دیگر اهل دین سولی شرف
 تاریخ وفات شیخ اسحاق مغربی که در سال منقصد و منی دهم بودم
 آنکه مشهور جسمه آفاق است
 نیز سردار عالم اسحاق است
 گفت سردار که شاه عثمان است
 تاریخ وفات شیخ نجم الدین محمد الاوکانی که در سال منقصد و منی یازدهم بودم
 شیخ اکبر شریف محسن الدین
 بار دیگر شریف محسن الدین
 تاریخ وفات شیخ محمود زاهد مرعابی که در منقصد و منی بیست و یکم بودم
 یافت از وصل ایزدی بهبود
 سال ترحیل آن شه با جو و
 طالب الله عاقبت محمود
 تاریخ وفات شیخ شرف الدین احمد بن یحیی منیری که در سال منقصد
 مشاد و دو و هجری مقدس اقدس بودم آمد

وصالتش صاحب محمد دوم فرما	دو بار کن ز دانش دوم نامی
تاریخ وفات خواجہ شمس الدین حافظ شیرازی که در سال مستفقد و نو و دو و دو	
لسان اعیان حافظ شیرازی	ز دنیا رفت و شد سرور در جنت
عیان شد سرور انا تاریخ سالش	ز اولی طوسے گلزار جنت
قطعه نامے	
چون شمس الدین حافظ مازندرانی	بجنت رفت از دنیای بر خار
وصالتش است شمس الدین نور	دو بار ز یاد دین شاه ابرار
بگو محمد دوم ایمان از سالش	دگر محمد دوم اہل اللہ تکرار
تاریخ وفات مولانا طہیر الدین خلوی کہ در سال مستفقد بحری بود قوم آہ	
رفت در جنت بعد ثبت و بناہ	چون طہیر الدین ویلے جنتی
عند لیب خلد گوسالش دگر	اہل دین مہدی کامل شکتی
ماہ دین محمد دوم شد از دل جان	طرقت سال انتقال آن ویلے
قطعه نامے	
در بہشت آمد بعد عز و وقار	چون طہیر الدین طہیر المؤمنین
سال و مصلی اوست میر شعی	بہر گز محبوب قطب المؤمنین
تاریخ وفات شیخ کمال مجتہدی کہ در سال مستفقد و دو بار یاسہ بود قوم آہ	
جلوہ گرفتند جو در بہشت بین	شیخ کامل کمال اہل جلال
گفت سرور بنال تر حدیش	کہ رہی آفتاب بدر کمال
ہم بقول دگر شدہ روشن	بہم حسن بافتاب جمال
تاریخ وفات مولانا سعد الدین نغزارانی کہ در سال مستفقد و بہشت بود قوم آہ	
ز دنیا رفت جو در خلد مصلی	سعد و سعد علی تاج ابرار
بگو کامل بہشتی از سالش	دگر بارہ بغز ما تاج ابرار
تاریخ وفات مولانا محمد شیرین کہ در سال مستفقد و بہشت بانہ بود قوم آہ	
چون شیرین زبان بہشت رفت	ز دنیای دون شد بجنت قریب
بگو راہ معرفت سال او	بغز ما دگر اہل رفعت حبیب

سکن دنیا شیراز است و لسان اعیان حافظ
 رفت از سالکان حق برست و مقام عالم
 از تصانیف وی کتابی بنام است و در بیان حافظ
 از تصانیف وی کتابی بنام است و در بیان حافظ
 از تصانیف وی کتابی بنام است و در بیان حافظ

باید بزرگ صاحب حال و حال بود و بزرگی
 بی بی عام داشت
 از علم و دہم بود و در علم و فنیت عالی تہ
 سبب بخت و مصلحت از تصانیف وی است
 از تصانیف وی کتابی بنام است و در بیان حافظ
 از تصانیف وی کتابی بنام است و در بیان حافظ

تاریخ ولادت و وفات شیخ ابوبکر وصالش

رقم شد خواجہ ابوبکر وصالش	دو بار ازین دین مادی بود
تاریخ ولادت و وفات شیخ بیچ الدین نزار که ولادتش در سال	مقتصد و شازده و وفات در سنه شصت و چهل و چری و قوم آمد
شیخ مہاسے رہنمائی و درجہ ہست تولیدش مفاتیح العلوم رہلتش سلطان محمد دوم ہست ہم نیز سال رحلت او گفتہ ام	آن بیدیم الدین و سے کاہنگا ہم امام خلد با حسنہ و وقار مہربان واسے حق کھلمہ بارسا سلطان بیچ الدین ہوا
تاریخ وفات شیخ نور الدین ولی کشمیری کہ ولادت وی در سال مقتصد	و پنجاہ و ہفت و وفات در سنہ شصت و چهل و دو و چری و قوم آمد
جناب نور الدین صاحب عالم ز سرور اہل عرفان بودین رہتس الکفار فین حوار شہرتش	کہ در چشم و دو عالم بود منظور بی تولید پاکش طرفہ سطور دو بارہا مادی حق نور روز
تاریخ وفات شیخ بہا الدین کج بخش کشمیری کہ در سال مقتصد و چهل و دو	
بہا الدین جو شد زین و از ما بہا الدین سخی اہل دل گو	سال رحلت آن باب عرفان و گر بارہ سخن ان کتاب عرفان
تاریخ ولادت و وفات شیخ احمد کہنو کہ ولادتش در سال مقتصد سی	شت و وفات در سنہ شصت و چهل و نہ و چری و قوم آمد
شیخ احمد بود مقبول خدا امجد آفاق احمد سبھے وصل پاکش شد بیان مرد خدا سال عمرش ساکت عالی سخن	از رہنمائی حق فقیر بے نظر سرور ازین مصرعہ تولیدش شہمان مہتاب عرفان کشمیر ار شہرتش مقتصد احمد امیر
تاریخ وفات شیخ جمال گوہر کہ در سال شصت و پنجاہ و ہشت و قوم	
جمال جان شیخ اجل جمال چو شد در جان سالی ترحیل او دو بارہ بتاریخ ترحیل او	کہ مرشد پاکسایل بہشت نہ اشد کہ عابد جسمال بہشت گو طیب دین ملال بہشت

حضرت ابوبکر و حضرت علی و حضرت عثمان و حضرت احمد و حضرت ابوبکر و حضرت علی و حضرت عثمان و حضرت احمد و حضرت ابوبکر و حضرت علی و حضرت عثمان و حضرت احمد

تاریخ ولادت و وفات شیخ ابوبکر و حضرت علی و حضرت عثمان و حضرت احمد و حضرت ابوبکر و حضرت علی و حضرت عثمان و حضرت احمد

تاریخ ولادت و وفات شیخ ابوبکر و حضرت علی و حضرت عثمان و حضرت احمد و حضرت ابوبکر و حضرت علی و حضرت عثمان و حضرت احمد

و فی اوستی از
 کلام نبی است نهاده
 و باقی او در
 طلب علم و تقوی
 در بیان حضرت شاه
 و در بیان حضرت شاه
 رسالت حاصل کرد و از آنجا
 وقت نشد
 رسالت حاصل کرد و از آنجا
 وقت نشد
 رسالت حاصل کرد و از آنجا
 وقت نشد

تاریخ وفات مولانا جلال الدین پورانی که در سال مشقده و شصت و دو توّم آمد	
چون جلال الدین جلیل القدر پیر	یافت با اجلال در حین مکان
سال تاریخ وصال آسجناب	کرد و با سرور حنین یافت بیان
سیر حبت زبده عالم گو	قطب لایمانی جلال الدین پورانی
تاریخ وفات شیخ جلال کشمیری که در سال مشقده و شصت و دو توّم آمد	
ز روی جهان چون حکیم خدا	نهان شده وین و دنیا با لال
زدل گشت در سال تاریخ او	میان شمس اقبال بدر الکمال
تاریخ وفات خواجہ شمس الدین محمد کوسوی که در سنه مشقده و شصت و دو توّم آمد	
میر شمس الدین مادی زمان	گشت چون روشن بفرودین یز
ارتحالش جو ز کج معرفت	بار دیگر کن بیان حبت نشین
تاریخ وفات شیخ جلال الدین محلی که در سال مشقده و شصت و دو توّم آمد	
چون جلال الدین شه اهل جلال	یافت با اجلال اندر خلد جا
اقاب تقر تاریخش گو	هم جلال الدین سیر حبت
تاریخ وفات مولانا علی قوشمبجی که در سال مشقده و شصت و دو توّم آمد	
پرتو افکن شد سجد بادوان	چون علی اعلی دلی حساب جزو
صفتی عالی قدر تاریخ اوست	هم علاء الدین علی صبا جزو
تاریخ وفات سید محمد امین المشهور به بابا امیر رسی کشمیری شهید که در سال مشقده و شصت و دو توّم آمد	
نفضل خداوند سوسله تعالی	چو شد وصل با وصل عابدان امیز
امین ختم است تاریخ او	دگر عارف اهل عرفان امیز
تاریخ وفات شیخ محمد میرک مرحوم که در سال مشقده و شصت و دو توّم آمد	
زنده دل پر شیخ محمد امینی	رفت در حبت از جهان شد طاق
رحلت او غلیل بار سے گو	خوان دگر بار طاق شد طاق
باز نور انوار سے متقی است	وصل آن سیر دین شد اتفاق

کتاب تاریخ

تاریخ جلال الدین
 و در بیان حضرت شاه
 و در بیان حضرت شاه
 رسالت حاصل کرد و از آنجا
 وقت نشد
 رسالت حاصل کرد و از آنجا
 وقت نشد
 رسالت حاصل کرد و از آنجا
 وقت نشد

و فی اوستی از
 کلام نبی است نهاده
 و باقی او در
 طلب علم و تقوی

کتابت از جانب
عبدالمجید بن محمد
در سنه ۱۲۰۰

تاریخ وفات شیخ علی صوفی قدس سره که در سال پنصد و هشتاد و هشت بود	
شیخ اعلی قدر علی صوفی	یافت در سنه ۱۰۰۰
خواجه صاحب است ترحیمش	تیم سنجوان مالک است علی
تاریخ وفات مولانا حمید و اعطای کاسمی که در سال پنصد و هشتاد و هشت بود	
رشد دین صاحب علم القهر	عالم معصوم محمد حسین
میرزا محمد فضل سنجوان رحلتش	باز تو محمد و محمد حسین
تاریخ وفات شیخ جمال الدین بن عبد الرحمن یوعلی که در سال پنصد و هشتاد و هشت بود	
چون جمال الدین کعبه و عبدالله	گشت از دنا سوی خست روا
سال تاریخ وصال آنجناب	فاصل و اقصیل شد از سر و رخسار
پس جمال دین مقبول خدا	دوستدار حق جمال ابن سنجوان
تاریخ وفات شیخ احمد شرعی که در سال پنصد و هشتاد و هشت بود	
شاه احمد آن شاه مریه	جو کرد از جهان سوی نکر از شمال
یکی حسن خیر است تاریخ او	شاه شرع احمد دگر است سال
تاریخ وفات ملک بن الدین شهید که در سال پنصد و هشتاد و هشت بود	
شیخ زین الدین شهید باصفی	چون کعبه ترین در خست رسیده
شیخ زین الدین شهید سال وصل او	نیز زین الدین شهید عالم شهید
تاریخ وفات شیخ زین الدین شهید دهلوی که در سال پنصد و هشتاد و هشت بود	
شیخ زین الدین شهید راه حق	شد چو در فردوس پای گشت شنیده
ار شانش متقی العارف است	نیز طالب زنده دل عاشق شهید
تاریخ وفات شیخ یوسف جمال دهلوی که در سال پنصد و هشتاد و هشت بود	
یوسف ناصر و لایست با دنا	رفت از دنیا چو در ملک جهان
عالم فیاض شانش کن رقم	یوسف جمالی و کی حقین سنجوان
تاریخ وفات مولانا شیب قدس سره که در سال پنصد و هشتاد و هشت بود	
شد چو از دار فنا اندر لقب	چو واقف صاحب جنت است
سال تاریخ وصال آنجناب	گفت واقف صاحب جنت شیب

تاریخ وفات شیخ علی صوفی قدس سره که در سال پنصد و هشتاد و هشت بود
شیخ اعلی قدر علی صوفی
خواجه صاحب است ترحیمش
تاریخ وفات مولانا حمید و اعطای کاسمی که در سال پنصد و هشتاد و هشت بود
رشد دین صاحب علم القهر
میرزا محمد فضل سنجوان رحلتش
تاریخ وفات شیخ جمال الدین بن عبد الرحمن یوعلی که در سال پنصد و هشتاد و هشت بود
چون جمال الدین کعبه و عبدالله
سال تاریخ وصال آنجناب
پس جمال دین مقبول خدا
تاریخ وفات شیخ احمد شرعی که در سال پنصد و هشتاد و هشت بود
شاه احمد آن شاه مریه
یکی حسن خیر است تاریخ او
تاریخ وفات ملک بن الدین شهید که در سال پنصد و هشتاد و هشت بود
شیخ زین الدین شهید باصفی
شیخ زین الدین شهید سال وصل او
تاریخ وفات شیخ زین الدین شهید دهلوی که در سال پنصد و هشتاد و هشت بود
شیخ زین الدین شهید راه حق
ار شانش متقی العارف است
تاریخ وفات شیخ یوسف جمال دهلوی که در سال پنصد و هشتاد و هشت بود
یوسف ناصر و لایست با دنا
عالم فیاض شانش کن رقم
تاریخ وفات مولانا شیب قدس سره که در سال پنصد و هشتاد و هشت بود
شد چو از دار فنا اندر لقب
سال تاریخ وصال آنجناب

تاریخ وفات شیخ علی صوفی قدس سره که در سال پنصد و هشتاد و هشت بود

تاریخ وفات محمد دوم محمد حاجی که در سال هفصد و سی و هفت بود تو ۱۰۰۰	
سید اعظم حاجی بیت الحرم	شده جواز دنیا با شش ای سی
اقاب حجت آمد باز قسم	تاریخ محمد دوم سلطان در سال
تاریخ وفات شیخ جلال الدین شیرازی که در سال هفصد و چهل و چهار بود تو ۱۰۰۰	
برگوا فلک شد جو در خلد برین	اقاب دین حق ماه جلال
سایل تر حلیش جلال فرخ بهت	بیر شیرازی و سینه شاه جلال
تاریخ وفات شیخ سلیمان ابن عثمان المذنبی الدیوبی بر هفصد و چهل و چهار بود تو ۱۰۰۰	
سلیمان ولی ما و سستی	سفر که در چون از جهان و جهان
بجو سال تر حیل آن بادشا	شاه و ولایت سلیمان عیان
دو باره سلیمان سخی جمیل	سخان و وصل آن شیخ عالمیکان
قطعه نالی	
چون سلیمان و سستی عالی	یافت از حق به رحمت بار
سال وصلش بخور شیخ اجل	بهر سخنان آینه سبب بر انوار
تاریخ وفات شیخ حسین خوانزومی که در سال هفصد و پنجاه و شش بود تو ۱۰۰۰	
حسین و الی خوانزم در نهایت جهان	مردی حضرت محمد دوم بود در سال
لبال رحلت او وان غرر خوانزم	حسین قطب شمس است نیز در سال
تاریخ وفات سید رفیع الدین صفوی که در سال هفصد و پنجاه و چهار بود تو ۱۰۰۰	
اهل رفعت رفیع عاشق له جاه	صورت گل چو شد با غم جهان
وصل آن شاه صادق الاحقر	صاحب رفعت زمانه سخنان
هم غرر خدا رفیع الدین	باز میر شمس است ای جانان
تاریخ وفات سید محمد عوث گویاری که در سال هفصد و پنجاه و دو بود تو ۱۰۰۰	
محمد عوث قطب هر دو عالم	جو در وصل خدا کردید موصول
تاریخ وصالش گفت سرور	محمد متقی سلطان مستبول
قطعه نالی	
محمد شد جو در بزم محمد	لبال رحلت آن شاه دیشاد

تاریخ وفات سید محمد حاجی که در سال هفصد و سی و هفت بود تو ۱۰۰۰
 سید اعظم حاجی بیت الحرم
 اقباب حجت آمد باز قسم
 تاریخ وفات شیخ جلال الدین شیرازی که در سال هفصد و چهل و چهار بود تو ۱۰۰۰
 برگوا فلک شد جو در خلد برین
 سایل تر حلیش جلال فرخ بهت
 تاریخ وفات شیخ سلیمان ابن عثمان المذنبی الدیوبی بر هفصد و چهل و چهار بود تو ۱۰۰۰
 سلیمان ولی ما و سستی
 بجو سال تر حیل آن بادشا
 دو باره سلیمان سخی جمیل
 قطعه نالی
 چون سلیمان و سستی عالی
 سال وصلش بخور شیخ اجل
 تاریخ وفات شیخ حسین خوانزومی که در سال هفصد و پنجاه و شش بود تو ۱۰۰۰
 حسین و الی خوانزم در نهایت جهان
 لبال رحلت او وان غرر خوانزم
 تاریخ وفات سید رفیع الدین صفوی که در سال هفصد و پنجاه و چهار بود تو ۱۰۰۰
 اهل رفعت رفیع عاشق له جاه
 وصل آن شاه صادق الاحقر
 هم غرر خدا رفیع الدین
 تاریخ وفات سید محمد عوث گویاری که در سال هفصد و پنجاه و دو بود تو ۱۰۰۰
 محمد عوث قطب هر دو عالم
 تاریخ وصالش گفت سرور
 محمد متقی سلطان مستبول
 قطعه نالی
 محمد شد جو در بزم محمد
 لبال رحلت آن شاه دیشاد

تاریخ وفات سید محمد حاجی که در سال هفصد و سی و هفت بود تو ۱۰۰۰
 سید اعظم حاجی بیت الحرم
 اقباب حجت آمد باز قسم
 تاریخ وفات شیخ جلال الدین شیرازی که در سال هفصد و چهل و چهار بود تو ۱۰۰۰
 برگوا فلک شد جو در خلد برین
 سایل تر حلیش جلال فرخ بهت
 تاریخ وفات شیخ سلیمان ابن عثمان المذنبی الدیوبی بر هفصد و چهل و چهار بود تو ۱۰۰۰
 سلیمان ولی ما و سستی
 بجو سال تر حیل آن بادشا
 دو باره سلیمان سخی جمیل
 قطعه نالی
 چون سلیمان و سستی عالی
 سال وصلش بخور شیخ اجل
 تاریخ وفات شیخ حسین خوانزومی که در سال هفصد و پنجاه و شش بود تو ۱۰۰۰
 حسین و الی خوانزم در نهایت جهان
 لبال رحلت او وان غرر خوانزم
 تاریخ وفات سید رفیع الدین صفوی که در سال هفصد و پنجاه و چهار بود تو ۱۰۰۰
 اهل رفعت رفیع عاشق له جاه
 وصل آن شاه صادق الاحقر
 هم غرر خدا رفیع الدین
 تاریخ وفات سید محمد عوث گویاری که در سال هفصد و پنجاه و دو بود تو ۱۰۰۰
 محمد عوث قطب هر دو عالم
 تاریخ وصالش گفت سرور
 محمد متقی سلطان مستبول
 قطعه نالی
 محمد شد جو در بزم محمد
 لبال رحلت آن شاه دیشاد

تاریخ وفات شیخ بهاء الدین خوارزمی کشمیری که در سال یک هزار و دو و دو توّم آمد	
چون بهاء الدین خوارزمی در سال	در زمین شد مثل گنجینه سخنان
سالک قیامت تاریخش بگو	نیز خوارزمی جلال دین بنحو آن
تاریخ وفات شیخ یعقوب صدوقی کشمیری که در سال یک هزار و سه و دو توّم آمد	
چون صدیق زین و سر راهات	بسال وصل آن شیخ زمانی
عیان شد از دل سخن قیاس	دیگر به الدجی معقوب ثانی
تاریخ وفات سید محمد عیسی گیلانی لاموری که در سال یک هزار و چهار و دو توّم آمد	
چون محمد غوث از دار فنا -	کرد رحلت رفت در و ارجا
جاسم فیض است تاریخش بگو	تاج کامل سید الاکابر از جوان
تاریخ وفات سید سیم عبدالحق جامی که در سال یک هزار و پنج و دو توّم آمد	
گشت چون دامن حکم ذو الجلال	شیخ برحق عیسی حق موصول حق
از خرد شد سال تاریخش عیان	ماه تابان قطب حق موصول حق
قطعه است	
عبد حق چون گشت با حق متصل	سال وصل آن وسیله الاولیا
جلوه گر کرد در روشن آفتاب	باز شد سید اشرف مقدس
تاریخ وفات شیخ میر محمد بن احمد کشمیری که در سال یک هزار و یازده و دو توّم آمد	
چون محمد سیر و دجهان	گشت از میر فردوس برین
صاحب فضل است تاریخش بگو	تقی مهدی محمد سید دین
تاریخ وفات شیخ یوسف محمد یانچی کشمیری که در سال یک هزار و یازده و دو توّم آمد	
یوسف دین است معشوق حق	رفت در جنت جو با ناز و نیاز
سال وصل او بگو شیخ امین	هم بنحو آن محمد دوم محرم با کینه
تاریخ وفات شیخ محمد کمال کشمیری که در سال یک هزار و هفتده و دو توّم آمد	
گشت چون در دو با حکم خدا	از جهان کامل گشای اسل حال
شهم نور عارف بگو تاریخ او	نیز سالک تاج عرفانی کمال
تاریخ وفات شیخ فصیح الدین عبدی که در سال یک هزار و نوزده و دو توّم آمد	

اول از اهل اهل سلطنت
 کبری بودید از آن ترک کرده بدین
 همین اثر نصیب شد و در زمان
 ریاضی کشمیری که در زمان
 تاج عرفانی کمال
 عیسی گیلانی
 سید سیم عبدالحق جامی
 محمد غوث از دار فنا
 جاسم فیض است تاریخش بگو
 سید سیم عبدالحق جامی
 شیخ برحق عیسی حق موصول حق
 ماه تابان قطب حق موصول حق
 قطعه است
 عبد حق چون گشت با حق متصل
 جلوه گر کرد در روشن آفتاب
 تاریخ وفات شیخ میر محمد بن احمد کشمیری که در سال یک هزار و یازده و دو توّم آمد
 چون محمد سیر و دجهان
 صاحب فضل است تاریخش بگو
 تاریخ وفات شیخ یوسف محمد یانچی کشمیری که در سال یک هزار و یازده و دو توّم آمد
 یوسف دین است معشوق حق
 سال وصل او بگو شیخ امین
 تاریخ وفات شیخ محمد کمال کشمیری که در سال یک هزار و هفتده و دو توّم آمد
 گشت چون در دو با حکم خدا
 شهم نور عارف بگو تاریخ او
 تاریخ وفات شیخ فصیح الدین عبدی که در سال یک هزار و نوزده و دو توّم آمد

تاریخ وفات شیخ محمد کمال کشمیری که در سال یک هزار و هفتده و دو توّم آمد
 گشت چون در دو با حکم خدا
 شهم نور عارف بگو تاریخ او

جون نصیح الدین نصیح باصفا سال وصلش فاضل حق شد رقم ۱۰۱۹	با فصاحت یافت و جنت مکان هم نصیح الدین ولی محمد ومردان
تاریخ وفات مولانا شاه که کشمیری که در سال یک هزار و بیست و چهار تو قوم آمد	ز دنیا یافت در دربار حق بار وگر باره سبخوان مشکو و آوار
تاریخ وفات شیخ نصیب الله نوشهروی کشمیری که در سال یک هزار و بیست و چهار	چون نصیب خدا نصیب الله رحلهش که نصیب جامع فیض
تاریخ وفات شیخ موسی بلذری کشمیری که در سال یک هزار و بیست و چهار	شد چو از دنیا بفرودس برین متقی رہنما موسی دین
تاریخ وفات شیخ محمد شریف کشمیری که در سال یک هزار و بیست و چهار	تشریف از جهان چون جنت شاد بگفتا که شرح رسن با وحی آ
تاریخ وفات شاه نعمت الله صماری کشمیری که در سال یک هزار و بیست و چهار	از خدا حسن نعمت فرودس شدند احسن نعمت مردوس
تاریخ وفات شاه قاسم صفائی کشمیری که در سال یک هزار و بیست و چهار	شاه قاسم ولی خوش نصرت صاحب علم قاسم نعمت
تاریخ وفات خواجہ زین الدین کشمیری که در سال یک هزار و بیست و چهار	که مثل اوند بر روی زمین خرد گفتا که فاضل بن دین است
تاریخ وفات شیخ پیر میرزا شکاری که در سال یک هزار و بیست و چهار	چون زین دین شیخ معطر خرد گفتا که فاضل بن دین است

تاریخ وفات مولانا شاه که کشمیری که در سال یک هزار و بیست و چهار تو قوم آمد
تاریخ وفات شیخ نصیب الله نوشهروی کشمیری که در سال یک هزار و بیست و چهار
تاریخ وفات شیخ موسی بلذری کشمیری که در سال یک هزار و بیست و چهار
تاریخ وفات شیخ محمد شریف کشمیری که در سال یک هزار و بیست و چهار
تاریخ وفات شاه نعمت الله صماری کشمیری که در سال یک هزار و بیست و چهار
تاریخ وفات شاه قاسم صفائی کشمیری که در سال یک هزار و بیست و چهار
تاریخ وفات خواجہ زین الدین کشمیری که در سال یک هزار و بیست و چهار
تاریخ وفات شیخ پیر میرزا شکاری که در سال یک هزار و بیست و چهار

از راه بر ما خطا بود
 غفلت از جانب خود
 راجعی نیست خود
 زیبا گوشت بود
 در راه بر ما خطا بود
 غفلت از جانب خود
 راجعی نیست خود
 زیبا گوشت بود

وصالش شیخ ابائی طالب آمد	دو بار اساک مستحاق بقی
تاریخ وفات مولانا عبدالحکیم سیالکوٹی که در سال یک هزار و شصت و شصت و هفتاد و دو	بجگم ازل چون بخت رسید
نداشتند ز دل سال تر حیل	ولی مخزن علم عبدالحکیم
چو با حکم خدا حکم جان یافت	حکیم کن عالم دین با مروت
سخن عارف بیشتی ارتحال شد	دو بار اساک مستحاق بقی
تاریخ وفات بابا حامد کشمیری که در سال یک هزار و شصت و شصت و هفتاد و سه	مثل خورشید جلوه گر اندر جان
پیر سال انتقالش از خسرو	شد عمان محبوب شیخ اسرار
تاریخ وفات خواجه محمد نیازی کشمیری که در سال یک هزار و شصت و شصت و هفتاد و چهار	چون بعد عجز و نیاز اندر بخت
بهر بار پیش ز سر و رطوف تر	شدند اشیم نیازی بی نیاز
تاریخ وفات حکیم سرمد دهلوی که در سال یک هزار و شصت و شصت و هفتاد و پنج	چونکه در برده و سال خدا
خواجه سید استار بخش	هم خرد گفت سرمد و سیرت
تاریخ وفات شیخ داؤد کشمیری که در سال یک هزار و شصت و شصت و هفتاد و شش	چو رخت استقامت در جان بود
وصالش ستمی در ویش گفتم	دو بار او شد ارغفر داؤد
تاریخ وفات سید ابوتراب شاه که اسیلاهوری که در سال یک هزار و شصت و شصت و هفتاد و هفت	نشده که اسد و ستمی
سوخنده گو سال تر حیلش دگر	شد ولی ستم گدای ابوتراب
تاریخ وفات شیخ نجم الدین المشهور بابا بنی رستی کشمیری که در سال یک هزار و شصت و شصت و هفتاد و هشت	سورگشت مثل خورشید و دس
ز سر و رارتحالش جلوه گر شد	جهان الاصبیا عجم الکرامت
تاریخ وفات میر محمد علی کشمیری که در سال یک هزار و شصت و شصت و هفتاد و نه	

الطالین از تصنیف وی
 در باب چهارم و پنجم
 در تاریخ وفات مولانا عبدالحکیم سیالکوٹی که در سال یک هزار و شصت و شصت و هفتاد و دو
 در تاریخ وفات بابا حامد کشمیری که در سال یک هزار و شصت و شصت و هفتاد و سه
 در تاریخ وفات خواجه محمد نیازی کشمیری که در سال یک هزار و شصت و شصت و هفتاد و چهار
 در تاریخ وفات حکیم سرمد دهلوی که در سال یک هزار و شصت و شصت و هفتاد و پنج
 در تاریخ وفات شیخ داؤد کشمیری که در سال یک هزار و شصت و شصت و هفتاد و شش
 در تاریخ وفات سید ابوتراب شاه که اسیلاهوری که در سال یک هزار و شصت و شصت و هفتاد و هفت
 در تاریخ وفات شیخ نجم الدین المشهور بابا بنی رستی کشمیری که در سال یک هزار و شصت و شصت و هفتاد و هشت
 در تاریخ وفات میر محمد علی کشمیری که در سال یک هزار و شصت و شصت و هفتاد و نه

منی اولی
 در تاریخ وفات مولانا عبدالحکیم سیالکوٹی که در سال یک هزار و شصت و شصت و هفتاد و دو
 در تاریخ وفات بابا حامد کشمیری که در سال یک هزار و شصت و شصت و هفتاد و سه
 در تاریخ وفات خواجه محمد نیازی کشمیری که در سال یک هزار و شصت و شصت و هفتاد و چهار
 در تاریخ وفات حکیم سرمد دهلوی که در سال یک هزار و شصت و شصت و هفتاد و پنج
 در تاریخ وفات شیخ داؤد کشمیری که در سال یک هزار و شصت و شصت و هفتاد و شش
 در تاریخ وفات سید ابوتراب شاه که اسیلاهوری که در سال یک هزار و شصت و شصت و هفتاد و هفت
 در تاریخ وفات شیخ نجم الدین المشهور بابا بنی رستی کشمیری که در سال یک هزار و شصت و شصت و هفتاد و هشت
 در تاریخ وفات میر محمد علی کشمیری که در سال یک هزار و شصت و شصت و هفتاد و نه

سال وصل آن ولی قائل اول	چون صل از دار و نثار است
همه صلای این شیخ جلیل	بار سالنایق و شیخ صادق است
آن امین اهل یقین شیخ زانا	تاریخ وفات مولانا محمد امین کانی پلا میری کبری که در سال کنیز و یکصد هفتاد و نه بود
همه در گره این شیخ زمان	در هشت و اثنی چون کرد جا قلب صفت محنت اگر حدش
جناب شیخ باجو پیر حق بار	تاریخ وفات پیر باجو کشمیری که در سال کنیز و یکصد و نازده بود
دوماره پیر کامل تاج ابر	چون جلد شد با غرت و نشان شهنشاه محبت گو وصالش
از بهرین سال انتقالش	تاریخ وفات شیخ شاه محمد کشمیری که در سال کنیز و یکصد و هفتاد و نه بود
جمال القیب هم سال وصالش	محمد چون زو نثار است برست محمد هفتده ای علمت آمد
شد عیان اهل دایت عثمان	تاریخ وفات بابا عثمان کشمیری که در سال کنیز و یکصد و نازده بود
شده دنیا هاشم اجلال هشت	چون بقدر رخد اسه سال سال تاریخ وصالش سرد
هم بفرما تا ششم اجلال هشت	تاریخ وفات شیخ محمد ششم کشمیری که در سال کنیز و یکصد و نازده بود
ولی صاحب حال عبد الرحیم	چون بیکر خالق برود جهان تا تاریخ ترجیل او گفت دل
که محمد دم اجلال عبد الرحیم	تاریخ وفات شیخ عبد الرحیم کشمیری که در سال کنیز و یکصد و نازده بود
چو آن زنده دل شیخ عالم حیات	زده سالی دون شد محبت دون زحور شد سال وصالش بجز
دیگر بار کاشت مکرم حیات	تاریخ وفات شیخ لاکه بابو کشمیری که در سال کنیز و یکصد و هشتاد و نه بود
حضرت بابا و سه دستگیر	شد جواز دنیا بفرود کسب بر

تاریخ وفات مولانا محمد امین کانی پلا میری کبری که در سال کنیز و یکصد و نازده بود
 تاریخ وفات شیخ شاه محمد کشمیری که در سال کنیز و یکصد و هفتاد و نه بود
 تاریخ وفات شیخ محمد ششم کشمیری که در سال کنیز و یکصد و نازده بود
 تاریخ وفات شیخ عبد الرحیم کشمیری که در سال کنیز و یکصد و نازده بود
 تاریخ وفات شیخ لاکه بابو کشمیری که در سال کنیز و یکصد و هشتاد و نه بود
 تاریخ وفات مولانا محمد امین کانی پلا میری کبری که در سال کنیز و یکصد و نازده بود
 تاریخ وفات شیخ شاه محمد کشمیری که در سال کنیز و یکصد و هفتاد و نه بود
 تاریخ وفات شیخ محمد ششم کشمیری که در سال کنیز و یکصد و نازده بود
 تاریخ وفات شیخ عبد الرحیم کشمیری که در سال کنیز و یکصد و نازده بود
 تاریخ وفات شیخ لاکه بابو کشمیری که در سال کنیز و یکصد و هشتاد و نه بود
 تاریخ وفات مولانا محمد امین کانی پلا میری کبری که در سال کنیز و یکصد و نازده بود
 تاریخ وفات شیخ شاه محمد کشمیری که در سال کنیز و یکصد و هفتاد و نه بود
 تاریخ وفات شیخ محمد ششم کشمیری که در سال کنیز و یکصد و نازده بود
 تاریخ وفات شیخ عبد الرحیم کشمیری که در سال کنیز و یکصد و نازده بود
 تاریخ وفات شیخ لاکه بابو کشمیری که در سال کنیز و یکصد و هشتاد و نه بود

تاریخ وفات قاضی دولت معینی بسوی بخاری در سال یک هزار و یکصد و دو	شاه دولت و سلسله حق آگاه
رفت چون از جهان دولت و بیا	شاه ابد ال ابد و دولت شاه
گفت تاریخ رحلتش سرور	
تاریخ وفات شیخ احمد المشهور مولانا چون که در سال یک هزار و سی و دو	گفت در بزم محمد بار بار
شیخ احمد چون بفضل از روی	بزرگ شیخ احمد عالم صاحب
مهدی حق شیخ احمد وصل است	
تاریخ وفات میرزا کمال بدخشی کشمیری که در سال یک هزار و یکصد و سی و یک	ازین دنیا مکمل شیخ کمال
بخت بست چون رخت آفت	وگر فرما مکمل شیخ کمال
رقم شد نظم عالم ارتحالش	
تاریخ وفات عبداللطیف کشمیری که در سال یک هزار و یکصد و سی و یک	بافت از لطف حق بخت بار
شیخ عبداللطیف صاحب لطف	بار دیگر خیزید اسرار
فاضل اکبر است تاریخش	
تاریخ وفات میر شرف الدین کشمیری که در سال یک هزار و یکصد و سی و دو	چو زیر زمین روی خود در انبخت
بخت روان گشت میر شرف	خرد میر شرف جوان مزدگفت
بی سال آن اشرف ده جهان	
تاریخ وفات میر محمد باستم گیلانی کشمیری که در سال یک هزار و یکصد و سی و دو	وصل شد با اتصال کسریا
گفت تاریخ وصال او خرد	میر سعید ناسمی و مستی
تاریخ وفات مولانا علی اصغر قنوجی که در سال یک هزار و یکصد و سی و دو	طرفه دل تاریخ وصلش کرد یاد
چون علی اصغر بسوی جنت رفت	بار دیگر محسب فصل عباد
جامع فیض کمال آدم است	
تاریخ وفات بابا محمد مهدی کشمیری که در سال یک هزار و یکصد و سی و دو	رفت چون از جهان بخت صاف
شیخ مهدی و سلسله با ارشاد	گفت نقد و م محمدی کشف
سال تاریخ رحلتش سرور	
تاریخ وفات شیخ فتح شاه لاهوری که در سال یک هزار و یکصد و سی و دو	

دولت معینی بسوی بخاری در سال یک هزار و یکصد و دو
 تاریخ وفات قاضی دولت معینی بسوی بخاری در سال یک هزار و یکصد و دو
 شاه دولت و سلسله حق آگاه
 شاه ابد ال ابد و دولت شاه
 گفت تاریخ رحلتش سرور
 تاریخ وفات شیخ احمد المشهور مولانا چون که در سال یک هزار و سی و دو
 گفت در بزم محمد بار بار
 بزرگ شیخ احمد عالم صاحب
 ازین دنیا مکمل شیخ کمال
 وگر فرما مکمل شیخ کمال
 بافت از لطف حق بخت بار
 بار دیگر خیزید اسرار
 چو زیر زمین روی خود در انبخت
 خرد میر شرف جوان مزدگفت
 وصل شد با اتصال کسریا
 میر سعید ناسمی و مستی
 طرفه دل تاریخ وصلش کرد یاد
 بار دیگر محسب فصل عباد
 رفت چون از جهان بخت صاف
 گفت نقد و م محمدی کشف
 تاریخ وفات شیخ فتح شاه لاهوری که در سال یک هزار و یکصد و سی و دو

فتح شاه مشککشی و جهان طرف سال انتقامش گفت دل آفتاب بخت تسلیم آمد است	رفت چون در غله زمین در لجن فتح دین قنّاح ابو اب ز من سال ترحلش اگر خواهی ز من
تاریخ وفات میر محمد اسماعیل کشمیری که در سال یک هزار و یکصد پنجاه و سه بود	نشست چون منزل گزین اندر برشت سال وصل اوست عالی برشت
تاریخ وفات خواجه ابوب قریشی لاہوری که در سال یک هزار و یکصد پنجاه و نهم بود	جناب خواجه ابوب مسعود زمنس العارفين ابوب مرحوم وگر دل گفت سال انتقالش
قطعہ ناسے	
خواجه ابوب مرد اسل دل سال وصلش بہت مرتاب برشت	بود یکتا شیخ حق کامل دل نیز زمانه شیخ حق کامل دل
قطعہ ثالث از تصنیف میر محمد علی مرحوم	
رہ روز احوال شیخ ابوب نه تنها اسلم عالم را جگر سوخت چو رفت آن شارح لفظ یہ است بجہت سال وصلش از خرد گفت	کہ گشته روح او از وصل حق شاہ فلک ہم آہ و زاری کرد پیاد چو رفت آن تکتہ فهم و معنی ایجاد بوحید جان بوحید حد ادا داد
تاریخ وفات بابا عبدالباقی کشمیری که در سال یک هزار و یکصد پنجاه و نہم بود	رفت باقی چون با تسلیم بقا گفت تاج عارفان عارف بکا
تاریخ وفات میر فضل علی لاہوری که در سال یک هزار و یکصد پنجاه و نہم بود	گرد چون از جهان بجلد مقام میر فضل بہت سال تاز سنجش
تاریخ وفات مولانا رستم علی بن علی مصر فوجی کہ در سال یک هزار و یکصد پنجاه و نہم بود	جامع فضل و علم و علم علی خوان دگر بار فضل علم علی

از آن زمان لاہور است
 میر محمد اسماعیل کشمیری
 فتح دین قنّاح ابو اب ز من
 سال ترحلش اگر خواهی ز من
 تاریخ وفات میر محمد اسماعیل کشمیری کہ در سال یک هزار و یکصد پنجاه و سه بود
 نشست چون منزل گزین اندر برشت
 سال وصل اوست عالی برشت
 تاریخ وفات خواجه ابوب قریشی لاہوری کہ در سال یک هزار و یکصد پنجاه و نهم بود
 جناب خواجه ابوب مسعود
 زمنس العارفين ابوب مرحوم
 وگر دل گفت سال انتقالش
 قطعہ ناسے
 خواجه ابوب مرد اسل دل
 سال وصلش بہت مرتاب برشت
 قطعہ ثالث از تصنیف میر محمد علی مرحوم
 رہ روز احوال شیخ ابوب
 نہ تنها اسلم عالم را جگر سوخت
 چو رفت آن شارح لفظ یہ است
 بجہت سال وصلش از خرد گفت
 تاریخ وفات بابا عبدالباقی کشمیری کہ در سال یک هزار و یکصد پنجاه و نہم بود
 رفت باقی چون با تسلیم بقا
 گفت تاج عارفان عارف بکا
 تاریخ وفات میر فضل علی لاہوری کہ در سال یک هزار و یکصد پنجاه و نہم بود
 گرد چون از جهان بجلد مقام
 میر فضل بہت سال تاز سنجش
 تاریخ وفات مولانا رستم علی بن علی مصر فوجی کہ در سال یک هزار و یکصد پنجاه و نہم بود
 جامع فضل و علم و علم علی
 خوان دگر بار فضل علم علی

دارالعلوم لاہور
 میر محمد اسماعیل کشمیری
 فتح دین قنّاح ابو اب ز من
 سال ترحلش اگر خواهی ز من
 تاریخ وفات میر محمد اسماعیل کشمیری کہ در سال یک هزار و یکصد پنجاه و سه بود
 نشست چون منزل گزین اندر برشت
 سال وصل اوست عالی برشت
 تاریخ وفات خواجه ابوب قریشی لاہوری کہ در سال یک هزار و یکصد پنجاه و نهم بود
 جناب خواجه ابوب مسعود
 زمنس العارفين ابوب مرحوم
 وگر دل گفت سال انتقالش
 قطعہ ناسے
 خواجه ابوب مرد اسل دل
 سال وصلش بہت مرتاب برشت
 قطعہ ثالث از تصنیف میر محمد علی مرحوم
 رہ روز احوال شیخ ابوب
 نہ تنها اسلم عالم را جگر سوخت
 چو رفت آن شارح لفظ یہ است
 بجہت سال وصلش از خرد گفت
 تاریخ وفات بابا عبدالباقی کشمیری کہ در سال یک هزار و یکصد پنجاه و نہم بود
 رفت باقی چون با تسلیم بقا
 گفت تاج عارفان عارف بکا
 تاریخ وفات میر فضل علی لاہوری کہ در سال یک هزار و یکصد پنجاه و نہم بود
 گرد چون از جهان بجلد مقام
 میر فضل بہت سال تاز سنجش
 تاریخ وفات مولانا رستم علی بن علی مصر فوجی کہ در سال یک هزار و یکصد پنجاه و نہم بود
 جامع فضل و علم و علم علی
 خوان دگر بار فضل علم علی

میر محمد اسماعیل کشمیری
 فتح دین قنّاح ابو اب ز من
 سال ترحلش اگر خواهی ز من
 تاریخ وفات میر محمد اسماعیل کشمیری کہ در سال یک هزار و یکصد پنجاه و سه بود
 نشست چون منزل گزین اندر برشت
 سال وصل اوست عالی برشت
 تاریخ وفات خواجه ابوب قریشی لاہوری کہ در سال یک هزار و یکصد پنجاه و نهم بود
 جناب خواجه ابوب مسعود
 زمنس العارفين ابوب مرحوم
 وگر دل گفت سال انتقالش
 قطعہ ناسے
 خواجه ابوب مرد اسل دل
 سال وصلش بہت مرتاب برشت
 قطعہ ثالث از تصنیف میر محمد علی مرحوم
 رہ روز احوال شیخ ابوب
 نہ تنها اسلم عالم را جگر سوخت
 چو رفت آن شارح لفظ یہ است
 بجہت سال وصلش از خرد گفت
 تاریخ وفات بابا عبدالباقی کشمیری کہ در سال یک هزار و یکصد پنجاه و نہم بود
 رفت باقی چون با تسلیم بقا
 گفت تاج عارفان عارف بکا
 تاریخ وفات میر فضل علی لاہوری کہ در سال یک هزار و یکصد پنجاه و نہم بود
 گرد چون از جهان بجلد مقام
 میر فضل بہت سال تاز سنجش
 تاریخ وفات مولانا رستم علی بن علی مصر فوجی کہ در سال یک هزار و یکصد پنجاه و نہم بود
 جامع فضل و علم و علم علی
 خوان دگر بار فضل علم علی

از جهان رفت چون سبیل برین	سیرستم علی ولی واسی
گفت سرور رسال رحلت او	سیرگل رسم علی و سنی
باز کن عاشق بهشت رقم	سالن تر حیل آن سنی و یقنی
تاریخ وفات شاه ولی الله محدث دهمی که در سال یک هزار و یکصد و پنجاه و دو هجری	
ز دنیا جوخت اقامت بست	ولی الله واسی و بی سنی
و فاشش نجم ز شیخ کریم	رقم شد و گرشع اکبر ولی
قطعه ناست	
جواز دنیا بخت گشت راهی	و لے الله حق آگه سنی
وفات او یکی خورشید شد	و گرامت ولی الله سنی
تاریخ وفات میر یعقوب لاهوری که در سال یک هزار و یکصد و پنجاه و دو هجری	
شد جواز دنیا بفضل از روی	در بنان یعقوب محمد دوم اکرم
ارشادش بست خورشید جهان	هم سخوان یعقوب محمد دوم اکرم
تاریخ وفات خواجہ حافظ عبدالمالح اویسی که در سال یک هزار و یکصد و پنجاه و دو هجری	
وصل شد با ذات حق چون سبیل برین	رفت روح پاک او بر پیش از روشن من
رحلتش خورشید اجلال از خورشید طلوع	هم در محبوب خالق مادی اهل حق
تاریخ وفات شیخ محکم الدین صاحب سیر اویسی که در سال یک هزار و یکصد و پنجاه و دو هجری	
جناب محکم الدین صاحب سیر	که ذات پاک او منظور عشق است
وصلش شاه فیاض است تاریخ	و گرامت عاشق نور عشق است
قطعه ناست	
حضرت محکم شد دین اصل سیر	گشت جواز دهر بخت محکم
گشت بتاریخ وصالش عیان	اومی خلق عالم محکم که ایم
باز پی رحلت آن پادشاه	گفت خرد عالم محکم عظیم
قطعه ناست	
محکم الدین چون ز دنیا سیر کرد	عقل هر رسال فصل آن جوان
گفت ثابت محکم الدین کامل است	معدن اسی عشق محکم دین سخوان

تاریخ وفات میر یعقوب لاهوری که در سال یک هزار و یکصد و پنجاه و دو هجری
 از جهان رفت چون سبیل برین
 گفت سرور رسال رحلت او
 باز کن عاشق بهشت رقم
 تاریخ وفات شاه ولی الله محدث دهمی که در سال یک هزار و یکصد و پنجاه و دو هجری
 ز دنیا جوخت اقامت بست
 و فاشش نجم ز شیخ کریم
 تاریخ وفات میر یعقوب لاهوری که در سال یک هزار و یکصد و پنجاه و دو هجری
 شد جواز دنیا بفضل از روی
 ارشادش بست خورشید جهان
 تاریخ وفات خواجہ حافظ عبدالمالح اویسی که در سال یک هزار و یکصد و پنجاه و دو هجری
 وصل شد با ذات حق چون سبیل برین
 رحلتش خورشید اجلال از خورشید طلوع
 تاریخ وفات شیخ محکم الدین صاحب سیر اویسی که در سال یک هزار و یکصد و پنجاه و دو هجری
 جناب محکم الدین صاحب سیر
 وصلش شاه فیاض است تاریخ

۱۲۹

عقل هر رسال فصل آن جوان
 معدن اسی عشق محکم دین سخوان
 محکم الدین چون ز دنیا سیر کرد
 گفت ثابت محکم الدین کامل است
 تاریخ وفات شیخ محکم الدین صاحب سیر اویسی که در سال یک هزار و یکصد و پنجاه و دو هجری
 جناب محکم الدین صاحب سیر
 وصلش شاه فیاض است تاریخ
 تاریخ وفات خواجہ حافظ عبدالمالح اویسی که در سال یک هزار و یکصد و پنجاه و دو هجری
 وصل شد با ذات حق چون سبیل برین
 رحلتش خورشید اجلال از خورشید طلوع
 تاریخ وفات میر یعقوب لاهوری که در سال یک هزار و یکصد و پنجاه و دو هجری
 شد جواز دنیا بفضل از روی
 ارشادش بست خورشید جهان
 تاریخ وفات شاه ولی الله محدث دهمی که در سال یک هزار و یکصد و پنجاه و دو هجری
 ز دنیا جوخت اقامت بست
 و فاشش نجم ز شیخ کریم
 تاریخ وفات میر یعقوب لاهوری که در سال یک هزار و یکصد و پنجاه و دو هجری
 از جهان رفت چون سبیل برین
 گفت سرور رسال رحلت او
 باز کن عاشق بهشت رقم

انسانان با هم
 در سلسله قادیان
 سلطنت در بولکت بود
 از دوازده سالگی
 از دوازده سالگی
 از دوازده سالگی
 از دوازده سالگی

در سلسله قادیان
 سلطنت در بولکت بود
 از دوازده سالگی
 از دوازده سالگی
 از دوازده سالگی
 از دوازده سالگی

قطعه رابع	
روپنای دون بست رخت سفر	چو آن صاحب معرفت اهل سیر
بنا رخ ترحیل آن شاه دین	بخوان صاحب معرفت اهل سیر
تاریخ وفات پید شاه حسین گیلانی لاهوری که در سال یک هزار و دویست و پنجاه و دو	حسین آن بکشتر جهان نور دیده
چو شد پرتو افکن سجد برین	گوشاه عاشق کرم حسین
بی رحلت پاک آن پادشاه	تاریخ وفات پید عبد الکریم مشهور سیرهاون که در سال یک هزار و دویست و پنجاه و دو
چون شد عبد الکریم آن شیخ حق	رفت از دنیا بجات النعم
گشت تاسخ وصال او همان	مستی بشو اسید کرم
سیم فیروز است و دیگر بختار	ارتحال آن شه جنت نقیم
تاریخ وفات مولوی غلام فرید لاهوری که در سال یک هزار و دویست و پنجاه و دو	از جهان در جنت و الا رسید
چون فرید آن فرو عالم اهل فضل	بیز صیدی شعی فرد اخصر
آن اعیان است سال وصل او	تاریخ وفات شیخ عبد الباطن رستم علی که در سال یک هزار و دویست و پنجاه و دو
عبد باسط چون سنجت نقل کرد	سال وصل آن شه برنا و پیر
عارف دین رستم حق کن رقم	بیز فرما صاحب فضل کسیر
تاریخ وفات نور احمد المشهور نور حسین که در سال یک هزار و دویست و پنجاه و دو	یافت چون از جهان بخت بار
شیخ نور حسین روشن دل	بیز ماه شیر فضل اسکے بار
رجلش منظر کمال بگو	تاریخ وفات مولانا شاه عبد العزیز دهلوی که در سال یک هزار و دویست و پنجاه و دو
چو عبد العزیز آن وسله خدا	کردنا کشیش بنو دین چیز
رفت از جهان سال وصلش بگو	ز قطب الشرف شاه عبد العزیز
و گر فاضل سلم مقبول گشت	عیان از خز و سالش ای برتمیز
تاریخ وفات سلطان بالادین اوسمی که در سال یک هزار و دویست و پنجاه و دو	تو تاریخ ترحیل و توضیل آن
چو سلطان باقلیم خت شافت	

کرم حسین

تاریخ وفات مولانا شاه عبد العزیز دهلوی که در سال یک هزار و دویست و پنجاه و دو
 در سلسله قادیان
 سلطنت در بولکت بود
 از دوازده سالگی
 از دوازده سالگی
 از دوازده سالگی
 از دوازده سالگی

انسانان با هم
 در سلسله قادیان
 سلطنت در بولکت بود
 از دوازده سالگی
 از دوازده سالگی
 از دوازده سالگی
 از دوازده سالگی

ز محمد دوم سلطان عرفان کون	شہشاہ سلطان دولت بخش
تاریخ وفات مولانا عبدالقادر بن ولی اللہ محدث دہلوی دیوال کھڑا ۱۱۰۰	چوہدر روشن شد از مہ تا ماہ ہے
جناب عبدالقادر آنکہ غلشش	دوبارہ جوڑ منظر اسے
تاریخ وفات مولانا محمد ولی اللہ بن احمد علی کربال کھڑا ۱۱۰۰	از قاسمی بقا ریت رخت
چون ولی اللہ ولی اسل دل	اہم سخوان راقب ولی ای تکت
ارتحال او بگو شمس نصی	
تاریخ وفات مولانا غلام رسول لاہوری کہ در سال کھڑا ۱۱۰۰	از جہان شد بخت والا
چون غلام رسول طالب حق	اہم دگر کاشت نصی فرما
ارتحالش بگو پسران ذلی	
تاریخ وفات قاضی عبدالسلام بن عطاء الحق بدوانی کہ در سال کھڑا ۱۱۰۰	از جہان شد بخت والا
رفت چون عبدالسلام از دارم	اہم سخوان قاضی حق عبدالسلام
ماہتاب حسن محمد وم آیت	
تاریخ وفات شیخ کدہ شاہ موہنہ ذکر کہ در سال کھڑا ۱۱۰۰	شد چو روشن بچہ شمل خلق
مرد مقبول شیخ کدہ شاہ	باز جو وصل او ز منظر حق
رحلتش رحمت خدا فرما	
تاریخ وفات مولانا محمد اسحاق دہلوی کہ در سال کھڑا ۱۱۰۰	انکہ ذاتش بد و جہان طاق است
شیخ اسحاق رہبر آفاق	گفت اسحاق شیخ آفاق است
دل بسال دصال او سرور	
تاریخ وفات سید نور علی لاہوری کہ در سال کھڑا ۱۱۰۰	نور وین ماوی سور آفتاب
گشت چون روشن بچہ جاوہر	شمس دین ماوی سور آفتاب
جلوہ گزند سال تر جلیش دل	
قطرہ مانے	
پر تو افکن چو شد سور شاہ	در جہان بچو ماہ بارہ نور
سال تاریخ آوشہ روشن	از سور کے شمارہ نور

تاریخ وفات مولانا عبدالقادر بن ولی اللہ محدث دہلوی دیوال کھڑا ۱۱۰۰
 چوہدر روشن شد از مہ تا ماہ ہے
 دوبارہ جوڑ منظر اسے

از جہان شد بخت والا
 اہم دگر کاشت نصی فرما
 اہم سخوان قاضی حق عبدالسلام
 شد چو روشن بچہ شمل خلق
 باز جو وصل او ز منظر حق
 انکہ ذاتش بد و جہان طاق است
 گفت اسحاق شیخ آفاق است
 نور وین ماوی سور آفتاب
 شمس دین ماوی سور آفتاب
 در جہان بچو ماہ بارہ نور
 از سور کے شمارہ نور

تاریخ وفات مولانا محمد ولی اللہ بن احمد علی کربال کھڑا ۱۱۰۰
 چون ولی اللہ ولی اسل دل
 ارتحال او بگو شمس نصی

تاریخ وفات مولانا غلام رسول لاہوری کہ در سال کھڑا ۱۱۰۰
 چون غلام رسول طالب حق
 ارتحالش بگو پسران ذلی

تاریخ وفات قاضی عبدالسلام بن عطاء الحق بدوانی کہ در سال کھڑا ۱۱۰۰
 رفت چون عبدالسلام از دارم
 ماہتاب حسن محمد وم آیت

تاریخ وفات شیخ کدہ شاہ موہنہ ذکر کہ در سال کھڑا ۱۱۰۰
 مرد مقبول شیخ کدہ شاہ
 رحلتش رحمت خدا فرما

تاریخ وفات شیخ کریم اللہ لاہوری کہ در سال یکہزار و دویست و بیست و پنج ہجری بمقام آید	
کریم العالم کریم اللہ پیر	شد جواز دنیا بجا بابت انصاف
احمد دین بہت سال وصل آید	ہار دیگر پاک بن شیخ کریم
تاریخ وفات سید زیند علی لیلانی لاہوری کہ در سال یکہزار و دویست و بیست و پنج ہجری بمقام آید	
سید زیند علی لیلانی	سید زیند علی لیلانی
سید زیند علی لیلانی	سید زیند علی لیلانی
تاریخ وفات مولانا جان محمد لاہوری کہ در سال یکہزار و دویست و بیست و پنج ہجری بمقام آید	
جان تازہ جو بابت اندر غلہ	جان جان محمد لاہوری
گفت سرور چراغ دین تاریخ	کرد روشن اگر چراغ عالم
تاریخ وفات مولانا غلام احمد لاہوری کہ در سال یکہزار و دویست و بیست و پنج ہجری بمقام آید	
غلام احمد جو از عالم سفر کرد	بسال رحلت آن شاہ والا
مگر سید غلام احمد تحریر	غلام احمد حق آگاہ فرما
قطعہ ناسی	
اوشاد جهان غلام احمد	جامع طالبی و مطبوعی
ارتحالش ز طبع روشن من	گشت روشن چراغ مجرب
تاریخ وفات مفتی غلام محمد قریشی لاہوری کہ در سال یکہزار و دویست و بیست و پنج ہجری بمقام آید	
مفتی دین غلام محمد جو از جهان	پہرہ دگشت بابت بکلیان
کہ منظر سلام سار شیخ باقر	جان جان غلام محمد بخوان
قطعہ ناسی	
چند از جهان در بہشت معلی	غلام محمد امین محمد
ز سرور تبار سہ سال وصالش	نہ اشکہ خورشید دین محمد
قطعہ ناسی	
چون گھٹہ ہفتہ مقبول حق	شد بخت از جان بر بلا
منظر آسے بہت سال وصل آید	شد دیگر منظر منظر عطا

تاریخ وفات مولانا جان محمد لاہوری کہ در سال یکہزار و دویست و بیست و پنج ہجری بمقام آید

تاریخ وفات مولانا غلام احمد لاہوری کہ در سال یکہزار و دویست و بیست و پنج ہجری بمقام آید

تاریخ وفات مولانا غلام محمد قریشی لاہوری کہ در سال یکہزار و دویست و بیست و پنج ہجری بمقام آید

تاریخ وفات مولانا جان محمد بخوان لاہوری کہ در سال یکہزار و دویست و بیست و پنج ہجری بمقام آید

تاریخ وفات مولانا جان محمد بخوان لاہوری کہ در سال یکہزار و دویست و بیست و پنج ہجری بمقام آید

کتاب تاریخ

تاریخ وفات مولانا جان محمد بخوان لاہوری کہ در سال یکہزار و دویست و بیست و پنج ہجری بمقام آید

تاریخ وفات مولانا جان محمد بخوان لاہوری کہ در سال یکہزار و دویست و بیست و پنج ہجری بمقام آید

تاریخ وفات مولانا جان محمد بخوان لاہوری کہ در سال یکہزار و دویست و بیست و پنج ہجری بمقام آید

تاریخ وفات مولانا جان محمد بخوان لاہوری کہ در سال یکہزار و دویست و بیست و پنج ہجری بمقام آید

تاریخ وفات مولانا جان محمد بخوان لاہوری کہ در سال یکہزار و دویست و بیست و پنج ہجری بمقام آید

تاریخ وفات مولانا جان محمد بخوان لاہوری کہ در سال یکہزار و دویست و بیست و پنج ہجری بمقام آید

تاریخ وفات مولانا جان محمد بخوان لاہوری کہ در سال یکہزار و دویست و بیست و پنج ہجری بمقام آید

تاریخ وفات مولانا جان محمد بخوان لاہوری کہ در سال یکہزار و دویست و بیست و پنج ہجری بمقام آید

تاریخ وفات مولانا جان محمد بخوان لاہوری کہ در سال یکہزار و دویست و بیست و پنج ہجری بمقام آید

تاریخ وفات مولانا جان محمد بخوان لاہوری کہ در سال یکہزار و دویست و بیست و پنج ہجری بمقام آید

تاریخ وفات مولانا جان محمد بخوان لاہوری کہ در سال یکہزار و دویست و بیست و پنج ہجری بمقام آید

تاریخ وفات مفتی سید محمد اهوری که در سال یک هزار و دویصد و شصاد به قیام آمد	
سفر در زید چون سید محمد	سوی دار البقا و شمال و خوشتر
بصد افیس تاریخش خبر گفت	بگور روح مسافرت مسافر
کتاب ششم شکر چهار حصه اول در قطعات تاریخ از اول حج و طهارت و حصه دوم در قطعات تاریخ وفات بنات و الا درجات سرور کائنات علیه اسلام و الصلوات حصه سوم در ذکر نساء عارفات و قاضات که از اهل ولایت و کرامت بودند حصه چهارم در ذکر جهانین و مجازیب حصه اول تاریخ وفات بی بی خدیجه الکبری زوجه سرور عالم صلی الله علیه و سلم که در سال دهم از نبوت به قیام آمد	
آن خدیجه طیبه الیه حضرت رسول	مست ام المومنین آن مطلع نور کمال
بود آتش معدن جبینی اندر جهان	شد در او در سال شصت از نبوت نوبال
تاریخ وفات بی بی زینب که در سال چهارم از هجرت نبوی به قیام آمد	
زینب آن زوجه سینه محرم	رفت از دنیا سجنبت شاد کام
چون مجده از جهان پدرو شد	سال ترحیلش بر آمد و اسلام
تاریخ وفات بی بی زینب بنت جحش که در سال ششم از هجرت به قیام آمد	
بیت آن معصومه و وزها	از جهان در جنت الایم علی مرت
بیت زینب سال وصلش زینب	هم بخوان پاکیزه از دنیا رفت
تاریخ وفات بی بی سوده رضی الله عنها که در سال بیست و دو به قیام آمد	
ام سوده زوجه حضرت رسول	بیت با وصل خدا آخر وصال
پیر تاریخش ز طبع طرفه تر	ز آمد و آمد میان تاریخ سال
تاریخ وفات بی بی صفیه بنت حوین که در سال سی و شش به قیام آمد	
چو مجده به شاه ارض و سما	صفیه ز دنیا شد اندر جهان
بگو اهل تاریخ ترحیل او	بفرما در پاک رفت از جهان
وفات بی بی ام حبیبه رضی الله عنها که در سال چهل و دو با چهل و یک قیام آمد	
چونکه ام حبیب زوجه رسول	چهره در برده جهان به نهفت

این کتاب را در سال ۱۱۰۰ هجری قمری در شهر کربلا در روز پنجشنبه در ماه شعبان در روز دهم از نبوت به قیام آمد

این کتاب را در سال ۱۱۰۰ هجری قمری در شهر کربلا در روز پنجشنبه در ماه شعبان در روز دهم از نبوت به قیام آمد

این کتاب را در سال ۱۱۰۰ هجری قمری در شهر کربلا در روز پنجشنبه در ماه شعبان در روز دهم از نبوت به قیام آمد

این کتاب را در سال ۱۱۰۰ هجری قمری در شهر کربلا در روز پنجشنبه در ماه شعبان در روز دهم از نبوت به قیام آمد

این کتاب را در سال ۱۱۰۰ هجری قمری در شهر کربلا در روز پنجشنبه در ماه شعبان در روز دهم از نبوت به قیام آمد

این کتاب را در سال ۱۱۰۰ هجری قمری در شهر کربلا در روز پنجشنبه در ماه شعبان در روز دهم از نبوت به قیام آمد

این کتاب را در سال ۱۱۰۰ هجری قمری در شهر کربلا در روز پنجشنبه در ماه شعبان در روز دهم از نبوت به قیام آمد

این کتاب را در سال ۱۱۰۰ هجری قمری در شهر کربلا در روز پنجشنبه در ماه شعبان در روز دهم از نبوت به قیام آمد

این کتاب را در سال ۱۱۰۰ هجری قمری در شهر کربلا در روز پنجشنبه در ماه شعبان در روز دهم از نبوت به قیام آمد

فردا ۱۱ ذی القعدة ۱۱۰۰
 در روز پنجشنبه ۱۱ ذی القعدة ۱۱۰۰
 در روز پنجشنبه ۱۱ ذی القعدة ۱۱۰۰

زحمت او ز کیه و آرام است	نیز سرور و جیب ریگفت
تاریخ وفات بی بی صفیه رضی الله عنها که در سال چهل و پنج میل و هفتاد و هفت بودم آمد	از جهان رفت و هجرت یافت جا
چون جناب صفیه زوج مطهره	سال وصل او بقول اهل دین
دفات بی بی جوهریه رضی الله عنها که در سال پنجاه و شش بودم آمد	از جهان رفت از دنیا چو در خلد برین
جوهریه محبوبه حضرت رسول	از خرد سالش جناب آمد عیان
تاریخ وفات بی بی عایشه صدیقہ رضی الله عنها که در سال پنجاه و هفت بودم آمد	یافت از دنیا بذات حق صل
عائشہ محبوبه ذات سینه	تاریخ وفات بی بی میمونہ رضی الله عنها که در سال شصت و یک بودم آمد
چهارده گوسال وصل آنجناب	چونکه میمونہ صاحب عظمت
تاریخ وفات بی بی ام سلمه رضی الله عنها که در سال شصت و سه بودم آمد	در جهان گشت با بی همدم
ام سلمه ولیة مقبول	سال وصلش چغنه شد جدا
ار شمشاد ز محبتی بستم	تاریخ وفات بی بی زینب رضی الله عنها که در سال هفتاد و یک بودم آمد
حصه دوم شکر قطعات تاریخ وفات بنات ولادات سرور کائنات صلی الله علیه و آله و سلم	بیت احمد رقیه صاحب ماه
تاریخ وفات بی بی رقیه رضی الله عنها که در سال هفتاد و دو بودم آمد	سال تاریخ او است قلب بنی
جناب زینب و الاصفیه العظام	تاریخ وفات بی بی رقیه رضی الله عنها که در سال هشتاد و یک بودم آمد
چند روزی در بر تبار خرد عقلت پاکش	جناب زینب و الاصفیه العظام
وفات حضرت ام کلثوم رضی الله عنها که در سال نهم از هجرت بودم آمد	دول رسیدند اشد و آتیه از جهان
ام کلثوم بی بی پاک سینه	دول رسیدند اشد و آتیه از جهان

در روز پنجشنبه ۱۱ ذی القعدة ۱۱۰۰
 در روز پنجشنبه ۱۱ ذی القعدة ۱۱۰۰
 در روز پنجشنبه ۱۱ ذی القعدة ۱۱۰۰
 در روز پنجشنبه ۱۱ ذی القعدة ۱۱۰۰
 در روز پنجشنبه ۱۱ ذی القعدة ۱۱۰۰
 در روز پنجشنبه ۱۱ ذی القعدة ۱۱۰۰
 در روز پنجشنبه ۱۱ ذی القعدة ۱۱۰۰
 در روز پنجشنبه ۱۱ ذی القعدة ۱۱۰۰
 در روز پنجشنبه ۱۱ ذی القعدة ۱۱۰۰
 در روز پنجشنبه ۱۱ ذی القعدة ۱۱۰۰

در روز پنجشنبه ۱۱ ذی القعدة ۱۱۰۰

واصله چون سفر ز عالم کرد	گشت تار سیم ر هفتش سب
دعات بی بی فاطمه خاتون جنت رضی الله عنها که در سال یازده از هجرت بود	گشت تار سیم ر هفتش سب
فاطمه خاتون دین بنت استی	لیک صورت نیک سیرت نیک
عمر چشم جناب مصطفی	زوجه عالی سله نیک
لبه ششماه از وصال احمدی	کرد عجلت از جهان چار سو
شاهانه روز چو است اینجا	خان جزا تار سیم او بالظهور
آه شد چون حبس مولانا زمین	عاصل آمد سال او ای نیک نو
نیک نام از عرضه آفاق رفت	کن بیان سال وصالش بود
رفت از عالم ولیه سیده	ر هفتش گفتم با طو ار نکو
گشت همچو راز سله نیک چیل	طرز تر تار سیم و وصل او بگو
شد چو از دوران علیه فاطمه	ارتماش شد عیان سب گنگو
چون عزیزه از سله کردید	میو دپید او وصالش بود
حصه سیوم	
در قطعات تار سیم و فاطمه و سار مار فاطم که از اسهل گرامت بودند	
تار سیم و فاطم بی بی زاپه و رضی الله عنها که در سال سبت و پنجم حوی بود	
زاده مریم صفت صفت ناب	والیه معصومه دور زمان
رفت از دنیا چو در شکرتین	نمود سال وصال و بنوان
تار سیم و فاطم بی بی شوانه مخصی که در سال یکصد و هشتاد و پنجم بود	
چون تار سیم نیکو صفت نیکت	ز دنیا می دون شد عصر جهان
تعمیر گویو ز طلت پاک او	تعمیر بد آن جسم قبیله بنوان
تار سیم و فاطم بی بی غفیره عابده که در سال یکصد و هشتاد و پنجم بود	
چون غفیره عابده نیکو خصال	شد با و چ مخلص چون بدر کمال
زنده دل یک است سال وصال او	عابده محمود و جسم تار سیم سال
تار سیم و فاطم بی بی رابعه بصری که در سال یکصد و هشتاد و پنجم بود	
رابعه چون از جهان چار سو	با صفاد و هشت جنت یافت بار

افغان اگر م نجات سرور
 که نجات است نجات سرور
 در سال دویم در سب
 در سب در سب در سب
 در سب در سب در سب
 در سب در سب در سب
 در سب در سب در سب
 در سب در سب در سب
 در سب در سب در سب

این الطابیت در در سب یافت در سب
 در سب در سب در سب
 در سب در سب در سب
 در سب در سب در سب
 در سب در سب در سب
 در سب در سب در سب
 در سب در سب در سب
 در سب در سب در سب
 در سب در سب در سب
 در سب در سب در سب
 در سب در سب در سب

در سال یکصد و هشتاد و پنجم بود

سال تاریخش ز میکنند بجز	باز سه و ده بخوان ای با وقار
تاریخ وفات بی بی فخره رحمة الله علیها که در سال دوهصد و نوبتوم آمد	
چونکه معصومه زمان گفت	شد ز عالم بخت الاسطی
رحلتش جز لفظ صدیقه	بار دیگر صفت سه سده
وفات بی بی فاطمه نیشابوری که در سال دوهصد و هشتاد و نهم	
رفت چون از دهر در بزم بول	صوفیه والا دلیده فاطمه
بهر سال ارتحال آنجا	شدند از دل جمله فاطمه
گشت از اکبر و صاحبش مژده	باز دل که چسبید فاطمه
تاریخ وفات بی بی فخره که در سال دوهصد و سی و پنج بود آمد	
تخته آن تخته دولت دل	بود اسطی محب مسوده
رحلتش زنده دل کلمه جوان	باز فرما محب مسوده
وفات بی بی ام محمد حجه الله علیها که در سال سهصد و دوازده بود	
حضرت ام محمد عالمه	شد چو از دنیا می رود در بخار
ارتحال او چو بستم از خود	گفت دل مقصود دل آگاه جوان
تاریخ وفات بی بی امته الواحد که در سال سهصد و هفتاد و نهم	
رفت یکبار زین جهان چون در بخار	امته الواحد و حید با کمال
با دشاه دین بگو تا تاریخ او	قطعه دوران بخوان تاریخ سال
تاریخ ولادت و وفات بی بی امته الاسلام که ولادتش در سال سهصد و هشتاد و وفات در سال سهصد و نود و پنج هجری بمکه در بی بی قوم آمد	
سه هفت ولید ام اسلام	که آمد حتم بروی نام فطیر
تولیدش سلیمه ام اسلام	بگو سر و زخمیه سال ز جیل
تاریخ وفات بی بی میبونه اعطاکه در سال سهصد و نود و پانزده و نهم	
حضرت میبونه آن بیدار مغز	رفت از دنیا چو در حید بریز
گوگرم کابل تاریخ او	بار دیگر معتمدن نور حسین
تاریخ ولادت و وفات بی بی ام محمد که ولادتش در سال سهصد و هفتاد و پانزده	

تاریخ وفات بی بی ام محمد حجه الله علیها که در سال سهصد و دوازده بود
 حضرت ام محمد عالمه
 شد چو از دنیا می رود در بخار
 گفت دل مقصود دل آگاه جوان

۱۵۹

تاریخ ولادت و وفات بی بی امته الاسلام که ولادتش در سال سهصد و هشتاد و وفات در سال سهصد و نود و پنج هجری بمکه در بی بی قوم آمد
 سه هفت ولید ام اسلام
 تولیدش سلیمه ام اسلام
 بگو سر و زخمیه سال ز جیل

تاریخ ولادت و وفات بی بی ام محمد که ولادتش در سال سهصد و هفتاد و پانزده

حضرت ام محمد ام دین	سال که بود است در راه خدا
ظاهره محسوسه کالی کبک	سال تولیدش قبول اصفا
رحلتش صد و پنجاه و سه سالگی	شد بدلی از باقی غنی بدلی
بار پنجم وفات بی بی خدیجه و اعظم که در سال چارصد و هفتاد و پنجم یا ششم بود	یافت از دنیا تقرب حق وصال
چون خدیجه سیده با عز و جا	محرمان سیده دان اتصال
فاطمه محترم کن ترخیص او	
بار پنجم وفات بی بی کریمه زوریه که در سال چارصد و شصت چار یا پنجاه و پنج بود	بار که است شد سجد جاودان
چون کریمه مکرمه اسهل کرم	هم کریمه حماد که دم بیان
سال ترخیصش حبیب جنت است	بار دیگر ارتحال او بیان
شد ز دل ز او بدلیه عارفه	
بار پنجم وفات بی بی فاطمه حافطه که در سال پانصد و بیست یک بود	رفت با حق یافت قرب اتصال
فاطمه چون از جهان بے تاب	بار دیگر جو ز معشوقه وصال
ارتحالش فاطمه منصوره خوان	
بار پنجم وفات بی بی فاطمه بنت نصر بنت عطار که در سال پانصد و هفتاد و هشت بود	یافت محبت وصل وصل خدا
فاطمه چون کرد ز دنیا سفر	گفت گو شفق اولی
سال وصالش چو بختیم ز دل	
بار پنجم وفات بی بی ساره عابد که در سال ششصد و سی و هشت بود	گفت در جنت ابد و ایسے
رفت چون ساره از جهان فنا	قدس انحصار العالی
گفت تاریخ رحلتش سرور	
بار پنجم وفات بی بی فاطمه سام که در سال ششصد و چهل و سه بود	چو از دنیا بخت یافت آرام
جاب فاطمه خاتون حنت	خرد فرمود در مهر فاطمه سام
چو حنتم از خرد سال وصالش	
بار پنجم وفات بی بی زینب خاتون که در سال ششصد و چهل و سه بود	چو ان ام القریه عالی طیب
ز دنیا رفت در فردوس اعلی	نه اگر دید لا تأسی ولیه
بی سال وصال آن صفا کیش	

حضرت ام محمد ام دین
 سال که بود است در راه خدا
 ظاهره محسوسه کالی کبک
 رحلتش صد و پنجاه و سه سالگی
 بار پنجم وفات بی بی خدیجه و اعظم که در سال چارصد و هفتاد و پنجم یا ششم بود
 چون خدیجه سیده با عز و جا
 فاطمه محترم کن ترخیص او
 بار پنجم وفات بی بی کریمه زوریه که در سال چارصد و شصت چار یا پنجاه و پنج بود
 چون کریمه مکرمه اسهل کرم
 سال ترخیصش حبیب جنت است
 شد ز دل ز او بدلیه عارفه
 بار پنجم وفات بی بی فاطمه حافطه که در سال پانصد و بیست یک بود
 فاطمه چون از جهان بے تاب
 ارتحالش فاطمه منصوره خوان
 بار پنجم وفات بی بی فاطمه بنت نصر بنت عطار که در سال پانصد و هفتاد و هشت بود
 فاطمه چون کرد ز دنیا سفر
 سال وصالش چو بختیم ز دل
 بار پنجم وفات بی بی ساره عابد که در سال ششصد و سی و هشت بود
 رفت چون ساره از جهان فنا
 گفت تاریخ رحلتش سرور
 بار پنجم وفات بی بی فاطمه سام که در سال ششصد و چهل و سه بود
 جاب فاطمه خاتون حنت
 چو حنتم از خرد سال وصالش
 بار پنجم وفات بی بی زینب خاتون که در سال ششصد و چهل و سه بود
 ز دنیا رفت در فردوس اعلی
 بی سال وصال آن صفا کیش

۱۵۶

قطه نهم	
چونکه ام الفسریه مصوره	رفت در برده و عقب یافتند
بهر تاریخ آن ولیه و بر	گشت دل عارفه فاسه اینه
تاریخ وفات بی بی زینبیه اولی که در سال شصده و چهل و هشت بود قوم آمد	
چون زینبیه ام دین خیر النساء	رفت از دنیا می دون اندر جان
شد زینبیه سال وصال آنجناب	بهشت رحمت نیز بار بخش جان
تاریخ وفات بی بی اولی که در سال شصده و پنجاه و پنج بود قوم آمد	
رفت از دنیا چون در خلد برین	عبارت بود اوله اولی
بهر سال ارتحال آنجناب	سقیمه گشت از رضوان نیدا
تاریخ وفات بی بی لیل دودی کشمیری که در سال مئصد و پنجاه و شش بود قوم آمد	
چون بیابان داد جان بهشت	لیل دودی مجد و نه عالی ممکن
سرور سال وصالش طرفه تر	رحمت حق باز مجد و بهر جوان
تاریخ وفات بی بی رستی قدس سرها که در سال شصده و نود و پنج بود قوم آمد	
رنگ رستی محذوبه عالم که بود	راست رو چون ترانه رستی
ست محمد و نه وصال پاک او	سال تحلیش جو از من جو
تاریخ وفات بی بی فاطمه سیده کلالی که در سال کنز و شاتر و ده بود قوم آمد	
شد ز دنیا چون جناب فاطمه	سر ز چشم جهان شد خال او
غوث اعظم بود دید آنجناب	اعظم آمد وصال پاک او
تاریخ وفات بی بی تنال خاتون که در سال کنز و چهل و نه بود قوم آمد	
عارفه خاتون دین بی بی تنال	ذات او اده سعیده اعظمه
ارتحال او چهستم از خرد	شدند از دل وحیده اعظمه
صده چهارم	
در ذکر مجازین و مجازیب که از اهل باطن بودند	
تاریخ وفات سرنگا مجدوب کانسوی که در سال شصده و چهل و هشت بود قوم آمد	
سرنگا جادوب جذب الهی	کرد وحش طایر خلد برین است

طالع
 در اول ماه رمضان سال ۱۲۰۰
 نظام الدین بدو اولی در ماهی است
 جناب عالی در دو روز و دو شب
 کت از صالحات وقت بود و در روزی یکروز
 در وقت و در غلظت این بین
 در وقت و در غلظت این بین
 در وقت و در غلظت این بین

۱۵۸

چونکه ام الفسریه مصوره
 رفت در برده و عقب یافتند
 گشت دل عارفه فاسه اینه
 تاریخ وفات بی بی زینبیه اولی که در سال شصده و چهل و هشت بود قوم آمد
 چون زینبیه ام دین خیر النساء
 رفت از دنیا می دون اندر جان
 شد زینبیه سال وصال آنجناب
 بهشت رحمت نیز بار بخش جان
 تاریخ وفات بی بی اولی که در سال شصده و پنجاه و پنج بود قوم آمد
 رفت از دنیا چون در خلد برین
 عبارت بود اوله اولی
 سقیمه گشت از رضوان نیدا
 تاریخ وفات بی بی لیل دودی کشمیری که در سال مئصد و پنجاه و شش بود قوم آمد
 لیل دودی مجد و نه عالی ممکن
 رحمت حق باز مجد و بهر جوان
 تاریخ وفات بی بی رستی قدس سرها که در سال شصده و نود و پنج بود قوم آمد
 رنگ رستی محذوبه عالم که بود
 راست رو چون ترانه رستی
 ست محمد و نه وصال پاک او
 سال تحلیش جو از من جو
 تاریخ وفات بی بی فاطمه سیده کلالی که در سال کنز و شاتر و ده بود قوم آمد
 شد ز دنیا چون جناب فاطمه
 سر ز چشم جهان شد خال او
 غوث اعظم بود دید آنجناب
 اعظم آمد وصال پاک او
 تاریخ وفات بی بی تنال خاتون که در سال کنز و چهل و نه بود قوم آمد
 ذات او اده سعیده اعظمه
 شدند از دل وحیده اعظمه
 صده چهارم
 در ذکر مجازین و مجازیب که از اهل باطن بودند
 تاریخ وفات سرنگا مجدوب کانسوی که در سال شصده و چهل و هشت بود قوم آمد
 سرنگا جادوب جذب الهی
 کرد وحش طایر خلد برین است

جو حبتم از خرد تاریخ سالش	مذاآء که عاشق قطب دین است
تاریخ وفات سوهین مجذوب جومنی که در سال هفتصد و هشتاد و دو	بو و بر جرخ بیدین بدر الکمال
تاریخ وفات شیخ حسن مجذوب که در سال هفتصد و هفتاد و دو	گفت در حبله معلی جامی گیر
تاریخ وفات الودین مجذوب که در سال هفتصد و چهل و شش بود	گفت سرور عاشق صادق امر
الودین از جهان چون خشت برست	قدم اندر جهان نهاد کدک است
جوسال انتقال او حبتم	ز تافت شدند اصواتی سرست
تاریخ وفات میان معروف مجذوب که در سال هفتصد و چهل و هفت بود	گفت با وصل از روی بوصول
شد سبخت جو از جهان خسر	گفت با وصل از روی بوصول
گشت مجذوب نام آرد جمال	گشت با وصل از روی بوصول
تاریخ وفات شاه منصور مجذوب که در سال هفتصد و چهل و هفت بود	گشت با وصل از روی بوصول
شاه منصور چون بصد نصرت	گشت با وصل از روی بوصول
گفت تاریخ رختش سرور	گشت با وصل از روی بوصول
تاریخ وفات علاء الدین مجذوب که در سال هفتصد و چهل و هفت بود	گشت با وصل از روی بوصول
جاذب جذب حق علاء الدین	گشت با وصل از روی بوصول
رختش هست واقف سرست	گشت با وصل از روی بوصول
تاریخ وفات شیخ حسن بود که مجذوب که در سال هفتصد و هشتاد و دو	گشت با وصل از روی بوصول
جورفت از او دنیا متصل شد	گشت با وصل از روی بوصول
عجب سال وصالش جلوه گر شد	گشت با وصل از روی بوصول
تاریخ وفات شاه ابوالعباس مجذوب که در سال هفتصد و هشتاد و دو	گشت با وصل از روی بوصول
سید عیب از جهان چون خشت است	گشت با وصل از روی بوصول
بهر سال انتقال آسنا با	گشت با وصل از روی بوصول

تاریخ وفات سوهین مجذوب جومنی که در سال هفتصد و هشتاد و دو
 تاریخ وفات شیخ حسن مجذوب که در سال هفتصد و هفتاد و دو
 تاریخ وفات الودین مجذوب که در سال هفتصد و چهل و شش بود
 تاریخ وفات میان معروف مجذوب که در سال هفتصد و چهل و هفت بود
 تاریخ وفات شاه منصور مجذوب که در سال هفتصد و چهل و هفت بود
 تاریخ وفات علاء الدین مجذوب که در سال هفتصد و چهل و هفت بود
 تاریخ وفات شیخ حسن بود که مجذوب که در سال هفتصد و هشتاد و دو
 تاریخ وفات شاه ابوالعباس مجذوب که در سال هفتصد و هشتاد و دو

۵۹

تاریخ وفات شیخ بابن مجددی که در سال پنصد و هشتاد و هفت بودم		
چو رحمت زنده کی زین دهر بر لب	بجنت یافت جا برست بابن	۱۰۲۶
بسال ارتحال آن شه دین	بگو قطب الهدا سرست بابن	
تاریخ وفات باباکیو مجددی که در سال پنصد و هشتاد و نهم بودم		
رفت از دنیا چو در غلده برین	ست لغت عاشق صادق بودم	۱۰۲۷
سال تاریخ وصال آنجناب	است صادق باک من عاشق کور	
تاریخ وفات سیان مومنان مجددی که در سال پنصد و هشتاد و نهم بودم		
جناب شیخ مومنان عاشق مست	چو در غلده سے یافت و منق	۱۰۲۸
چو سال ارتحالش هست سرور	خرد گفتا سے بر حقیق	
تاریخ وفات شیخ صنی شاه مجددی که در سال پنصد و هشتاد و یک بودم		
سیخ صنی شاه محب زوب خدا	یافت چون با وصل ربانی اول	۱۰۲۹
وصل باکش مست عشق مومنان	بار دیگر کن بیان فغین کمال	
تاریخ وفات شاه برین که در سال پنصد و نود و دو بودم		
سرور عشاق محب زبان حق	شد بدین الدین ولی در شفیر	۱۰۳۰
رفت از دنیا چو در غلده برین	شد میان سالش ز سرست کبر	
تاریخ وفات خواجگامی مجددی که در سال یک هزار و هشتاد و دو بودم		
ز دنیا می و فی رخت سفرست	چو آن شیخ زمین داد و مجددی	۱۰۳۱
تاریخ وفات باباکیو مجددی	و گر قطب احسن داد و مجددی	
تاریخ وفات شیخ یوسف مجددی که در سال یک هزار و هشتاد و دو بودم		
چون محبتی ولی لایسته	شد بجنت بقصیل ربانی	۱۰۳۲
سال تاریخ رطقتش سرور	گشت زوشن ز شیم کور	
تاریخ وفات شیخ یوسف مجددی که در سال یک هزار و هشتاد و دو بودم		
چو رحلت کرد سلوپی و ارحمت	ز دنیا یوسف با حسن مجددی	۱۰۳۳
دلم در سال تاریخ وصالش	بگفتا یوسف با حسن مجددی	
تاریخ وفات سید شهید مجددی که در سال یک هزار و یکصد و پانزده بودم		

تاریخ وفات شیخ بابن مجددی که در سال پنصد و هشتاد و هفت بودم

چو رحمت زنده کی زین دهر بر لب

بسال ارتحال آن شه دین

تاریخ وفات باباکیو مجددی که در سال پنصد و هشتاد و نهم بودم

رفت از دنیا چو در غلده برین

سال تاریخ وصال آنجناب

تاریخ وفات سیان مومنان مجددی که در سال پنصد و هشتاد و نهم بودم

جناب شیخ مومنان عاشق مست

چو سال ارتحالش هست سرور

تاریخ وفات شیخ صنی شاه مجددی که در سال پنصد و هشتاد و یک بودم

سیخ صنی شاه محب زوب خدا

وصل باکش مست عشق مومنان

تاریخ وفات شاه برین که در سال پنصد و نود و دو بودم

سرور عشاق محب زبان حق

رفت از دنیا چو در غلده برین

تاریخ وفات خواجگامی مجددی که در سال یک هزار و هشتاد و دو بودم

ز دنیا می و فی رخت سفرست

تاریخ وفات باباکیو مجددی

تاریخ وفات شیخ یوسف مجددی که در سال یک هزار و هشتاد و دو بودم

چون محبتی ولی لایسته

سال تاریخ رطقتش سرور

تاریخ وفات شیخ یوسف مجددی که در سال یک هزار و هشتاد و دو بودم

چو رحلت کرد سلوپی و ارحمت

دلم در سال تاریخ وصالش

تاریخ وفات سید شهید مجددی که در سال یک هزار و یکصد و پانزده بودم

بگفتا یوسف با حسن مجددی

تاریخ وفات سید شهید مجددی که در سال یک هزار و یکصد و پانزده بودم

شیخ محمد پروین مجذوب حق	شده جواز دنیا بخت یافت جا
سال ترحیلش چو حتم از خرد	گشت از آلف ند اشیر خرد
تاریخ وفات سید محمد مجذوب که در سال یک هزار و یکصد سی و یک بود	
چو از دنیا بخت گشت راهی	جانب شیخ عبد الله مجذوب
سال ارتحال آن شه دین	خرد فرمود سید شاه مجذوب
وفات نامو مجذوب نوشاهی که در سال یک هزار و یکصد سی و دو بود	
ز دنیا رفت در خلعت معلی	چو شاه شاه حق بین عاشق گشت
ز رضوان سال ترحیلش بختیم	گفتا که دین عاشق گشت
تاریخ وفات حافظ طاهر کشمیری نوشاهی که در سال یک هزار و یکصد سی و سه بود	
زین جهان فنا بحد برین	رفت افسوس طاهر مجذوب
سال تاریخ رحلتش سرور	گفت افسوس طاهر مجذوب
تاریخ وفات معصوم شاه لاهوری که در سال یک هزار و دو صد و یک بود	
رفت با عصمت چو در خلعت برین	شیخ معصوم جهان مجذوب عشق
سال ترحیلش چو حتم از خرد	گفت ای سرور رضوان مجذوب
تاریخ وفات شقیق شاه مجذوب لاهوری که در سال یک هزار و دو صد و دو بود	
از جهان چون بخت الاسعلی	یافت جانش تقیم روشن دل
بهر تارین دولت پاکش	شدند استقیم روشن دل
تاریخ وفات تاجی شاه مجذوب لاهوری که در سال یک هزار و دو صد و سه بود	
تاج جنت شد چو باغ فرد و قار	شیخ تاجی شاه تاج اولیا
ست مجذوبی بگو تا رینخوا	نیز عاشق گشت کامل حق نما
س اعظم شیخ عارف گفته ام	رحلت آن پادشاه اتقیا
هم در خورشید عالم کن بیان	طرز ترنما بهم سالش سرورا
تاریخ وفات نظام شاه مجذوب لاهوری که در سال یک هزار و دو صد و چهار بود	
عاشق حق نظام شاه جهان	چون برقت از جهان بختی پست
شاه مجذوب پیروان سالش	هم بیان عاشق ازل سرست

از سیدان نامور می خوانند
 که در این کتاب است
 تاریخ وفات سید محمد مجذوب
 که در سال یک هزار و یکصد سی و یک بود
 تاریخ وفات سید محمد مجذوب
 که در سال یک هزار و یکصد سی و دو بود
 تاریخ وفات سید محمد مجذوب
 که در سال یک هزار و یکصد سی و سه بود
 تاریخ وفات سید محمد مجذوب
 که در سال یک هزار و دو صد و یک بود
 تاریخ وفات سید محمد مجذوب
 که در سال یک هزار و دو صد و دو بود
 تاریخ وفات سید محمد مجذوب
 که در سال یک هزار و دو صد و سه بود
 تاریخ وفات سید محمد مجذوب
 که در سال یک هزار و دو صد و چهار بود

تاریخ وفات مسیح شاه مجدوب لاهوری که در سال یک هزار و صد و هفتاد و سوم	
چو از دنیا فرودس برین رفت	شهرستان شه دیوانه عشق
ببال از شمال آن شه و هر	بگو عاشق و سکه ساز عشق
قطعه ناسی	
سفر کرد در جنت و اسکے	چو رفت از جهان آهستان شاه
تاریخ ترحیل آن مسیح عشق	سجوان ماه دین شاه مسیح شاه
بخش هشتم مشتمل بر وازو حصه اول در قطعات تاریخ وفات خلفای	
نبی امیر حصه دوم در بیان وفات خلفای پنجاس حصه سوم در ذکر	
شاهان غزنوی حصه چهارم در ذکر شاهان غزنویه حصه پنجم در ذکر شاهان	
غلبیه حصه ششم در ذکر شاهان تغلقیه حصه هفتم در ذکر شاهان	
خضرغانیه حصه هشتم در ذکر شاهان لودی حصه نهم در ذکر شاهان	
چنگیزی و تیموریه ختاریه حصه دهم در ذکر شاهان و حکام متفرقات حصه یازدهم	
در ذکر امرای بلند آفتد ارحمه و اواز دهم در ذکر شعرا و روزگار	
حصه اول در ذکر خلفای نبی امیر	
تاریخ وفات امیر معاوی بن ابی سفیان که در سال پنجاه و نوبه اول آمد	
سرور اسال از شمال راه	چون بعد چاه رفت از دنیا
کفن قسم آه رفت از دنیا	
تاریخ وفات یزید بن معاویه که در سال شصت و چار حری بود آمد	
چون برید لعین عن جد و اله	دشمن دین و ظالم عالم
بسر بد آل و بد کردار	فائل آل سید اکرم
حضرم آل نبی و محسن کیش	بانی جور و سوزی عظیم
گشت مردار و در جهنم رفت	روح او جسم باز پیش ضم
از جانش ماند تا دم حشر	نام بد نام در پی آدم
سال تاریخ مردنش پید است	شد یزید پس از عالم
قطعه ناسی	

این کتاب تمام است در شهر لاهور در روز پنجشنبه ۱۱۲۰

این کتاب تمام است در شهر لاهور در روز پنجشنبه ۱۱۲۰
 در بیان تاریخ وفات مسیح شاه مجدوب لاهوری که در سال یک هزار و صد و هفتاد و سوم
 در بیان تاریخ وفات امیر معاوی بن ابی سفیان که در سال پنجاه و نوبه اول آمد
 در بیان تاریخ وفات یزید بن معاویه که در سال شصت و چار حری بود آمد

۱۹۳

تاریخ وفات امیر معاوی بن ابی سفیان که در سال پنجاه و نوبه اول آمد
 تاریخ وفات یزید بن معاویه که در سال شصت و چار حری بود آمد
 تاریخ وفات مسیح شاه مجدوب لاهوری که در سال یک هزار و صد و هفتاد و سوم

تاریخ وفات مسیح شاه مجدوب لاهوری که در سال یک هزار و صد و هفتاد و سوم

چون

در سال ۱۰۰۰ ...
 در سال ۱۰۰۱ ...
 در سال ۱۰۰۲ ...
 در سال ۱۰۰۳ ...
 در سال ۱۰۰۴ ...
 در سال ۱۰۰۵ ...
 در سال ۱۰۰۶ ...
 در سال ۱۰۰۷ ...
 در سال ۱۰۰۸ ...
 در سال ۱۰۰۹ ...
 در سال ۱۰۱۰ ...

برید ابن عبد الملک چون در هر	سفر کرده شد سوی عقبی روان
سلسل است روشن بتاریخ او	در جلوه گر گشت ماه جهان
فایح وفات هشام بن عبد الملک که در سال	بکصد دست بود نوم آمد
چو هشام از جهان رخت سفر بست	بعضی رفت آن حسب و بنا
از ویل تاریخ تر جیش هشتم	خرد گفنا بنحو آن حسب و بنا
اینخ وفات ولید بن زید که در سال	بکصد دست و شمش بود نوم آمد
چون ولید پلید ز نهی	روی خود در نقاب قرصت
جستم از دل چو سال تاریخی	عقل نقاش ولید بید گفت
تاریخ وفات زید ناقص بن ولید که در سال	بکصد دست و شمش بود نوم آمد
شد بصد حسرت و غم و آلام	سوی عقبی برید عالیشان
چونکه ملک جهان بگمش بود	گو دفانش برید اصل جهان
اینخ وفات مروان بن محمد که در سال	بکصد و سی و چار بود نوم آمد
کر چون نام بی اینخ هشتم	بعد قتل چش مروان از جهان
سال قتل او بطسره خوتر	لابقا تحریک کن کتب کمال خوان
حصه دوم در قطعات تاریخ خلفای بنی عباس که بعد بنی امیه پادشاه شد	
تاریخ وفات ابو العباس سفاح بن محمد عباسی که در سال	بکصد و سی و هفت بود نوم آمد
چون بصد درد و خرن حسرت و آه	شد ملک جهان اباعباس
از شانش ز نام ناسی او	گفت سرور بنحو آن اباعباس
تاریخ وفات ابو جعفر منصور بن محمد عباسی که در سال	بکصد و چهل بود نوم آمد
چون ابو جعفر شد با کرد و شد	از ار اقسیم خالی شد روان
سال تاریخی هشتم شد از زرد	اصل دل حاکم دگر و الا اسکان
تاریخ وفات محمد مهدی بن ابو جعفر که در سال	بکصد و نصد و نه بود نوم آمد
چونکه مهدی حکم را سنی	از قیاد در بقا شد و جاسد
از شانش و حیدر نام گو	بنده حق دوباره کن تقریر
بار دیگر بنحو آن جمال الدین	به چنین مهدی اش کن تحریز

در سال ۱۰۱۱ ...
 در سال ۱۰۱۲ ...
 در سال ۱۰۱۳ ...
 در سال ۱۰۱۴ ...
 در سال ۱۰۱۵ ...
 در سال ۱۰۱۶ ...
 در سال ۱۰۱۷ ...
 در سال ۱۰۱۸ ...
 در سال ۱۰۱۹ ...
 در سال ۱۰۲۰ ...
 در سال ۱۰۲۱ ...
 در سال ۱۰۲۲ ...
 در سال ۱۰۲۳ ...
 در سال ۱۰۲۴ ...
 در سال ۱۰۲۵ ...
 در سال ۱۰۲۶ ...
 در سال ۱۰۲۷ ...
 در سال ۱۰۲۸ ...
 در سال ۱۰۲۹ ...
 در سال ۱۰۳۰ ...

در سال ۱۰۰۰ ...
 در سال ۱۰۰۱ ...
 در سال ۱۰۰۲ ...
 در سال ۱۰۰۳ ...
 در سال ۱۰۰۴ ...
 در سال ۱۰۰۵ ...
 در سال ۱۰۰۶ ...
 در سال ۱۰۰۷ ...
 در سال ۱۰۰۸ ...
 در سال ۱۰۰۹ ...
 در سال ۱۰۱۰ ...

در سال ۱۰۳۱ ...
 در سال ۱۰۳۲ ...
 در سال ۱۰۳۳ ...
 در سال ۱۰۳۴ ...
 در سال ۱۰۳۵ ...
 در سال ۱۰۳۶ ...
 در سال ۱۰۳۷ ...
 در سال ۱۰۳۸ ...
 در سال ۱۰۳۹ ...
 در سال ۱۰۴۰ ...

تاریخ وفات مارون رشید بن جعفر بن محمد مهدی که در یکصد و نود و سه بود		
کر در حیات چو از جهان فنا	شاه مارون رشید با اقبال	
سال تاریخ رحلتش سرور	جلوه گر شد جبل اسبل جمال	
تاریخ وفات مامون رشید بن مارون رشید که در سال دویصد و پانزده بود		
چونکه مامون بیامت جای امان	درخت خود بر و از همان برین	
سال تاریخ رحلتش آخر	حجت سرور ز عالم بجهنم	
تاریخ وفات معتصم بالله المشهور بر اسمعین بن مامون که در سال دویصد و هشتاد و یک بود		
معتصم چون باغم و خزن مال	شد ازین دار فنا خسته دل	
سال تاریخش چو بستم از خود	گفت قالیجه او دالے جهان	
تاریخ وفات و اتق بالله بن معتصم بالله که در سال دویصد و هشتاد و سه بود		
چونکه و اتق احسب از حکم قضا	رفت از ملک جهان بی قایل	
سال تاریخش با طوار کمو	شدند از اول که سلطان جبل	
تاریخ وفات جعفر متوکل علی الله که در سال دویصد و هشتاد و پنج بود		
شاه متوکل که بر ما شن و ند	که احکام فرمان جهان	
رفت چون از عالم ما باید ار	ارتحالش است سلطان جهان	
تاریخ وفات محمد معتز بالله که در سال دویصد و پجاه و پنج بود		
چون محمد بلطف و رحمت حق	شد ز دنیا لغزت و کوسه	
کن تاریخ رحلتش سرور	اب سلف محمد که تحریر	
تاریخ وفات معتد علی الله بن متوکل که در سال دویصد و هشتاد و شش بود		
معتد را چو اعظام و عبادت	بر زمانه برفت احقر کار	
دل سرور نصیب غم و افسوس	گفت سال وفات او دویصد و	
تاریخ وفات معتضد علی الله بن موفق که در سال دویصد و هشتاد و هفت بود		
ملاع جوش از دار الفناست	چو شاه معتضد ذی شان صالح	
بگو این موفق سال ترحیل	وگر باره بنوان سلطان صالح	
تاریخ وفات کتبی با سعید بن معتضد بالله که در سال دویصد و نود و پنج بود		

تاریخ وفات مارون رشید بن جعفر بن محمد مهدی که در یکصد و نود و سه بود
 کر در حیات چو از جهان فنا
 شاه مارون رشید با اقبال
 جلوه گر شد جبل اسبل جمال
 سال تاریخ رحلتش سرور
 تاریخ وفات مامون رشید بن مارون رشید که در سال دویصد و پانزده بود
 چونکه مامون بیامت جای امان
 درخت خود بر و از همان برین
 حجت سرور ز عالم بجهنم
 سال تاریخ رحلتش آخر
 تاریخ وفات معتصم بالله المشهور بر اسمعین بن مامون که در سال دویصد و هشتاد و یک بود
 معتصم چون باغم و خزن مال
 شد ازین دار فنا خسته دل
 گفت قالیجه او دالے جهان
 تاریخ وفات و اتق بالله بن معتصم بالله که در سال دویصد و هشتاد و سه بود
 چونکه و اتق احسب از حکم قضا
 رفت از ملک جهان بی قایل
 شدند از اول که سلطان جبل
 تاریخ وفات جعفر متوکل علی الله که در سال دویصد و هشتاد و پنج بود
 شاه متوکل که بر ما شن و ند
 که احکام فرمان جهان
 ارتحالش است سلطان جهان
 تاریخ وفات محمد معتز بالله که در سال دویصد و پجاه و پنج بود
 چون محمد بلطف و رحمت حق
 شد ز دنیا لغزت و کوسه
 اب سلف محمد که تحریر
 تاریخ وفات معتد علی الله بن متوکل که در سال دویصد و هشتاد و شش بود
 معتد را چو اعظام و عبادت
 بر زمانه برفت احقر کار
 دل سرور نصیب غم و افسوس
 گفت سال وفات او دویصد و
 تاریخ وفات معتضد علی الله بن موفق که در سال دویصد و هشتاد و هفت بود
 ملاع جوش از دار الفناست
 چو شاه معتضد ذی شان صالح
 وگر باره بنوان سلطان صالح
 تاریخ وفات کتبی با سعید بن معتضد بالله که در سال دویصد و نود و پنج بود

قلم کار که دستخط کرده است و در هر دو طرف دست نوشته است و در هر دو طرف امضا شده است

تاریخ وفات مستظهر بالله بن مقتدی بالله که در سال پانصد و شصت و شصت بود	کشت بر این فلک منزل گزین دولت حکم است تا رخسار دیگر
تاریخ وفات مستظهر بالله بن مستظهر بالله که در سال پانصد و شصت و شصت بود	ازین دار الفنا رخت بقالت
تاریخ وفات مقتضی لامر الله بن مستظهر بالله که در سال پانصد و شصت و شصت بود	چون شد مقتضی لامر الله شقی سال رحلتش گفتم
تاریخ وفات مستظهر بالله بن مقتضی لامر الله که در سال پانصد و شصت و شصت بود	جناب شاه مستخدم شد دین بسو رشده از باقی غیب
تاریخ وفات ناصر الدین ابدی میر محمد بالله که در سال شصت و شصت و شصت بود	شد به نصرت جو ناصر از عالم گفت سلطان سرور است بگو
تاریخ وفات طاہر بالله بن ناصر الدین ابدی که در سال شصت و شصت و شصت بود	رفت طاہر جو طاہر از دنیا رفت طاہر شه ز من فرما
تاریخ وفات مستظهر بالله بن مستظهر بالله که در سال شصت و شصت و شصت بود	رفت باحد نصرت از عالم بجلد شد عیان مصاح حق تاریخ او
تاریخ وفات مستظهر بالله بن مستظهر بالله که در سال شصت و شصت و شصت بود	چونکه از دست بلا که شد شب سال تاریخ وصالش طرقت تر

تاریخ وفات مستظهر بالله بن مقتدی بالله که در سال پانصد و شصت و شصت بود
 تاریخ وفات مستظهر بالله بن مستظهر بالله که در سال پانصد و شصت و شصت بود
 تاریخ وفات مقتضی لامر الله بن مستظهر بالله که در سال پانصد و شصت و شصت بود
 تاریخ وفات مستظهر بالله بن مقتضی لامر الله که در سال پانصد و شصت و شصت بود
 تاریخ وفات ناصر الدین ابدی میر محمد بالله که در سال شصت و شصت و شصت بود
 تاریخ وفات طاہر بالله بن ناصر الدین ابدی که در سال شصت و شصت و شصت بود
 تاریخ وفات مستظهر بالله بن مستظهر بالله که در سال شصت و شصت و شصت بود
 تاریخ وفات مستظهر بالله بن مستظهر بالله که در سال شصت و شصت و شصت بود

تاریخ وفات مستظهر بالله بن مقتدی بالله که در سال پانصد و شصت و شصت بود
 تاریخ وفات مستظهر بالله بن مستظهر بالله که در سال پانصد و شصت و شصت بود
 تاریخ وفات مقتضی لامر الله بن مستظهر بالله که در سال پانصد و شصت و شصت بود
 تاریخ وفات مستظهر بالله بن مقتضی لامر الله که در سال پانصد و شصت و شصت بود
 تاریخ وفات ناصر الدین ابدی میر محمد بالله که در سال شصت و شصت و شصت بود
 تاریخ وفات طاہر بالله بن ناصر الدین ابدی که در سال شصت و شصت و شصت بود
 تاریخ وفات مستظهر بالله بن مستظهر بالله که در سال شصت و شصت و شصت بود
 تاریخ وفات مستظهر بالله بن مستظهر بالله که در سال شصت و شصت و شصت بود

قطعه ناسته	
از شهادت جو یافت قد ر بلند	شاه ششم آن شده مقبول
عبد معقول تگوتبار بخش	هم سخوان حاکم ابد معقول
حصه سوم در قطعات تاریخ و فوات پادشاهان غزنه	
تاریخ و فوات سلطان ایلکین پادشاه که در سال ۳۶۰ هجری	رفت از ویلای دودن اندر جان
چونکه ایلکین بقصیل کردگار	شدند از آن نعم شاه جهان
تاریخ و فوات شاه اجماع پادشاه بن ایلکین	که در سال ۳۶۰ هجری در شملت و هفت بود
کرد رحلت چو از جهان اجماع	در حلقش با سزا حسرت و آه
گفت سرور ایسرا اهل عطا	هم در گراوشه دل آگاه
تاریخ و فوات سلطان ناصر الدین سلجوقی	که در سال ۳۶۰ هجری در شملت و هفت بود
رفت چون بانصرت و فتح و طغرا	ناصر الدین پادشاه اهل عباد
شد عیان فرد زمانه رحلتش	گشت سید انیز دینی پادشاه
والی نصر است تاریخ وصال	بهر سال آن شه عالم نیاده
تاریخ و فوات سلطان محمود غزنوی	که در سال ۳۶۰ هجری در شملت و هفت بود
چو محمود از جهان شد جدا گمان	سجبت یافت وصل ذات محمود
ز عبد الله محمود اهل عباد	عیان شد سال وصل آن شه جو
و گز باره بتا بخش ند اشد	زهی مطلوب دین سلطان محمود
عیان شد پادشاه حق وصالش	و گز عین اکرم گردید موجود
و فاشش نیز سیر نکبت است	شه اهل عطا هم حقتل فرمود
ولی دین سلطان اسلامین	رقم شد رحلت آن شاه سعود
قطعه ناسته	
زین دهر چو رفت خوش بخت	محمود شه مبارک آمین
تاریخ وصال او سبر و ر	فرمود خرد انیسر حق بین
قطعه ناسته	

تمام تر که او شاه و خدایان بود و در تمام
 تاریخ و فوات پادشاهان غزنه که در سال ۳۶۰ هجری
 در شملت و هفت بود و در تاریخ و فوات پادشاهان
 غزنه که در سال ۳۶۰ هجری در شملت و هفت بود
 در تاریخ و فوات پادشاهان غزنه که در سال ۳۶۰ هجری
 در شملت و هفت بود و در تاریخ و فوات پادشاهان
 غزنه که در سال ۳۶۰ هجری در شملت و هفت بود

۱۶۸

که در تاریخ و فوات پادشاهان غزنه که در سال ۳۶۰ هجری
 در شملت و هفت بود و در تاریخ و فوات پادشاهان
 غزنه که در سال ۳۶۰ هجری در شملت و هفت بود
 در تاریخ و فوات پادشاهان غزنه که در سال ۳۶۰ هجری
 در شملت و هفت بود و در تاریخ و فوات پادشاهان
 غزنه که در سال ۳۶۰ هجری در شملت و هفت بود

چو برآم از جهان بخت سفر بست	سجنت یافت جای اسیر آرام
وصالش شاه عالم اهل بیت است	دو بار حق طلب سلطان برام
تاریخ وفات حمیرالدوله خسرو شاه که در سال پانصد و پنجاه و پنجم بوقوع آمد	
سجنت یافت جای عیاش و عشرت	چو خسرو با پادشاه اسیر دنیا
عیان شد رحلت آن شاه عالی	ز محبوب المهدی شاه سینه
قطعه ماست	
چو خسرو شاه اهل جاه و تیسند	شد از مهر در ملک خلد رین
ز سر و رعب رحلت باک او	عنان گشت سلطان شه اهل دین
دو بار اسیر سال ز رحل شاه	شده بنامه گر محرم علم نصین
تاریخ وفات خسرو ملک بن خسرو شاه که در سال پانصد و هشتاد و سه بوقوع آمد	
ز دنیا می رود و خسرو خستد	چو خسرو ملک شاه اهل نصین
بی سال ز رحل آن پادشاه	بگویند کسب اهل دین
قطعه ماست	
ملک خلد احرا یافت شاهی	چو خسرو با عنقا رکن الارکین
عجب تر بجز تاریخ وصالش	ز دل آمدند ارکن الارکین
حصه چهارم در درگاه پادشاهان خاندان مغزیه انار الله در ماه نهم	
تاریخ وفات سلطان علاءالدین حسین جهان پور که در سال پانصد و پنجاه و یک بوقوع آمد	
رفت از دنیا بعد سن و چهل	چونکه آن شاه دل آگاه حسین
سال تاریخ وصالش طرفه تر	سنت محبوب جهان شاه حسین
تاریخ وفات سلطان عیاش الدین محمد غوری که در سال پانصد و نود و دو بوقوع آمد	
چون عیاش الدین محمد شاه غور	از جهان در خستد شد بی گفتگو
شاه صابر گو بسال رحلتش	نیز فرما پادشاه نیک رو
تاریخ وفات سلطان شهاب الدین ابی طیب علاءالدین که در سال ششصد و دو بوقوع آمد	
علاءالدین چو از دنیا سفر کرد	بسال رحلت آن شاه والا
یکی سلطان علاءالدین میر است	دگر میر علاءالدین سعل

تاریخ وفات سلطان علاءالدین حسین جهان پور که در سال پانصد و پنجاه و پنجم بوقوع آمد

تاریخ وفات سلطان علاءالدین حسین جهان پور که در سال پانصد و پنجاه و پنجم بوقوع آمد

تاریخ وفات سلطان علاءالدین حسین جهان پور که در سال پانصد و پنجاه و پنجم بوقوع آمد

یوم ولادت ماه روز شنبه است. هجرت علاء الدین امیر حق طلبان	دو بار آفتاب حسن فرما که گرد و سال تا رخسار بودید
شده ز دنیا چو دیرت برین گشته نامور تا رخسار	شاه اهل به استهاب الدین هم نجان حق نامشهاب الدین
که در حلت چو از جهان منسا سرور عالم است سالش نیز	شده سبخت مقیم قطب الدین بادشاه حلیم قطب الدین
باریم وفات سلطان شمس الدین شاه شمس الدین شمس اللغات	پرتو انگن شد چو در حلد برین هم نجان شمس العطاء الدین
چو فیروز شاه جهان اهل جا به بگو شاه رکن جهان رحلتش	ز دنیا می دون یافت با حق مصال دو بار از فیروز سحر الکمال
باریم وفات رضیه بیگم ملکه هند که در سال چون رضیه بر ستی علقان	که در حلت ز دار حزن طالع ملکه ملک حبت آمد سال
رفت در حبت ز دار بی ثبات سال تر حلیش بگو اهل برات	چون شه اهل زمین بهرام شاه بار دیگر پاک بین بهرام شاه
شاه بهرام چون تفصل آید شاه نور الواسعه بگو سالش	شده ز دنیا می دون با هم جناب نیز بهرام سیر عالم خوان
باریم وفات مسعود و علاء الدین غوری که در سال چو مسعود شد با سعادت ز دهر	چهل و چهار بودم باریم تر حیل آن نوجوان

سلطان علاء الدین غوری
 در سال ۶۰۲ هجری قمری
 در روز شنبه در شهر
 قندهار ولادت یافت
 پدرش سلطان حسن
 و مادرش بانو شهبان
 در سال ۶۰۲ هجری قمری
 در روز شنبه در شهر
 قندهار وفات یافت
 در سال ۶۰۲ هجری قمری
 در روز شنبه در شهر
 قندهار وفات یافت
 در سال ۶۰۲ هجری قمری
 در روز شنبه در شهر
 قندهار وفات یافت

احوال
 در سال ۶۰۲ هجری قمری
 در روز شنبه در شهر
 قندهار وفات یافت

وفات یافت
 در سال ۶۰۲ هجری قمری
 در روز شنبه در شهر
 قندهار وفات یافت

در اول سال که در این کتاب مذکور است در این سال که در این کتاب مذکور است در این کتاب مذکور است

چون قیامش الدین محمد شاه مند از اول سردر بسال رحلتش	شد ازین و نسام و درین دور و آه شد میان کسب المغانی بادشاه
تاریخ وفات سلطان محمد تعلق عادل شاه که در سال مقصد و نه ماه و دو روز	از جهان در جهان محمد شاه نیز نور زمان محمد شاه
چون صد در دو غم سفر در زید سال و میلش شده و گایت جوان	از جهان در جهان محمد شاه نیز نور زمان محمد شاه
تاریخ وفات سلطان فیروز شاه بن سالار رجب تعلق که در سال مقصد و نه ماه و دو روز	بجنت شده از جهان مثل ماه دیگر ملک ملک فیروز شاه
چون فیروز شاه از جهان رحلت بست شهنشاه صالح بگور حلتش	بجنت شده از جهان مثل ماه دیگر ملک ملک فیروز شاه
تاریخ وفات سلطان قیامش الدین تعلق که در سال مقصد و نه ماه و دو روز	چون رفت از در سال رحلتان امیر المومنین شاه ابدان
عیاش الدین تعلق شاه نامی سجوان سردر صیب حق شهنشاه	چون رفت از در سال رحلتان امیر المومنین شاه ابدان
تاریخ وفات سلطان ابوبکر بن محمد خان بن فیروز شاه که در سال مقصد و نه ماه و دو روز	چون رفت از در سال رحلتان امیر المومنین شاه ابدان
جلوه گشت خود در پیشترین سال تاریخ رحلتش سردر	شاه بگو بکر ماه اهل فلاح دان ابوبکر شاه اهل فلاح
تاریخ وفات ناصر الدین محمد شاه بن فیروز شاه تعلق که در سال مقصد و نه ماه و دو روز	شد جو از دنیا بقصه حاکم شاه عدنان منصور دین ماه امیر
ناصر دین محمد بادشاه سال تاریخ وصالش طرفه تبر حاکم منصور ناصر کن ز قمر	شد جو از دنیا بقصه حاکم شاه عدنان منصور دین ماه امیر
تاریخ وفات علاء الدین سکندر شاه تعلق که در سال مقصد و نه ماه و دو روز	رفت از دنیا با تسلیم جان سال تر حایش با تو آل جهان
چون سکندر بادشاه اهل مند سردر اجداد فریا جا که گو سکندر بادشاه حق طلب	رفت از دنیا با تسلیم جان سال تر حایش با تو آل جهان
تاریخ وفات ناصر الدین محمود شاه بن محمد شاه تعلق نامی که در سال مقصد و نه ماه و دو روز	رفت از دنیا با تسلیم جان سال تر حایش با تو آل جهان
ناصر دین محمود شاه دین محمود سرخ دین ناصر است تاریخش	شد زوار فنا بقصر سلام عبود گشت باز حشد مقام

در این کتاب مذکور است در این کتاب مذکور است در این کتاب مذکور است در این کتاب مذکور است در این کتاب مذکور است

در این کتاب مذکور است در این کتاب مذکور است در این کتاب مذکور است در این کتاب مذکور است

سلطان تغلق لاک عثمان در ۱۷۶۰
 سلطان محمد اول در ۱۷۶۱
 سلطان شاهرخ در ۱۷۶۲
 سلطان ابوالفتح در ۱۷۶۳
 سلطان ابوالمنصور در ۱۷۶۴
 سلطان ابوالاسود در ۱۷۶۵
 سلطان ابوالفضل در ۱۷۶۶
 سلطان ابوالحسن در ۱۷۶۷
 سلطان ابوالقاسم در ۱۷۶۸
 سلطان ابوالکلام در ۱۷۶۹
 سلطان ابوالوفا در ۱۷۷۰
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۷۱
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۷۲
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۷۳
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۷۴
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۷۵
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۷۶
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۷۷
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۷۸
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۷۹
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۸۰

حصه ششم در ذکر پادشاهان خاندان سادات خضر خان	
تاریخ وفات سید خضر خان بن سلیمان که در سقند و سبت چهارم	
چون سید خضر خان با شاه	از وی سالی قالی بخت و سبت
تاریخ وفات سید محمد بن ابوالقاسم مبارک شاه که در سال سقند و سبت	دو بار استنشاده عالم حبیب
چون سید مظلوم زمین دیر یافت	سارگشاه و الامامه مقبول
بسالش گو این دهر بوالفتح	و گر والی دین سلطان مقبول
تاریخ وفات سلطان محمد شاه خضر خان که در سال سقند و سبت	شاه روی زمین محمد شاه
شده زمین چو در بهشت برین	عارف اهل دین محمد شاه
تاریخ وفات سلطان علاء الدین عالم شاه که در سال سقند و سبت	علاء الدین حق مین شاه عالم
چون در سیاه ملک جاودان شد	ز تم شده ناصر الدین شاه عالم
حصه ششم در ذکر پادشاهان خاندان سلطنت لودی	
تاریخ وفات سلطان بهلول لودی که در سال سقند و سبت	
چون در ملک جنت یافت شاهی	شده دین شاه حق که بپهلوی
عیان شده حسن و سال شاهی	ز حق آمد و شاهنشاه بهلول
تاریخ وفات سلطان سکندر لودی که در سال سقند و سبت	
چون در دار قاسم بره زید	یافت در خلد جاسکند شاه
سال تاریخ رحلتش سرور	گفت ابر عطا سکندر شاه
تاریخ وفات سلطان ابراهیم شاه لودی که در سال سقند و سبت	
چونکه ابراهیم شاه اهل جاه	سوی جنت از زمانه جنت راه
سال تاریخش چو جستم از خود	گفت شاه سینه ابراهیم شاه
حصه نهم در ذکر شاهان چنگیزیه و تیموریه و جلالیه	
تاریخ وفات سلطان چنگیز که در سال سقند و سبت	
چون در قتل عام تاریخ جهان	

سلطان ابوالوفاء در ۱۷۷۹
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۸۰
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۸۱
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۸۲
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۸۳
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۸۴
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۸۵
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۸۶
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۸۷
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۸۸
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۸۹
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۹۰
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۹۱
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۹۲
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۹۳
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۹۴
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۹۵
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۹۶
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۹۷
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۹۸
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۹۹
 سلطان ابوالوفاء در ۱۸۰۰

سلطان ابوالوفاء در ۱۷۷۹
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۸۰
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۸۱
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۸۲
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۸۳
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۸۴
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۸۵
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۸۶
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۸۷
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۸۸
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۸۹
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۹۰
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۹۱
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۹۲
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۹۳
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۹۴
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۹۵
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۹۶
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۹۷
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۹۸
 سلطان ابوالوفاء در ۱۷۹۹
 سلطان ابوالوفاء در ۱۸۰۰

مکتب جامع سلطان محمد شاه منصف در سال ...
 در سن ... در روز ... در شهر ...
 در سن ... در روز ... در شهر ...
 در سن ... در روز ... در شهر ...

گود صالحش قائل آل بنی	باز یسیر مهر خانی بن جوان
تاریخ وفات ملاک خان بن گلگیر خان در سال مشقده و سبب وفات	رحلت آن پادشاه و جان شان
چون ملاکش در ملک از دست مرگ	باز قائل کبر است ای جوان
پادشاه ملک شمر حم آمد است	تاریخ وفات امیر تیمور گورگان که در سال مشقده و سبب وفات
تاریخ وفات امیر تیمور گورگان که در سال مشقده و سبب وفات	لبال رحلت آن شاه سمرقند
چون تیمور از جهان رحلت	و گریه سبط و بن تیمور فرمود
خورد گفتا گو تیمور سیاف	ز و الا جاء شاه شاه محسود
بگویند که حسال و باز جوان	تاریخ وفات امیر تیمور که در سال مشقده و سبب وفات
تاریخ وفات امیر تیمور که در سال مشقده و سبب وفات	سید اده السلام امیران شاه
ارجهان فاجو کرد سسر	والی نیک نام امیران شاه
عقل تاریخ انقش گفت	تاریخ وفات سلطان محمد میرزا که در سال مشقده و سبب وفات
تاریخ وفات سلطان محمد میرزا که در سال مشقده و سبب وفات	بسوی جان شد ز و ارمن
چو سلطان محمد امیر کبیر	بگو حق طلب تا جد آه از من
تاریخ ترجمیل آن شاه دین	تاریخ وفات سلطان ابوسعید میرزا که در سال مشقده و سبب وفات
تاریخ وفات سلطان ابوسعید میرزا که در سال مشقده و سبب وفات	رفت از دنیا بخت بوسعید
چون عقب بر خدا می بر دل	بگفت سرور میرمعت بوسعید
بهر سال ارشالش طرفه تر	تاریخ وفات عمر ششم میرزا که در سال مشقده و سبب وفات
تاریخ وفات عمر ششم میرزا که در سال مشقده و سبب وفات	پرتو افکن گشت بر او بخت
چون عمران نور باه معدلت	طرفه اهل جو د شاه معدلت
جلوه گر شد سال وصل پنجاب	تاریخ ولادت و وفات بابر پادشاه که ولادتش در سال مشقده و سبب وفات
تاریخ ولادت و وفات بابر پادشاه که ولادتش در سال مشقده و سبب وفات	بهشت و وفات دی در سنه پنجم و سبب وفات بوقوم آمد
بهشت و وفات دی در سنه پنجم و سبب وفات بوقوم آمد	باجر آن عالی مکان عالی جناب
باجر آن عالی مکان عالی جناب	ظاهر آن نیر تاج اوقاب
شخص ممتاز است تولیدش عالی	والی فیض است هم اندر جیب
ارشالش اوقاب جنت است	

بعد از وفات پادشاه منصف در سال ...
 در سن ... در روز ... در شهر ...
 در سن ... در روز ... در شهر ...
 در سن ... در روز ... در شهر ...

۶۵
 تاریخ وفات پادشاه منصف در سال ...
 در سن ... در روز ... در شهر ...
 در سن ... در روز ... در شهر ...
 در سن ... در روز ... در شهر ...

تاریخ وفات پادشاه منصف در سال ...
 در سن ... در روز ... در شهر ...
 در سن ... در روز ... در شهر ...
 در سن ... در روز ... در شهر ...

قطعه ثانی
چو بابر از جیبان رخت نرفت
ز شاهنشاه بابر اهل دل جو
تو سال رحلت آن اهل تو میر
در و الا که در شاه جهانگیر

قطعه ثالثی

شاه چو از وسایق جاده ان
گشت تاریخ وصال او عیان
شاه بابر با دشت شاه اهل جاه
بنده حق سپهر بابر شاه

تاریخ ولادت و وفات نصیر الدین محمد بیون با دشت شاه که ولادتش در
سال هشتاد و نیندرده و وفات در سنه نهمصد و شصت و سه بود تو آمد

کریم الخلیف سلطان سلطانی
همایون صاحب تاج سنور
همایون ابر رحمت و عطش
همایون زنده مرد آرد و صابر

همایون شاه و الا جاه اعظم
بگو تو لب آن شاه معظم
وگر شاه همایون تاج عالم
وگر تو همیشه هست ای کریم

تاریخ ولادت و وفات جلال الدین محمد اکبر با دشت شاه فارسی که ولادت
در سال نهمصد و چهل و نوزده و وفات وی در سنه یک هزار و چارده بود تو آمد

ان جلال الدین اکبر با دشت
سال تولدش چو حاتم از خرد
عامی طبع آمد نه تو لب گاو
سیر دین ز ستم سجون ز جیل آن
سرور عالم شهباز و سر
شد عیان بصورت حق اکبر کبر
باز شاهنشاه دین اکبر کبر
فضل عدل آمد عیان باز از خیر

قطعه ثانی

چو اکبر شهباز اعظم ملک هند
باز نیم ز جیل آن شاه دهر
ز دنیا بعضی شده جای گیر
سجون تاج اجلال کبر سیر

چون جلال الدین اکبر شاه هند
ز بیت بلخ رو اهل جلال
بس نهتن شاه کسل کبر است
هم جلال تاج اکبر با دشت شاه

رفت از دنیا بعضی جت راه
گو وصال آن شهباز عالم شاه
هم جلال تاج اکبر با دشت شاه

قطعه اول
چو بابر از جیبان رخت نرفت
ز شاهنشاه بابر اهل دل جو
تو سال رحلت آن اهل تو میر
در و الا که در شاه جهانگیر
شاه چو از وسایق جاده ان
گشت تاریخ وصال او عیان
شاه بابر با دشت شاه اهل جاه
بنده حق سپهر بابر شاه
تاریخ ولادت و وفات نصیر الدین محمد بیون با دشت شاه که ولادتش در
سال هشتاد و نیندرده و وفات در سنه نهمصد و شصت و سه بود تو آمد
کریم الخلیف سلطان سلطانی
همایون صاحب تاج سنور
همایون ابر رحمت و عطش
همایون زنده مرد آرد و صابر
همایون شاه و الا جاه اعظم
بگو تو لب آن شاه معظم
وگر شاه همایون تاج عالم
وگر تو همیشه هست ای کریم
تاریخ ولادت و وفات جلال الدین محمد اکبر با دشت شاه فارسی که ولادت
در سال نهمصد و چهل و نوزده و وفات وی در سنه یک هزار و چارده بود تو آمد
ان جلال الدین اکبر با دشت
سال تولدش چو حاتم از خرد
عامی طبع آمد نه تو لب گاو
سیر دین ز ستم سجون ز جیل آن
سرور عالم شهباز و سر
شد عیان بصورت حق اکبر کبر
باز شاهنشاه دین اکبر کبر
فضل عدل آمد عیان باز از خیر
چو اکبر شهباز اعظم ملک هند
باز نیم ز جیل آن شاه دهر
ز دنیا بعضی شده جای گیر
سجون تاج اجلال کبر سیر
چون جلال الدین اکبر شاه هند
ز بیت بلخ رو اهل جلال
بس نهتن شاه کسل کبر است
هم جلال تاج اکبر با دشت شاه
رفت از دنیا بعضی جت راه
گو وصال آن شهباز عالم شاه
هم جلال تاج اکبر با دشت شاه

قطعه رابع	
کبریا اهل دولت اکبر	شده و دار الفنا بجزت شاه
سال تاریخ رحلتش سرور	گوشه شاه شاه و الامام
تاریخ ولادت و وفات نورالدین محمد جهانگیر بادشاه که ولادت در سال نهمصد و هفتاد و هفت و وفات در سنه یک هزار و سی و شش بود	
جهانگیر آن سده باطن و توغیر	جهانگیر آن سده باطن و توغیر
جهانگیر آفتاب حسن مولی است	کئی در باب تولیدش جو تقریر
وصال آن شیه ذمی مرتبت خواه	ز نور علم نورالدین جهانگیر
کین ظل است و استی وجود	سال رحلت آن شاه تحریر
سخی عابد جهان گیر است و جلدش	و اگر سیکو سیه شاه جهانگیر
قطعه ثانی	
ان جهانگیر نام شاه جهان	آنکه وصفش بر دین ز تقریر است
سال تولید او اگر خواهی	سرور آن سده م جهانگیر است
سن وصلش اگر کنی تحریر	و اسکے پاک میر تو تقریر است
قطعه ثالث	
شاه نورالدین و شند اسکے	عادل دین نامے نورالدین
شمس نور نور دین تولید او	باز قیاض بجان شاد عیان
میشود پیدا کریم اہل خلق	بہر سال از شمال آن جوان
تاریخ ولادت و وفات شہاب الدین محمد شاه جهان بادشاه که ولادت در سال یک هزار و وفات وی در سنه یک هزار و هفتاد و شش بود	
شاه و الامام کتت سلیم بند	آن شہاب الدین شہ دور زمان
اہل دل رستم تویدل گفته ام	سال تولیدش بقول صالحان
رحلت آن بادشاه اہل جاہ	شد عیان مشککات شاه جهان
باز گو سال وصال آن جناب	نور اہل دین شہنشاہ جهان
قطعه چہارم	

تاریخ ولادت و وفات اکبر شاه بادشاہ شہد و علم
 سخاوت نامی در وقت زور جهان بجزیر بود
 و بعد وفات پر نور و جلال بود
 در سنه دویست و سی و شش در سلطنت کرد و بیست و شش سال
 در سلطنت کرد و بیست و شش سال در سلطنت کرد
 در سنه دویست و سی و شش در سلطنت کرد و بیست و شش سال
 در سلطنت کرد و بیست و شش سال در سلطنت کرد

مجلس ساینده چون برین غایت از نظم و ترتیب آمد دست کینکه بشمارد درین تواریخ صید رسال مکتوب که در ۱۲۰۶
 جوشان می انداخت و کای از زبان خود سواری نقل دیگر با یکی در دو روز در ۱۲۰۶ در کوه کمره در هر روز که تا کشف ایش او شب در راه از روی می آورد و نه آنکه از کانی او بگریزد و در پیشاپیش در راه بود و چون با او بود
 بقدرت می انداخت و کای از زبان خود سواری نقل دیگر با یکی در دو روز در ۱۲۰۶ در کوه کمره در هر روز که تا کشف ایش او شب در راه از روی می آورد و نه آنکه از کانی او بگریزد و در پیشاپیش در راه بود و چون با او بود

چو شاه او دان شد ملک لایت	ز دنیا می و نی تر جیسل فرمود
بار نیخ وصال آن شه و هم	رقم شد زیب دولت شاه داد
بار نیخ وفات سلطان محمود بن حسن	همی که در سال مقصد بود روزی و نوم آ
چو در اقلیم خست یافت شاه می	جنا شاه حق آگاه محبت جو
رقم شد خاص حق بار نیخ سافر	در کمره معنی شاه محمود
بار نیخ سلطان حسن الدین بن محمود	همی که در سال مقصد و سازده بود آ
رفت شمس الدین جو باغ و وفا	مسل جو بر راج جرخ جازین
سال و صلش سیر و دشن نجوا	بیز شمس الدین امین اهل دین
بار نیخ وفات فیروز شاه بن داد	شاه همی که در سال مقصد است و نجو آ
رفت چون فیروز شاه اندر پشت	دل بسال وصل آن عالی لقا
گفت خست استیمانی کن رقم	بار دیگر باو شاه اتپسا
قطعه نهم	
چو در زید بر عرش الامام	ز روی زمین شاه فیروزند
نه اندر دل سال تاریخ او	که محبوب دین شاه فیروزند
بار نیخ وفات احمد شاه بن داد	شاه همی که در سال مقصد و نی و مست بود
چو در بزم احمد شاه از دارود	شاه احمد آن باو شاه ذمے
وصالش کی خواجه اکبر است	دو بار شاه ملت احمدی
بار نیخ وفات سلطان علاء الدین	همی که در سال مقصد و نصرت ذو و نوم آ
چون علاء الدین شجوه و لایم عالی مکان	قدر اعلی یافت از دنیا ملک و دان
سال تاریخش علاء الدین او گشته ام	هم علاء الدین الامرت اسل جهان
بار نیخ وفات سلطان هایون	همی که در سال مقصد و مست و نجو بود آ
هایون سنگار و اهل ستم	چونا که جوان مرگ رفت از جهان
وفاتش هایون بد به سب است	دو بار هایون کج خلق دان
قطعه دهم	
چونکه هایون شاه اهل ستم	آنگه بکس و او نظلم نداد

زینا و در وقت هر یک بعد از آنکه از آن سال مقصد بود روزی و نوم آ
 در کوه کمره در هر روز که تا کشف ایش او شب در راه از روی می آورد و نه آنکه از کانی او بگریزد و در پیشاپیش در راه بود و چون با او بود
 در کوه کمره در هر روز که تا کشف ایش او شب در راه از روی می آورد و نه آنکه از کانی او بگریزد و در پیشاپیش در راه بود و چون با او بود
 در کوه کمره در هر روز که تا کشف ایش او شب در راه از روی می آورد و نه آنکه از کانی او بگریزد و در پیشاپیش در راه بود و چون با او بود
 در کوه کمره در هر روز که تا کشف ایش او شب در راه از روی می آورد و نه آنکه از کانی او بگریزد و در پیشاپیش در راه بود و چون با او بود
 در کوه کمره در هر روز که تا کشف ایش او شب در راه از روی می آورد و نه آنکه از کانی او بگریزد و در پیشاپیش در راه بود و چون با او بود

چونکه هایون شاه اهل ستم
 آنگه بکس و او نظلم نداد
 چونا که جوان مرگ رفت از جهان
 دو بار هایون کج خلق دان
 در کوه کمره در هر روز که تا کشف ایش او شب در راه از روی می آورد و نه آنکه از کانی او بگریزد و در پیشاپیش در راه بود و چون با او بود

گشت جوان مرگ و لم سال او	گفت بلا اجل ششم نامراد
بار سیم وفات سلطان نظام شاه بهمنی که در سال هشتصد و شصت و هفت بود	سال وصالش بعد آه و فغان
گشت در وقت زده لم شد رقم	نیز جوان رفت جوان از جهان
آخر وفات سلطان شمس الدین محمد بن جامون بهمنی که در سال هشتصد و شصت بود	چون محمد شاه پناه اسیر ماه شمس یزدانسه محمد بادشا
گشت در وقت زده لم شد رقم	بار سیم وفات محمود شاه بن محمد شاه بهمنی که در سال هشتصد و شصت و چهار بود
چون شاه محمود سلطان جهان	از جهان بی نقی رحلت نمود
سال تاریخش و لم با حال او	گفت کج ناعاقبت بدیش بود
بار سیم وفات احمد شاه بن سلطان محمود که در سال هشتصد و شصت و پنج بود	در عدم گشت ناگهان محموم
چون شاه محمد و تاج احمد شاه	بعد گرفت بنده سوسوم
بار سیم وفات علاء الدین بن احمد شاه بهمنی که در سال هشتصد و شصت و شش بود	چون شاه علاء الدین مقبول
بیشتر قصاصت نفس	ز سر و شاه و الاجاه مقبول
قطعه ناسی	
شاه دکن جو رفت ز و ساه آریا	با حال زار و صدمت حیران شرم سید
یعنی که گشت قتل ز دست محمد خا	گفتم بسال قتلش سلطان شرم سید
بار سیم وفات شاه ولی احمد بن محمود شاه بهمنی که در سال هشتصد و شصت و هفت بود	بی گنه محموم ولی نقیضی روی بود
گشت چون مقبول سلطان علی شاه	گردی الله مقبول وزیر بی آرد
سال تاریخش بعد افسون حسرت کرا	بار سیم وفات شاه کلیم الله بن محمود شاه بهمنی که در سال هشتصد و شصت و هشت بود
چون از دنیا بخت رفت سوسوم	کلیم آن شاه و الاجاه مقبول
رقم شد سن و سال انتقالش	که عالی جاه شاه شاه مقبول

گشت جوان مرگ و لم سال او
 گفت بلا اجل ششم نامراد
 بار سیم وفات سلطان نظام شاه بهمنی که در سال هشتصد و شصت و هفت بود
 سال وصالش بعد آه و فغان
 گشت در وقت زده لم شد رقم
 نیز جوان رفت جوان از جهان
 آخر وفات سلطان شمس الدین محمد بن جامون بهمنی که در سال هشتصد و شصت بود
 چون محمد شاه پناه اسیر ماه شمس یزدانسه محمد بادشا
 گشت در وقت زده لم شد رقم
 بار سیم وفات محمود شاه بن محمد شاه بهمنی که در سال هشتصد و شصت و چهار بود
 چون شاه محمود سلطان جهان
 از جهان بی نقی رحلت نمود
 سال تاریخش و لم با حال او
 گفت کج ناعاقبت بدیش بود
 بار سیم وفات احمد شاه بن سلطان محمود که در سال هشتصد و شصت و پنج بود
 در عدم گشت ناگهان محموم
 بعد گرفت بنده سوسوم
 بار سیم وفات علاء الدین بن احمد شاه بهمنی که در سال هشتصد و شصت و شش بود
 چون شاه علاء الدین مقبول
 بیشتر قصاصت نفس
 ز سر و شاه و الاجاه مقبول
 شاه دکن جو رفت ز و ساه آریا
 با حال زار و صدمت حیران شرم سید
 یعنی که گشت قتل ز دست محمد خا
 گفتم بسال قتلش سلطان شرم سید
 بار سیم وفات شاه ولی احمد بن محمود شاه بهمنی که در سال هشتصد و شصت و هفت بود
 بی گنه محموم ولی نقیضی روی بود
 گردی الله مقبول وزیر بی آرد
 گشت چون مقبول سلطان علی شاه
 سال تاریخش بعد افسون حسرت کرا
 بار سیم وفات شاه کلیم الله بن محمود شاه بهمنی که در سال هشتصد و شصت و هشت بود
 چون از دنیا بخت رفت سوسوم
 کلیم آن شاه و الاجاه مقبول
 رقم شد سن و سال انتقالش
 که عالی جاه شاه شاه مقبول

شاه دکن جو رفت ز و ساه آریا
 با حال زار و صدمت حیران شرم سید
 یعنی که گشت قتل ز دست محمد خا
 گفتم بسال قتلش سلطان شرم سید
 بار سیم وفات شاه ولی احمد بن محمود شاه بهمنی که در سال هشتصد و شصت و هفت بود
 بی گنه محموم ولی نقیضی روی بود
 گردی الله مقبول وزیر بی آرد
 گشت چون مقبول سلطان علی شاه
 سال تاریخش بعد افسون حسرت کرا
 بار سیم وفات شاه کلیم الله بن محمود شاه بهمنی که در سال هشتصد و شصت و هشت بود
 چون از دنیا بخت رفت سوسوم
 کلیم آن شاه و الاجاه مقبول
 رقم شد سن و سال انتقالش
 که عالی جاه شاه شاه مقبول

ذکر عاقلان سلاطین عادل شاه	
تاریخ وفات یوسف عادل شاه بجا پوری که در سال پنصد و شانزده بود	یوسف ناصر شهباشی چو آه
از قبا بهاد در جنت شاد	گفت حق بین یوسف مصر کرم
تاریخ وفات سلطان اسماعیل عادل شاه که در سال پنصد و چهل یک بود	چون بعد اعزاز و اگر ام از جهان
رفت اسماعیل اهل کرم است	سال تاریخش ز طبع روشنتر
شد عیان مصباح نور معدلت	تاریخ وفات ابراهیم شاه بن اسماعیل عادل شاه که در سال پنصد و هشت و پنجم بود
دل بسال بر طبع آن اهل عالم	شد چو ابراهیم از و از قبا
نیز سلطان میر ابراهیم شام	ما هباب اور ابراهیم گفت
تاریخ وفات سلطان علی بن ابراهیم شاه عادل که در سال پنصد و هشتاد و پنجم بود	رفت از و از قبا سوی نیست
چونکه آن اعلی علی عالمی قدر	سال وصل اوست فیاض من
هم علی جستی عالمی قدر	قلمه نامی
چونکه بشهر قضا سے آله	
شاه علی میر زمان شد شهید	سال وصالش چو سبب ز دل
گفت گو شاه جهان شد شهید	تاریخ وفات ابراهیم عادل شاه ثانی بن ابراهیم اول شاه که در سال پنصد و هشتاد و پنجم بود
ز دنیا شد بجهاد و انی	چو ابراهیم ثانی شاه دومی جاہ
که قطب الهند ابراهیم ثانی	ندا آمد بسال انتقالش
ذکر سلطنت نظام شاہی بحری	
تاریخ وفات نظام الملک احمد شاه بحری که در سال پنصد و چارده بود	
شاه احمد عادل ذات الہ	شد چو از دنیا فرودوس بن
دوق حق شد سال تاریخش مبارک	هم گرامی احمد سی عاقان نیز
تاریخ وفات برهان نظام الملک بن احمد شاه که در سال پنصد و هشتاد و پنجم بود	
چون برهان شد شاه جهان برهان نیز	برین جهان بر پلکار دید در جنت معیر

تاریخ وفات نظام الملک احمد شاه بحری که در سال پنصد و چارده بود
 تاریخ وفات سلطان اسماعیل عادل شاه که در سال پنصد و چهل یک بود
 تاریخ وفات سلطان علی بن ابراهیم شاه عادل که در سال پنصد و هشتاد و پنجم بود
 تاریخ وفات ابراهیم ثانی بن ابراهیم اول شاه که در سال پنصد و هشتاد و پنجم بود
 تاریخ وفات برهان نظام الملک بن احمد شاه که در سال پنصد و هشتاد و پنجم بود
 تاریخ وفات سلطان اسماعیل عادل شاه که در سال پنصد و چهل یک بود
 تاریخ وفات سلطان علی بن ابراهیم شاه عادل که در سال پنصد و هشتاد و پنجم بود
 تاریخ وفات ابراهیم ثانی بن ابراهیم اول شاه که در سال پنصد و هشتاد و پنجم بود
 تاریخ وفات برهان نظام الملک بن احمد شاه که در سال پنصد و هشتاد و پنجم بود

تاریخ وفات نظام الملک احمد شاه بحری که در سال پنصد و چارده بود
 تاریخ وفات سلطان اسماعیل عادل شاه که در سال پنصد و چهل یک بود
 تاریخ وفات سلطان علی بن ابراهیم شاه عادل که در سال پنصد و هشتاد و پنجم بود
 تاریخ وفات ابراهیم ثانی بن ابراهیم اول شاه که در سال پنصد و هشتاد و پنجم بود
 تاریخ وفات برهان نظام الملک بن احمد شاه که در سال پنصد و هشتاد و پنجم بود

تاریخ وفات نظام الملک احمد شاه بحری که در سال پنصد و چارده بود
 تاریخ وفات سلطان اسماعیل عادل شاه که در سال پنصد و چهل یک بود
 تاریخ وفات سلطان علی بن ابراهیم شاه عادل که در سال پنصد و هشتاد و پنجم بود
 تاریخ وفات ابراهیم ثانی بن ابراهیم اول شاه که در سال پنصد و هشتاد و پنجم بود
 تاریخ وفات برهان نظام الملک بن احمد شاه که در سال پنصد و هشتاد و پنجم بود

تاریخ وفات نظام الملک احمد شاه بحری که در سال پنصد و چارده بود
 تاریخ وفات سلطان اسماعیل عادل شاه که در سال پنصد و چهل یک بود
 تاریخ وفات سلطان علی بن ابراهیم شاه عادل که در سال پنصد و هشتاد و پنجم بود
 تاریخ وفات ابراهیم ثانی بن ابراهیم اول شاه که در سال پنصد و هشتاد و پنجم بود
 تاریخ وفات برهان نظام الملک بن احمد شاه که در سال پنصد و هشتاد و پنجم بود

که شهبان مکرّم بر الفضايل کن	حلقش هم چو لب شاهی بران لکرم
ماريخ وفات حنين نظام شاه بحري که در سال نهصد و پنجاه و دو بود و قوم آمد	چون نشين از عالم ديار برت
اسل دين مرد جوان دولت حنين	باز گو مير امارت بي بي نياز
ماريخ وفات مرتضی نظام شاه بن حنين شاه که در سال نهصد و دو و شش بود و قوم آمد	بطق کر قیچی چون بر سینه نشا
بگو تاريخ او فياض عادل	بخت شد روان با فضل پوی
ماريخ وفات ميران حنين بن مرتضی شاه که در سال نهصد و دو و شش بود و قوم آمد	چون پد کش آن شه ميران بود
سال قتل او عيان شد از خرد	دا و کيسر دين و ديار اباد
بار دیگر نوجوان مقبول شه	چيف بيدین پد کش نامراد
ماريخ وفات برهان نظام شاه بن حنين نظام شاه که در سال کنهزار و سه بود و قوم آمد	ز دنیا شد چو با صيد جزو اقبال
بگو برهان ملت بحر اجمال	بگو برهان ملت بحر اجمال
ماريخ وفات ابراهيم نظام شاه بن برهان شاه که در سال کنهزار و سه بود و قوم آمد	چو ابراهيم شد در جنگ مقبل
بگو برهان ملت بحر اجمال	بخت رفت ازین دهر و نما باز
تو که خاندان سلطنت قطب شاهين	رقم شد رفت ابراهيم جا باز
ماريخ وفات سلطان قلی قطب شاه که در سال نهصد و پنجاه و دو بود و قوم آمد	قطب شاه جهان چو از تقدیر
از جهان حبت سوی حبت راه	گو ابو الفضل سال وصلش نیز
ماريخ وفات مجید قطب شاه که در سال نهصد و پنجاه و هفت بود و قوم آمد	ز دنیا شد چو در دولت شهم دهر
ز دنیا شد چو در دولت شهم دهر	وصال پاک او میر سبقت است
ماريخ وفات سلطان ابراهيم قطب شاه که در سال نهصد و پنجاه و دو بود و قوم آمد	وگر قطب بحسن میر ولایت

بعد وفات پسر حنين
نظام شاه در سال ۱۰۰۰
شده و نه من علی عام
دوی ملک و حکم بود
دودار الخاقان حنين
صلی الله علیه و آله
دودار الخاقان حنين
صلی الله علیه و آله
دودار الخاقان حنين
صلی الله علیه و آله

۱۰۰۰

چون
بخت رفت ازین دهر و نما باز
رقم شد رفت ابراهيم جا باز

بگو برهان ملت بحر اجمال
بخت رفت ازین دهر و نما باز
رقم شد رفت ابراهيم جا باز

چون ز دنیا سوی حق تعالی خیزد	شاه ابراهیم شاه اهل جاه
سال وصال دست فیاض آن	نیز زینا تاج ابراهیم شاه
بار سیم وفات محمد علی شاه بن ابراهیم شاه که در سال یکم اردو بست	وفات آن شاه در سال ۱۰۰۰
محمد رفت چون از دار فانی	وفات آن شاه در سال ۱۰۰۰
ز قطب فضل و فضل عام بستم	وگر باره ز ما سله باه و فاض
تذکره شایان کجراست	
بار سیم وفات مظفر شاه کجراتی که در سال شصت و چهارده بود	از جهان گشت و اصل جنات
چون مظفر و سله تم و مظفر	هم سخوان اصل حاکم کجرات
بار سیم وفات سلطان احمد شاه کجراتی که در سال شصت و چهارده بود	رحلت آن شاه در سال ۱۰۰۰
شد چون از دنیا شد و لایق شد	نیز و سله دولت احمد شاه
قطعه مانده	
شد چون از دنیا شد و لایق شد	شاه دین احمد ولی اهل عروج
سال ترحیمش سیر و رشیدان	تاج دین احمدی اهل عروج
بار سیم وفات محمد شاه بن احمد شاه کجراتی که در سال شصت و چهارده بود	آن محمد با شاه و سله تاج
راهی حجت چو شد با عز و شاک	دان محمد با شاه و سله تاج
سال تار سیم وصالش طرفه تر	بار سیم وفات قطب الدین بن احمد شاه که در سال شصت و چهارده بود
بار سیم وفات قطب الدین بن احمد شاه که در سال شصت و چهارده بود	چو قطب الدین شه فرزند همین
بخت رفت از دنیا سوی فانی	وگر میل آتش قطب سلیمان
سخوان دریای رحمت حلت	بار سیم وفات محمود شاه بهنگره کجراتی که در سال شصت و چهارده بود
چو شد محمود کویان ز دار فانی	شده هر محمود و پادشاهان
وفاتش بگو عزت و دولت	شهنشاه محمود و حسن سخوان
بار سیم وفات مظفر شاه کجراتی که در سال شصت و چهارده بود	

شاه ابراهیم شاه اهل جاه
 نیز زینا تاج ابراهیم شاه
 وفات آن شاه در سال ۱۰۰۰
 محمد رفت چون از دار فانی
 وفات آن شاه در سال ۱۰۰۰
 وگر باره ز ما سله باه و فاض
 تذکره شایان کجراست
 از جهان گشت و اصل جنات
 هم سخوان اصل حاکم کجرات
 رحلت آن شاه در سال ۱۰۰۰
 نیز و سله دولت احمد شاه
 شاه دین احمد ولی اهل عروج
 تاج دین احمدی اهل عروج
 آن محمد با شاه و سله تاج
 دان محمد با شاه و سله تاج
 چو قطب الدین شه فرزند همین
 وگر میل آتش قطب سلیمان
 شده هر محمود و پادشاهان
 شهنشاه محمود و حسن سخوان

شاه ابراهیم شاه اهل جاه
 نیز زینا تاج ابراهیم شاه
 وفات آن شاه در سال ۱۰۰۰
 محمد رفت چون از دار فانی
 وفات آن شاه در سال ۱۰۰۰
 وگر باره ز ما سله باه و فاض
 تذکره شایان کجراست
 از جهان گشت و اصل جنات
 هم سخوان اصل حاکم کجرات
 رحلت آن شاه در سال ۱۰۰۰
 نیز و سله دولت احمد شاه
 شاه دین احمد ولی اهل عروج
 تاج دین احمدی اهل عروج
 آن محمد با شاه و سله تاج
 دان محمد با شاه و سله تاج
 چو قطب الدین شه فرزند همین
 وگر میل آتش قطب سلیمان
 شده هر محمود و پادشاهان
 شهنشاه محمود و حسن سخوان

شاه ابراهیم شاه اهل جاه
 نیز زینا تاج ابراهیم شاه
 وفات آن شاه در سال ۱۰۰۰
 محمد رفت چون از دار فانی
 وفات آن شاه در سال ۱۰۰۰
 وگر باره ز ما سله باه و فاض
 تذکره شایان کجراست
 از جهان گشت و اصل جنات
 هم سخوان اصل حاکم کجرات
 رحلت آن شاه در سال ۱۰۰۰
 نیز و سله دولت احمد شاه
 شاه دین احمد ولی اهل عروج
 تاج دین احمدی اهل عروج
 آن محمد با شاه و سله تاج
 دان محمد با شاه و سله تاج
 چو قطب الدین شه فرزند همین
 وگر میل آتش قطب سلیمان
 شده هر محمود و پادشاهان
 شهنشاه محمود و حسن سخوان

دو باره شهنشاه روی زمین	و ضامنش همایش ز دل نفس مند
تاریخ وفات راجه علی افشاره قی که در سال کبیر از درینج یوم آمد	
چون سلامت رفت در دارالسلام	راجه میران علی آن شاه دین
هم سخوان میران علی حجت بیگام	سال وصلش جوز روشن باهتار
تاریخ معزولی میران پیا در خان فاروقی که در سال کبیر از دشت بود قوم	
بقید شاه اکبر دست خود دست	چون آن بزرگ پیا در شاه نامرد
بگونا اهل دولت داد او دست	معزولے آن سلطان بیقل
تذکره شایان پور سبے شرقی	
تاریخ وفات محمد بختیار اولین پادشاه و حاکم پور که در سال شمس ۱۱۰۰	
از جهان حجت سوئی حجت راه	چون که آن بختیار صاحب حجت
باز میر کبیر عالی جاہ	ماہ به شهن گویا تاریخش
تاریخ وفات فخر الدین المصطفی علاء الدین شرقی که در سال شمس ۱۱۰۰	
یافت در خلد ربه عالی	چون بعد غزوه جاہ فخر الدین
بازید است اسلم شرقی	مست مصلح مشرق تاریخش
تاریخ وفات علی علاء الدین مبارک شاه که در سال شمس ۱۱۰۰	
یافت در خلد جاہ علاء الدین	چون با فضل خالق دو جهان
بیر شمس عالی علاء الدین	سبت اسل شبت تاریخش
تاریخ وفات حاجی الیاس المصطفی شمس الدین که در سال شمس ۱۱۰۰	
شد ز دنیا بر اوج خلد برین	شمس دین چون بصورت خویش
بار دیگر سراج شمس الدین	شاه حجت گویا تاریخش
تاریخ وفات شاه اسکندر برین شمس الدین که در سال شمس ۱۱۰۰	
روح پاکش شد بر اوج جهان	چون اسکندر گشت بد فون درین
هم طلال دین سکت در شاه خوار	شاه عالیستان گویا تاریخ او
تاریخ وفات حیات الدین بن سکنه رسا شرقی که در سال شمس ۱۱۰۰	
حجت ازمین دار ناما پایدار	سفر کرد چون شاه والا عیاش

تذکره شایان پور سبے شرقی
 تاریخ وفات راجه علی افشاره قی که در سال کبیر از درینج یوم آمد
 تاریخ معزولی میران پیا در خان فاروقی که در سال کبیر از دشت بود قوم
 بقید شاه اکبر دست خود دست
 بگونا اهل دولت داد او دست
 تذکره شایان پور سبے شرقی
 تاریخ وفات محمد بختیار اولین پادشاه و حاکم پور که در سال شمس ۱۱۰۰
 تاریخ وفات علی علاء الدین مبارک شاه که در سال شمس ۱۱۰۰
 تاریخ وفات حیات الدین بن سکنه رسا شرقی که در سال شمس ۱۱۰۰

تاریخ وفات راجه علی افشاره قی که در سال کبیر از درینج یوم آمد
 تاریخ معزولی میران پیا در خان فاروقی که در سال کبیر از دشت بود قوم
 بقید شاه اکبر دست خود دست
 بگونا اهل دولت داد او دست
 تذکره شایان پور سبے شرقی
 تاریخ وفات محمد بختیار اولین پادشاه و حاکم پور که در سال شمس ۱۱۰۰
 تاریخ وفات علی علاء الدین مبارک شاه که در سال شمس ۱۱۰۰
 تاریخ وفات حیات الدین بن سکنه رسا شرقی که در سال شمس ۱۱۰۰

تذکره شایان پور سبے شرقی
 تاریخ وفات راجه علی افشاره قی که در سال کبیر از درینج یوم آمد
 تاریخ معزولی میران پیا در خان فاروقی که در سال کبیر از دشت بود قوم

تذکره شایان پور سبے شرقی
 تاریخ وفات محمد بختیار اولین پادشاه و حاکم پور که در سال شمس ۱۱۰۰
 تاریخ وفات علی علاء الدین مبارک شاه که در سال شمس ۱۱۰۰

وفات پیرایه شاه و شاهزادگان
نو در ۱۲۰۰ قمری
رسایا پادشاه سلطان
و در سال بحال نجات
بعد پادشاه و شاهزادگان

در عهدی که
دو پادشاه سوادیه و جوان کرده و در آن
دو پادشاه سوادیه و جوان کرده و در آن
دو پادشاه سوادیه و جوان کرده و در آن
دو پادشاه سوادیه و جوان کرده و در آن

رقم کن تاریخ مصباح خلده	دو بار انجوان صاحب اعتبار
تاریخ وفات سلطان اسلامین بن حیات الدین که در سال مقصد و شاد بود	
جلگ خلده آخر یافت شایست	چو سلطان اسلامین فرسخ آهن
عیان شدن و سال انتقالش	از سلطان اسلامین حجت پیر
تاریخ وفات سلطان مس الدین مالی که در سال مقصد و شاد و شاد بود	
جلوه گر شد در بهشت و استی	چون که شمس الدین منور اسل درین
ارتحالش گشت روشن از خرد	طرفه شمس دین ابراهیل دین
تاریخ وفات ابوسعید نجف محاط سلطان جمال الدین که در سال مقصد و شاد و شاد بود	
چون جمال الدین بفضل آبرود	یافت با وصل خدا آخر وصال
بست بی تقصیر سال وصل او	نیز اهل ملج مرو دین جمال
تاریخ وفات سلطان احمد بن جمال الدین که در سال مقصد و شاد و شاد بود	
رحمت بر بست چون حکم قضای	از جهان شاه عاشق احمد
ارتحالش بجز خاص الحق	هم بنجوان شاه عاشق احمد
تاریخ وفات ناصر الدین شاه پهلوی که در سال مقصد و شاد و شاد بود	
خون بعد نصرت و دنیا می دنی	رفت ناصر شاه دین اندر جان
سال وصل او بعد عز و قزاز	ناصر منصور حق اگاه جوان
تاریخ وفات سلطان بارکدین که در سال مقصد و شاد و شاد بود	
چو شاه بارکدین با عز و اقبال	بجنت گشت روشن صورت ما
خرد بونصرت شاه بارکدین گشت	وصالش شاه طالب بارکدین شاه
تاریخ وفات یوسف شاه بن بارکدین که در سال مقصد و شاد و شاد بود	
یوسف دین بی شاه جهان	زیب بخت شد چو حسین و جمال
عزیزت و آن سال وصلش طرفه	نیز بر حق یوسف مصر کمال
تاریخ وفات تهم شاه بارکدین که در سال مقصد و شاد و شاد بود	
یافت چون نفلح حجت از خدا	سخن شد با تمام نصرت در جهان
رحلت آن شاه کعبه و بگو	همه گر ناسه اسکندر بنجوان

۱۹

از او و بارکدین حجت از او و
مغزول کرده و در آن
سلطان سوادیه و جوان
تصویر این پادشاه تاسی و در سال
در وقت وفات یافت و در آن سال
در وقت وفات یافت و در آن سال

تاریخ وفات سلطان احمد بن جمال الدین که در سال مقصد و شاد و شاد بود

تاریخ وفات ملک سرو درخ ابر جهان حاکم اول ولایت شرقی که در سال ۱۱۱۱ هجری قمری در کابل ششصد و پنجاه و یکم

تذکره شامان شرقی یعنی جوینور و بهار غیره	
تاریخ وفات ملک سرو درخ ابر جهان حاکم اول ولایت شرقی که در سال ۱۱۱۱ هجری قمری در کابل ششصد و پنجاه و یکم	کشت چون سرو در بصد غر و قار
سرو در اسلیم فرودس برین	بهت محمد دوم بنایون رعلتش
تاریخ وفات سلطان مبارک بن ملک سرو در که در سال ششصد و چهار و پنجاه و یکم	مبارک یافت چون جامی مبارک
ز دنیا می دنی در خند اعظم	و فاش نصرت دین بار دیگر
تاریخ وفات سلطان ابراهیم شرقی بن ملک سرو در که در سال ششصد و چهل و پنجم	مثل ابراهیم ابراهیم رفت
چون ازین دنیا بگذر ارجنان	و صلش ابراهیم اشرف کن رقم
تاریخ وفات سلطان محمود شرقی که در سال ششصد و شصت و دو و لو قوم آمد	یافت چون محمود و محمود وصال
از جهان بی بقا علی برین	سال تاریخ وصالش طرفه تر
تاریخ وفات سلطان محمد شاه شرقی که در سال ششصد و شصت و سه و لو قوم آمد	چون محمد شاه والا مرتبت
کشت آخر از عدم جنت لیلین	شد رقم جان بیاد رسال او
تاریخ وفات سلطان حسین بن محمود شرقی که در سال ششصد و شصت و سه و لو قوم آمد	چون حکم خالق هر دو جهان
خوش مسافر کشت زمین عالم حدیث	دل بسال رعلت آن بادشا
گفت سرو در محسن اسلم حسین	ذکر سلاطین سنده و همت
تاریخ وفات عماد الدین محمد قاسم که در سال خود و شش و لو قوم آمد	چون بکار و دین جان داد آخر
عماد الدین سر ایا حب مولی	حبیب دینی آمد از شحاتش
تاریخ وفات سلطان ناصر الدین قیام که در سال ششصد و شصت و سه و لو قوم آمد	چون بصد نصرت ملک خلدیتش
ناصر الدین شاه نعت باصلاح	

تاریخ وفات سلطان ناصر الدین قیام که در سال ششصد و شصت و سه و لو قوم آمد
 در این کتاب در بیان سلاطین و ملوک و اخبار و حوادث و غیره که در این کتاب مذکور است
 در این کتاب در بیان سلاطین و ملوک و اخبار و حوادث و غیره که در این کتاب مذکور است
 در این کتاب در بیان سلاطین و ملوک و اخبار و حوادث و غیره که در این کتاب مذکور است

۱۹

تاریخ وفات سلطان ناصر الدین قیام که در سال ششصد و شصت و سه و لو قوم آمد
 در این کتاب در بیان سلاطین و ملوک و اخبار و حوادث و غیره که در این کتاب مذکور است
 در این کتاب در بیان سلاطین و ملوک و اخبار و حوادث و غیره که در این کتاب مذکور است
 در این کتاب در بیان سلاطین و ملوک و اخبار و حوادث و غیره که در این کتاب مذکور است

تاریخ وفات سلطان ناصر الدین قیام که در سال ششصد و شصت و سه و لو قوم آمد
 در این کتاب در بیان سلاطین و ملوک و اخبار و حوادث و غیره که در این کتاب مذکور است
 در این کتاب در بیان سلاطین و ملوک و اخبار و حوادث و غیره که در این کتاب مذکور است

رعدش نور علی اوربست و نیز	نامردین بن اهل علاج
تاریخ وفات شجاع بیگ الشهور شاه بیگ ارغون که در سال ۹۰۰ هجری قمری	چون بقدری فرزند ایزد و الجلال
سال تاریخ و وفاتش از خرد	گشت راهی سوی جنت شاه بیگ شده ایمان سلطان دولت شاه بیگ
تاریخ وفات شاه حسین بن شاه بیگ که در سال ۹۰۰ هجری قمری	چو منزل گزین شد محله رین
بصد حسن تاریخ و وفاتش گوی	ازین دهر بر جسد و امان امیر محمد بن حاج احسان گوی
تاریخ وفات امیر اعلی خان ترکمانی که در سال ۹۰۰ هجری قمری	چون گو آیین غیبی ترکمان هم محب دین غیبی ترکمان
تاریخ وفات سلطان محمود و همگرمی که در سال ۹۰۰ هجری قمری	سلطنت او از خود اند جهان محمود شده ایمان محمود و االی جهان محمود
چون بره گشتند از حد حکم نای بکیم	تاریخ وفات امیر اباقی ترکمانی بن شاه حسین که در سال ۹۰۰ هجری قمری
سال تاریخ و وفاتش سردار زول بر دور	چو باقی بدار البعازت گشت تاریخ آن بهلوان شیرگیر
تاریخ وفات امیر اباقی ترکمانی برادر امیر اباقی که در سال ۹۰۰ هجری قمری	چو جانی داد جهان خود جهان بختر ز جانی خردیسا جو وصالش
چو جانی داد جهان خود جهان بختر	بخت رفت بانیکو تراحوال وگر برگیر جان من حق اجلال
تاریخ وفات سلطان قطب الدین لکاهی ملتان که در سال ۹۰۰ هجری قمری	قطب جنت شد جو با صد افشار هم سحران قطب السلاطین شهوار
تاریخ وفات شاه حسین لکاهی ملتان که در سال ۹۰۰ هجری قمری	چون ز دنیا یافت حسن عاقبت شاه حسن صاحب جنت حسین

تاریخ وفات امیر اباقی ترکمانی بن شاه حسین که در سال ۹۰۰ هجری قمری
تاریخ وفات امیر اباقی ترکمانی بن شاه حسین که در سال ۹۰۰ هجری قمری
تاریخ وفات امیر اباقی ترکمانی بن شاه حسین که در سال ۹۰۰ هجری قمری
تاریخ وفات امیر اباقی ترکمانی بن شاه حسین که در سال ۹۰۰ هجری قمری
تاریخ وفات امیر اباقی ترکمانی بن شاه حسین که در سال ۹۰۰ هجری قمری

تاریخ وفات امیر اباقی ترکمانی بن شاه حسین که در سال ۹۰۰ هجری قمری
تاریخ وفات امیر اباقی ترکمانی بن شاه حسین که در سال ۹۰۰ هجری قمری
تاریخ وفات امیر اباقی ترکمانی بن شاه حسین که در سال ۹۰۰ هجری قمری
تاریخ وفات امیر اباقی ترکمانی بن شاه حسین که در سال ۹۰۰ هجری قمری
تاریخ وفات امیر اباقی ترکمانی بن شاه حسین که در سال ۹۰۰ هجری قمری

تاریخ وفات امیر اباقی ترکمانی بن شاه حسین که در سال ۹۰۰ هجری قمری
تاریخ وفات امیر اباقی ترکمانی بن شاه حسین که در سال ۹۰۰ هجری قمری
تاریخ وفات امیر اباقی ترکمانی بن شاه حسین که در سال ۹۰۰ هجری قمری
تاریخ وفات امیر اباقی ترکمانی بن شاه حسین که در سال ۹۰۰ هجری قمری
تاریخ وفات امیر اباقی ترکمانی بن شاه حسین که در سال ۹۰۰ هجری قمری

سال تاریخش چهستم از سر و...	شدند از فصل دین پروردگار...
ماریم وفات سلطان قطب که بن...	که در سال شصت و نوزده بود...
جو قطب سلاطین و لی قطب بن...	ز دنیا می رود و این کشت قطب بن...
تا ریم ترحیل آن اهل جا...	گو قطب ملت بدیع الزمان...
ماریم وفات سلطان سکندر بن...	که در سال شصت و نوزده بود...
چونکه با ذات خاق و جهان...	گشت موصول شهادت سکندر...
والی بت شکن بگو تاریخ...	نیز مقبول شاه اسکندر...
تاریخ وفات سلطان علی بن سکندر...	که در سال شصت و نوزده بود...
علی شاه عالمی بسبب مفرین...	بمکه برین یافت بیای قمار...
بجو سال وصلش خاقان بن...	در باره فرماست که شمسوار...
تاریخ وفات شاهی مان خطاب برین...	که در سال شصت و نوزده بود...
چو آن دو اگر شاه زمین بعباد...	سفر کرد بر استهبان از زمین...
بر وصلش بگو شصت و نوزده...	سعد زمان زینت العابدین...
تاریخ وفات شاه حیدر که بنام...	که در سال شصت و نوزده بود...
چو با صد حسرت و افسوس آخر...	ز دنیا شد جوان حیدر شهید شاه...
بسال حلت آن شاه عالم...	ز دل آمد حیان حیدر شهید شاه...
تاریخ وفات شاه حسن که در...	که در سال شصت و نوزده بود...
ز دنیا شد چون وی فرود...	حق آن شاه مرد بامروت...
بجو با سیصد سال حلت او...	دو باره خواجه مرد بامروت...
تاریخ وفات شاه بن ادم مان برین...	که در سال شصت و نوزده بود...
چو آن محتاج دین فلاح عالم...	ز دنیا رفت در جنت خرامان...
بسال استحال آن شه دین...	دلم فرمود شاهنشاه دوران...
تاریخ وفات محمد شاه بن شاه...	که در سال شصت و نوزده بود...
چون محمد آریین سر اسعد...	رفت خدان کسکه گلزار...
خردین گو بسال ترحیلیش...	هم بنحو آن آفتاب پر انوار...

۹۵

تاریخ شاهنشاهی سلطنت در سال ۱۰۰۰...
تاریخ شاهنشاهی سلطنت در سال ۱۰۰۱...
تاریخ شاهنشاهی سلطنت در سال ۱۰۰۲...
تاریخ شاهنشاهی سلطنت در سال ۱۰۰۳...
تاریخ شاهنشاهی سلطنت در سال ۱۰۰۴...
تاریخ شاهنشاهی سلطنت در سال ۱۰۰۵...
تاریخ شاهنشاهی سلطنت در سال ۱۰۰۶...
تاریخ شاهنشاهی سلطنت در سال ۱۰۰۷...
تاریخ شاهنشاهی سلطنت در سال ۱۰۰۸...
تاریخ شاهنشاهی سلطنت در سال ۱۰۰۹...
تاریخ شاهنشاهی سلطنت در سال ۱۰۱۰...
تاریخ شاهنشاهی سلطنت در سال ۱۰۱۱...
تاریخ شاهنشاهی سلطنت در سال ۱۰۱۲...
تاریخ شاهنشاهی سلطنت در سال ۱۰۱۳...
تاریخ شاهنشاهی سلطنت در سال ۱۰۱۴...
تاریخ شاهنشاهی سلطنت در سال ۱۰۱۵...
تاریخ شاهنشاهی سلطنت در سال ۱۰۱۶...
تاریخ شاهنشاهی سلطنت در سال ۱۰۱۷...
تاریخ شاهنشاهی سلطنت در سال ۱۰۱۸...
تاریخ شاهنشاهی سلطنت در سال ۱۰۱۹...
تاریخ شاهنشاهی سلطنت در سال ۱۰۲۰...

تاریخ شاهنشاهی سلطنت در سال ۱۰۲۱...
تاریخ شاهنشاهی سلطنت در سال ۱۰۲۲...
تاریخ شاهنشاهی سلطنت در سال ۱۰۲۳...
تاریخ شاهنشاهی سلطنت در سال ۱۰۲۴...
تاریخ شاهنشاهی سلطنت در سال ۱۰۲۵...
تاریخ شاهنشاهی سلطنت در سال ۱۰۲۶...
تاریخ شاهنشاهی سلطنت در سال ۱۰۲۷...
تاریخ شاهنشاهی سلطنت در سال ۱۰۲۸...
تاریخ شاهنشاهی سلطنت در سال ۱۰۲۹...
تاریخ شاهنشاهی سلطنت در سال ۱۰۳۰...
تاریخ شاهنشاهی سلطنت در سال ۱۰۳۱...
تاریخ شاهنشاهی سلطنت در سال ۱۰۳۲...
تاریخ شاهنشاهی سلطنت در سال ۱۰۳۳...
تاریخ شاهنشاهی سلطنت در سال ۱۰۳۴...
تاریخ شاهنشاهی سلطنت در سال ۱۰۳۵...
تاریخ شاهنشاهی سلطنت در سال ۱۰۳۶...
تاریخ شاهنشاهی سلطنت در سال ۱۰۳۷...
تاریخ شاهنشاهی سلطنت در سال ۱۰۳۸...
تاریخ شاهنشاهی سلطنت در سال ۱۰۳۹...
تاریخ شاهنشاهی سلطنت در سال ۱۰۴۰...

شاهزاده شاهزاده
 شاهزاده شاهزاده
 شاهزاده شاهزاده

قطره ثانی	
جای خود ورزید در غلدرین	چون محمد آن شد روشن منیر
سال تاریخ وصالش سرور را	گو محمد بیست و دین سیر کبیر
ماریم وفات سلطان شمس الدین بن محمد شاه که در سال هجده و چهل و پنج بودم آمد	
شد جوایز عالم بصد غره و قار	میرا گبر شاه شمس الدین سعید
مخرونیار گو وصال پاک او	بار دیگر شاه شمس الدین سعید
ماریم وفات امیر شاه بن محمد شاه که در سال هجده و چهل و هفت بودم آمد	
شاه و الایاه اسما عیش شاه	چون درین دیبای دهن بودم
رحلتش فیاض و اما شد رسم	بار دیگر از جهان سعید و گشت
ماریم وفات نازک شاه بن محمد شاه که در سال هجده و پنجاه و هشت بودم آمد	
به ستانه بک خنت رفت	چون نکی بادشاه نازک تن
داسه فصل گو تا بخشش	هم قوی بادشاه نازک تن
ماریم وفات شاه یک غازی شمیری که در سال هجده و سیاد و یک بودم آمد	
چونکه غازی یک ترین غازی مقام	رفت بلا عمل و زوار الخوا
سال مرگ آن شد اسل ستم	طالک است ای پادشاه کلک قضا
ماریم وفات حسین شاه یک که در سال هجده و سیاد و هفت بودم آمد	
ز دنیا چو شد با نزاران الم	حسین آن غصباک اسل قضا
تاریخ آن اسل جوید چنتا	خود گفت سناک اسل قضا
ماریم وفات علی شاه برادر حسین شاه که در سال هجده و سیاد و هشت بودم آمد	
چون علی اعلی مراتب بادشاه	از جهان با جبروت و هم آه رفت
سال تاریخ بطر ز طر قدر	تا نغم فرمود بر سر شاه است
ماریم وفات یوسف شاه بن علی شاه که در سال هجده و سیاد و نود بودم آمد	
شد جو یوسف ازین سرای سنج	در بقا ز وقت دم بیاسه شات
چشم زخم است رحلت آن شاه	هم دیگر بار بر آغم آل که رعایت

ماریم وفات سلطان شمس الدین بن محمد شاه که در سال هجده و چهل و پنج بودم آمد
 شاه و الایاه اسما عیش شاه
 ماریم وفات نازک شاه بن محمد شاه که در سال هجده و پنجاه و هشت بودم آمد
 به ستانه بک خنت رفت
 داسه فصل گو تا بخشش
 ماریم وفات شاه یک غازی شمیری که در سال هجده و سیاد و یک بودم آمد
 چونکه غازی یک ترین غازی مقام
 سال مرگ آن شد اسل ستم
 ماریم وفات حسین شاه یک که در سال هجده و سیاد و هفت بودم آمد
 ز دنیا چو شد با نزاران الم
 تاریخ آن اسل جوید چنتا
 ماریم وفات علی شاه برادر حسین شاه که در سال هجده و سیاد و هشت بودم آمد
 چون علی اعلی مراتب بادشاه
 سال تاریخ بطر ز طر قدر
 ماریم وفات یوسف شاه بن علی شاه که در سال هجده و سیاد و نود بودم آمد
 شد جو یوسف ازین سرای سنج
 چشم زخم است رحلت آن شاه

194

ماریم وفات سلطان شمس الدین بن محمد شاه که در سال هجده و چهل و پنج بودم آمد
 شاه و الایاه اسما عیش شاه
 ماریم وفات نازک شاه بن محمد شاه که در سال هجده و پنجاه و هشت بودم آمد
 به ستانه بک خنت رفت
 داسه فصل گو تا بخشش
 ماریم وفات شاه یک غازی شمیری که در سال هجده و سیاد و یک بودم آمد
 چونکه غازی یک ترین غازی مقام
 سال مرگ آن شد اسل ستم
 ماریم وفات حسین شاه یک که در سال هجده و سیاد و هفت بودم آمد
 ز دنیا چو شد با نزاران الم
 تاریخ آن اسل جوید چنتا
 ماریم وفات علی شاه برادر حسین شاه که در سال هجده و سیاد و هشت بودم آمد
 چون علی اعلی مراتب بادشاه
 سال تاریخ بطر ز طر قدر
 ماریم وفات یوسف شاه بن علی شاه که در سال هجده و سیاد و نود بودم آمد
 شد جو یوسف ازین سرای سنج
 چشم زخم است رحلت آن شاه

سلطان محمد بن سلطان محمد
 در سن ۱۰۰ سالگی در سن ۱۰۰۰
 در سن ۱۰۰ سالگی در سن ۱۰۰۰
 در سن ۱۰۰ سالگی در سن ۱۰۰۰
 در سن ۱۰۰ سالگی در سن ۱۰۰۰
 در سن ۱۰۰ سالگی در سن ۱۰۰۰
 در سن ۱۰۰ سالگی در سن ۱۰۰۰
 در سن ۱۰۰ سالگی در سن ۱۰۰۰
 در سن ۱۰۰ سالگی در سن ۱۰۰۰
 در سن ۱۰۰ سالگی در سن ۱۰۰۰
 در سن ۱۰۰ سالگی در سن ۱۰۰۰
 در سن ۱۰۰ سالگی در سن ۱۰۰۰

ذکر شایان عثمانی سلطان دوم	
تاریخ وفات امیر سلیمان اول آتای شایان عثمانی که در سال ششصد و شصت و هشتاد و یک	سلیمان چو بر تخت چنان نشست یکی قبله اهل حنت بگو
تاریخ ولادت و وفات سلطان عثمان بن نصر بن سلیمان پادشاه اول از سلطان عثمانی که در لاطش در ششصد و پنجاه و هفت و هشتاد و یک و هشتاد و دو	امیر جهان با سکه فاندان تولید آن شاه دولت ناه ببارسیم تر حیل او دین برست
تاریخ ولادت و وفات سلطان ارمان بن عثمان که در لاطش در سال ششصد و هشتاد و یک و هشتاد و دو و هشتاد و سه	ارمان چو عثمان در دست از ولم آمد میان عثمان عجیب
تاریخ ولادت و وفات سلطان مراد خان بن ارمان عثمانی که در لاطش در سال ششصد و هشتاد و سه و هشتاد و چهار و هشتاد و پنج	شاه عالی شان مراد اهل دین گشت پیدای عارف دین پادشاه رحلت پاکش خرد با صدالم
تاریخ ولادت و وفات سلطان بایزید پسر مراد خان که در سال ششصد و پنجاه و ششصد و هفتاد و یک و ششصد و هفتاد و دو و ششصد و هفتاد و سه	بایزید آن شاه اهل عدل داد رحلتش از دل میان شد جان

سلطان محمد بن سلطان محمد
 در سن ۱۰۰ سالگی در سن ۱۰۰۰

تاریخ ولادت و وفات سلطان محمد که در لاطش در سال
ششصد و هشتاد و یک و هشتاد و دو و هشتاد و سه

تاریخ ولادت و وفات سلطان محمد که در لاطش در سال
ششصد و هشتاد و یک و هشتاد و دو و هشتاد و سه

تاریخ وفات مراد خان ثالث که در سال یک هزار و چهارم و پنجاه و یکم بود	
چون مراد الحق مراد خوش با	رضیت خود در جنت و الا انباء
چشمه فیض است سال وصل او	بار دیگر خان عاقل با مراد
تاریخ وفات محمد خان ثالث عثمانی که در سال یک هزار و سیصد و هفتاد و یکم بود	
چون در نزم محمد رفت حسند	محمد باوقار صاحب عدل
محمد و اگر آمد وصل او نیز	محمد شریار صاحب عدل
تاریخ وفات سلطان احمد اول که در سال یک هزار و سیصد و پنجاه و یکم بود	
رفت چون احمد بزم احمدی	از جهان بر طارست بار
بجای حرکت گو وصل باک او	بار دیگر نور احمد شریار
تاریخ قتل سلطان عثمان ثانی که در سال یک هزار و سیصد و هفتاد و یکم بود	
چو عثمان یافت چون عثمان شهید	بوصل وصل جن گردید وصل
تاریخ شش سنجو ان فیاض عالم	وگر باره قوی دل شاه مقبول
تاریخ وفات مراد خان چهارم عثمانی که در سال یک هزار و سیصد و هفتاد و یکم بود	
چون ز دنیا مراد جنت یافت	بزد دین با سخاوت اهل مراد
سال تاریخ وصل او سرور	است شریار جنت اهل مراد
تاریخ شهادت سلطان ابراهیم عثمانی که در سال یک هزار و سیصد و هفتاد و یکم بود	
چون که زین کلبه طالع عالم	خوش جنت بکشد ابراهیم
سال وصلش شد از دلم پندار	نمود تعاضد شهید ابراهیم
تاریخ ولادت و وفات سلطان سلیمان ثانی که در سال یک هزار و سیصد و هفتاد و یکم بود	
سلیمان جوان جنت و غر و جاه	ببرش برین شد ز فرخش بجز
تاریخ ترخیص آن پادشاه	بگو منزل او است برین
سلیمان اهل بلخ و قیصر روم	
ز دولت خود او تولدش بختیم	

تاریخ سلطنت مراد خان ثالث که در سال یک هزار و چهارم و پنجاه و یکم بود
 تاریخ سلطنت محمد خان ثالث عثمانی که در سال یک هزار و سیصد و هفتاد و یکم بود
 تاریخ سلطنت سلطان احمد اول که در سال یک هزار و سیصد و پنجاه و یکم بود
 تاریخ سلطنت سلطان عثمان ثانی که در سال یک هزار و سیصد و هفتاد و یکم بود
 تاریخ سلطنت مراد خان چهارم عثمانی که در سال یک هزار و سیصد و هفتاد و یکم بود
 تاریخ سلطنت سلطان ابراهیم عثمانی که در سال یک هزار و سیصد و هفتاد و یکم بود
 تاریخ سلطنت سلطان سلیمان ثانی که در سال یک هزار و سیصد و هفتاد و یکم بود
 تاریخ سلطنت سلیمان اهل بلخ و قیصر روم که در سال یک هزار و سیصد و هفتاد و یکم بود
 تاریخ سلطنت زود دولت خود او تولدش بختیم که در سال یک هزار و سیصد و هفتاد و یکم بود

199

تاریخ سلطنت مراد خان
 تاریخ سلطنت محمد خان
 تاریخ سلطنت سلطان احمد
 تاریخ سلطنت سلطان عثمان
 تاریخ سلطنت مراد خان
 تاریخ سلطنت سلطان ابراهیم
 تاریخ سلطنت سلطان سلیمان
 تاریخ سلطنت سلیمان اهل بلخ
 تاریخ سلطنت زود دولت خود او

پوشید روی خود از روی مهر	چو آن را بجز در بر بر عیار
بگو سال ترحیل ممتاز وقت	وگر مرد عاقل کمر بر
تاریخ وفات بریم خان وزیر و امالیق اکبر شاه که در سال نهم و پنجاه و نهم	
خوهرم ز دارقار خت لبت	بلطف خدا شهید بهار السلام
بلو ذوالکرم سال تاریخ اد	بفرما و گر خان آق در مقام
تاریخ وفات ابو الفیض فغنی شاعر عهد اکبر بادشاه که در سال یک هزار و دو و نود و دو	
ابو الفیض آنکه تخلص لغنی است	بلک علم دنیا بود و اسل
ز دل فیاض عام آمد و صالحش	بمایون فیض و هم فیاض عالی
تاریخ وفات نواب میرزا در خان که در سال یک هزار و دو و نود و دو	
ان بجا در خان وزیر اکبری	بود عاقل مرتبت عالی مکان
گشت سال انتقالش از خرد	بند و سیکو بجا در خان جهان
تاریخ وفات شیخ ابو الفضل امیر اکبر شاه که در سال یک هزار و بیازده و پانزده	
حضرت ابو الفضل فضل اسل فضل	فاضل افضل امیر باکمال
صاحب فضل آمد ه تاریخ اد	بار دیگر فاضل اهل جلال
بر ملا فیاض عاقلی ماه گفت	عقل بعد از نقل او تاریخ سال
تاریخ وفات نواب احتشام خان بن قلیبک بن خان بن خواجہ سلیم حنی که در سال یک هزار و	
چو آن احتشام احتشام جهان	ز حق یافت در خلد و الاستقام
تاریخ اد آمد از دل ندا	امین اسل دل صاحب احتشام
تاریخ وفات خانجامان جهانگیر که در سال یک هزار و پنجاه و پنجاه	
جهان خان جان جان و الا	با خردت از دنیا بخت
بگو دی القدر سال رحلتش	و بار بار با ریا سیر عیاست
تاریخ وفات آصف خان ابو الحسن طهرانی برادر نور جهان سلیم که در سال یک هزار و	
بو ابو آصف اسیر با وقار	ما قلیت و عالم هست و ما قلیت
فضل عالم هست تاریخش و گر	جان و الا ابو الحسن آصف دل است
تاریخ وفات نواب وزیر خان مرحوم که در سال یک هزار و پنجاه و چهار و نود و دو	

تاریخ وفات نواب وزیر خان مرحوم که در سال یک هزار و پنجاه و چهار و نود و دو
 تاریخ وفات نواب میرزا در خان که در سال یک هزار و دو و نود و دو
 تاریخ وفات نواب احتشام خان بن قلیبک بن خان بن خواجہ سلیم حنی که در سال یک هزار و
 تاریخ وفات نواب جهانگیر که در سال یک هزار و پنجاه و پنجاه
 تاریخ وفات نواب آصف خان ابو الحسن طهرانی برادر نور جهان سلیم که در سال یک هزار و
 تاریخ وفات نواب وزیر خان مرحوم که در سال یک هزار و پنجاه و چهار و نود و دو

تاریخ وفات نواب وزیر خان مرحوم که در سال یک هزار و پنجاه و چهار و نود و دو
 تاریخ وفات نواب میرزا در خان که در سال یک هزار و دو و نود و دو
 تاریخ وفات نواب احتشام خان بن قلیبک بن خان بن خواجہ سلیم حنی که در سال یک هزار و
 تاریخ وفات نواب جهانگیر که در سال یک هزار و پنجاه و پنجاه
 تاریخ وفات نواب آصف خان ابو الحسن طهرانی برادر نور جهان سلیم که در سال یک هزار و
 تاریخ وفات نواب وزیر خان مرحوم که در سال یک هزار و پنجاه و چهار و نود و دو

در سال ۱۰۰۰ هجری قمری
 در سال ۱۰۰۱ هجری قمری
 در سال ۱۰۰۲ هجری قمری
 در سال ۱۰۰۳ هجری قمری
 در سال ۱۰۰۴ هجری قمری
 در سال ۱۰۰۵ هجری قمری
 در سال ۱۰۰۶ هجری قمری
 در سال ۱۰۰۷ هجری قمری
 در سال ۱۰۰۸ هجری قمری
 در سال ۱۰۰۹ هجری قمری
 در سال ۱۰۱۰ هجری قمری

دوره سیر و دشمن	به بار خست چو شد بار یاب
تعلیه مکمل وزیر مشیر	تبار نیز ترحیل اوشد عیان
چونکه بعد از وصل سعادت خان	یافت ملک تلخ از دربار حق
تیر صاحب عدل سعادت خان	رعلتش شمع مردت کین قسم
در سال یک هزار و شصت و هفتاد	تاریخ وفات نواب علی مردان خان
شاه گوی علی و مرد حق	امیر صاحب شمت شیر صاحب لوت
خرد فرسود تا ریشش که عالی نام خان	سفر چون کرد از دار فنا سوئی
در سال یک هزار و شصت و هشتاد	تاریخ وفات صفی جاہ الوردی خان
رفت از دنیا بجمله جاہ دان	چون الوردی امیر با صفا
طالب مکمل امیر ترکان	گشت سال ارتحالش طوہ گر
در سال یک هزار و شصت و هشتاد	تاریخ وفات امیر نصرت جنگ
که بود حاکم تفتیش جنگ مثل ننگ	امیر قازی میدان جنگ نصرت خان
تا شد از دل سرد امیر نصرت جنگ	چو خورد و ضرب تیغ فزار دست اجل
در سال یک هزار و شصت و هشتاد	تاریخ وفات سید اسلام خان
شد نمان اسلام فضل ایزدی	چون حکم حق ز چشم اصل خلق
هم سخنان اسلام فضل ایزدی	رعلتش گو عارف جنت کریم
در سال یک هزار و شصت و هشتاد	تاریخ وفات امیر خان میر سیران
شد ز دنیا بجمله فضل	میر سیران چو از عطای خدا
هم سخنان سیر عادل ابن حلیل	خواجده صفتی است تا بخشش
در سال یک هزار و شصت و هشتاد	تاریخ وفات میر طویل الله خان
سیر دین واقیف طویل الله خان	داخل جنت چو شد با عز و شان
رعلتش عارف طویل الله خان	میر نعمت قلایه ملک آمد است
در سال یک هزار و شصت و هشتاد	تاریخ وفات شایسته خان ابی طالب
رفت از دنیا بجمله جاہ دان	میر شایسته جو آن شایسته کار

در سال ۱۰۰۰ هجری قمری
 در سال ۱۰۰۱ هجری قمری
 در سال ۱۰۰۲ هجری قمری
 در سال ۱۰۰۳ هجری قمری
 در سال ۱۰۰۴ هجری قمری
 در سال ۱۰۰۵ هجری قمری
 در سال ۱۰۰۶ هجری قمری
 در سال ۱۰۰۷ هجری قمری
 در سال ۱۰۰۸ هجری قمری
 در سال ۱۰۰۹ هجری قمری
 در سال ۱۰۱۰ هجری قمری

در سال ۱۰۱۱ هجری قمری
 در سال ۱۰۱۲ هجری قمری
 در سال ۱۰۱۳ هجری قمری
 در سال ۱۰۱۴ هجری قمری
 در سال ۱۰۱۵ هجری قمری
 در سال ۱۰۱۶ هجری قمری
 در سال ۱۰۱۷ هجری قمری
 در سال ۱۰۱۸ هجری قمری
 در سال ۱۰۱۹ هجری قمری
 در سال ۱۰۲۰ هجری قمری

در سال ۱۰۰۰ هجری قمری
 در سال ۱۰۰۱ هجری قمری
 در سال ۱۰۰۲ هجری قمری
 در سال ۱۰۰۳ هجری قمری
 در سال ۱۰۰۴ هجری قمری
 در سال ۱۰۰۵ هجری قمری
 در سال ۱۰۰۶ هجری قمری
 در سال ۱۰۰۷ هجری قمری
 در سال ۱۰۰۸ هجری قمری
 در سال ۱۰۰۹ هجری قمری
 در سال ۱۰۱۰ هجری قمری

در سال ۱۰۱۱ هجری قمری
 در سال ۱۰۱۲ هجری قمری
 در سال ۱۰۱۳ هجری قمری
 در سال ۱۰۱۴ هجری قمری
 در سال ۱۰۱۵ هجری قمری
 در سال ۱۰۱۶ هجری قمری
 در سال ۱۰۱۷ هجری قمری
 در سال ۱۰۱۸ هجری قمری
 در سال ۱۰۱۹ هجری قمری
 در سال ۱۰۲۰ هجری قمری

سال تاریخش در سناسولی بگو	زنده دل شایسته پادشاهت ایچون
تاریخ وفات امیر عالمگیری محرم خان که در سال یک هزار و یکصد و هفتاد و هفت بود	از جهان یافت در پشت مکان
چونکه محرم تقویم فصل ربانی	کن رقم نیک نام محرم خان
سال تاریخش در حلقه سرور	تاریخ وفات خیر اندیش خان که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و یک بود
خیر اهل خیر خیر اندیش خان	یافت از دنیا چو باقی اتصال
ارتخاش طرفه و ظل محبت است	خیر دین مرد است هم تاریخش
تاریخ وفات دهنده خان شهر بر نیت خان که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و یک بود	چو بار یک بن نکته دان میر نیت
ز دنیا می رود و نشد بخلد معنی	رقم گشت میر جهان میر نیت
تاریخ وفات اعتقاد خان وزیر جهاندار شاه که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و یک بود	شد چو از دنیا بخت رو نهاد
اعتقاد از اعتقاد پاک خویش	یر والا امیر اعتقاد
سال تاریخش چو بخت شد عیان	مهم سخی محنت آید یاد
باز تاریخش قلیل بختی است	تاریخ وفات سید خان وزیر عالمگیری که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و یک بود
رفت زین ویرانه فانی بخلد	چونکه آن والا سید خان شریف
مقتدا اشرف گو تاریخ او	بار دیگر شیر زان شیر دل
تاریخ وفات حسین علیخان شهید که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و یک بود	رفت از دار فنا مانیک خو
چون حسین آن چهره در زمان	تغیم اکبر هم شهید جو برو
گشت تاریخ وصال او عیان	تاریخ وفات نواب محمد امین خان نقشبندی که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و یک بود
چون محمد امین امین الله	شد ز دیای دوزن سخله مقیم
سال تاریخش در حلقه سرور	گو محمد امین سخی که هم
تاریخ وفات حمایت الله خان بهادر وزیر عالمگیری که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و یک بود	شد بخت چو از جهان جاگیر
میر عالم عیانت الله خان	

از سال تاریخش در سناسولی بگو
 تاریخ وفات امیر عالمگیری محرم خان که در سال یک هزار و یکصد و هفتاد و هفت بود
 چونکه محرم تقویم فصل ربانی
 سال تاریخش در حلقه سرور
 تاریخ وفات خیر اندیش خان که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و یک بود
 خیر اهل خیر خیر اندیش خان
 ارتخاش طرفه و ظل محبت است
 تاریخ وفات دهنده خان شهر بر نیت خان که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و یک بود
 ز دنیا می رود و نشد بخلد معنی
 تاریخ وفات اعتقاد خان وزیر جهاندار شاه که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و یک بود
 اعتقاد از اعتقاد پاک خویش
 سال تاریخش چو بخت شد عیان
 باز تاریخش قلیل بختی است
 تاریخ وفات سید خان وزیر عالمگیری که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و یک بود
 رفت زین ویرانه فانی بخلد
 مقتدا اشرف گو تاریخ او
 تاریخ وفات حسین علیخان شهید که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و یک بود
 چون حسین آن چهره در زمان
 گشت تاریخ وصال او عیان
 تاریخ وفات نواب محمد امین خان نقشبندی که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و یک بود
 چون محمد امین امین الله
 سال تاریخش در حلقه سرور
 تاریخ وفات حمایت الله خان بهادر وزیر عالمگیری که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و یک بود
 شد بخت چو از جهان جاگیر
 میر عالم عیانت الله خان

۵۰
 تاریخش

سان تو میل آن ذوالاکرام	هست صابر وزیر با ۱۱۳۵
باز نارسیم رطشش ز ما	شمس عالم وزیر عالمگیر ۱۱۳۶
تاریخ وفات نواسید قطب الملک ده سال کهنه او یکصد و شصت و نهم	
چو قطب الملک عبدالقدیر محمد	سجنت شد ز دنیا اتصا شس ۱۱۳۶
غلام الله و فضل المومنین خوان	محمد ذمی القدر سال وصالش ۱۱۳۶
تاریخ وفات مقتدر الدوله اسحاق خان که در سال کهنه او یکصد و پنجاه و نهم	
چون حکم خالق اسهل جهان	شد ز دنیا در جهان اسحاق سلطان ۱۱۳۶
از نظر نارسیم تر صیایش بجو	هم نخوان رکن جهان اسحاق خان ۱۱۳۶
تاریخ وفات صمصام الدوله محمد عاصم خان در آن که در سال کهنه او یکصد و پنجاه	
چون ز دنیا رفت عاصم دهر	عقل تاریخ او که شایان است ۱۱۵۱
گفت مشتاق بر حق است اول	باز ولد ارخان دوران است ۱۱۵۱
تاریخ وفات امیر محمد امین النخاطب برهان الملک سادات خان که در سال کهنه او	
جواز دهر شد سوی جنت روان	محمد امین میر و روشن شمیر ۱۱۵۱
تاریخ تر حیل او طسره تر	سجوان با سعادت امین شیر ۱۱۵۱
تاریخ وفات ذوالفقار الملک نجف خان صفوی دیگر کهنه او یکصد و پنجاه و شش و نهم	
ذوالفقار آن صاحب سیف و قلم	یافت چون از حق بد ار غلد بار ۱۱۵۱
مصر افضل که وصالش طرفه تر	باز جوبالش زوالا ذوالفقار ۱۱۵۱
تاریخ وفات نایب قمر الدین خان میر محمد شاهی که در سال کهنه او یکصد و شصت و	
شد ز دنیا چو در بهشت برین	قمر الدین وزیر نیک اختر ۱۱۶۱
میر افضل گو تار بخشش	نیز بحر کمال رشک قمر ۱۱۶۱
تاریخ وفات نیر خان امیر محمد شاهی ده سال کهنه او یکصد و شصت و نهم	
روشن کرد و از نظر خان با طفسد	شد چو از دنیا سجنت بار باب ۱۱۶۱
دل بسال ار ستالش طرفه تر	گفت روشن عامی دین آقا باب ۱۱۶۱
تاریخ وفات اسد بارخان التخلص بانساج ده سال کهنه او یکصد و شصت و دو	
چون سفر و زید از دنیا است	رفت مثل شیر در غلد برین ۱۱۶۱

در این کتاب در بیان
 تاریخ و وفات
 شاهان و سلاطین
 و امیران و بزرگان
 و مشاهیر و عظام
 و اولاد و فرزندان
 و در بیان احوال
 و عیال و خاندان
 و در بیان احوال
 و عیال و خاندان
 و در بیان احوال
 و عیال و خاندان

در این کتاب در بیان
 تاریخ و وفات
 شاهان و سلاطین
 و امیران و بزرگان
 و مشاهیر و عظام
 و اولاد و فرزندان
 و در بیان احوال
 و عیال و خاندان
 و در بیان احوال
 و عیال و خاندان
 و در بیان احوال
 و عیال و خاندان

در این کتاب در بیان
 تاریخ و وفات
 شاهان و سلاطین
 و امیران و بزرگان
 و مشاهیر و عظام
 و اولاد و فرزندان
 و در بیان احوال
 و عیال و خاندان
 و در بیان احوال
 و عیال و خاندان
 و در بیان احوال
 و عیال و خاندان

ارشدش شیردل شیر حق است ۱۱۹۲	بار دیگر جو زخمی را که من ۱۱۹۲
تاریخ وفات اصفا خان نظام الملک محمد الدین صوبه دار که در شهر لاهور بود ۱۱۹۲	شد ز دنیا جو در بهشت برین ۱۱۹۲
سال تاریخ رحلتش سه و ۱۱۹۲	است اهل جمال ناظم دین ۱۱۹۲
تاریخ وفات ابونصیر صفدر ملک صوبه دار که در شهر لاهور بود ۱۱۹۲	گشت روشن بخت بر نوز ۱۱۹۲
میر منصور چون بعد نصرت ۱۱۹۲	گفت عادل سخی ابو منصور ۱۱۹۲
تاریخ وفات میر حسین الملک المشهور میر صوبه دار لاهور که در شهر لاهور بود ۱۱۹۲	چون شد از جهان در بهشت برین ۱۱۹۲
شد از دل تبار سخی رحیل او ۱۱۹۲	چنان بنده حاس میر حسین ۱۱۹۲
تاریخ وفات نواب کیمباری خان مرحوم که در شهر لاهور بود ۱۱۹۲	شد بخت برین جو از عالم ۱۱۹۲
سید دین حق کیمباری خان ۱۱۹۲	کرده ام زینت بهشت برین ۱۱۹۲
ارشدش سران قفسل آمد ۱۱۹۲	سید صنی است ای صمد ۱۱۹۲
تاریخ وفات شجاع اللده که در شهر لاهور بود ۱۱۹۲	بفضل حق ز دنیا شد بخت ۱۱۹۲
شجاع شیردل مرد اندوهر ۱۱۹۲	ایمن آمد مرد با شجاعت ۱۱۹۲
تاریخ وفات حافظ جمال الدین المشهور حافظ لاهور که در شهر لاهور بود ۱۱۹۲	شد جو از دنیا ای چون باغبان ۱۱۹۲
حافظ قران جمال اهل دین ۱۱۹۲	بار دیگر حافظ عالم نیا ۱۱۹۲
تاریخ وفات نواب اصفا الدوله محمد سخی که در شهر لاهور بود ۱۱۹۲	شد جو و اصل بقر برین ۱۱۹۲
اصفا ثانی و سلیمان جاہ ۱۱۹۲	با صفا شاه اصفا ناسی ۱۱۹۲
ارشدش تاریخ رحلتش سه و ۱۱۹۲	
تاریخ تقریر حکومت رحمت سنگه در لاهور که در شهر لاهور بود ۱۱۹۲	شد ملک بجا با عز و نسر ۱۱۹۲
چون و چون سخی رحمت سنگه ۱۱۹۲	

تاریخ وفات اصفا خان نظام الملک محمد الدین صوبه دار که در شهر لاهور بود
تاریخ وفات ابونصیر صفدر ملک صوبه دار که در شهر لاهور بود
تاریخ وفات میر حسین الملک المشهور میر صوبه دار لاهور که در شهر لاهور بود
تاریخ وفات نواب کیمباری خان مرحوم که در شهر لاهور بود
تاریخ وفات شجاع اللده که در شهر لاهور بود
تاریخ وفات حافظ جمال الدین المشهور حافظ لاهور که در شهر لاهور بود
تاریخ وفات نواب اصفا الدوله محمد سخی که در شهر لاهور بود

ارشدش تاریخ رحلتش سه و
تاریخ تقریر حکومت رحمت سنگه در لاهور که در شهر لاهور بود
چون و چون سخی رحمت سنگه
تاریخ وفات اصفا خان نظام الملک محمد الدین صوبه دار که در شهر لاهور بود
تاریخ وفات ابونصیر صفدر ملک صوبه دار که در شهر لاهور بود
تاریخ وفات میر حسین الملک المشهور میر صوبه دار لاهور که در شهر لاهور بود
تاریخ وفات نواب کیمباری خان مرحوم که در شهر لاهور بود
تاریخ وفات شجاع اللده که در شهر لاهور بود
تاریخ وفات حافظ جمال الدین المشهور حافظ لاهور که در شهر لاهور بود
تاریخ وفات نواب اصفا الدوله محمد سخی که در شهر لاهور بود

تاریخ وفات اصفا خان نظام الملک محمد الدین صوبه دار که در شهر لاهور بود
تاریخ وفات ابونصیر صفدر ملک صوبه دار که در شهر لاهور بود
تاریخ وفات میر حسین الملک المشهور میر صوبه دار لاهور که در شهر لاهور بود
تاریخ وفات نواب کیمباری خان مرحوم که در شهر لاهور بود
تاریخ وفات شجاع اللده که در شهر لاهور بود
تاریخ وفات حافظ جمال الدین المشهور حافظ لاهور که در شهر لاهور بود
تاریخ وفات نواب اصفا الدوله محمد سخی که در شهر لاهور بود

چو بر شهر لاہور شد و خلیاب	گجو سال اجلاس اہل علم
تاریخ ولادت و وفات حافظ نور محمد لاہوری کہ ولادتش در سال کبیرا	و یکصد و شصت و شش و وفات در یک ہزار و دویسہ و بیس و پنج ہجرت ہجرت
حضرت نور محمد نور دین	ششم عالم سیدہ سیکو شہت
سال تولدش رقم شد ششم نور	رحلت او نور ارکان بہشت
تاریخ ولادت و وفات مولوی حافظ روح اللہ لاہوری کہ ولادتش در سال کبیرا	و یکصد و شصت و یک و وفات در سہ ہزار و دویسہ و چل و چار ہجرت ہجرت
حسین علم و روح دنیا جان بن اہل باج	ششم حق آگاہ رفیع القدر روح جنتی
ششم اکرم سال تولدش رقم شد چلتر	وان فغانی اللہ روح اللہ روح جنتی
تاریخ وفات رنجیت سنگہ والی پنجاب کہ در سال کبیرا	و دویسہ و پنجاہ و شش ہجرت ہجرت
چو از چشم خلق جهان کرد و رود	نہان شمس پنجاب رنجیت سنگہ
تبار ششم ترحیل او طردہ تر	بخوان شمس پنجاب رنجیت سنگہ
قطبہ نامے	
شاہ رنجیت ساکم پنجاب	مثل او در زمانہ نایاب بہت
سال وصلش چو از خرد خستہ تر	گفت خورشید حملہ پنجاب بہت
تاریخ وفات کٹرک سنگہ بن رنجیت سنگہ کہ در سال کبیرا	و دویسہ و پنجاہ و شش ہجرت ہجرت
ز دنیا چو شہزادہ کٹرک سنگہ	روان گشت باغ و ماہ و وقار
تبار ششم ترحیلش ای چو جس حال	گوشاہ و الاف در تاجدار
تاریخ وفات نوجوان سنگہ بن کٹرک سنگہ کہ در سال ششم ابو قوم آمد	
چو کہ آن نوجوان گلشن دھر	رفت بی سوز ماہ و دور زمان
از سر آہ گفتش تا ریشخ	باید رفت جیت از دوران
تاریخ قتل شیر سنگہ بن رنجیت سنگہ کہ در سال کبیرا	و دویسہ و شصت ہجرت ہجرت
راہ شیر سنگہ رفت از دہر	چونکہ از نعمت جهان شد سیر
سال تاریخ رحلت آن شاہ	کن رقم شاہ عدل شیر دلیر

تاریخ ولادت و وفات حافظ نور محمد لاہوری کہ ولادتش در سال کبیرا و یکصد و شصت و شش و وفات در یک ہزار و دویسہ و بیس و پنج ہجرت ہجرت

تاریخ ولادت و وفات مولوی حافظ روح اللہ لاہوری کہ ولادتش در سال کبیرا و یکصد و شصت و یک و وفات در سہ ہزار و دویسہ و چل و چار ہجرت ہجرت

تاریخ وفات کٹرک سنگہ بن رنجیت سنگہ کہ در سال کبیرا و دویسہ و پنجاہ و شش ہجرت ہجرت

تاریخ قتل شیر سنگہ بن رنجیت سنگہ کہ در سال کبیرا و دویسہ و شصت ہجرت ہجرت

قطعه نهم	
چون سفر در زید از دار فنا بهر تاریخ وصالش طرفه تر	شاه والا باه با قتل شیرنگ گفت سرور شیرنگ اول شیرنگ ۱۳۴۰
قطعه نهم	
چون زد دست معاندان قتل سال تاریخ رحلتش سرور	شیرنگه آن امیر با تو شیر گفت شیر دل سپید بد و شیر ۱۳۴۰
باریم قتل آبه در میان سنگه وزیر که در یکزار و دو صد و شصت و یک تو قومه آبه	
چون قتل زد دست دشمن خویش تاریخ وصال او ر تم شده	شد صاف وزیر امیر شیر سیاف وزیر امیر شیر
قطعه نهم	
گشت افسوس چون با حق قتل دل سرور سال رحلت او	در میان سنگه آن وزیر با تدبیر گفت کامل شیر با تدبیر ۱۳۴۰
باریم قتل مهر گیشا که در سال یکزار و دو صد و شصت و یک تو قومه آبه	
بها عالی نهو حکم به بخانداری باقی صفا گیشا بهر تاریخ قتل او سنگه بهت جوش کی تو آبه	توبه قتل او کوئی برین من کبیا سو او گیشا بهر دل سو آبی زندگیشا برین من سو گیشا ۱۳۴۰
باریم وفات سردار حجت سنگه که در سال یکزار و دو صد و شصت و یک تو قومه آبه	
حجت سنگه آن قاتل شیر دلیر که گشت دل ز سال قتل من او قاتل سر جرم که	ضریب تیم اجل سو حکم گونا گل یون کبا قتل اجل قاتل هو گیا ۱۳۴۰
باریم وفات نصیر غزیز الدین مرحوم که در سال یکزار و دو صد و شصت و یک تو قومه آبه	
شد غزیز الدین چو با غرت بخلد بر تو افکن شد ز دل جو رشید علم	بهر سال آن غسزیز مونسین از خرد شد علم و گرشور روین ۱۳۴۰
باریم قتل آبه بهر سنگه که در سال یکزار و دو صد و شصت و یک تو قومه آبه	
بهت جو رسکبان جهانیش سال قتل یون سرور نی ز دورو	جوان مارا سے سر آبی افنور کما تو تاس سے سر آبی افنور ۱۳۴۰
باریم قتل آبه سو حجت سنگه که در سال یکزار و دو صد و شصت و یک تو قومه آبه	

نیز در باره لا محوره در تاریخ
شیرنگه از دست حجت سنگه و در باره
نیز در باره قتل شیرنگه
نیز در باره قتل شیرنگه
نیز در باره قتل شیرنگه

نیز در باره قتل شیرنگه
نیز در باره قتل شیرنگه
نیز در باره قتل شیرنگه
نیز در باره قتل شیرنگه
نیز در باره قتل شیرنگه

۹
چون

دہ ہمدرد سوجیت سنگھ انیسویں	اس کے بالائی کسیت قتل ہوا
بہتر تاریخ بولاسر در اسے	بے بہادر سوجیت قتل ہوا
تاریخ قتل سردار جو اہر سنگھ کہ در سال یکزار و دویسہ و شصت دو و توتم	
پا پاخو دہر جیکہ سکو کو جو اہر سنگھ فی	فرج میں ہو چکا کمر انیا کمر توڑ کر
مار جب الا گیا آخر تو سردار ہر سال	بولاسر میں فرج فی والا جو اہر توڑ کر
تاریخ وفات میان کچھ بخش صحافت لاہوری کہ در سال یکزار و دویسہ	
صحافت دوسرہ تو رقم آمد	
محمد بخش از فضل آسے	چو در بزم محمد یافتہ مار
نزول نامہ سیم سال ارتحالش	ندا آمد محمد بخش و نندار
تاریخ حاضر می شیر سنگھ و شیر سنگھ سفیدان کہ در سال یکزار و دویسہ و شصت دو و توتم	
جب اگر شیر سنگھ اور شیر سنگھ	وہ دو نو گنگار حاضر ہوئی
و میں سو پنج سرور نے تاریخ	بہر لکھی کہ لاچار حاضر ہوئے
مار سیم جلا وطنی ہمارا اجداد و لیب سنگھ کہ در سال یکزار و دویسہ و شصت دو و توتم	
چون شد پنجاب از پنجاب رفت	چشمہ سالی چشم مرد م آفت
عالمی در چشم مرد م شہ سیاہ	چون ز چشم آن غیرت متناہت
جلد گل در ہجر او خوردند گل	بلکہ از زنگس خار خواب رفت
بلبلان در فرقتش نعرہ زدند	چون زستان صحبت اجاب رفت
گفت سرور از سرور در این سخن	نوشکے از گلشن پنجاب رفت
قطرہ نالے	
در تاریخ ملاد وطنی مصداق اجداد و لیب سنگھ مطاب بن سمنٹ ۱۹	
چون لارڈ گورنر دیمت خوش	در ملک و لیب سنگھ تاوان برڈ
با حیف و جاہ سردار آدم نہاید	از دست یمیم تا تو ان مان برڈ
قطرہ نالے	
جب تصرف ال انگلش فی تمام	کر لیا پنجاب میں بے خوف یمیم
سال تاریخ اوسکا بولاد دل کہ نامی	لوٹ گیا ناحق میں بھوجیم یمیم

بہتر تاریخ بولاسر در اسے
تاریخ قتل سردار جو اہر سنگھ کہ در سال یکزار و دویسہ و شصت دو و توتم
پا پاخو دہر جیکہ سکو کو جو اہر سنگھ فی
مار جب الا گیا آخر تو سردار ہر سال
تاریخ وفات میان کچھ بخش صحافت لاہوری کہ در سال یکزار و دویسہ
صحافت دوسرہ تو رقم آمد

دولت مند می محبت الفقرا و اصلاح و العلماء
و محبت خدیو و وہ محبت کا ہی بود و باو
علا از سرور انش و محبت آقا ناس است
دو ستر و سخن خوش و آقا ناس است
و نعل صاحبان انگریز و لارڈ گورنر و لارڈ
و نیر از سرور سوسویش بر در شہ و جلا وطنی
چول کجالت ناماری کاغذ شہ نہ و جلا وطنی
گشتند از وقت بعد انفصال شہ و جلا وطنی
سلبان کل ملک پنجاب در احوال
سرا از سرور می در احوال
بہتر تاریخ بولاسر در اسے
تاریخ قتل سردار جو اہر سنگھ کہ در سال یکزار و دویسہ و شصت دو و توتم
پا پاخو دہر جیکہ سکو کو جو اہر سنگھ فی
مار جب الا گیا آخر تو سردار ہر سال
تاریخ وفات میان کچھ بخش صحافت لاہوری کہ در سال یکزار و دویسہ
صحافت دوسرہ تو رقم آمد

۱۲۹۹

تاریخ وفات خیر نور الدین مرحوم که در سال کهنار دوهصد و شصت و شصت بود	
چون جناب نور دین نور یقین	بر تو افکن گشت بر اوج بهشت
هم سخن آن نور اگر است نور دین	شد چراغ دین با لاش جلوه گر
تاریخ وفات راه دنیا نامه که در سال کهنار دوهصد و شصت و شصت بود	
شد چو از دنیا می خانی شاد کام	راه و دیوان که دنیا نامه بود
گفت دل اهل سخاوت سبک است	سال تاریخ وفاتش طرفه تر
تاریخ وفات چهار جبهه گلاسنگه والی کشمیر که در سال کهنار دوهصد و شصت و شصت بود	
شده کوه و بیابان صاحب تاج	گلستان شیر دل والی کشمیر
ایمن دهر دشمن کش چهار ج	چو رفت از دهر تار نخش عیان شد
تاریخ وفات شیخ امام الدین مرحوم که در سال کهنار دوهصد و شصت و شصت بود	
شد امام روضه حلسه برین	چون امام دین بعضی از روی
حامی شرح امام دین متین	هست تاریخ وصالش طرفه تر
تاریخ وفات راه نیم سنگه که در سال کهنار دوهصد و شصت و شصت بود	
چو برداشت زینجا قدم سنج سنگه	نهان شد ز روی نظر مثل ماه
زینست صاحب کرم سنج سنگه	بیا تاریخ ترحیل او گفت دل
تاریخ وفات نواب علی صافان مرحوم که در سال کهنار دوهصد و شصت و شصت بود	
فدوی حیدری فساد ای علی	حامی دین سعه رضا نواب
یافت جای تقرب جای سعه	رفت چون زمین جهان به ارتقا
اهل دین سبده رضای علی	گفت سرور سال تاریخش
قطعه ناسی	
حق به دگار او سینه حامی	حامی دین سعه رضا نواب
گفت بر صفا سعه علی ماسی	سرور زار سال ترحیلش
تاریخ وفات دیوان امر نامه اکبری که در سال کهنار دوهصد و شصت و شصت بود	
آه دیوان اکابر امر نامه	شد چو در دیوان که ملک بقا
بار دیگر ماسی شاعر امر نامه	رحلت او فاضل علم اکبری است

تاریخ وفات خیر نور الدین مرحوم که در سال کهنار دوهصد و شصت و شصت بود
 تاریخ وفات راه دنیا نامه که در سال کهنار دوهصد و شصت و شصت بود
 تاریخ وفات چهار جبهه گلاسنگه والی کشمیر که در سال کهنار دوهصد و شصت و شصت بود
 تاریخ وفات شیخ امام الدین مرحوم که در سال کهنار دوهصد و شصت و شصت بود
 تاریخ وفات راه نیم سنگه که در سال کهنار دوهصد و شصت و شصت بود
 تاریخ وفات نواب علی صافان مرحوم که در سال کهنار دوهصد و شصت و شصت بود
 تاریخ وفات دیوان امر نامه اکبری که در سال کهنار دوهصد و شصت و شصت بود

خطاب به صاحب این کتاب است که در این کتاب تاریخ وفات بزرگان و مشاهیر را درج کرده است و امید است که این کتاب برای شما مفید باشد و در راه سعادت و نجات شما مؤثر گردد.

تاریخ وفات خیر نور الدین مرحوم که در سال کهنار دوهصد و شصت و شصت بود
 تاریخ وفات راه دنیا نامه که در سال کهنار دوهصد و شصت و شصت بود
 تاریخ وفات چهار جبهه گلاسنگه والی کشمیر که در سال کهنار دوهصد و شصت و شصت بود
 تاریخ وفات شیخ امام الدین مرحوم که در سال کهنار دوهصد و شصت و شصت بود
 تاریخ وفات راه نیم سنگه که در سال کهنار دوهصد و شصت و شصت بود
 تاریخ وفات نواب علی صافان مرحوم که در سال کهنار دوهصد و شصت و شصت بود
 تاریخ وفات دیوان امر نامه اکبری که در سال کهنار دوهصد و شصت و شصت بود

تاریخ وفات سیاه غلام علی آرزو که در سال یک هزار و دو صد و نود و دو مقرر آمد		
غلام علی چون بعد آرزو	قد اگر زبان زانجام علی	
تاریخ وفات میرین کهنوی که در سال یک هزار و دو صد و یک مقرر آمد		والم گفت و احد غلام علی
گشت زوینا چو بصر روان	میر جهان عاشق نام حسین	
سال وصالش چو بخت نزل	گفت مگر بود غلام حسن	
تاریخ وفات خواجہ میر درد و پوی که در سال یک هزار و دو صد و نود و دو مقرر آمد		
خواجہ باقر و میر اهل دین	شد چو از دنیا بخت سبب نیا	
گفت تاریخ وصال او خرد	عاشق در صحبت بی نیاز	
تاریخ وفات رفیع السود الکهنوی که در سال یک هزار و دو صد و نوزده مقرر آمد		
انکه سودا رفیع نانش بود	مثل او در زمانه نایاب است	
رفت چون از جهان تبار بخش	گفت سرو چو سیر اعجاب است	
تاریخ وفات نظیر الکرابادی که در سال یک هزار و دو صد و نوزده مقرر آمد		
شاعر بی نظیر و سیر نظیر	بخت چون از جهان بخت راه	
دانی بی نظیر کوسالش	هم بخوان فی نظیر و الا جاہ	
تاریخ وفات حکیم انشاء الله خان که در سال یک هزار و دو صد و سی و یک مقرر آمد		
حضرت انشاء چو با حکم خدا	یافت از دنیا بخت اتصال	
از خرد آمد عیان تاریخ او	عزت شعرائی مہندی با کمال	
تاریخ وفات سیر تقی شاعر که در سال یک هزار و دو صد و سی و دو مقرر آمد		
چونکہ سیر تقی بعد اعزاز	کرد خلعت زواری زخم	
عقل تاریخ او سماج او	گفت میر بزرگ اہل سخن	
تاریخ وفات سیر احمدین قہیل کہ در سال یک هزار و دو صد و سی و سه مقرر آمد		
از قاسمی لغارت ملت نمود	چون قہیل آن پر وکتای من	
گشت سال انتقالش علوہ کر	صاحب دل کہ وقت اہل سخن	
تاریخ وفات سیر آتش مہندی کہ در سال یک هزار و دو صد و سی و چہاہ و صد و نود و دو مقرر آمد		

تاریخ وفات سیر احمدین قہیل کہ در سال یک هزار و دو صد و سی و سه مقرر آمد
 از قاسمی لغارت ملت نمود
 گشت سال انتقالش علوہ کر
 صاحب دل کہ وقت اہل سخن

تاریخ وفات سیر آتش مہندی کہ در سال یک هزار و دو صد و سی و چہاہ و صد و نود و دو مقرر آمد
 از قاسمی لغارت ملت نمود
 گشت سال انتقالش علوہ کر
 صاحب دل کہ وقت اہل سخن

<p>چنین با کینه گوهر گشته افوس چو از سر گشت افسر گشته افوس چو شد آن ماه سکر گشته افوس چنان بی تیغ و خنجر گشته افوس دگر کسین شد مگر تر گشته افوس گردد تا حق گوهر گشته افوس</p>	<p>فرین بجز غم شد خلق چون گشت همه بے سر سران دهر ماندند بچرخ آمد ز داغ غم دل جریخ شد از زخم غم آن جان عالم دل بلبلی از داغ بحر گل خورد فغان ز کسر و راز آن سر آه</p>
<p>تاریخ وفات مهاراجه هند سنگه بهادر والی پشاور که در سن ۱۲۰۳ هجری بموت نمود آن</p>	
<p>دعا در جنگ مرد پهلوان مرد که رستم دل مهاراجه جوان مرد</p>	<p>هند سنگه کرد از در جنت سبال رحمتش سسر و زند اگر د</p>
<p>اینجا مطالب مشتمل است</p>	
<p>از ملک جهان والی پشاور دان دل گفت مهاراجه فیاض جوان</p>	<p>افسوس که در سوخ ایام جوان تاریخ جوان مرگه آن والی کلیم</p>
<p>تاریخ وفات رئیس نامدار دیوان کرپارام صاحب وزیر سکار مهاراجه چون کیم</p>	
<p>یعنی کرپارام دیوان صاحب نام غنی صاحب تدبیر عالم گیر و عالی خاندان اهل علم و اهل فضل و افسر دانشوران خدم پیش آستانش گردن گردن کشان بچو مردم شد نهان از چشم مردم ناگهان و دیده با چون ابر گوهر بار شد گوهر کشان تالار وزاری و آه و شور و فریاد و وفغان وزرمانه نیک و بد پیر و جوان مرد و کلان گفت کرپارام دیوان و غنای آن از زمان ۱۲۰۴ هجری</p>	<p>تاریخ دیوان عالم و قدر دیوان آن امیر این امیر و آن وزیر این وزیر صاحب دولت جوان طالع علو المثلت و اطاعت خاک بپوش سروران زمین و خدمت پوش از عالم رخ بر نور خورشید مثل دریا اول بجوش تا نشاید بجوش چار سوخته گمانه خود گرم و در حجاب کرد سینه چاک انداز پریشانی جز یافت آباد سرور خنکین بصد حسرت بی تاریخ سال</p>
<p>تاریخ وفات محمد سلطان خان رئیس اعظم لاهور</p>	
<p>رفت از ملک جهان آخر با کلیم جهان</p>	<p>آه صد افسوس کان سلطان الانزلت</p>

من
مهاراجه هند سنگه بهادر والی پشاور که در سن ۱۲۰۳ هجری بموت نمود آن
و قدر دیوان اهل پشاور و کلیم دولت
جوانی در گذشت ۱۲۰۳

۳۱

چشمه فیض از زمین مسدود شد و احسرتا گشت پنهان صورت کجینده چشمش در زمین در عیش پیرو جوان یک خسر به پاستان هست باقی نوک خیش در گروه اهل خیر بهر سال طیش سرور ز ملک اشکبار	آه شب بے آب از پنجاب بریای روان جان پاکش کرد پرواز از مکان بر لکان نوحه با کردند اندر آتش خرد و کلان تا زمانه پیش نه کجور نام آوردن شد عیان پیش محمد رفت سلطان جهان
--	---

ایضا

چو سلطان اقلیم و انشوری رقم کرد سرور بتاریخ سال	بسیک و صفائی بفرود من رفت که سلطان عالی بفرود پس رفت
--	---

تاریخ تشریف داری شهرزاد و ولید پسرش آن ولید پسر در اقلیم منتهای
که در سال یک هزار و شصت و هفتاد و شش با قوم آمد

چو در بند آن ولی عهد شد کشور گشا عیان بر اوج نیکو اختر می نشانی چنان بر آن زندان با دامن هوا عجب از خطه انگلند شد سحر عطار اسیر می تا جبار می شه پوری سخت بدکار شاه عالم بنیامی کج کلاسه عورت گشا ز رفت از فیض آن سر خنده جو و کرم گشا بگوش هر که رفت از مقدم ارجاه آما نارود در جهان این گنم بخش فیض بزوا گذر اندر مکان خویش کرد از چنگ گشا پس اهل غم سر تا باشد تقدیرش حیرت نذا آمد ز مکتف بصر سال تقدیرش سر	بگوش مردم از هر سو صدای مریجا برون از مطلع غر و شرف بجای مدعی که در یکیت قدم بر باد پای با دما عجب از سر زمین لندن این بر چنگ آمد جوانی سلوانی مهربانی مه لقا آمد بجه اند که در لاهور از فضل خدا آمد که در دربار در بارش گدای میا آمد ز سر پا کرد و در خدمت بصدق و مفا که از گنجینه اش صد گنم گوهر رفت با آمد کین غایب اقبال رو دولت سرا آمد ز دیدار شفا بخش به لاف شفا آمد زندان با جبار دولت و کشور با آمد
---	---

تاریخ اخذ خطای هندستان حضرت ملک مظفر و کشور با که در ۱۸۶۶ یافت باج اقدار و افتخار اقلیم مند از دل سرور بی تاریخ سال این بود	چون شد انگلند شاه منشا عالی شاه شدند او کشور به دور بند شاه منشا
---	---

فلسفه زاده عالم و مالک پرنس آن و نیز
بیاوردی بحدیقت انسان است

۱۹
درین سال ایسکه بر است

کلیه اسفند که این کشور با شاه
و مکتف درین سال اطلاق خطاب شد شاه
هندستان بر خود کرد ۱۸۶۶

تاریخ ہندوستان کے شاہی مورخین کی طرف سے لکھی گئی ہے۔

خاصیت الطبع

ہندوستان کے گورنر جنرل لارڈ رولین جین نے اس کتاب کو لکھوانے کا حکم دیا ہے۔
 یہ کتاب ہندوستان کی تاریخ کے متعلق ایک جامع اور مفصل کتاب ہے۔
 اس میں ہندوستان کی تاریخ کے مختلف دوروں کی تفصیلات دی گئی ہیں۔
 اس میں ہندوستان کی تاریخ کے مختلف دوروں کی تفصیلات دی گئی ہیں۔
 اس میں ہندوستان کی تاریخ کے مختلف دوروں کی تفصیلات دی گئی ہیں۔

اس کتاب کی تاریخ
 اس کتاب کی تاریخ
 اس کتاب کی تاریخ

۲۲ تاریخ

اس کتاب کی تاریخ
 اس کتاب کی تاریخ
 اس کتاب کی تاریخ

اس کتاب کی تاریخ
 اس کتاب کی تاریخ
 اس کتاب کی تاریخ

اس کتاب کی تاریخ
 اس کتاب کی تاریخ
 اس کتاب کی تاریخ

اس کتاب کی تاریخ
 اس کتاب کی تاریخ
 اس کتاب کی تاریخ

اس کتاب کی تاریخ
 اس کتاب کی تاریخ
 اس کتاب کی تاریخ



